

۱۰۳

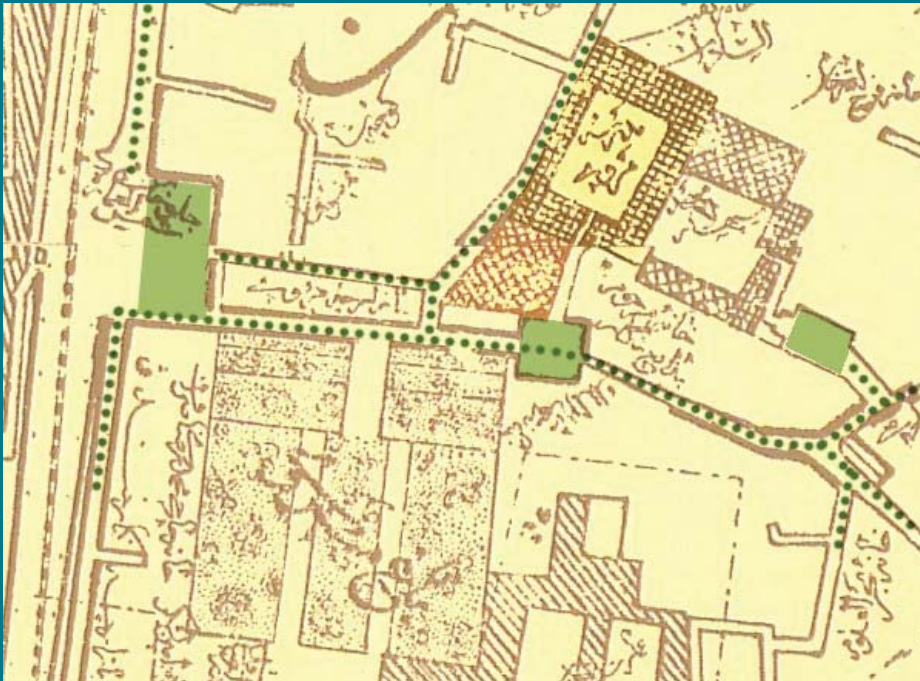
فصلنامه علمی معماری و شهرسازی

دانشکده معماری و شهرسازی،

دانشگاه شهید بهشتی

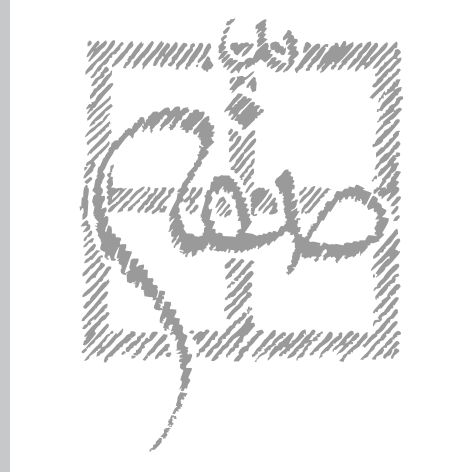
سال سی و سوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

شاپا: 1683-870X



■ نسبت معماری و رتوریک؛ بازاندیشی در ریشه‌های مشترک ■ ضحی ندیمی، کاظم مندگاری، زهره تفضلی ■ تحلیلی بر فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی: نمونه مورد مطالعه، فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم ■ سیده مهسا باقری، محمود ارژمند، سید بهشید حسینی ■ ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود، توسعه یک روش مقرراتی ■ سعید بختیاری، رامتین خلیلی، محمدامین حسین پور ■ سنجش تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشریف به حرم‌های زیارتی مورد پژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه (س) ■ شیرین اسلامی، بهادر زمانی، همایون نورایی ■ چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری با رویکرد باز بهسازی؛ مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری ■ عبدالمجید خورشیدیان ■ مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه ■ مریم حیدر خانی، زهرا اهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صفه، فصلنامه علمی معماری و شهرسازی

سال سی و سوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

شاپا: X-۸۷۰-۱۶۸۳

صاحب امتیاز: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: محمدرضا حافظی

سر دبیر: دکتر حمید ندیمی

معاون سردبیر و مدیر داخلی: دکتر مرجان السادات نعمتی مهر

امور اجرایی: طاهره نصرتی

ویراستار فارسی: شهاب قیومی بیدهدی

ویراستار انگلیسی: دکتر سید حسین (ایرج) معینی

بازطراحی گرافیک (بر پایه طرح پیشین: کاوه صابر): سیدپارسا بهشتی

شیرازی، ۱۳۸۷

بازآرایی طرح و امور هنری: نشر ایران نگار، ۱۳۸۸، ۱۳۹۷، ۱۴۰۲

اجرای جلد و صفحه آرایی: علیرضا کریم زاده، په گاد مهربخش

مجری طرح و تولید: گنجینه نقش جهان، مهران غلامی،

تلفن: ۰۷۴۲۸-۶۶۹ (۰۲۱)

چاپ و نظارت بر چاپ: چاپخانه دانشگاه شهید بهشتی، آرش ممی زاد

نشانی: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی

تلفن: ۰۲۸۴۳-۲۹۹ (۰۲۱)، دورنگار: ۲۲۴۳۱۶۴۲ (۰۲۱)

وبگاه: <http://soffeh.sbu.ac.ir>

رایانامه: j-soffeh@sbu.ac.ir

j.soffeh@gmail.com

گروه دبیران صفه

دکتر شهرام پور دیهیمی، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر اکبر حاجی ابراهیم زرگر، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر عیسی حجت، دانشگاه تهران، استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا

دکتر شاهین حیدری، دانشگاه تهران، استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا

دکتر سیمین داودی، استاد دانشکده معماری، برنامه ریزی، و منظر، دانشگاه نیوکاسل

دکتر محمود رازجویان، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر ایوب شریفی، دانشگاه هیروشیما، استاد دانشکده تحصیلات تکمیلی نوآوری و عمل برای جامعه هوشمند

دکتر علی عسگری، دانشگاه یورک، استاد مدیریت سوانح

دکتر علی غفاری، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر محسن فیضی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر علی کاوه، دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد گروه سازه دانشکده مهندسی عمران

دکتر کورش گلکار، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر علی مدنی پور، دانشگاه نیوکاسل، استاد دانشکده معماری، برنامه ریزی، و منظر

دکتر اصغر محمد مرادی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر حمید ندیمی، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر هادی ندیمی، دانشگاه شهید بهشتی، استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی

صفه پذیرای مقاله با شرایط زیر است:

مقاله پژوهشی و نتیجه تحقیق اصیل مؤلف یا مؤلفان باشد.

به طرح و فهم و یافتن پاسخ پرسش‌ها و مسائل بنیادین معماری و شهرسازی کمک کند.

به مبانی نظری و رویدادهای مرتبط با گذشته و حال معماری و شهرسازی ایران و جهان بپردازد.

پیش‌تر در نشریات علمی پژوهشی چاپ نشده باشد یا هم‌زمان برای ارزیابی به آن‌ها سپرده نشده باشد.

مطابق ضوابط و شیوه‌نامه صفه تهیه شده باشد.

چند نکته مهم:

هیئت تحریریه در رد و قبول و ویرایش مقاله‌ها آزاد است.

صفه مقاله‌ها را عودت نمی‌دهد.

ضوابط و شیوه‌نامه صفه در وبگاه صفه و به صورت ادواری در خود مجله در دسترس است.

تصویر روی جلد: مدرسه مروی در نقشه عبدالغفار، مربوط به مقاله «مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه»: مریم

حیدرخانی، زهرا اهری؛ مأخذ: وبگاه کتابخانه کنگره، (با افزوده‌هایی از نویسندگان مقاله)



فصلنامه علمی معماری و شهرسازی

دانشکده معماری و شهرسازی،

دانشگاه شهید بهشتی

سال سی و سوم، زمستان ۱۴۰۲،

شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

شاپا: X-۸۷۰-۱۶۸۳

سردبیر | ۵ ◆ محمد رضا جودت (۱۴۰۲-۱۳۱۸)

ضحی ندیمی، کاظم مندگاری، زهره تفضلی | ۲۶-۷ ◆ نسبت معماری و رتوریک؛ بازاندیشی در ریشه‌های مشترک

سیده مهسا باقری، محمود ارژمند، سید بهشید حسینی | ۴۷-۲۷ ◆ تحلیلی بر فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی: نمونه مورد مطالعه

فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم

سعید بختیاری، رامتین خلیلی، محمدمبین حسین پور | ۶۳-۴۹ ◆ ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود

توسعه یک روش مقرراتی

شیرین اسلامی، بهادر زمانی، همایون نورایی | ۸۴-۶۵ ◆ سنجش تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشریف به حرم‌های زیارتی

مورد پژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه (س)

عبدالمجید خورشیدیان | ۱۰۴-۸۵ ◆ چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری با

رویکرد باز بهسازی؛ مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری

مریم حیدر خانی، زهرا اهری | ۱۲۳-۱۰۵ ◆ مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

محمد رضا جودت

(۱۳۱۸-۱۴۰۲)

... درباره جودت ...



تقدیر این‌گونه رقم خورد و این بار مهندس محمدرضا جودت (۱۳۱۸-۱۴۰۲) نیز به جمع اساتید فقید درگذشته دانشکده معماری و شهرسازی و به دیار باقی پیوست. مرحوم مهندس جودت از جمله استادان برجسته هنر و معماری کشور و به‌خوبی شناخته‌شده بود. از جنبه فردی هنرمندی نقاش و معماری مؤلف بود و در کسوت استادی دانشگاه نقش مؤثری در آموزش و تربیت دانشجویان، معماران جوان، و برخی متخصصان در زمینه‌های معماری، شهرسازی، و صنعت ساختمان کشور ایفا کرده است.

به‌طورکلی استاد فقید، مرحوم مهندس جودت، شخصیتی دانشگاهی و حرفه‌ای مستقل و شناخته‌شده، همچنین بسیار دوستدار هنر و معماری معاصر جهان و علاقه‌مند به کار و پیشرفت و بالندگی در این سرزمین بود. ضمن داشتن فروتنی و تواضع و سادگی و بی‌آلایشی بسیار در رفتار و گفتار، هم‌زمان با اقتدار و مستمر در امر آموزش و طراحی پژوهی مشغول بود. در مشاهده تجارب موجود، همانند اغلب هنرمندان و معماران علاقه‌مند و حساس به فرهنگ و جامعه خود، جودت (آن‌گونه که می‌گفت و امضا می‌کرد) با تفکر رشد، در جستجوی راه حل‌های خلاقانه به‌منظور ایفای نقشی سازنده در سیر تحول و تکامل هنر و معماری معاصر و مشارکت در آن، دوران عمر گران‌مایه را می‌گذراند.

روانش شاد و یادش گرامی باد

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

The Relationship between Architecture and Rhetoric; A Rethinking of Common Roots

Zoha Nadimi, PhD

Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

Kazem Mandegari, PhD * 

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

Zohreh Tafazzoli, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: July 7, 2021

Accepted: November 29, 2021

(Pages: 7-26)

Nadimi, Z., Mandegari, K., and Tafazzoli, Z., 2023. The Relationship between Architecture and Rhetoric; A Rethinking of Common Roots. *Soffeh*. 103 (4): 7-26.

DOI: [10.48308/SOFEH.2021.222721.1058](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2021.222721.1058)

Abstract:

Looking at the history of architectural theories, and with reference to the opinions of thinkers, one can see architecture and rhetoric as mutually related throughout history. It seems that reflecting on this relationship can open up new horizons for architectural thought. But the changing meaning of rhetoric has resulted in a variety of relationship levels, resulting in different gifts for architecture.

This paper starts with an exploration three different levels of relationships, resulting from three corresponding understandings of rhetoric. The

Keywords:

Rhetoric, Composition, Architecture, Integrity.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024

 ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author: Email Address. mondegari@yazd.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2021.222721.1058>

first defines rhetoric as communication, the second as the art of speaking. But the third emanates from the thoughts of those design scholars who, whilst contemplating rhetorical relations and design matters, do not see use rhetoric as speech, communication or the art of speaking, but as an art of composition. From this point of view, rhetoric and architecture are both knowledges of composition. This paper argues that the latter has opened the door to the deepest understandings of rhetorical knowledge and the most fruitful link between rhetoric and architecture. In response to the haphazard literature associated with this view, the paper expands on rhetoric as 'the art of composition', and then moves on to identify three levels of rhetoric composition, namely, composing people's horizons (conviction), knowledges and insights. The important issue of architecture today, the paper argues, is the lack of shared horizons between architects and their audiences, as well as the lack of coherence between the various architectural knowledges and insights. By understanding rhetoric as the art of composition and linking architecture and rhetoric in the light of this understanding, one can look at architecture from a different perspective and restore the missing coherence in architecture.

نسبت معماری و رتوریک

بازاندیشی در ریشه‌های مشترک^۱

ضحی ندیمی^۲

کاظم مندگاری^۳

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران

دریافت: ۱۶ تیر ۱۴۰۰
پذیرش: ۸ آذر ۱۴۰۰
(صفحه ۷-۲۶)

زهرة تفضلی^۴

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ندیمی، ض، ک. مندگاری و ز. تفضلی. ۱۴۰۲. نسبت معماری و رتوریک؛ بازاندیشی در ریشه‌های مشترک. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳ (۴): ۷-۲۶.
کلیدواژگان: رتوریک، آرشیکتونیک، معماری، تألیف، انسجام.

چکیده

با نگاهی به تاریخ تئوری‌های معماری و انکا به نظر اندیشمندان می‌توان گفت که معماری و رتوریک در طول تاریخ با یکدیگر نسبت داشته‌اند. به نظر می‌رسد تأمل در این نسبت می‌تواند افق‌های جدیدی بر روی اندیشه معماری بگشاید. اما از آنجا که رتوریک معانی متطوری در طول تاریخ داشته، این نسبت نیز در سطوح مختلفی برقرار شده و ارمغان‌های متفاوتی برای معماری آورده است.

در این مقاله ابتدا نسبت‌های محقق میان معماری و رتوریک، در سه سطح مختلف، که حاصل فهم متفاوت سه گروه از صاحب‌نظران از رتوریک است، شرح داده می‌شوند. گروه اول رتوریک را به مثابه ارتباطات و گروه دوم آن را به مثابه فن سخن‌پردازی تعریف می‌کنند، اما گروه سوم طراحی‌پژوهانی هستند که ضمن تعمق در باب نسبت رتوریک و مباحث طراحی، رتوریک را به مثابه «خطابه»، «بلاغت»، و یا «ارتباطات» نمی‌دانند، بلکه به مثابه «هنر تألیف» شناخته‌اند و از قرابت‌های «هنر تألیف» با «طراحی» سخن گفته‌اند. از این نظرگاه، رتوریک و معماری هر دو معرفت تألیف هستند. در این نوشتار استدلال می‌شود که گروه اخیر دریچه‌ای بر عمیق‌ترین فهم از دانش رتوریک و پرثمرترین پیوند میان رتوریک و معماری گشوده‌اند. از آنجا که مطالب

ایشان در حوزه گسترده طراحی و به صورت پراکنده و غیرمنسجم بیان شده است، در این نوشتار ضمن شرح و بسط رتوریک به مثابه «هنر تألیف»، قابلیت تألیف‌گری رتوریک در سه سطح تألیف اجزاء، تألیف افق انسان‌ها (اقتاع)، و تألیف دانش‌ها و معرفت‌ها توضیح داده می‌شود. این در حالی است که مسئله مهم معماری امروز نیز هم‌افق نبودن معماران و مخاطبان‌شان و همچنین فقدان انسجام میان معرفت‌های مختلف دخیل در معماری است. با فهم رتوریک به مثابه هنر تألیف و پیوند معماری و رتوریک، در پرتو این فهم می‌توان از منظر دیگری به معماری نگریست و انسجام از دست‌رفته در معماری را بار دیگر احیا کرد.

مقدمه

معماری و رتوریک^۵ در طول تاریخ پیوندی دیرینه و بسیار نزدیک با یکدیگر داشته‌اند. این نسبت را به صورت آشکاری در رساله معماری ویتروویوس و نظریات آلبرتی در باب معماری می‌توان جست. بسیاری از واژگان و اصطلاحاتی که در حوزه معماری از آنها سخن گفته می‌شود، از مفاهیم و اصطلاحات حوزه رتوریک

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نگارنده اول است با عنوان نسبت معماری و رتوریک که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در مهرماه سال ۱۴۰۱ در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد دفاع شده است.
۲. دکتری معماری، دانشگاه یزد، ایران
Zoha.nadimi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول

mondegari@yazd.ac.ir
4. Z_tafazzoli@sbu.ac.ir
5. Rhetoric

در زبان فارسی رتوریک معمولاً به بلاغت، خطابه، و ارتباطات ترجمه می‌شود، ولی به علی که در این نوشتار ذکر می‌شود، هیچ‌یک از این اصطلاحات همه دامنه معنایی رتوریک را پوشش

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

* Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

* Corresponding Author: Email Address. mondegari@yazd.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2021.222721.1058>



پرسش‌های تحقیق

۱. نسبت‌های محقق میان رتوریک و معماری در طول تاریخ هریک چگونه و متناظر با چه فهمی از رتوریک بوده‌اند؟

۲. نسبت اصیل میان رتوریک و معماری چیست و چه دستاوردهایی برای معماری دارد؟

نمی‌دهند؛ بنابراین در نوشتار حاضر از خود واژه رتوریک استفاده می‌شود.

ع. مثلاً کلمه پلان از لحاظ ریشه‌شناسی برمی‌گردد به پلات یا حالتی از سخنرانی روایی. واژه نما (elevation) نیز از حالتی از سخنرانی که صدا را در آن بالا می‌برند، مشتق شده است (elevated).

همچنین می‌توان به ریشه‌های تاریخی واژگان کمپوزسیون، دکوراسیون، نظم، سبک، و بیان رجوع کرد (برای مطالعه بیشتر نک: Stephen Frith, "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol", *Architectural Research Quarterly*, vol. 8, no. 1 March 2004): 40-44).

۷. مهم‌ترین آنها اصطلاح «توپوس» است، که هم به معنای مکان است و هم یکی از اصطلاحات رایج در حوزه رتوریک است که به مواضع ترجمه شده است (برای مطالعه بیشتر به مدخل «توپوس» در دانش‌نامه رتوریک (Encyclopedia of Rhetoric of Rhetoric مراجعه کنید).

8. Architectonic Art

۹. پیتر دیکسون، خطابه ترجمه حسن افشار (تهران: مرکز، ۱۳۸۹)، ۳.

10. Edwin Black, *Rhetorical Criticism: A Study in Method* (New York: Macmillan, 1965), 259.

۱۱. سوفسطائیان چنین استفاده‌ای از رتوریک کردند و در دوره‌ای از تاریخ پیوند رتوریک با اخلاق را به‌طور کلی قطع کردند (نک. همان، ۱۱-۱۲).

مشتق شده‌اند،^۶ از سوی دیگر، واژگان معطوف به مکان و استعاره‌های معمارانه نیز در تبیین نظریات رتوریک کمی نیستند.^۷ اما در عین حال سرگذشت این رابطه در طول تاریخ بسیار پرفرازونشیب بوده است. نسبت معماری و رتوریک گاهی بسیار قوی و مشهود بوده و گاهی ضعیف شده و به محاق رفته است. هرچند این پیوند در دوره‌های گذشته بسیار عمیق و آشکار بوده است، اما در دوره مدرن عده‌ای از نظریه‌پردازان معماری از رتوریک دوری جست‌ه‌اند و مانند بسیاری دیگر از مردمان زمانه خود، صفت رتوریکال را برای تخفیف و تحقیر برخی سخنان و آثار به کار برده‌اند؛ البته با اهمیت یافتن موضوع زبان در بسیاری از حوزه‌های دانش و معرفت در دوره‌های متأخر، در حوزه معماری نیز نظریه‌پردازان متوجه امر زبان در معماری شده‌اند، و سخن از مباحث رتوریک نیز در معماری احیا شده است؛ به‌نحوی که امروزه عمده مسائل رتوریک در حوزه معماری طرح و بحث می‌شوند، اما کمتر نامی از خود اصطلاح رتوریک به میان می‌آید.

مروری بر سابقه مسائل مشترک میان معماری و رتوریک نشان می‌دهد که امکان‌ها و ظرفیت‌های مغفول بسیاری در سنت رتوریک وجود دارد که رجوع به آنها و بازخوانی‌شان می‌تواند به گشوده شدن مسائل حوزه معماری کمک کند. با تأملات فلسفی جدید صورت‌گرفته در باب رتوریک، گویا به عمقی از اندیشیدن درباره مسائل رتوریک دسترسی یافته‌ایم که در پرتو آن فهم می‌توان دوباره به پیوند میان این دو حوزه نظر کرد. به‌طوری که این تأمل مسائل حوزه معماری را از دریچه دیگری به دید بیاورد؛ گویا خود را در آینه دیگری بازشناخته باشیم. در این نوشتار سعی می‌شود افق طوری به عقب رود که معماری و رتوریک در پیوندهای اصیل خود به دید بیایند، نه اینکه آنها را در پیوندی ثانوی به هم مربوط یا ترجمه کند. همچنین تلاش می‌شود پرده از ضرورت و دستاوردهای مهم چنین پیوندی در حوزه معماری برداشته شود. با توجه به اینکه پیوند معماری و رتوریک پیوندی کهن و تاریخی است و همچنین رتوریک دارای تطورات معنایی در طول تاریخ بوده است، مسیر این پژوهش از تعمق بر پیوندهای محقق میان معماری و رتوریک و جستجو و شرح و بسط اصیل‌ترین فهم رتوریک و معماری و نسبت میان این دو حوزه می‌گذرد. در این نوشتار با تعمق در مفهوم «هنر تألیف»^۸ سعی می‌شود که قابلیت تألیف‌گری رتوریک در سه سطح مختلف شرح و بسط داده شود، سپس موقعیت رتوریکال، به‌مثابه



۱۲. نک:

Ian Buchanan, Dictionary of Critical Theory (Oxford University Press, 2018); Thomas O. Sloane, *Encyclopedia of Rhetoric* (Berkeley: University of California, 2001).

۱۳. محمد احمدی و تقی پورنامداریان. «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک». در *مطالعات زبان و ترجمه*، ش. ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۳۱.

۱۴. همان، ۳۲.

۱۵. آ. وایشه، «فن سخنوری»، در *زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح*، ترجمه کورش صفوی (تهران: هرمس، ۱۳۷۷)، ۲۵۹.

16. Gerard A. Hauser and Donald P. Cushman, "McKeon's Philosophy of Communication: The Architectonic and Interdisciplinary Arts", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 6, no. 4 (Fall 1973): 215-230.

۱۷. در اصیل‌ترین تعاریف بلاغت آن را علم معانی و «معرفه الفصل من الوصل» دانسته‌اند و در آن به روابط میان لفظ و معنی پرداخته‌اند (احمد مهدوی دامغانی، «در باب بلاغت»، در *سیدعلی محمد سجادی (و)*، حاصل اوقات (تهران: سروش، ۱۳۸۱): ۲۰؛ سیروس شمیسا، *معانی* (تهران: میترا، ۱۳۹۱)، ۱۹۵.

۱۸. البته ناگفته نماند که در متون اصیل اهل بلاغت اسلامی تعاریف عمیق و بسیار مهمی از بلاغت وجود دارد که دانستن آنها حتی به فهم «رتوریک» نیز می‌تواند کمک کند. مثل تعریف ابن مقفع

به‌طوری که لفظی مشترک برای معنا گوناگون به‌نظر می‌رسد. اما در واقع این چندمعنایی حاصل تطور تاریخی معنای رتوریک است؛ که روایت مفصل این تطورات را می‌توان از طریق دایرة‌المعارف‌های تاریخی مفاهیم و یا کتاب‌های تاریخ رتوریک پی گرفت.^{۱۲}

تبعاً هنگام ترجمه این اصطلاح به فارسی نیز چنین آشفتگی‌ای مشاهده می‌شود. امروزه بسته به سیاق کاربرد واژه «رتوریک»، گاهی آن را به «بلاغت»^{۱۳} یا هنر سخن‌پردازی ترجمه کرده‌اند؛ و گاهی آن را به «خطابه»^{۱۴} یا «فن سخنوری»^{۱۵} برگردانده‌اند؛ در دوره بسیار اخیر نیز اغلب آن را به معنای «ارتباطات»^{۱۶} می‌شناسند. اما «بلاغت» برای ما تداعی‌کننده صنایع ادبی و تزیین زبان است و «خطابه» یادآور موعظه‌های دینی و اخلاقی در مدارس و مناظر. ناگفته پیداست که اگر رتوریک را سخن‌پردازی یا سخنوری بفهمیم، رابطه معماری و رتوریک را عجیب و سؤال‌برانگیز، سست، و حداکثر نوع نازلی از نسبت معماری و زبان خواهیم فهمید. اما با قدری تفحص و تدقیق می‌توان دریافت که چنین نیست؛ نه «بلاغت» نزد اهل بلاغت^{۱۷} به معنای هنر لفاظی و سخن‌پردازی است و نه «رتوریک» معنایی دقیقاً معادل بلاغت یا خطابه دارد. پس به‌طور کلی رتوریک را نمی‌توان به‌سادگی به بلاغت^{۱۸}، خطابه^{۱۹}، یا ارتباطات^{۲۰} ترجمه کرد؛ زیرا «رتوریک» واژه‌ای در زبان یونانی کهن بوده است^{۲۱} که سابقه‌ای طولانی در تاریخ اندیشه و تمدن غرب داشته است؛ که در هنگام ترجمه به هر یک از معادل‌های فارسی‌اش، آن تاریخ و پیوندهای معنایی به کلی به زبان مقصد منتقل نمی‌شود.^{۲۲} به‌نظر می‌رسد که قدامت‌توجه این مسئله بوده‌اند؛ و این واژه را در ترجمه نخستین متن‌های یونانی به عربی و فارسی به‌صورت معرب خود کلمه آورده‌اند: «ریطوریکا»^{۲۳}. در این نوشتار، برای احتراز از این سوءفهم و برای از دست نرفتن وجوه معنایی رتوریک در ترجمه، از خود واژه «رتوریک» استفاده

موقعیتی که در آن رتور هم‌مراتب تألیف را به‌صورت هم‌زمان و یکباره در یک محصول واحد محقق می‌کند، شرح داده و نشان داده می‌شود که شرایط رتور در موقعیت رتوریکال بسیار شبیه وضعیت معمار در موقعیت طراحی معماری است. از این منظر می‌توان گفت که رتوریک و معماری درحقیقت در موقعیت‌های مشابهی هستند و کار هر دو تألیف در مراتب مختلف برای ایجاد یک محصول واحد، تأثیرگذار، و اقناع‌کننده است. بنابراین پیوند میان این دو دانش پیوندی عرضی و میان‌رشته‌ای نیست، بلکه پیوندی حقیقی و ذاتی است. این تحقیق از طریق روشی مرکب از تحقیق توصیفی و استدلال منطقی پیش رفته است؛ زیرا برای نخستین بار نسبت‌های مختلف میان معماری و رتوریک احصا و مرور شده و از طریق تحلیل نتایج برآمده از این مرور و استدلال منطقی، نسبتی اصیل بین معماری و رتوریک آشکار شده که توجه اصلی در مقاله پیش رو به این نسبت است.

۱. تطورات معنایی رتوریک

در آغاز هر تحقیقی درباره رتوریک با جمله‌ای مبنی بر مبهم بودن معنای رتوریک مواجه می‌شویم؛ مثلاً دیکسون هنگام تعریف رتوریک می‌گوید:

همه می‌دانند این واژه چقدر لیز و مغلق است. با آن هم مدح گفته‌اند و هم ذم و به قدری نرمش نشان می‌دهد که می‌توان آن را پشت‌ورو کرد.^{۲۴}

همچنین ادوین بلک نیز می‌گوید:

کاربردهای متفاوت اصطلاح رتوریک را به‌طور کامل از یکدیگر نمی‌توان جدا کرد، و به همین سبب تعریف اصطلاح رتوریک کار آسانی نیست.^{۲۵}

رتوریک را گاه معادل «خطابه»، گاه «فن سخنوری»، «بلاغت»، «دانش سخن»، «هنر اقناع»، «هنر ارتباط»، «هنر تألیف»، و حتی گاهی «لفظی و فریب»^{۲۶} خوانده‌اند؛

از بلاغت که می‌گوید: «بلاغت اسمی است برای معانی که در وجوه بسیاری به کار می‌رود، از جمله در سکوت، در استماع شعر، سجع، خطابه ...» (حسن دلبری، «بلاغت سکوت، به‌مثابه غیاب پیش‌اندیشیده کنش کلامی و تعامل کارآمد آن با متن» مطالعات زبانی بلاغی، ش. ۲۰ (۱۳۹۸): ۲۰۵).

۱۹. تمسق در باب خطابه نیز اهمیت حضور مخاطب در تکوین خطبه و یا هر امر رتوریک دیگری را نشان می‌دهد و خود این مفهوم می‌تواند مبنایی برای فهم بهتر رتوریک شود. اما انحصار یافتن آن در خطبه‌های خطیبان مانعی در جهت نیل به معنای حقیقی آن است.

۲۰. البته باید توجه داشت که خود لفظ کامیونیکیشن مرکب از com و uni-cation در زبان‌های اروپایی سابقه‌ای بیش از علم ارتباطات دارد؛ و معنای پیوند دادن، یکی کردن، متحد کردن، و وحدت بخشیدن در آن مستتر است. درست است که استفاده از این لفظ در علوم ارتباطات و رسانه جدید سبب شده که در معنای جدید خود مستقر شود؛ اما همیشه باید توجه داشته باشیم که در بسیاری از متون اروپایی لفظ کامیونیکیشن دال بر چیزی بیش از ارتباطات است.

۲۱. وایشه، «فن سخنوری»، ۲۵۹.

۲۲. به همین علت است که بسیاری از دلالت‌ها و کاربردهای آن، حتی در متون امروزی، برای ما بسیار نامفهوم می‌نماید (برای مطالعه بیشتر نک: مهدوی دامغانی، «در باب بلاغت»، ۴۶۳). مثلاً می‌توان از پیوند رتوریک با حوزه اخلاق و همچنین علوم شناختی و فلسفه نام برد. اگر رتوریک

می‌شود، همان‌طور که در زبان‌های اروپایی خود کلمه یونانی را به کار می‌برند و حکمای قدیم ما نیز چنین کرده‌اند.^{۲۴}

هرچند، در یونان باستان کاربرد اصلی رتوریک روش‌های اقناع قضات در دادگاه‌ها بود، ولی بعدها رفته‌رفته به انواع سخن و از آنجا به همه حوزه‌هایی که نسبتی با بیان، خواه بیان زبانی و خواه بیان تصویری، داشتند، مانند همه هنرها، شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، و معماری، گسترش یافت.^{۲۵} همچنین بیوکانن معتقد است رتوریک به همه هنرهایی که موضوعشان ساختن است، خواه ساختن با کلمات باشد و خواه ساختن با هر ماده دیگری، مربوط می‌شود.^{۲۶} بنابراین قلمرو رتوریک، در طول تاریخش، در مغرب‌زمین را نباید محدود به حوزه سخن دانست، بلکه رتوریک علاوه بر زبان ملفوظ مربوط به هر نظام معناداری است.

همچنین علاوه بر اینکه میدان رتوریک محدود به قلمروی زبان نیست، موضوع رتوریک نیز فقط مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و قواعد نیست. ادبا و زبان‌شناسان رتوریک را به‌مثابه هنری زبانی و تمهیدات و دستورالعمل‌های صوری و ادبی و قواعد زیبایی‌شناختی برای تزیین سخن و اقناع مخاطب دانسته‌اند؛ حال آنکه فیلسوفان زبان آن را به‌مثابه «هنری عقلانی»^{۲۷} و مبین سازوکار اندیشه و تفکر و یک «روش استدلال»^{۲۸} دانسته‌اند. از این منظر، رتوریک دیگر صرفاً مجموعه‌ای از قواعد زینتی سخن نیست، بلکه در کنار منطق که به صحت صورت سخن و اندیشه استدلالی می‌پردازد، رتوریک «ابزار پویایی است که حالات مختلف اندیشه را ایجاد می‌کند و شکل می‌دهد».^{۲۹} بنابراین رتوریک جدید که بیشتر مورد نظر فلاسفه و متفکران بوده است، قدری با رتوریک ادبا فاصله می‌گیرد و به جای قواعد انشایی، در باب بنیادهای اخباری آن قواعد و موضوعاتی چون سازوکارها و موقعیت رتوریک سخن می‌گوید.^{۳۰} از آنجا که در این نوشتار نیز فهم عمیق معنای

رتوریک با نظر کردن به مفاهیم کلیدی و سازوکار آن مورد نظر است، پس می‌توان گفت نظرگاه نویسندگان این مقاله نسبت به رتوریک با نگاه فیلسوفان زبان به رتوریک قرابت بیشتری دارد. تعاریف بسیار زیادی از رتوریک وجود دارد و تقریباً همه متفکران به وسعت دامنه معنای آن اشاره کرده‌اند. معنای کهن رتوریک در کتاب رتوریک ارسطو هنوز بسیار غنی و قابل رجوع است؛ از منظر او رتوریک هنر، دانش، یا فنی است که موضوع خاصی ندارد،^{۳۱} اما توجه آن را معطوف به «اقناع» می‌داند. اما اگر بخواهیم برای آغاز سخن، تعریفی نسبتاً جامع از آن بدهیم، می‌توان به تعریف معتبری از جیمز هریک تکیه کرد: رتوریک «دایره‌ای از اندیشه و احساس انسانی است که از طریق زبان (یا نظامی معنادار) بر تصمیم و عمل دیگران اثر می‌گذارد».^{۳۲}

۲. مروری بر پیوند تاریخی معماری و رتوریک

نسبت معماری و رتوریک نیز، تحت تأثیر معنای متطور و تاریخی رتوریک (و همچنین فهم‌های متنوع از معماری)، سابقه پرفرازونشینی داشته است، به‌طوری‌که این نسبت را نمی‌توان یک نسبت ثابت دانست. مروری بر این نسبت می‌تواند تصویری از معنای تاریخی رتوریک و چگونگی تأثیر آن بر معماری را آشکار کند؛ البته مرور دقیق آن بسیار مفصل و نیازمند یک تحقیق مروری مجزا و جداگانه است.

بسیاری از پژوهشگران به نحو تاریخی این نسبت را در دوره کلاسیک، سده‌های میانه، و دوره رنسانس جستجو کرده‌اند.^{۳۳} در این میان پرداختن به نقش ویتروویوس^{۳۴} و آلبرتی^{۳۵}، دو نظریه‌پرداز دیرین و مهم معماری، بسیار برجسته است. اندیشمندان نخستین شواهد از وجود نسبت میان رتوریک و معماری را در رساله ویتروویوس یافته و اشاره کرده‌اند که او آشکارا در ده کتاب معماری تحت تأثیر نظریات سیسرو^{۳۶} و کتاب در باب خطیب بوده است. این امر هم در شکل ظاهری

را به‌مثابه بلاغت یا هنر سخن‌پردازی بفهمیم، پیوند رتوریک با این حوزه‌ها برای ما معنادار نخواهد بود.

۲۳. به‌طور مثال می‌توان به *احصاء العلوم* فارابی و *شفای ابن سینا* اشاره کرد.

۲۴. حتی بسیاری از اندیشمندان معاصر نیز به همین دلایل ترجیح داده‌اند که این واژه را ترجمه نکنند و از همان لفظ رتوریک استفاده کنند (نک: احمدی و پورنامداریان، «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک»، ۲۸-۵۰).

25. Caroline van Eck, *Classical Rhetoric and the Arts in early Modern Europe* (Cambridge University Press, 2007), 3-13.

26. Richard Buchanan, "Rhetoric, Humanism and Design", *Discovering Design: Explorations in Design Studies*, no. 23 (1995): 31.

27. intellectual art: Richard Peter McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age: Architectonic Productive arts", in Zahava K. McKeon and William G. Swenson (eds.), *Selected Writings of Richard McKeon, Volume 2: Culture, Education, and the Arts* (The University of Chicago press), 198.

۲۸. ارسطو در کتاب *خطابه* با تشریح قیاس مضمور در خطابه که معادل قیاس در منطق است بر این نکته تأکید می‌کند که فن خطابه هم مانند جدل بیشتر یک روش استدلال است و صرفاً زینتی نیست (دیکسون، *خطابه*، ۱۸).

بوده است.^{۴۷}

در دوره مدرن، با نفی رتوریک به‌واسطه سیطره نگاه منطقی دکارت، پیوند میان رتوریک و معماری نیز بسیار کمرنگ شد و این جدایی تا جایی پیش رفت که دو معمار این دوره الیسون و پیتر سمیتسون، نسخه یا دستورالعمل معماریشان را با عنوان «بدون رتوریک: زیبایی‌شناسی معماری ۱۹۵۵-۱۹۷۲» منتشر کردند.^{۴۸} اما در دوره بسیار متأخر، به‌علت عمومیت یافتن گشت زبانی^{۴۹} در سپهر اندیشه و محوریت یافتن مسائل و موضوعات مربوط به زبان در کانون اندیشه فیلسوفان و همچنین به‌سبب پیشرفت تکنولوژی، توسعه وسایل ارتباطات جمعی و رسانه‌ها و به‌وجود آمدن رشته دانشگاهی «علوم ارتباطات»، افق‌های جدیدی بر روی دانش رتوریک گشوده شده است. بنابراین در این دوره و به‌خصوص در پنجاه سال اخیر نسبت معماری و رتوریک موضوع پژوهش بسیاری از نظریه‌پردازان معماری قرار گرفته است. در ادامه نسبت‌های متأخر میان معماری و رتوریک به‌اجمال شرح داده می‌شود.

۳. نسبت‌های محقق‌شده میان رتوریک و معماری

پژوهشگران بسیاری دقیقاً درباره نسبت معماری و رتوریک اندیشیده‌اند و با تلقی‌های مختلفشان از رتوریک، پیوندهای متفاوتی میان رتوریک و معماری نیز برقرار شده است که آنها را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد.

الف) رتوریک به‌مثابه ارتباطات: از آنجاکه یکی از وجوه معنایی رتوریک تأثیرگذاری و برقراری ارتباط با مخاطب است،^{۵۰} مطالعات جدید علوم ارتباطات، با تعریف «رتوریک به‌مثابه ارتباطات»، به بستر مساعدی برای طرح مسائل رتوریک تبدیل شده‌اند. برخی از نظریه‌پردازان این دسته از تحقیقات معتقدند: پیوند میان معماری و رتوریک، معماری را از یک هنر تزینتی

رساله، هم در پیش‌داوری‌های زیبایی‌شناسانه‌اش، هم در قضاوت معماری، و هم در اصطلاحات و بحث‌هایش نمایان است.^{۴۷} علاوه بر این سه رکنی را که ویتروویوس برای معماری خوب ترسیم می‌کند و آن را شامل فرمیتاس (استحکام)، یوتیلیتاس (کاربرد)، و ونوستاس (زیبایی) می‌داند^{۴۸}، بسیار شبیه سه رکنی است که ارسطو با عنوان سه مسیر اقناع در رساله *ریطوریکا* مطرح می‌کند: لوگوس، پاتوس و اتوس.^{۴۹} همچنین اصول شش‌گانه ویتروویوس^{۴۰}، که در ده کتاب معماری آورده است، آشکارا مفاهیم و واژگان مشترکی با حوزه رتوریک دارند که قابل تأمل و بررسی مفصل است.

در دوره رنسانس نیز آلبرتی، دومین نظریه‌پرداز مهم معماری پس از ویتروویوس، نه‌تنها از اصطلاحات و مفاهیم رتوریکی در تبیین نظراتش استفاده کرد، بلکه در پی آن بود که با اتکای به رتوریک، انواع هنرها، اعم از نقاشی، موسیقی، و معماری، را دوباره تئوری‌پردازی کند و همه آنها را زیر چتر رتوریک با یکدیگر پیوند زند و متحد کند.^{۴۱} این خواست آلبرتی می‌تواند برای محققان امروز هم الهام‌بخش باشد. اتکای آلبرتی در تئوری معمارانه‌اش به رتوریک به قدری است که از منظر اندیشمندان «فهم کامل برخی جنبه‌های نوآورانه تئوری معماری آلبرتی تنها در گرو فهم رتوریک تحقق خواهد یافت».^{۴۲} همچنین آلبرتی رساله *در باب نقاشی*^{۴۳} خود را بر مبنای مدل فصاحت و بلاغت کوئین‌تیلیان^{۴۴} نوشته و مهم‌ترین کلیدواژه‌اش در تبیین نقاشی‌ها یعنی «کمپوزسیون»^{۴۵} را از حوزه رتوریک وام گرفته است. همین واژه کمپوزسیون در کتاب *در باب معماری آلبرتی* به واژه «کونسینتاس»^{۴۶} به معنای تناسب و هماهنگی داشتن تبدیل می‌شود که

یک اصطلاح لاتین قدیمی است که آلبرتی آن را برای دلالت بر هارمونی به کار می‌برد، که تا پیش از آن صرفاً در حوزه رتوریک به کار رفته و خارج از آن حوزه کلمه‌ای ناشناخته

29. Mark Backman, "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric", in *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery* (Published by Ox Bow Pr., 1987), xix.

۳۰. مثلاً در باب استعاره، ادبا به تعریف انواع آن می‌پردازند و از اینکه استعاره بلیغ چگونه باید باشد سخن می‌گویند؛ حال آنکه فیلسوفان از این می‌پرسند که استعاره حقیقتاً چیست؟ حاصل چه سازوکاری در اندیشه و در زبان است؟ چگونه ممکن می‌شود و قدرت تأثیر و زیبایی آن از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

۳۱. ارسطو به نامتین بودن موضوع رتوریک برخلاف سایر دانش‌ها اشاره کرده است (برای مطالعه بیشتر نک: ارسطو، خطابه، ترجمه اسماعیل سعادت (تهران: هرمس، ۱۳۹۲)، ۳۰.

32. James A. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric* (Routledge, 2018), 6.

33. Eck, *Classical Rhetoric and the Visual Arts in Early Modern Europe*.

34. Marcus Vitruvius Pollio

35. Leon Battista Alberti

۳۶. Cicero از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خطیبان جمهوری روم بود. برخی معتقدند سیسرو و ویتروویوس هم‌دوره بوده‌اند.

37. Frith, "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol", 41.

38. *firmitas, utilitas, and venustas* ("strength", "utility", and "beauty")

نک: پولیو ویتروویوس، ده کتاب معماری.

صرف به یک هنر اجتماعی تبدیل می‌کند که وجه تعاملی آن با مخاطب و جامعه اهمیت دارد.^{۵۱}

از این منظر معماری بیشتر به‌مثابه یک پدیده اجتماعی شناخته می‌شود تا یک اثر هنری. وولنر با بیان اصطلاح «معماری تعاملی» سعی در تبیین وجه ارتباطی معماری در پرتو رتوریک دارد و معتقد است

معماری تعاملی در تقاطع تئوری رتوریک معاصر و دانش معماری به‌وجود می‌آید و تمرکزش بر موضوعات معنا، ارتباطات، و هویت‌یابی است.^{۵۲}

در این دسته از تحقیقات رجوع به رتوریک از این حیث مهم است که رتوریک می‌تواند درگاهی برای توجه کردن به وجه اجتماعی معماری باشد، و به‌نوعی به موضوع ارتباطات در معماری می‌پردازد. ارتباطات در معماری می‌تواند معطوف به موقعیت‌های مواجهه معمار با جامعه باشد؛ هم در جامعه‌های کوچک میان معماران و همکاران و هم در جوامع آکادمیک و هم در نسبت حرفه معماری با جامعه‌ای که در درون آن کار می‌کند، معماری وجهی اجتماعی دارد. تردیدی نیست که معماری حرفه و دانشی است که در موقعیت‌های بسیاری نیاز به استفاده از قدرت سخن برای اقناع مخاطبینش دارد. در این موقعیت‌ها مهارت‌ها و دانش‌های سخنورانه و ارتباطی نقش بسیار مهمی دارد و نمی‌توان از اهمیت رتوریک در این موقعیت‌ها غافل شد. این‌گونه پیوند معماری و رتوریک مشابه پیوند رتوریک با سایر رشته‌هاست که برای توسعه روابط اجتماعی در کارشان از رتوریک استفاده می‌کنند.^{۵۳} استفاده از دانش و مهارت ارتباطی رتوریک در رشته معماری نکوهیده نیست، حتی بسیار لازم است. اما اگر فهم ما درباره نسبت معماری و رتوریک عمیق‌تر شود، حتی این نوع کاربرد رتوریک در معماری نیز معنا و مفهوم متفاوتی می‌یابد.

ب) رتوریک به‌مثابه فن سخن‌پردازی: دسته دیگری از تحقیقات

مبتنی بر فرض و فهم رتوریک به‌مثابه دانشی مرتبط با متن و مبنای زبان است، که خود شامل دو دسته عمده است:

- رتوریک به‌مثابه رویکردی برای تحلیل متون معماری: در حوزه معماری، مانند هر رشته دیگری، مجموعه سخنان و متن‌هایی تولید شده است. برخی از این متون تاریخی هستند، و دسته‌ای از آنها مربوط به مجموعه گفتارها و گفتگوهای میان معماران^{۵۴}، یا میان معلمان و دانشجویان معماری است. این متون مانند هر متن دیگری ممکن است با رویکرد رتوریک بررسی شوند. کارهای خانم سراپ دورموس نمونه بارز این رویکرد نسبت به پیوند معماری و رتوریک است.^{۵۵} همچنین مطالعه درباره رتوریک اسناد مربوط به مسابقات معماری^{۵۶} نیز در این دسته جای می‌گیرد.

- معماری به‌مثابه زبان و رتوریک چونان هنر زبان‌آوری: فرض معماری به‌مثابه زبان یا متن فرض جدیدی نیست؛ و بسیاری از شاخه‌های مطالعات نشانه‌شناسی^{۵۷} و معناشناسی^{۵۸} و گرایش‌های ساختارگرایانه در معماری مانند نحو فضا^{۵۹} و ... مبتنی بر همین فرض هستند. اما رویکردهای متنوعی برای تحلیل زبان یا تفسیر معنای متن وجود دارد، که همین سبب گسترش و تنوع دامنه‌های مطالعاتی از این دست می‌شود. در این مجموعه گسترده، در پاره‌ای از مطالعات از درگاه رتوریک به زبان توجه شده است. صاحب‌نظران در اغلب این مطالعات درصدد یافتن تناظری میان اجزا و روابط زبان با اجزا و روابط معماری هستند و تلاش می‌کنند سازوکارهای رتوریک را به حوزه معماری تسری دهند. تبار این نوع نگاه جدید نیست؛ مثلاً مباحثی که به‌طور سنتی در باب تزئین و ساختار در باب معماری طرح می‌شد نیز، چنین مفروض و چنین رویکردی داشت. در دوره جدید نیز مباحثی که در استفاده از صنایع موسوم به صنایع بلاغی مانند استعاره و مجاز در حوزه معماری مطرح شده است، بر این مبناست. از جمله هتتهاور ضمن اتخاذ



ترجمهٔ ریما فیاض (تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۸).

39. Logos, pathos, ethos

دانشوران گفته‌اند که لوگوس به استدلال منطقی و استحکام سخن نظر دارد و مانند فرمیتاس به ساحت علمی اثر مربوط می‌شود. پاتوس به مخاطب اثر و کارایی و مناسبت سخن با او نظر دارد، و اتوس نیز مانند ونوستاس به قواعد زیبایی‌شناختی و ارزشی اثر نظر دارد که موضوعات مربوط به ساحت هنری اثر را پوشش می‌دهد.

40. order (ordinatio),
arrangement (dispositio),
proportion (eurhythmia),
symmetry (symmetria),
propriety (decor), and
economy (distribution).

واژگان نظم، تنظیمات، دکور از واژگان مهم در حوزهٔ رتوریک هستند.

41. Robert Kirkbride, "Rhetoric & Architecture", Michael J. MacDonald (ed.), *The Oxford Handbook of Rhetorical Studies* (Oxford University Press, 2020), 76-77.

42. Christine Smith.
Architecture in the culture of early humanism: ethics aesthetics and eloquence 1400-1470. P.232.

43. *De pictura*

۴۴. مارکوس فابیوس کوینتیلیانوس یا کوینتیلیان (۳۵-۱۰۰) بلاغت‌دان، فیلسوف، و ادیب رومی اهل هیسپانیا بود که به گستردگی در نوشته‌های مکاتب بلاغی سده‌های میانه و رنسانس به او اشاره شده است

معنای عام است، و به طراحی معماری به‌طور خاص نمی‌پردازد. وی معتقد است که پیوند میان رتوریک و طراحی بسیار عمیق و قدیم است.

هرچند واژهٔ طراحی واژه‌های نوظهور است، اما از آنجاکه مفهوم آن، ماهیتی تاریخی دارد و از قدیم وجود داشته است، پیوند طراحی و رتوریک را در طول تاریخ می‌توان رصد کرد.^{۶۵} همچنین بیوکانن به مدخلیت «تصمیم‌گیری و انتخاب»، «ابداع و قضاوت»، «تجربه و حکمت عملی»، «تألیف دانش‌ها و ایده‌های مختلف با یکدیگر»، و «اقتناع» در قلمرو طراحی اشاره می‌کند که دقیقاً موضوعات مورد علاقه در مبحث رتوریک هم هستند؛ اما این موضوعات در طراحی هیچ‌گاه به‌صورت منسجم و مدوئی بیان نشده‌اند.^{۶۶} بیوکانن ضمن اشاره به قابلیت تألیف‌گری رتوریک ادعا می‌کند که رتوریک می‌تواند یک «تئوری متحدکنندهٔ طراحی» به‌وجود بیاورد.

تئوری‌ای که همهٔ انواع طراحی، اعم از طراحی صنعتی، مهندسی، گرافیک، معماری، طراحی شهری، و همچنین همهٔ مباحث مهم طراحی را، که در هفتاد سال گذشته بیان شده است، زیر چتر خود گرد آورد.^{۶۷}

همچنین او معتقد است رتوریک و طراحی هر دو به‌مثابهٔ یک «هنر تألیف‌کننده»^{۶۸} می‌تواند جنبه‌های مختلف فعالیت انسان اعم از «نظر و عمل» را کنار یکدیگر گرد آورد و «اگر تئوری طراحی‌ای مبتنی بر رتوریک تدوین شود، می‌توان امیدوار بود که جدایی تاریخی نظر و عمل از میان برود».^{۶۹} اما مبنای این امکان در پژوهش‌های بیوکانن به‌خوبی در حوزهٔ معماری روشن نمی‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت این‌گونه پیوند میان معماری و رتوریک، که بیشتر از سوی این طراحی‌پژوهان در سال‌های اخیر به آن پرداخته شده است، در سطح دیگری به نسبت این دو دانش نظر دارد. پیوند میان معماری و رتوریک در این

رویکردی نشانه‌شناسانه سعی دارد به پیوند معماری و رتوریک نظر افکند. وی می‌گوید:

از آنجاکه معماری و رتوریک هر دو در پی بیان معانی تمثیلی و استعاری هستند، مطالعهٔ نسبت میان این دو حوزه می‌تواند در فهم و خلق معانی به ما کمک کند.^{۶۰}

همچنین ایده‌هایی که در باب رتوریک بصری (فرم)^{۶۱} یا رتوریک فضا^{۶۲} وجود دارد نیز در این دسته قرار می‌گیرد.

از این نظرگاه، در معماری در سطح نظروری و فهم و نه فقط برای استفاده از مهارت‌های ارتباطی رتوریک، به این حوزه رجوع می‌شود. گویا رتوریک، به‌مثابهٔ یک رشته در باب مطالعات سخن و در عرض معماری، با آن پیوندی میان‌رشته‌ای ایجاد می‌کند. این‌گونه رجوع و تکیه به رشته‌ای دیگر در حوزهٔ معماری بی‌سابقه نیست. برای پیشبرد مباحث تئوریک معماری، به‌منزلهٔ یک حرفه، غالباً به شاخه‌های دیگر معرفت‌مانند علم یا هنر یا فلسفه تکیه شده است؛ و این شاخه‌های دانش به‌نوعی مبانی و چارچوب‌های نظری برای اندیشیدن در باب معماری را فراهم می‌کرده‌اند.

پ) طراحی (طراحی معماری) به‌مثابهٔ موقعیتی رتوریکال: در دستهٔ سوم تحقیقات که سطح بررسی کمی تغییر کرده است، محققان از طریق مفهوم طراحی به موضوع وارد شده‌اند. از آنجاکه طراحی اصطلاحی ناظر بر نوعی کنش است،^{۶۳} نسبت به سایر رشته‌ها پیوند قوی‌تر، عمیق‌تر، و گسترده‌تری با رتوریک برقرار و معنای رتوریک را در وجوه بیشتری آشکار می‌کند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین، جامع‌ترین، و پرثمرترین نگاه به پیوند میان رتوریک و معماری را می‌توان در حوزهٔ طراحی‌پژوهی مشاهده کرد. ریچارد بیوکانن، طراحی‌پژوه برجسته، مقالات و کتاب‌های زیادی در زمینهٔ رتوریک و طراحی و ضرورت پیوند این دو حوزه نوشته است؛^{۶۴} البته گفتار او درباره طراحی به

(نک: wikipedia)

 45. composition
 46. concinnitas

۴۷. ووادیسواف تاتارکویچ، «زیبایی‌شناسی آبرتی»، ترجمه سیدجواد فندرسکی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش. ۱۰ (دی ۱۳۹۱): ۴۱.

 48. Alison Smithson and Peter Smithson, *Without Rhetoric: An Architectural Aesthetic, 1955-1972* (The MIT Press, 1974).

49. linguistic turn

۵۰. دیکسون نخستین گروه درسی یا «سه راه» یا «تریومف» را که شامل خطابه، نحو، و جدل بود «فنون ارتباطی» می‌نامد (دیکسون، خطابه، ۵۵).

 51. Gerald A Gutenschwager, "Architecture in a Changing World: The New Rhetoric of Form", *Journal of Architectural Education*, vol. 49, no. 4 (May, 1996): 258.
 52. Cynthia Frewen Wuellner, "Towards a Rhetoric of Architecture: A Framework for Understanding Cities" (University of Kansas, 2008), 29.

۵۳. نک:

 Caroline Gottschalk Druschke and Bridie McGreavy, "Why Rhetoric Matters for Ecology", *Frontiers in Ecology and the Environment*, vol. 14 (February 2016): 46-52.

۵۴. برای مطالعه بیشتر در باب رتوریک، گفتگوهای میان معماران و کارفرمایان، نک:

سطح، پیوندی عرضی و به سبب ویژگی‌ها و مسائل مشترک این دو رشته با یکدیگر نیست، بلکه پیوندی ذاتی و حقیقی است. همچنین به نظر می‌رسد، عمیق‌ترین فهم از رتوریک و پرثمرترین پیوند میان معماری و رتوریک حاصل چنین نظرگاهی به این دو حوزه است. این گروه از محققان گویی معنای دیگری از رتوریک را در نظر دارند که بسیار فراتر از بلاغت، خطابه، و ارتباطات است. هرچند طراحی‌پژوهان به صورت گسسته به ویژگی‌ها و دستاوردهای چنین فهمی از رتوریک به مثابه «هنر تألیف» اشاراتی کرده‌اند، اما پیوند معماری و رتوریک در این سطح کمتر بررسی و مطالعه دقیق شده است. در ادامه تلاش می‌شود با تمرکز بر پیوند معماری و رتوریک در این سطح، ابتدا مقدمات فهم رتوریک به مثابه هنر تألیف و سپس ثمرات چنین پیوندی در حوزه معماری شرح داده شود.

۴. رتوریک به مثابه هنر تألیف

همان‌طور که ذکر شد، پیوند معماری و رتوریک در هر سطحی که برقرار شود، متکی به فهمی متفاوت از رتوریک است. چنانچه ذکر شد، اگر رتوریک را به مثابه ارتباطات و یا رشته‌ای خاص در باب فن سخن‌پردازی بفهمیم، پیوندهایی با معماری برقرار می‌کند و ثمراتی برای فهم عمیق‌تر و بسط موضوعات و مسائل معماری دارد. اما در سطح سوم، رتوریک متکی بر تلقی‌های رایج از آن شناخته نمی‌شود، بلکه تعریف دیگری از آن بیان می‌شود که رتوریک را به مثابه «هنر تألیف» می‌خواند. در این مجال سعی می‌شود با تعمق بر مفهوم اقناع، به مثابه متواترترین تلقی از رتوریک و همچنین مفهوم «آرشیئتکتونیک» که در تبیین رتوریک به کار رفته است، قابلیت تألیف‌گری رتوریک و سپس پیوند رتوریک و معماری در این سطح توضیح داده شود. هرچند رتوریک، در آراء اندیشمندان متأخر به مثابه «هنر

تألیف» نام‌گذاری شده است،^{۷۰} اما توجه به قابلیت تألیف‌کنندگی و وحدت‌بخشی در رتوریک را آشکارا در نظریات اندیشمندان متقدم رتوریک نیز می‌توان یافت؛ به طور مثال سیسرو، خطیب بزرگ جمهوری روم، از تألیف «حکمت» و «فصاحت» به وسیله رتوریک سخن می‌گوید. محور سخن سیسرو در باب رتوریک این است که «اندیشه‌ورزی خردمندانه» و «سخن‌گویی دلنشین» لازم و ملزوم یکدیگرند. به تعبیر دیگر «بیان» و «اندیشه» از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند.^{۷۱} بنابراین می‌توان گفت سیسرو و ایسوکراتس «خواهان تلفیق خردمندی و سخن‌دانی در خطیب کامل هستند».^{۷۲} این دو حوزه نزد سیسرو را می‌توان قلمرو معرفت‌نظری و عملی دانست. در *دانشنامه رتوریک و ارتباطات* نیز در ذیل مدخل «آرشیئتکتونیک» توجه به این قابلیت تألیف‌گری رتوریک را به سیسرو نسبت داده‌اند:

رؤیای جدید یک هنر آرشیئتکتونیک رتوریک، که نه تنها بحث‌ها و استدلال‌ها را، بلکه همه رشته‌ها را می‌تواند ساماندهی کند، و مدیون تأملات سیسرو در باب رتوریک است.^{۷۳}

علاوه بر این، کوئینتیلیان نیز معتقد است که «رتوریک باید نقش مهم و وحدت‌بخشی در نظام آموزشی» ایفا کند. «او در رساله تربیت خطیب این نقش را با تفصیل بسیار تعریف و اثبات می‌کند».^{۷۴}

همچنین ویکو^{۷۵}، از اندیشمندان رتوریک در عصر روشنگری، ضمن تفکیک قلمرو امور محتمل و امور قطعی، یادآور می‌شود که «آن دانش پایه که مبنای وحدت‌بخش در قلمرو امور محتمل است، دانش رتوریک می‌باشد».^{۷۶} هرچند همه این اندیشمندان در باب قابلیت تألیف‌گری رتوریک سخن گفته‌اند، اما مک‌کی‌ین، از فیلسوفان رتوریک جدید، نخستین کسی بود که رتوریک را اساساً به مثابه «هنر تألیف»^{۷۷} تبیین کرد. وی با نقد شمولیت مفهوم اقناع در رتوریک، جا را برای آوردن مفهوم تألیف در این عرصه باز کرد و گفت:

Candace Jones and Reut Livne-Tarandach, "Designing a Frame: Rhetorical Strategies of Architects", *Journal of Organizational Behavior*, vol. 29, no. 8 (2008): 1075-1099.

55. Serap Durmus & Sengül ÖYMEN GÜR, "Rhetoric Reading in Architecture: A Methodology Attempt", *The Journal of International Social Research*, vol. 7, Issue 31 (2014): 482.

56. Elizabeth Tostrup, *Architecture and Rhetoric, Text and Design in Architectural Competitions* (Oslo 1939-1996: Andreas Papadakis Publisher, 1999).

57. semiotics
58. semantics
59. space syntax
60. Darryl Hattenhauer, "The Rhetoric of Architecture: A Semiotic Approach", *Communication Quarterly*, vol. 32, no. 1 (1984): 74
61. visual rhetoric

در رتوریک بصری به بررسی تأثیر فرم‌های بصری بر بینندگان می‌پردازند. در کتاب تعریف رتوریک بصری معماری نیز در زمره رتوریک بصری قرار گرفته است؛ همچنین نک:

Greg Dickinson & Casey Malone Maugh, "Placing Visual Rhetoric: Finding Material Comfort in Wild Oats Market", in *Charles A. Hill & Marguerite Helmers* (eds.), *Defining Visual*

مختلف سخن، نظیر مقدمه، شاهد، اثبات، نتیجه‌گیری، و ... باشند که با تألیف مناسب آنها یک متن یا سخنرانی منسجم حاصل می‌آید.^{۸۱} علاوه بر این، در مرتبه‌ای کلان‌تر رتوریک نظر به تألیف سخن با سیاقش نیز (متن و زمینه)^{۸۲} دارد. پس به‌طور کلی رتوریک، معرفت تألیف اجزا برای ایجاد یک کلیت معنادار و تأثیرگذار است. توجه به این نکته لازم است که تألیف در همه این سطوح و مراتب دیگر آن هم‌زمان و یکباره انجام می‌پذیرد. به تعبیری، در همان حال که رتور در باب همنشینی دو واژه می‌اندیشد، این را در نظر دارد که هریک از این دو واژه خود متعلق به سیاقی بزرگ‌تر و اجزایی از یک کل بزرگ‌ترند. هر جزئی، جزئی از یک کل است و در ترکیب اجزا با یکدیگر کلیت‌های جدیدی به‌وجود می‌آیند. پس رتوریک در نظامی درهم‌تنیده و سلسله‌مراتبی به شناخت اجزا و کلیت‌ها و سپس تألیف اجزا و ایجاد کلیت‌های جدید می‌پردازد.

در حوزه تئوری معماری نیز از وصل و فصل اجزای معماری و تألیف آنها با یکدیگر سخن گفته می‌شود.^{۸۳} در معماری نیز این تألیف در سطوح مختلفی محقق می‌شود؛ گاه از همنشینی و تألیف مواد و مصالح مختلف در کنار یکدیگر سخن گفته می‌شود و گاه در باب تألیف عناصر معماری با یکدیگر اندیشیده می‌شود. همچنین در باب تألیف توده و فضا و در مرتبه‌ای کلان‌تر پیرامون تألیف اثر با سیاق بزرگ‌ترش، با خیابان و یا شهر و ... سخن گفته می‌شود. پس معماری نیز مانند رتوریک معرفت تشخیص اجزا و کلیت‌ها، تألیف آنها، و ایجاد کل‌های بزرگ‌تر است.^{۸۴}

علاوه بر آنچه ذکر شد، فرامپتن، تاریخ‌نگار معماری، در کتاب *مطالعاتی در فرهنگ تکتونیک*، در تبیین واژه «تکتونیک» به‌مثابه مفهوم کلیدی معماری، آن را «هنر اتصالات یا پیوندها»^{۸۵} خوانده است.^{۸۶} این در حالی است که یکی از مهم‌ترین تعابیر علمای بلاغت اسلامی از این فن نیز

معنای سنتی رتوریک، یعنی هنر اقناع، راه را بر عرصه‌های جدیدی که رتوریک می‌تواند در آنها مدخلیت داشته باشد می‌بندد و نقش مهمی که می‌تواند به‌مثابه یک هنر تألیف (کننده) در دانش بشری داشته باشد را مخدوش می‌کند.^{۷۸}

هرچند مک‌کی‌ین سعی دارد با کنار زدن فهم‌های رایج از رتوریک به‌مثابه ارتباطات (اقناع) و بلاغت، «هنر تألیف» را به‌مثابه ضرورت «عصر تکنولوژی»^{۷۹} شرح دهد، اما در این نوشتار سعی می‌شود که با تعمق بر قابلیت تألیف‌گری رتوریک و تبیین آن در سه سطح، نشان داده شود که این استعاره جدید در تبیین رتوریک، ضمن تمرکز بر قابلیت تألیف‌گری رتوریک، جامع معانی تاریخی رتوریک نیز هست، پس می‌توان آن را عمیق‌ترین و جامع‌ترین فهم از رتوریک دانست.

۴.۱. مراتب مختلف تألیف در رتوریک

قابلیت تألیف‌کنندگی رتوریک در مراتب مختلفی تجلی می‌یابد: در مرتبه اول رتوریک متضمن تألیف اجزای سخن و آفرینش سخنی بلیغ و منسجم است. در سطح دوم، با تمسک به مفهوم اقناع و تعمق در سازوکار آن، رتوریک متضمن هم‌افق کردن انسان‌ها با یکدیگر و ایجاد الفت میان آنها می‌شود. در سطح سوم نیز، با تمسک به فهم مک‌کی‌ین از رتوریک به‌مثابه هنر «آرشیئتکتونیک» می‌توان به قابلیت تألیف‌کنندگی معرفت‌های متکثر توسط رتوریک اشاره کرد. با فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف» در مراتب سه‌گانه آن و پیوند و یکپارچه کردن این سطوح با یکدیگر، می‌توان پیوند معماری و رتوریک را از نظرگاه جدیدی برقرار کرد.

سطح اول رتوریک و تألیف اجزا: در سطح اول رتوریک متضمن تألیف اجزای سخن شناخته می‌شود.^{۸۰} خواه این اجزا واژگانی باشند که در همنشینی و تألیف با یکدیگر جمله معنادار و منسجمی را به‌وجود می‌آورند و خواه بخش‌ها یا پاره‌های

Rhetorics (Routledge, 2004), 261; Roland Barthes, "The Rhetoric of the Image": in Stephen Heath (ed.), *Image Music Text* (Hill and Wang, 1977), p. 32-52; Sonja K. Foss, "Theory of Visual Rhetoric", in Ken Smith, Sandra Moriarty, Gretchen Barbatsis, Keith Kenney (eds.), *Handbook of Visual Communication: Theory, Methods, and Media* (Routledge, 2005), 141-152. 62. spatial rhetoric

۶۳: از آنجا که در رتوریک هدف تأثیر گذاری در عالم است، پس نوعی کنش است، اما معماری لزوماً همیشه به مثابه «معماری کردن» یا کنش معماری نیست. لفظ «معماری» معمولاً متوجه بناها یا محصول‌های معماری است، اما در هنگام اندیشیدن درباره «طراحی» از ابتدا به کنش معماری کردن به مثابه یک فعل و فرایند توجه می‌شود. پس این پیوند از بقیه پیوندها با رتوریک زاینده‌تر است؛ چون به موضوع خود رتوریک (کنش) نزدیک‌تر است.

۶۴: افراد دیگری چون بالارد و کاسکالا نیز با پیروی از بیوکانن مقالاتی در باب پیوند طراحی و رتوریک نگاشته‌اند؛ به طور مثال نک:

Lauri Jaakko Koskela and Glenn Ballard, "The Two Pillars of Design Theory: Method of Analysis and Rhetoric", in *International Conference on Engineering Design* (Sungkyunkwan University,

«معرفت وصل و فصل» است.^{۸۷} بنابراین روشن است که رتوریک و معماری هر دو به تألیف اجزا و چگونگی ربط و اتصال و وصل و فصل آنها با یکدیگر نظر دارند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت اندیشه انسان در دو ساحت نظر و عمل کارهای متفاوتی انجام می‌دهد. در ساحت نظر که غایتش صرفاً شناخت است، کار اندیشه تجزیه و تحلیل امور و شناخت اجزا و روابط محقق میان آنهاست و در ساحت عمل، که غایتش خلق است، کار اندیشه در زمینه روابط محتمل و ممکن، تألیف اجزا برای ایجاد یک کلیت در قالب یک «محصول» می‌شود، خواه آن محصول سخن و شعر باشد، خواه معماری و شهر. از این منظر رتوریک را می‌توان مبین سازوکار ساحت تألیفی اندیشه در همه حوزه‌هایی دانست که غایتشان خلق «محصول» است.^{۸۸}

سطح دوم رتوریک و تألیف افق انسان‌ها: با مروری بر کارکردهای رتوریک می‌توان گفت رتوریک علاوه بر اینکه برای ایجاد کلیت‌های منسجم میان اجزا تألیف ایجاد می‌کند، در سطح دیگری می‌تواند انسان‌های متفاوت با عقاید مختلف را با یکدیگر هم‌افق کند و میان آنها الفت ایجاد کند. تألیف‌گری رتوریک در این سطح، همان قابلیت است که در طول تاریخ رتوریک ذیل مفهوم «اقناع»^{۸۹} همواره قرین رتوریک بوده است. در لغت‌نامه نظریه انتقادی رتوریک «هنر اقناع گفتاری و نوشتاری» معنا شده است^{۹۰} و نویسنده ذیل مدخل «اقناع» در *دانشنامه رتوریک* می‌نویسد: «اقناع و رتوریک به قدری با یکدیگر قرابت دارند که گاهی حتی به جای یکدیگر به کار می‌روند».^{۹۱} بنابراین اقناع را به مثابه «اصل همیشه حاضر رتوریک» معرفی کرده‌اند.^{۹۲} در این نوشتار با تحلیل رخداد اقناع ثابت می‌شود که در هر اقناعی نوعی تألیف نهفته است.

وقتی خطیب کسی را قانع می‌کند، گویا با سخن خود بر او تأثیر دارد^{۹۳} و او را با خود هم‌نظر می‌کند برای اینکه کاری را انجام دهد یا ندهد؛ البته برای اینکه سخنش اثرگذار باشد،

باید به موضع مخاطب و جایگاه فکری، فرهنگی، و احساسی او توجه داشته باشد. به بیان دیگر، خطیب پیش از ایراد سخنش، از مخاطب تأثیر پذیرفته است. می‌توان گفت در واقع در هر اقناعی «موضع»^{۹۴} مخاطب و خطیب یکی می‌شود و هر دو از موضع و جایگاه پیشین خود نقل مکان می‌کنند و از «موضع مشترکی»^{۹۵} به مسئله می‌نگرند و به «فهم مشترکی»^{۹۶} می‌رسند. بنابراین در رخداد اقناع، از طریق سخن مؤثر نوعی وحدت یا تألیف میان خطیب و مخاطب ایجاد می‌شود. پس رتوریک علاوه بر اینکه به تألیف اجزاء و پاره‌های سخن می‌پردازد، می‌تواند خطیب و مخاطب را در زمینه مشترکی به یکدیگر نزدیک کند، آنها را با یکدیگر هم‌افق و میان آنها الفت برقرار کند. از این مجراست که مباحثی چون «فهم مشترک» و «موضع مشترک» و به‌طور کلی اشتراکات فرهنگی و تاریخی در رتوریک و در فرایند اقناع اهمیت می‌یابند.^{۹۷}

معمار نیز مانند رتور باید معرفت تألیف میان انسان‌ها و اقناع ایشان را داشته باشد. اقناع یکی از مهم‌ترین وظایف معمار در حین کار معماری است. بالارد و کاسکالا در مقاله «رتوریک و طراحی» به همین مطلب اشاره کرده‌اند: «در بطن طراحی معماری نوعی دیالوگ هست که شامل گفتگوی صاحب اثر با خودش یا دیگران است»، سپس ادامه داده‌اند که «هرجا دیالوگ باشد، اقناع نیز هست و هرجا اقناع باشد، آنجا قلمروی رتوریک است».^{۹۸} در غیاب فهم اهمیت اقناع در معماری، آثار معماری‌ای خلق می‌شوند که نخواهند توانست مخاطبانشان را اقناع کنند. مثلاً می‌توان به تجربه شهر شوستر نو اشاره کرد. شهری که با رعایت همه معیارهای فنی، زیبایی‌شناسی، و یا حتی عملکردی ساخته شد. شهری زیبا که تصاویر آن در بدو ساخته شدنش توانست تحسین معماران زیادی را برانگیزاند، اما غفلت نسبت به مخاطبان و سیاق اثر موجب شد که چنین شهر زیبایی اکنون ویرانه‌ای بیش نباشد. بنابراین کار معمار، خواه



Seoul, Korea, 2013); Glenn Ballard and Lauri Koskela, "RHETORIC AND DESIGN", in *International Conference on Engineering Design* (Seoul: Sungkyunkwan University, 2013).

65. Richard Buchanan.

"Rhetoric, Humanism and Design", 28.

66. Ibid, 24.26

67. Richard Buchanan,

"Declaration by Design:

Rhetoric, Argument, and Demonstration in Design

Practic", *Design Issues*, vol. 2, no. 1 (Spring, 1985): 45.

68. architectonic art

69. Ibid, 21.

۷۰. نخستین کسی که رتوریک را به مثابه

«هنر تألیف» یا «آرشیئتکتونیک آرت»

مطرح کرد، فیلسوف رتوریک مک‌کی‌ین

بود. بعدها بیوکانن با پیروی از او چنین

فهمی از رتوریک را با طراحی پیوند زد.

۷۱. دیکسون، خطابه، ۲۱.

۷۲. همان، ۲۲.

73. Thomas B. Farrell, "Common

places", in Theresa Enos (ed).

Encyclopedia of Rhetoric and

Composition: Communication

from Ancient Times to the

Information Age (Routledge

1996), 116.

۷۴. همان.

75. Giambattista Vico (1668

-1744)

۷۶. رائد فریدزاده، «وجه استعاری فهم در

هرمنوتیک ضدکارتی ویکو»، *دوفصلنامه*

تئوری رتوریک خویش را بنا می‌کند و می‌گوید:

علوم و دانش‌ها در دورهٔ جدید متکثر و تخصصی شده‌اند و

دانش‌های میان‌رشته‌ای به‌وجود آمده‌اند. همچنین همهٔ علوم در

گرفتن نقشی آرشیئتکتونیک که وظیفهٔ ساماندهی و ربط دادن امور

مختلف را به هم داشته باشد، با هم رقابت می‌کنند.^{۱۰۳}

یعنی بشر همواره به‌دنبال الگویی راهنما برای وحدت بخشیدن

به دانش‌های متکثر بوده است. الگویی که بتواند علوم متکثر

را در نظامی واحد ساماندهی و میان آنها پیوند برقرار کند.

به‌طورکلی در طول تاریخ، بشر همواره در پی یافتن چنین

«هنر تألیفی» برای وحدت حوزه‌های مختلف دانش بشری

بوده است. به نظر دکارت، در طلب چنین وحدتی میان علوم،

روش‌های منطقی موجود در علوم ریاضی و فیزیک می‌توانند در

همهٔ معارف بشری اعمال شوند و از این طریق وحدتی پنهان

میان علوم مختلف به ارمغان آورند. بعدها کانت نیز در نقد

عقل محض از وحدت نظام‌مند میان دانش‌ها سخن می‌گوید

و «آرشیئتکتونیک را هنر ساختن نظام‌ها می‌خواند». ^{۱۰۴} اما

مک‌کی‌ین، فیلسوف رتوریک، معتقد است رتوریک آن دانش

پایه‌ای است که قابلیت تألیف میان همهٔ معرفت‌های بشری را

دارد و در دوره‌هایی در طول تاریخ (اعم از دورهٔ جمهوری روم

و رنسانس) چنین قابلیت را آشکار کرده‌است.

اما برخی معرفت‌ها در زمرهٔ معرفت‌های نظری و برخی

دیگر از جمله معرفت‌های عملی محسوب می‌شوند، و رتوریک

می‌تواند میان این دو (نظر و عمل) نیز پیوند و تألیف ایجاد

کند. مک‌کی‌ین در مقالهٔ «کاربرد رتوریک در عصر تکنولوژی»

می‌نویسد: «آرشیئتکتونیک تئوری و پرکتیس را با هم متحد

می‌کند». وی در ادامه برای تبیین این ویژگی تألیف‌گری

رتوریک از استعارهٔ معماری کمک می‌گیرد^{۱۰۵} و می‌گوید:

هنر آرشیئتکتونیک هم همان کارهایی را انجام می‌دهد که معماری

می‌کند، یعنی تئوری و پرکتیس را با یکدیگر وحدت می‌بخشد،

در مرحلهٔ تکوین ایدهٔ طرح باشد، خواه در فرایند مذاکره با تیم

طراحی یا کارفرما و یا کاربران باشد، و خواه در ساخت نهایی

خود معماری باشد، آغشته به اقناع است.^{۹۹} بنابراین در سطح

یادشده از فهم رتوریک روشن می‌شود که معماری و رتوریک

هر دو معرفت هم‌افق کردن و الفت بخشیدن میان انسان‌ها

(معرفت اقناع) هستند. لازمهٔ این معرفت فهم عمیقی از ذوق و

سلیق، و تاریخ و فرهنگ مخاطبان است.

سطح سوم رتوریک و تألیف دانش‌ها و معرفت‌ها: برای فهم

بهتر و دقیق‌تر سطح سوم قابلیت «تألیف»کنندگی رتوریک،

باید به ریشه‌ها و استعمال‌های تاریخی واژهٔ «آرشیئتکتونیک»

توجه کرد. این واژه‌ای است کهن، مهم، و کلیدی در نشان

دادن آبشخور و زمینهٔ مشترک میان معماری و رتوریک؛ زیرا،

از طرفی، همان‌طور که ذکر شد، یکی از تلقی‌های جامع از

رتوریک در دوران اخیر را شکل می‌دهد و از طرف دیگر،

واژه‌ای است که از لحاظ لغوی واژهٔ معماری^{۱۰۰} را در درون خود

دارد؛ و بنابراین مدخل خوبی برای تعمق در پیوند این دو حوزه

فراهم می‌آورد. در لغت‌نامه‌ها غالباً دو معنا برای این واژه ذکر

شده است، معنای نخست آن در حوزهٔ معماری است: «هرآنچه

که مربوط به معماری است»؛ و معنای دوم آن در حوزهٔ فلسفه

است که به «سیستم‌سازی یا نظام‌سازی دانش‌ها» تعبیر شده

است.^{۱۰۱}

این معنای ثانوی آرشیئتکتونیک در رتوریک جدید به کار

آمده است. جیمز هریک معتقد است مک‌کی‌ین با استفاده از

اصطلاح آرشیئتکتونیک می‌خواهد به این اشاره کند که

رتوریک به‌مثابهٔ یک رشتهٔ اصلی به بقیه رشته‌ها، معرفت‌ها و

هنرها نظم و ساختار می‌دهد؛ زیرا رتوریک، در میان بقیهٔ علوم،

مطالعه دربارهٔ شیوهٔ ساماندهی تفکر هنگام مواجهه با موضوعات

متنوع و مختلف است.^{۱۰۲}

مک‌کی‌ین با تکیه بر همین قابلیت تألیف‌گری رتوریک،

فلسفی شناخت، ش. ۷۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۲۰۶.

۷۷. هنر آرشیئتکتونیک را به هنر انسجام نیز می‌توان ترجمه کرد.

78. Backman, "Introduction: Richard, McKeon and the Renaissance of Rhetoric", xii.
79. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age: Architectonic Productive Arts", 197-205.

۸۰. تأمل در سبب تألیف اجزا و پاره‌های مختلف سخن در رکن دوم رتوریک، یعنی رکن ترتیبات، مطرح می‌شود.

81. Aristotle, *On Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*, Translated by George A. Kennedy (Oxford University Press, 2006), 229.

82. text & context

۸۳. نک: پی‌یر فن مایس، *عناصر معماری از صورت تا مکان*. ترجمه فرزین فردانش (تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۹۰).

۸۴. کریستوفر الکساندر در مجموعه کتاب‌های سرشت نظم، در فصل سوم ذیل کلیت و نظریه مراکز به همین تألیف و انسجام‌بخشی اجزای معماری و ساخت کلیت در مراتب مختلف اشاره می‌کند (کریستوفر الکساندر، *سرشت نظم: گزیده جلد اول: پدیده حیات*، ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری (تهران: پرهام، ۱۳۹۶)، ۶۰-۷۸).

ت ۱. تألیف معرفت‌های دخیل در معماری و رتوریک، مأخذ: نگارندگان.

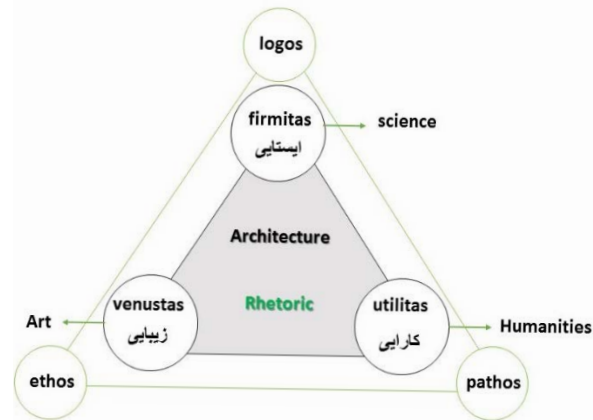
قاعده‌های ترکیب، تناسبات، و طراحی را با قراردادهای، عادت‌ها و عرف، مهارت‌ها و توانایی، و تجربه‌های ملموس، همه و همه را یکی می‌کند. آرشیئتکتونیک اصلاً یعنی چیزی که موجب این اتحاد می‌شود.^{۱۰۶}

به تعبیر دیگر، او معماری را به‌مثابه الگوی راهنمایی برای فهم رتوریک جدید معرفی می‌کند. از این منظر، معماری نیز دارای چنین قدرتی است که اجزا و موضوعات متنوع و مختلف را در قالب یک تصمیم واحد به وحدت می‌رساند و با یکدیگر تألیف می‌کند. وی می‌گوید:

معماری از قدیم یک هنر آرشیئتکتونیک بوده است؛ زیرا در معماری تخصص‌های متنوعی برای خلق یک محصول واحد به کار گرفته می‌شوند.^{۱۰۷}

همچنین از منظر مک‌کی‌نین

معماران و اهل رتوریک (رتور) هردو ایده‌ای کلی در ذهنشان تجسم می‌کنند و از متخصصان مختلف بهره می‌گیرند تا در نهایت تصوراتشان را خلق کنند. یک آرشیئتکتون، خواه معمار باشد و خواه یک رتوریسین، به هنرش از زاویه دیگری نگاه می‌کند که متفاوت با نگاه یک کاشی‌کار به کارش است. کاشی‌کار تمرکزش فقط بر فرم و عملکرد کار خودش است، ولی آرشیئتکتون از مرتبه‌ای بالاتر



به روابط کلی اجزای مختلف و موقعیت هر جزء در کل احاطه دارد و می‌تواند نقشه راهنمایی برای همه متخصصانی که زیر دستش کار می‌کنند عرضه کند.^{۱۰۸}

بنابراین با توجه به استعاره معماری در تبیین آرشیئتکتونیک می‌توان نتیجه گرفت که هنر آرشیئتکتونیک از منظر مک‌کی‌نین اشاره به ساماندهی و تألیف معرفت‌های نظری و عملی مختلف در قالب یک نظام منسجم و معنادار دارد. این ویژگی تألیف‌گری در رتوریک نظر به این دارد که رتور همه دانش‌های متکثر نظری را در یک موقعیت انضمامی عملی با یکدیگر تألیف و در قالب یک تصمیم آشکار می‌کند.^{۱۰۹}

با نظر کردن به مثلث رتوریک ارسطو نیز می‌توان تألیف معرفت‌های مختلف در رتوریک را شرح داد. گفته شد که از منظر ارسطو اقناع از سه طریق محقق می‌شود: لوگوس، اتوس، و پاتوس. به تعبیر دیگر، امر مشترک و مورد قبولی که می‌تواند میان مخاطب و خطیب تألیف ایجاد کند، هم در حوزه لوگوس است، مثل حوزه منطق یا علوم، هم در قلمرو پاتوس است که مربوط به قلمرو احساسات مخاطب است، و هم در حوزه اتوس است که در پی ایجاد اشتراک با تمسک به مشترکات عرفی و اخلاقی است. پس رتوریک را می‌توان محل تألیف معرفت‌های عقلانی، احساسی، عرفی، و فرهنگی دانست.

آشکار است که معماری نیز دقیقاً محل تلاقی و تألیف‌کننده چنین معرفت‌هایی است. معماری، از طرفی، شامل مباحث علمی و فنی است و آن را در زمره علوم مهندسی می‌خوانند و از جانب دیگر، شامل مباحث هنری و احساسی است و آن را در زمره هنرها به حساب می‌آورند، همچنین نظر به عرف و امور اجتماعی نیز دارد و آن را با علوم اجتماعی و انسانی پیوند می‌دهند. مثلث رتوریک ارسطو (لوگوس، پاتوس، و اتوس) و سه پایه معماری ویتروویوس (فرمیتاس، یوتیلیتاس، و ونوستاس) هردو مبین معرفت‌های متنوع دخیل در رتوریک و معماری هستند.

85. arts of joining
86. Kenneth Frampton. *Studies in Tectonic Culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture* (The MIT Press, 2001), 4.

۸۷. شمیسا، معانی (تهران: میترا، ۱۳۹۱)، ۱۹۵.

۸۸. یکی دیگر از تعابیر مهمی که مک‌کی‌بن در تبیین رتوریک جدید در کنار آرکی تکتونیک استفاده می‌کند اصطلاح پروداکتیو است. یعنی رتوریک عملی است که معطوف به تولید یک محصول و کنشی فعالانه در هستی است (نک: McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 197-205; Buchanan, "Design and the New Rhetoric: Productive Arts in the Philosophy of Culture", *Philosophy and Rhetoric*, vol. 34, (no. 3 (2001): 183-206

89. persuasion

90. Buchanan, *Dictionary of Critical Theory*.

91. William L. Nothstine and Martha Cooper, "Persuasion", in Theresa Enos (ed), *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age* (Routledge, 2011), 505.

92. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric*, 3.

۹۳. این تأثیر با واژه اینفلوئنس influence بیان می‌شود که معنای جریان و سریان امری از نقطه‌ای به نقطه

است، بنابراین همان‌گونه که رتوریک مصداقی از «هنر تألیف» است، طراحی معماری نیز مصداقی دیگر از همان هنر است. همچنین با تعمق در موقعیت رتوریکال در رتوریک می‌توان ارمغان‌هایی برای حوزه معماری به بار آورد.

موقعیت رتوریکال مبین موقعیتی «پویا» و در حال تغییر و تحول^{۱۱۱}، «پیچیده و نامتعیین»^{۱۱۲}، و «منحصربه‌فرد، جزئی، و ملموس»^{۱۱۳} است که شامل ضرورت‌ها^{۱۱۴}، محدودیت‌ها^{۱۱۵}، و مخاطبانی^{۱۱۶} با سائق‌ها و باورهای مختلف است و غایت آن خلق یک «محصول» یا اتخاذ یک «تصمیم» است.^{۱۱۷} دقیقاً مانند حوزه تصمیم و عمل انسان که در یک موقعیت پیچیده و چندوجهی و یکتا و منحصربه‌فرد باید تصمیمی گرفت. بنابراین تصمیم مناسب در موقعیت‌های مختلف بسته به شرایط متفاوت است و نمی‌توان انتظار داشت که قواعدی متعیّن، کلی، و عمومی و یا نسخه و دستورالعملی برای راهنمایی رتور وجود داشته باشد، بلکه رتور در موقعیت رتوریکال باید به «هنرها»یی آراسته باشد که با تغییر شرایط و دگرگون شدن موقعیت، همچنان بتواند محصولی منسجم و اقناع‌کننده تألیف کند.^{۱۱۸} پس در موقعیت رتوریکال علاوه بر آموختن معرفت‌های متنوع، تربیت و پرورش قوای درونی رتور نیز اهمیت می‌یابد؛ شاید حتی اهمیتی بیشتر.

موقعیت رتوریکال می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای موقعیت‌هایی باشد که معمار در آنها قرار می‌گیرد. موقعیت طراحی معماری نیز چون موقعیت رتوریکال، در عرصه امور محتمل و نامتعیّن است. تبیین مسائل طراحی به‌مثابه مسائل «بداختار»^{۱۱۹} دقیقاً اشاره به همین ویژگی مسائل طراحی دارد.^{۱۲۰} به همین علت است که هرگز برای خلق یک معماری خوب، برخلاف علوم دقیقه، مانند ریاضی یا شیمی، نمی‌توان راه حل و یا دستورالعمل مشخصی تجویز کرد، بلکه معمار خودش نقش فعالانه‌ای در تعریف و تبیین مسئله دارد. او هنگام

تصمیمی در قلمرو معماری و رتوریک، در آن واحد، پاسخی به هر سه وجه مذکور است. اما به‌نظر می‌رسد در حوزه معماری، ما همواره به‌صورت جداگانه به این وجوه مثلث نظر کرده‌ایم و کمتر توانسته‌ایم نگاهی کل‌نگر به ماهیت وحدت‌یافته آن بیاندازیم. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم انسجام و چندپارگی دانش معماری را غفلت نسبت به همین مطلب دانست.

همان‌طور که ذکر شد، معماری نیز، مانند رتوریک، خود دانشی تألیف‌کننده است که دانش‌ها و معرفت‌های متکثر نظری و عملی را در تصمیم‌های منجر به اثر معماری به وحدت می‌رساند. می‌توان گفت معماری نیز در بطن خویش این قابلیت تألیف‌گری را دارد و به همین دلیل است که اندیشمندان رتوریک نیز از استعاره معماری برای نشان دادن این قابلیت در رتوریک استفاده کرده‌اند، اما گویا سیطره نگاه تخصصی و جزءنگر دوره جدید نسبت به معماری، پرده‌ای بر فهم آن به‌مثابه هنر تألیف افکنده است. بنابراین همان‌گونه که اندیشمندان رتوریک برای نشان دادن قابلیت تألیف‌گری رتوریک به معماری تمسک جسته‌اند، ما نیز می‌توانیم برای تبیین و فهم بهتر معماری از رتوریک بهره بگیریم.

۲.۴. موقعیت رتوریکال و موقعیت طراحی معماری

موقعیتی که رتور در آن دست به تألیف هم‌زمان در همه مراتب مذکور می‌زند و درنهایت می‌تواند محصولی منسجم، اثرگذار، و اقناع‌کننده خلق کند، «موقعیت رتوریکال»^{۱۲۱} نام دارد. موقعیت رتوریکال مناسب‌ترین بستر برای فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف» است. نظریه موقعیت رتوریکال نظریه‌ای جامع در حوزه رتوریک است، که شرح تطورات تاریخی و بسط مفاهیم آن در این نوشتار نمی‌گنجد. در این مجال تنها با شرحی مختصر از ویژگی‌های این موقعیت نشان داده می‌شود که موقعیت‌هایی که معمار نیز در آن قرار می‌گیرد، مشابه موقعیت‌های رتوریکال

دیگر را دارد. از آنجاکه پس از این جریان، چیزی (نظر، حالت، یا احساسی) در میان هردو طرف اشتراک می‌یابد، تأثیرگذاری نوعی ایجاد اشتراک و وحدت بخشیدن میان دو امر است.

۹۴. یکی از موضوعات مهم در رتوریک، مواضع یا توپوس است که نشان می‌دهد که برای اینکه کسی را اقناع کنیم باید مواضع مشترکی با هم بیابیم (برای مطالعه بیشتر در باب مواضع نک: ارسطو، خطابه، ۲۶۳-۲۹۰).

95. common place
96. common sence
97. Farrell. "Common places", 116.
98. BALLARD and KOSKELA, "RHETORIC AND DESIGN", 35.

۹۹. البته شایان توجه است که گاه این اقناع، اقناع از طریق زبان است (مثلاً اقناع کارفرما و طراحان این گونه است) و گاه اقناع از طریق اثر معماری است.

100. architecture
101. Online Etymology Dictionary- <http://www.etymonline.com>
102. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric*, 3.
103. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 203.
104. Glenn Alexander Magee, *Architectonic, Truth, and Rhetoric*, *Philosophy & Rhetoric*, vol. 42, no. 1 (2009): 65-67.

۱۰۵. در قرون وسطی معمار را «مکانیکوس» و در دوره‌های قبل «آرکیتکتون» (آرشیکتون) می‌خواندند.

مواجهه با یک موقعیت طراحی در موقعیتی پیچیده و مبهم و چندلایه قرار می‌گیرد و باید بتواند ابتدا فهمی منسجم از آن موقعیت به‌دست آورد و مسئله را «قاب‌بندی» کند^{۱۱۱} و این دقیقاً مشابه کار رتور در موقعیت رتوریکال است.^{۱۱۲} همچنین طراح باید بتواند در چنین موقعیت نامتعیین و مبهمی مسائل متکثر و دانش‌ها و معرفت‌های مختلف را در یک تصمیم و یا محصول با یکدیگر تألیف کند. از آنجاکه موقعیت‌های طراحی معماری نیز شرایطی پویا و در حال تغییر دارند، اصول و قواعد ثابتی برای آموزش معمار هنگام مواجهه با موقعیت طراحی وجود ندارد، بلکه معمار باید به‌نحوی تربیت و به هنرهایی آراسته شود که از پس هر موقعیت خاص و منحصربه‌فرد برآید. از منظر دونالد شون، هر مسئله طراحی «جهانی یگانه» است و هیچ دو مسئله‌ای شبیه هم نیستند. همان‌گونه که اندیشمندان رتوریک آراسته بودن به نوعی «هنر» را برای پاسخ‌گویی به مسائل رتوریک لازم دانسته‌اند، شون نیز آراسته بودن به نوع خاصی از «هنر» را برای «از عهده‌تکالیف منحصربه‌فرد طراحی برآمدن» ضروری می‌داند.^{۱۱۳} به تعبیری، در عرصه معماری نیز تربیت معمار و پرورش قوای درونی او باید مقدم بر آموزش معماری باشد.

پس از فهم مشابهت موقعیت رتوریکال و موقعیت طراحی معماری، و نشان دادن اینکه معمار و رتور هر دو در موقعیت تألیف یک محصول منسجم برای ایجاد تأثیر اقناع‌کننده قرار دارند، این پرسش پیش می‌آید که چگونه رتور (معمار) می‌تواند در هر موقعیت بدیع، منحصربه‌فرد، و جزئی‌ای که قاعده‌هایی کلی برای آن وجود ندارد، همچنان کارش را به‌خوبی انجام دهد؟

با تعمق بر موقعیت رتوریکال می‌توان رتور را در چنین موقعیتی در دو مقام دانست که هر یک توانایی متناسب با خود را می‌طلبند: گاه در موقعیت ادراک^{۱۱۴} و تشخیص وحدت

قرار می‌گیرد و گاه در موقعیت ایجاد و خلق^{۱۱۵} آن.^{۱۱۶} در مقام نخست رتور با ایجاد انسجام و یافتن اشتراک میان اجزای متکثر موقعیت، به شناخت موقعیت و قاب‌بندی مسئله و در مقام دوم به تألیف میان اجزا برای خلق یک محصول می‌پردازد.^{۱۱۷} قوه‌ای در انسان که قادر است او را در این دو ساحت توانمند کند، قوه‌ای به نام «حس مشترک»^{۱۱۸} است. حس مشترک به‌مثابه یکی از قوای درونی انسان مورد توجه فیلسوفانی چون ارسطو و ابن‌سینا^{۱۱۹} بوده و بعدها ویکو آن را با مباحث رتوریک پیوند داده است.^{۱۲۰} به‌طور اجمالی می‌توان حس مشترک را به‌مثابه قوه‌ای در وجود انسان دانست که با توان تألیف‌گری انسان ارتباط وثیقی دارد. حس مشترک، از طرفی، با همدستی با قوه «یاد»^{۱۲۱} به ادراک و شناخت اشتراک‌ها می‌پردازد و از جانب دیگر، با همدستی با قوه «تخیل»^{۱۲۲} به ایجاد و خلق اشتراک و تألیف می‌پردازد. بنابراین از جمله مهم‌ترین قوایی که در وجود رتور باید تقویت شود، تا بتواند در موقعیت‌های پیچیده و مبهم تصمیمی بگیرد و محصولی خلق کند، قوه حس مشترک یاد و تخیل است.

روشن است که معمار نیز در موقعیت طراحی در این دو مقام قرار می‌گیرد و محتاج پرورش همان قوا برای از عهده برآمدن از چنین موقعیت‌هایی است. اما در آموزش معماری تنها اندکی سخن از پرورش قوه تخیل زده می‌شود. همچنین از حافظه نه به‌مثابه یک قوه شناختی، بلکه به‌مثابه مخزنی برای صورت‌ها سخن گفته می‌شود، و قوه‌ای به نام حس مشترک به‌طور کلی مغفول می‌ماند.

مؤخره

چنانچه نشان داده شد، با فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف»، نسبت رتوریک و معماری به‌نحو دیگری و فراتر از استفاده از امکانات ارتباطی رتوریک در معماری و یا پیوندی میان‌رشته‌ای

مکانیکوس اشاره به شأن نظری معماری دارد. حال آنکه آرکیتکتون به پیوند نظر و عمل اشاره دارد.

Stephen Parcel, *Four Historical Definition of Architecture* (Mc Gill- Queens university press. 1954), 56.

106. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 199.

107. Ibid, 202.

108. Backman, "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric", xxiii.

۱۰۹. موضوع تألیف دانش‌های نظری در موقعیت عملی برای اتخاذ یک تصمیم واحد، دقیقاً مشابه اتفاقی است که در حکمت عملی و توسط فرونیوموس می‌افتد. ارسطو نیز با ذکر آرشیئتکتونیک می‌گوید قاعده‌هایی کلی وجود دارد که فرونیوموس یعنی حکیم عملی با نظر به آنها، از یک طرف، و با توجه به موقعیت خاص مسئله، از جانب دیگر، تصمیمی اتخاذ می‌کند. بنابراین روشن است که رتوریک در هر حوزه‌ای که انسان می‌خواهد مداخله‌ای در هستی کند و به تعبیری عمل (پراکسیس) محقق شود، به‌مثابه مفصل پیونددهنده نظر و عمل حضور دارد.

110. Rhetorical Situation

111. Donna Gorrell, "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 30, no. 4 (1997): 401.

112. Indeterminate: Scott

می‌دهد که موضوع معماری صورت‌ها، فرم‌ها، ساخت‌مایه‌ها، یا حتی فضاها (به‌تنهایی) نیست. معمار معرفتی درباره همه اینها و درباره چیزهای دیگر دارد، اما گویا معماری نیز مانند رتوریک همان دانش، هنر، و معرفتی است که در واقع موضوع ندارد، بلکه موضوعش تألیف و انسجام‌بخشی به انواع معرفت و ایجاد آن کل واحد است. همین معنا از معماری است که در کلمه آرشیئتکتونیک به‌صورت پنهان حضور دارد، و فهمی از معماری را از گذشته در این مفهوم حفظ کرده و به امروز آورده است. بنابراین، معماری که امروز از معنای خود بسیار دور شده و بزرگ‌ترین مسئله‌اش شده است عدم انسجام! روزگاری مثال انسجام بوده است. از این‌رو در گذشته، رتوریک برای شناختن خود، خود را در آینه معماری دیده و تاریخ غنی اندیشه در باب رتوریک را برپا کرده است. امروز معماری‌ای که انسجام خود را از دست داده است، باید برگردد و برای بازشناختن خود به این میراث غنی نگاه کند و خود را در آینه هنر انسجام یعنی رتوریک دوباره ببیند. در شیوه‌های آموزش رتوریک، در تربیت رتور، در شیوه‌های انسجام‌بخشی، و ... در همه اینها معماری می‌تواند معناهای مغفولی از خود را باز یابد و بفهمد. معناهایی که امروز به‌شدت با آنها بیگانه است، از آنها سخن می‌گوید اما آنها را نمی‌شناسد. مانند کسی که نسب و تبار خود را نمی‌شناسد.

دعوت از واژگان رتوریکی در تئوری‌های جدید معماری مانند آوردن اجداد شخصی به یک میهمانی در خانه اوست، بدون اینکه آنها را به‌جای آورد و بشناسد. وضعیتی است مشابه وضعیت فرزندی که پدر خویش را نمی‌شناسد، اما سال‌های چندی است که او را به خانه خود دعوت کرده است و مانند غریبه‌ای با او زندگی می‌کند. غم‌انگیزترین لحظه‌ها جایی است که در متون معماری می‌بینیم که مفهوم آرشیئتکتونیک به واژه‌های بسیار نامربوطی ترجمه می‌شود.^{۱۳۶} بازشناسی و

برقرار می‌شود. در پرتو چنین فهمی، می‌توان نشان داد که موقعیت‌های مختلف معمار در حین کار معماری درست مشابه موقعیت رتور هنگام انعقاد سخن است. معمار و رتور هر دو، در قلمرو امور محتمل، به قصد تصرف و تغییر و تأثیر در جهان به تصمیم و انتخاب می‌پردازند. ایشان برای رسیدن به تصمیم، محتاج تألیف و انسجام در ساحت اندیشه، احساس، و فهم انسانی هستند؛ یعنی رتوریک و معماری هر دو معرفت ایجاد انسجام در موقعیت‌های رتوریکال هستند. تعمق در این موقعیت‌ها و موضوعات می‌تواند در قلمرو معماری بسیار راهگشا باشد.

طرح نظریه «موقعیت رتوریکال» از این حیث اهمیت دارد که این موقعیت طبق تعریف به‌طور هم‌بسته و کل‌نگر دیده می‌شود و نمی‌توان اجزای آن را به‌طور مجزا از هم ملاحظه کرد. مفروض مهم نظریه «موقعیت رتوریکال» این است که تقلیل یک کل پیچیده و زنده به جزء، وجه، یا ساحتی خاص از آن موجب کژفهمی و آسیب در فهم و شناخت می‌شود.^{۱۳۳} موقعیت رتوریکال به اعتبار «موقعیت» نامیده شدنش از «کل» مراقبت می‌کند و از تجزیه‌گری، ساده‌سازی، و ساده‌انگاری تن می‌زند. از طرفی، معماری بر اثر غلبه نگاه کمی‌نگر و رشته‌ای جدید^{۱۳۴} و دور شدن از حرفه و ده‌ها علت دیگر دچار مسئله عدم انسجام در همه لایه‌ها و سطوح شده است. به‌نحوی که «مهم‌ترین مسئله معماری امروز را می‌توان «مسئله عدم انسجام» دانست».^{۱۳۵} طرح مکرر این مسئله نزد اندیشمندان معماری، به‌ویژه در نیم‌قرن اخیر، خود گواهی بر اهمیت موضوع عدم انسجام در آموزش و تئوری معماری است. در چنین شرایطی، «معرفت انسجام» همان معرفتی است که به کار معماری و حل کردن بزرگ‌ترین معضل آن می‌آید؛ اما این از سنخ به کار گرفتن رتوریک در معماری نیست، بلکه مسئله پیوند حقیقی دو حوزه معرفتی در یک زمینه کلی‌تر و وسیع‌تر است.

تعمق بر واژه آرشیئتکتونیک از نظرگاه رتوریک به ما نشان

- Consigny, "Rhetoric and Its Situations", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 7, no. 3 (Summer, 1974):180.
113. particular & concrete: Gorrell. "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", 398.
114. exigence
115. constraints
116. audience
117. Lloyd F. Bitzer, "The Rhetorical Situation", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 1, No. 1 (Jan., 1968): 6.
118. Consigny, "Rhetoric and Its Situations", 178.
119. ill structure
120. Herbert A. Simon "The Structure of Ill Structured Problems". *Artificial Intelligence*, vol. 4, no. 34 (1973): 181-201.
۱۲۱. فرهاد شریعت راد و حمید ندیمی، «قاب‌بندی مسئله؛ راه طراحانهٔ رویارویی با مسئلهٔ طراحی». صفحه، ش. ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۵-۲۴.
122. Richard E. Vatz, "The Myth of the Rhetorical Situation", *Philosophy and Rhetoric*, vol. 6, no. 3 (1973): 154-161.
123. D.A. Schon, "Toward a Marriage of Artistry & Applied Science In the Architectural Design Studio", *Journal of Architectural Education*, vol. 41, no. 4. (Summer, 1988): 4-10.
124. perception
125. creation

آمدن شکاف در پیکره نظریه‌های معماری جلوگیری می‌کند؛ و شکاف‌هایی چون شکاف میان کارایی و زیبایی، شکاف میان صورت و معنای اثر، شکاف میان کاربر و معمار که همگی ناشی از بی‌توجهی متوازن به همهٔ رئوس این مثلث و فقدان درک موقعیت رتوریکال معماری هستند، در پرتو چنین فهمی مرتفع خواهند شد.

همچنین در پژوهش مفصل دیگری می‌توان در باب روش‌های آموزش رتوریک و چگونگی ایجاد انسجام میان آموزش‌های نظری و عملی آن در طول تاریخ اندیشید و از این درگاه در باب آموزش معماری و مهم‌ترین مسئلهٔ آن، یعنی عدم انسجام میان دروس نظری و عملی، بازاندیشید. علاوه بر این، با تعمق در موقعیت رتوریکال می‌توان پارادایم غالب آموزش در مدارس معماری را تغییر داد. همان‌طور که ذکر شد، در موقعیت رتوریکال بیش از آنکه آموزش اصول و قواعد مهم باشد، هدف تربیت انسان باتدبیری است که بتواند در چنین موقعیت‌هایی، مناسب‌ترین تصمیم‌ها را بگیرد. بنابراین تربیت بر آموزش مقدم خواهد بود. روشن است از آنجا که معمار نیز همواره در موقعیت‌های رتوریکال باید تصمیم بگیرد، بیشتر محتاج تقویت قوهٔ تشخیصی است تا یاد گرفتن اصول و قواعد خاصی برای معماری کردن. پس با اتکا به دانش رتوریک و فهم آن به‌مثابهٔ «هنر تألیف»، می‌توان امیدوار تحولات سازنده‌ای در دو حوزهٔ تئوری و آموزش معماری بود که شرح و بسط هر یک از آنها می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

References

Ahmadi, Mohammad and Taghi Poornamdarian. "An Introduction to Multiple Meanings of Rhetoric". *Journal of Language and Translation Studies (LTS: Quarterly of Ferdowsi University of Mashhad)*, vol. 50, no. 1 (Spring 2017): 27-52. (In Persian)

به جای آوردن این پدر تحولی در فهم معماری از خودش ایجاد می‌کند. پس معماری امروز که به‌طور کلی از ریشه‌هایش بریده شده است، در پرتو پیوند با رتوریک می‌تواند بار دیگر به ریشه‌های خود رجوع کند. معماری اگر در آینهٔ رتوریک خود را بنگرد، گویا شاکلهٔ وحدت پیشین خود را می‌تواند بازشناسد. رتوریک مانند چارچوب مفهومی جدیدی که به‌طور کل‌نگر و به‌هم‌پیوسته به تصمیم و عمل آدمی و به نیروی اندیشه در اثر گذاشتن بر دیگران می‌نگرد، می‌تواند بار دیگر معماری را به وحدت و انسجام نزدیک کند.

اگر رتوریک به‌مثابهٔ تألیف و یا معرفت انسجام فهمیده شود، در پژوهش‌های آتی، در پرتو چنین فهمی از رتوریک و نسبت آن با معماری، در دو حوزهٔ تئوری و آموزش معماری می‌توان بازاندیشی و شکاف‌های موجود در این عرصه‌ها را مرتفع کرد؛ مثلاً می‌توان در این باب اندیشید که چگونه رتوریک می‌تواند شکاف‌های موجود در تئوری‌ها و نظریه‌های معماری را برطرف کند. می‌توان نشان داد که در پرتو چنین فهمی از رتوریک و پیوند آن با معماری نظریات و مانیفست‌های افراطی معماری از قبیل کارکردگرایی^{۱۳۷}، صورتگرایی^{۱۳۸}، و ... که هر یک جانب یکی از معرفت‌های دخیل در معماری را می‌گیرند، مجالی برای ظهور نمی‌یابند. مثلث رتوریکی اقناع و موقعیت رتوریکال با نشان دادن مدخلیت هم‌زمان معمار و کاربر (مخاطب) در تکوین اثر و همچنین همبستگی معرفت‌های نظری، عملی، و صناعی در معماری، از به‌وجود

Alexander, Christopher. *The nature of order: selection of the first volume: the phenomenon of life*. Persian translation by Reza Cyrus Sabri and Ali Akbari. Tehran: Parham publication. 2017. (In Persian)

126. Gorrell, "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", 396.

۱۲۷. پاتون نیز به این دو کار رتور در موقعیت رتوریکال اشاره می‌کند و می‌نویسد: «موقعیت رتوریکال یک فرایند دوجانبه است. از طرفی، موضوع آن شناخت، تشخیص، و وضوح و دقت ادراک است و از جانب دیگر، یک عمل تعمدی،

انسانی و هنری است»

(John H. Patton, "Causation and Creativity in Rhetorical Situations: Distinctions and Implications". *Quarterly Journal of Speech*, vol. 65, Issue 1 (1979): 45).

128. common sense

۱۲۹. ابوعلی سینا در فن ششم در کتاب *شفاء*، به مبحث حس مشترک پرداخته است و بیان کرده است که یکی از قوای نفس، قوه حس مشترک و یا بنطاسیا (معرب فانتازیا) است. نه مترجمان و نه شارحان به این توجه نکرده اند که چرا کلمه بنطاسیا که در کتب دیگر به تخیل ترجمه شده است را ابوعلی به راحتی در مقابل حس مشترک می‌گذارد. این امر خبر از پیوند وثیق قوه تخیل و حس مشترک می‌دهد (نک: محمدجواد فرینزاده، «درس گفتارهای هرمنوتیک» (دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹)؛ همچنین برای مطالعه بیشتر نک: سیدجعفر سجادی، فرهنگ علوم عقلی: شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی، ۲۲۴، ۱۳۰.

۱۳۰. راند فرینزاده، «وجه استعاری فهم در

Aristotle. *khatabe (speeches of Aristotle)*. Persian translation by Esmael Saadat. Tehran: Hermes publication, 2013. (In Persian)

_____. On Rhetoric: *A Theory of Civic Discourse*. Translated by George A. Kennedy. Oxford University Press, 2006.

Backman, Mark. "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric". in Richard Peter McKeon, *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery*, Published by Ox Bow Pr., 1987.

Ballard, Glenn and Lauri Koskela. "RHETORIC AND DESIGN". in *International Conference on Engineering Design*, Seoul: Sungkyunkwan University, 2013.

Barthes, Roland. "The Rhetoric of the Image". in Stephen Heath (ed.). *Image Music Text*, Hill and Wang, 1977, 32-52.

Bitzer, Lloyd F. "The Rhetorical Situation". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 1, No. 1 (Jan., 1968): 1-14.

Black, Edwin. *Rhetorical Criticism: A Study in Method*. New York: Macmillan, 1965.

Blair, Hugh. "Lectures on Rhetoric and Belles Lettres". in *Biblio Life*, vol. 2, 2011.

Buchanan, Ian. (ed.). *Dictionary of Critical Theory*. Oxford University Press, 2018.

Buchanan, Richard. "Declaration by Design: Rhetoric, Argument, and Demonstration in Design Practice". *Design Issues*, vol. 2, no. 1 (Spring, 1985): 4-22.

_____. "Design and the New Rhetoric: Productive Arts in the Philosophy of Culture". *Philosophy and Rhetoric*, vol. 34, no. 3 (2001): 183-206.

_____. "Rhetoric, Humanism and Design". *Discovering Design: Explorations in Design Studies*, no. 23 (1995): 23-66.

Consigny, Scott. "Rhetoric and Its Situations". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 7, no. 3 (Summer, 1974): 175- 186.

Delbari, Hasan. "The Eloquence of Silence: The Absence of the Retrospect Verbal Interaction and its Efficient Act in the Text". *The Journal Of Linguistic and Rhetorical Studies: (Quarterly journal of Semnan University)*, vol. 10, no. 20 (March 2020): 201-220. (In Persian)

Dickinson, Greg Dickinson & Casey Malone Maugh. "Placing Visual Rhetoric: Finding Material Comfort in Wild Oats Market". in Charles A. Hill & Marguerite Helmers(eds.), *Defining Visual Rhetorics*, Routledge, 2004.

Dixon, Peter. *khatabe (speeches of Peter Dixon)*. Persian translation by Hassan Afshar. Tehran: Nashre Markaz publication. 2010. (In Persian)

Durmus, Serap & Sengül ÖYMEN GÜR. "Rhetoric Reading in Architecture: A Methodology Attempt". *The Journal of International Social Research*, vol. 7, Issue 31 (2014): 481-488.

Eck, Carolin van and Edward Winters (eds.). *Dealing with the Visual: Art History, Aesthetics and Visual Culture*. Routledge, 2017.

Eck, Caroline van. *Classical Rhetoric and the Arts in early Modern Europe*. Cambridge University Press, 2007.

Emarati Moghaddam, Davood. *Rhetoric from Athens to Medina: a comparative study of Greek and ancient Roman rhetoric and Islamic rhetoric until the fifth century AH*. Tehran: Hermes publication. 2016. (In Persian)

Faridzadeh, Mohammad Javad. "Hermeneutics Lectures", School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, 2000. (In Persian)

Faridzade, Raed. "The metaphorical understanding of truth in Vico's anti cartesian hermeneutics". *Shinakht (/Knowledge: The semiannual scientific research journal of Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University)*, vol. 8, no.1 (Spring and Summer 2015): 203-213. (In Persian)

Farrell, Thomas B. "Commonplaces". in Theresa Enos (ed). *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age*. Routledge. 1996, 116.

Foss, Sonja K. "Theory of Visual Rhetoric". in Ken Smith , Sandra Moriarty , Gretchen Barbatis , Keith Kenney (eds.). *Handbook of Visual Communication: Theory, Methods, and Media*. Routledge, 2005, 141-152.

Frampton, Kenneth. *Studies in Tectonic Culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture*. The MIT Press. 2001.

Frith, Stephen. "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol". *Arq: Architectural Research Quarterly*, vol. 8, no. 1 (March 2004): 39-45.

Gorrell, Donna. "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 30, no. 4 (1997): 395-412.

Gottschalk Druschke, Caroline and Bridie McGreavy. "Why Rhetoric Matters for Ecology". *Frontiers in Ecology and the Environment*, vol. 14 (February 2016): 46-52.

Gutenschwager, Gerald A. "Architecture in a Changing World: The New Rhetoric of Form". *Journal of Architectural Education*, vol. 49, no. 4 (May, 1996): 246-258.

Hattenhauer, Darryl. "The Rhetoric of Architecture: A Semiotic Approach". *Communication Quarterly*, vol. 32, no. 1 (1984): 71-77.

Hauser, Gerard A. and Donald P. Cushman. "McKeon's Philosophy of Communication: The Architectonic and Interdisciplinary Arts". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 6, no. 4 (Fall 1973): 211-234.

Hobbs, Catherine L. *Rhetoric on the Margins of Modernity: Vico, Condillac, Monbodo*. Southern Illinois University Press, 2002.

James A, Herrick. *The History & Theory of Rhetoric*. Routledge, 2018.

Jones, Candace and Reut Livne-Tarandach. "Designing a Frame: Rhetorical Strategies of Architects". *Journal of*

Organizational Behavior, vol. 29, no. 8 (2008): 1075-1099.

Kirkbride, Robert. "Rhetoric & Architecture". in Michael J. MacDonald (ed.). *The Oxford Handbook of Rhetorical Studies*, Oxford University Press, 2020.

Koskela, Lauri Jaakko and Glenn Ballard. "The Two Pillars of Design Theory: Method of Analysis and Rhetoric". in *International Conference on Engineering Design*, Sungkyunkwan University, Seoul, Korea, 2013.

Magee, Glenn Alexander. "Architectonic, Truth, and Rhetoric". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 42, no. 1 (2009): 59-71.

Mahdavi Damghani, Ahmad. "About Rhetoric". In Seyyed Ali Mohammad Sajjadi (Ed.), *Hashel-e Oughat*, Tehran: Soroush publication, 2002. (In Persian)

McKeon, Richard Peter. "The Use of Rhetoric in a Technological Age: Architectonic Productive Arts". in Zahava K. McKeon and William G. Swenson (eds.), *Selected Writings of Richard McKeon, Volume 2: Culture, Education, and the Arts*, The University of Chicago press. 2005, 197-205.

_____. *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery*. Published by Ox Bow Pr., 1987.

Nadimi, Hamid. "Introduction to the issue of coherence in architecture education". *Honarnameh (the specialized quarterly of Tehran University of Art)*, vol. 1, no. 1 (Autumn 1998): 76-89. (In Persian)

Nothstine, William L. and Martha Cooper. "Persuasion". in Theresa Enos (ed). *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age*, Routledge, 2011, 505-512.

Parcel, Stephen. *Four Historical Definitions of Architecture*. Mc Gill- Queens university press. 1954.

Patton, John H. "Causation and Creativity in Rhetorical Situations: Distinctions and Implications". *Quarterly Journal of Speech*, vol. 65, Issue 1 (1979): 36-55.

Sajjadi, Seyyed Jafar. *Culture of intellectual sciences: including philosophical, theological, logical terms*. Tehran: Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran, 1982. (In Persian)

Schon, Donald A. "Toward a Marriage of Artistry & Applied Science in the Architectural Design Studio". *Journal of Architectural Education*, vol. 41, no. 4. (Summer, 1988): 4-10.

Shamisa, Cyrus. *meanings*. Tehran: Mitra publication, 2012. (In Persian)

Shariatrad, Farhad and Hamid Nadimi. "Problem Framing: The Designer's Way of Tackling Design Problems". *Soffeh (Journal of the School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University)*, vol.26, no 3 (Autumn 2016): 5-24.

(In Persian)

Sheridan, Thomas. *British Education*, Routledge, 1756.

Simon, Herbert A. "The Structure of Ill Structured Problems". *Artificial Intelligence*, vol. 4, no. 34 (1973): 181-201.

Sloane, Thomas O. (ed.). *Encyclopedia of Rhetoric*. Berkeley: University of California, 2001.

Smith, Christine. *Architecture in the Culture of early Humanism: Ethics Aesthetics and Eloquence 1400-1470*. New York: Oxford University Press. 1992.

Smithson, Alison and Peter Smithson. *Without Rhetoric: An Architectural Aesthetic, 1955-1972*. The MIT Press. 1974.

Tafazzoli, Zohreh. "Architecture as an Academic Discipline". *Soffeh (Journal of the School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University)*, vol. 25, no. 4 (Winter 2016): 5-26. (In Persian)

Tatarkovic, Voivodeship. "Albertian aesthetics". Persian translation by Seyyed Javad Fenderesky. *Ettela'at-e Hekmat va Ma'refat (The scientific-specialized Journal information of wisdom and knowledge)*, no. 10 (December 2012): 39-44. (In Persian)

Tostrup, Elizabeth. *Architecture and Rhetoric, Text and Design in Architectural Competitions*. Oslo 1939-1996: Andreas Papadakis Publisher, 1999.

Vaisheh, A. "Speech art". In *Linguistics and Literature: A History of Multiple Terms*. Persian translation by Koorosh Safavi. Tehran: Hermes, 1998, 259-278. (In Persian)

Van Mises, Pierre. *Architectural elements from face to place*. Persian translation of Farzin Fardanesh. Tehran: Scientific Publication Center of Shahid Beheshti University, 2011. (In Persian)

Vatz, Richard E. "The Myth of the Rhetorical Situation". *Philosophy and Rhetoric*, vol. 6. no. 3 (1973): 154-161.

Vitale, Francesco. "Jacques Derrida and the Politics of Architecture". Translated by Pooya Imani. *Ettela'at-e Hekmat va Ma'refat (The scientific-specialized Journal information of wisdom and knowledge)*, vol. 10, no. 6 (September 2015), 42-45. (In Persian)

Vitruvius, Pollio. *Ten architectural books*. Persian translation by Rima Fayyaz. Tehran: Tehran University of Arts, 2009. (In Persian)

Wuellner, Cynthia Frewen. "Towards a Rhetoric of Architecture: A Framework for Understanding Cities". PhD Communication Studies/Visual Rhetoric. University of Kansas, 2008.

هرمنوتیک ضدکارتی ویکو، ۲۰۷.

131. memory

132. imagination

۱۳۳. برای مطالعه بیشتر نک:

Consigny, "Rhetoric and Its Situations", 175-186

۱۳۴. با اینکه بسیار تلاش شده است که

معماری در قالب رشته تخصصی معرفی شود، اما سابقه نشان می‌دهد که معماری از تخصصی شدن ابا دارد؛ چون همواره محل حضور و تلاقی چندین رشته تخصصی است. و توقع می‌رود که جمع‌کننده میان آنها باشد. این ویژگی گسترده بودن و محل تلاقی چندمعرفت و چندرشته بودن عیناً در رتوریک هم هست. گویا هر دو در جستجوی دستیابی به کلی منسجم از اجزای متنوع و متعدد هستند (برای مطالعه بیشتر نک: تفضلی، زهره. «فهم معماری به‌مثابه رشته دانشگاهی؛ مقتضیات و امکان‌ها، فرض‌ها و پرسش‌ها». صغه، ش. ۴ (زمستان ۱۳۹۴): ۵-۲۶).

۱۳۵. نک: حمید ندیمی، ندیمی، حمید. «درآمدی بر مبحث انسجام در آموزش معماری». هنرنامه، ش. ۱ (پاییز ۱۳۷۷): ۷۶-۸۹.

۱۳۶. مثلاً ویتاله آرشیکتونیک را به ساختمان‌شناسی ترجمه کرده است (فرانچسکو ویتاله، «ژاک دریدا و سیاست معماری». ترجمه پویا ایمانی. اطلاعات حکمت و معرفت، ش. ۱۱۳ (شهریور ۱۳۹۴): ۴۲-۴۵).

137. Functionalism

138. Formalism

An Analysis of Christopher Alexander's interpreting of Religious Architecture through the Study of 'Face of God' from the Fourth Volume of *His Nature of Order*

Seyedeh Mahsa Bagheri, PhD * 

Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran University of Art,
Tehran, Iran

Mahmoud Arzhamand, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran
University of Art, Tehran, Iran

Seyed Behshid Hosseini, PhD

Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran University
of Art, Tehran, Iran

Received: December 20, 2021

Accepted: June 7, 2023

(Pages: 27-47)

Bagheri, S.M., Arzhamand, M. and Hosseini, S.B., 2023. An Analysis of
Christopher Alexander's interpreting of Religious Architecture through the
Study of 'Face of God' from the Fourth Volume of *His Nature of Order*. *Soffeh*.
103 (4): 27-47.

DOI: [10.48308/SOFEH.2023.225175.1117](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.225175.1117)

Abstract:

There are various interpretations of religious architecture today, often suggested by theologians and art scholars, and architects are influenced by these interpretations. These are sometimes too vague to clarify what the term means when it comes to architecture. Christopher Alexander is one of the author-theorist/architects who paid special attention to the concept of religious architecture. This is presented in the chapter 'Face of God' from the fourth volume of his *Nature of Order*. The present research

Keywords:

Religious architecture,
Christopher Alexander,
Religion, God, Architect.



SOFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024


ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication
under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY)
license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. CorresPonding Author: Email Address. mahsa.bagheri_1989@yahoo.com
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.225175.1117>

intends to analyse his interpreting of religious architecture in order to shed light on the matter for architects. The research is fundamental-theoretical in purpose, and qualitative in strategy. Also, the phenomenological method is used from a hermeneutic perspective, together with library methods for collecting data. The results show that Alexander's interpreting of religious architecture was attributed to religion, God and the architect. His belief in the unity of religions in essence, directed his interpreting towards the quality of unity, and the desire to integrate with the world. Alexander's interpretation of religious architecture is through a correlation raised by a fundamental question: 'Is this architecture the best gift to God?'. In his view religious architecture has associations with the architect and his moral virtues, and their humbleness leads their architecture to integrate with the world and eventually to create religious architecture.

تحلیلی بر فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی نمونه مورد مطالعه: فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم^۱

سیده مهسا باقری^۲ ID

محمود ارژمند^۳

سید بهشید حسینی^۴

دریافت: ۲۹ آذر ۱۴۰۰

پذیرش: ۱۷ خرداد ۱۴۰۲
(صفحه ۲۷-۴۷)

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

باقری، س.م.م.، ارژمند و س.ب. حسینی. ۱۴۰۲. تحلیلی بر فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی؛ نمونه مورد مطالعه: فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳ (۴): ۲۷-۴۷

کلیدواژگان: معماری دینی، کریستوفر الکساندر، دین، خدا، معمار.

چکیده

امروزه دین‌پژوهان و هنرپژوهان افهام گوناگون و متمایزی را در خصوص عبارت معماری دینی مطرح کرده‌اند و معماران تحت تأثیر ایشان به فهمی از معماری دینی دست یافته‌اند. اما افهام ایشان بعضاً به حدی ناروشن است که مشخص نیست که نزد معمار، معماری دینی به چه معنایی است و او از چه جهت و با چه مرادی آن را به کار می‌برد. در بین معماران، کریستوفر الکساندر، یکی از نظریه‌پردازان و معماران مؤلف، به مفهوم معماری دینی توجه خاصی داشته است. او این فهم را در فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم خود جمع‌بندی کرده است. در این پژوهش به تحلیل فهم وی از معماری دینی و ابعاد مختلف مواجهه این معمار با این عبارت پرداخته می‌شود تا فهم این معمار صاحب‌نظر از معماری دینی برای معماران روشن گردد. پژوهش به لحاظ هدف بنیادی - نظری و از نظر راهبرد کیفی است. از بین پژوهش‌های کیفی، روش پدیدارشناسی با رویکرد هرمنوتیک پدیدارشناسی برگزیده شد. همچنین از لحاظ روش‌های گردآوری اطلاعات، پژوهش کتابخانه‌ای است. بنابر نتایج، فهم الکساندر از معماری دینی با فهم او از معماری و معماری خوب به‌صورت قاطع

قابل تفکیک نیست. همچنین این فهم در خلال سه وجه منتسب، یعنی انتساب آن به دین، خدا، و همچنین معمار بوده است؛ به گونه‌ای که باور الکساندر به وجود وحدت در جوهر ادیان موجب گردید فهم وی از معماری دینی وابسته به وجود کیفیت وحدت و یکپارچگی این معماری با جهان و تمایل به عدم انقطاع از آن باشد. همچنین تأکید الکساندر بر فهم معماری دینی از طریق نسبی است که در خلال یک پرسش اساسی بین این معماری و خدا ظاهر می‌شود: «آیا این معماری بهترین هدیه به خداست؟» در نظریات این معمار همچنین معماری دینی در نسبت با معمار و فضائل اخلاقی‌اش است و پرهیز معمار از خودمخوری و خودستایی و پرورش فروتنی به وحدت معماری او با جهان و درنهایت خلق معماری دینی می‌انجامد.

مقدمه

در عصر حاضر «معماران» هنگام مواجهه با عبارت «معماری دینی» در وهله نخست آن را عبارتی روشن می‌یابند و تصور می‌کنند که مقصود خود و دیگران را از ادای آن دریافته‌اند؛ اما با نگاهی دقیق

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نویسنده اول است با عنوان تفسیر معماری دینی از منظر معمار، که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در تیرماه سال ۱۴۰۱ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران دفاع شده است.

۲. نویسنده مسئول، دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه

هنر، تهران، ایران
mahsa.bagheri_1989@yahoo.com
3. arzhmand@art.ac.ir
4. behshid_hosseini@art.ac.ir



ص ۱۰۳ فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳
* Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

* Corresponding Author: Email Address. mahsa.bagheri_1989@yahoo.com
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.225175.1117>

پرسش اصلی پژوهش

۱. فهم کریستوفر الکساندر از عبارت معماری دینی چگونه است؟
۲. مواجهه کریستوفر الکساندر با معماری دینی با تأکید بر چه وجوهی از آن بوده است؟

5. ChristoPher Alexander (1936-2022)
6. *The Nature of Order*
7. *The Luminous Ground: The Nature of Order*
8. Our Present Picture of the Univers.
9. Clues from the History of Art
10. The Existence of an "I"
11. The Face of God
12. Philip Ball (1962-)
13. Nikos Salingaros (1952-)
14. Brian Goodwin (1931-)
15. Ian Stewart (1945-)

۱۶. ناهید مهاجری و شیوا قمی، «رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر از یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم و زبان الگو تا مفاهیم جدیدی از نظریه پیچیدگی»، هویت شهر، دوره ۲، ش. ۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۷): ۴۵-۵۶.

۱۷. کریستوفر الکساندر، سرشت نظم، ج ۱: پدیده حیات (تهران: پرهام نقش، ۱۳۹۰).

۱۸. ضحی ندیمی، «پژوهشی در چپستی مرکز و نقش آن در آفرینش معماری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری (یزد: دانشگاه یزد، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۹۰).

۱۹. مهسا رحمانی و امین نادرزاد، «بازشناسی توانایی احساس برای خلق یک معماری زنده با استناد به آرای کریستوفر الکساندر»، صفا، ش. ۶۲ (پاییز ۱۳۹۲): ۷-۱۸.

۲۰. رضا سیروس صبری و علی اکبری، «مفهوم نظم، کریستوفر الکساندر و علم

تفاسیر ناواضح و تصورات ناروشن بسیاری می‌یابند؛ تا جایی که وقتی از مراد ایشان در خصوص به‌کارگیری این عبارت در جملاتشان پرسش شود، نمی‌توانند به‌صورت دقیقی مشخص کنند که کاربرد آن از چه جهت و در چه معنا بوده است. به‌راستی امروزه معمار چه نوعی از معماری را با نام معماری دینی پذیرفته است؟

دستیابی و دقت‌دهی به فهم معمار از عبارت معماری دینی زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که وی خود را با مجموعه وسیعی از افهام و تفاسیر بعضاً متمایز و تلقی‌های گوناگون از معماری دینی مواجه می‌بیند. این افهام و تفاسیر را نیز اغلب دین‌پژوهان و یا هنرپژوهان عرضه کرده‌اند و ما کمتر به فهمی از معماری دینی برخوردیم که از طرف یک معمار باشد.

کریستوفر الکساندر^۵، معمار مؤلف و نظریه‌پرداز پرآوازه آمریکایی اتریشی‌تبار، یکی از معمارانی است که در مطالعات خویش به فهمی از معماری دینی دست یافته است. این فهم را می‌توان حاصل تجارب و فعالیت‌های او در عرصه معماری دانست که وی آن را در چهار مجلد کتاب سرشت نظم^۶ منتشر کرد. این مجموعه را شاید بتوان از مهم‌ترین آثار الکساندر و تجمیعی از باورها و نظریاتش در خصوص معماری دانست. جلد چهارم این مجموعه، با عنوان سرشت نظم: زمین نورانی^۷، مشتمل بر دو بخش است. نویسنده در بخش اول کتاب، در فصولی چون «تصویر کنونی ما از جهان»^۸، «سرنخ‌هایی از تاریخ هنر»^۹ و «حضور یک "من"»^{۱۰}، نظریات خویش را در قالب کلیاتی تشریح کرده و به‌نوعی زمینه‌ساز ورود به مباحث بخش دوم کتاب می‌شود. بخش دوم این کتاب را می‌توان چکیده باورها، تجربیات، و نظریات او دانست. نویسنده در فصل آخر از بخش دوم با نام «صورت خداوند»^{۱۱} به جمع‌بندی فهم خود از معماری دینی پرداخته است.

با نظر به اهمیت توجه به فهم معماری دینی از منظر معمار و همچنین تفاسیر مختلف و متمایز موجود از معماری دینی در حوزه‌های مختلف علوم و با توجه به سروکار داشتن انکارناپذیر معماران با مفهوم معماری دینی، اکنون نگاهی دقیق و توجه به آن ضروری می‌نماید، بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر مطالعه و تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی، در مقام معماری صاحب‌نظر در این حوزه، و ابعاد مواجهه وی با آن است. در این پژوهش، با

فکری رایج زمان درصدد عرضه فهمی از معماری دینی بوده‌اند. در افهام موجود، پرداختن معماران و غیرمعماران به معماری دینی همواره مشابه نبوده است؛ به طوری که در شماری از این افهام به صراحت و به صورت مستقیم به معماری‌ای تحت عنوان «معماری دینی» اشاره کرده‌اند و شماری دیگر به صورت غیرمستقیم و تلویحی به این معماری اشاراتی داشته‌اند، که در بررسی پیشینه مربوط به پژوهش هر دو گروه مد نظر نویسندگان این پژوهش بوده است.

در بررسی افهام غیرمعماران از معماری دینی، اغلب افهام موجود از معماری دینی نتیجه نفوذ جریان سنت‌گرایی به منزله یکی از مهم‌ترین جریان‌های روشنفکری دینی است. شوان^{۲۳}، بورکهارت^{۲۴}، نصر، و کوماراسوامی^{۲۵} از جمله سنت‌گرایانی هستند که در مواجهه با هنر، به تلاش در جهت تعریف هنر سنتی، هنر مقدس، و هنر دینی^{۲۶} پرداختند و از این طریق بر افهام موجود از معماری دینی، به خصوص از نظر معماران، اثرگذار بوده‌اند. این سنت‌گرایان و شارحان عقاید ایشان در بسیاری موارد هنر و معماری دینی را به وضوح از هنر و معماری قدسی متمایز دانسته و در محدود مواردی نیز این دو را در یک مقام پذیرفته‌اند. نزد ایشان عموماً هنر قدسی قلب هنر سنتی است که با اعمال و مناسک روحانی مربوط به یک دین و پیام الهی سروکار دارد، و طریقی دست‌یافتنی‌تر به منبع حقیقت مهیا می‌کند.^{۲۷} از منظر سنت‌گرایان اگر هنر سنتی، در مقام هنری که حاضر در جای‌جای زندگی انسانی، به دور از تحمل‌پرستی و دل‌مشغولی‌های دنیوی و عیاشی و یار دنیا و آخرت انسان است، به موضوعات دینی بپردازد و چنین خدمتی را وظیفه خود کند، هنر قدسی نامیده می‌شود؛ به بیانی دیگر، هنر قدسی ساحت ناب هنر سنتی است. هنر قدسی چونان وحی آسمانی به عناصر عبادی، آیینی، و باطنی سنت مربوط است، و برای آن خلق شده است که در عالی‌ترین سطح، حیات بشر را مملو از معنا کند.^{۲۸}

علم به اینکه تحلیل آراء الکساندر در هر جلد، فصل، و بخش از چهار مجلد سرشت نظم نیازمند مطالعه و بررسی سایر جلد‌ها و فصول، و آشنایی با نظریات، اصطلاحات، و مفاهیم مطروحه در آنهاست، ضمن ذکر مقدمات و مبانی لازم، به مطالعه و تحلیل جمع‌بندی الکساندر در باب معماری دینی در فصل نامبرده از کتاب سرشت نظم پرداخته شده است.

۱. پیشینه تحقیق

از آنجا که هدف در این پژوهش تحلیل فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی است، تحقیقاتی که در آنها به اندیشه‌های الکساندر و یا به صورت خاص به تحلیل افهام موجود از معماری دینی، به خصوص از دیدگاه الکساندر، پرداخته باشند، پیشینه این پژوهش به‌شمار می‌روند.

پژوهش‌های فراوانی در خصوص اندیشه‌های الکساندر انجام پذیرفته است. شمار کثیری از این پژوهش‌ها حاصل تلاش غیرمعمارانی است که به نقد و یا شرح این اندیشه‌ها همت گماشته‌اند. فیلپ بال^{۱۱} (فیزیک‌دان)، نیکوس سالینگروس^{۱۳} (ریاضی‌دان)، برایان گودوین^{۱۴} (زیست‌شناس)، و یان استوارت^{۱۵} (ریاضی‌دان) از جمله این افرادند. شماری از تحقیقات موجود نیز از سوی معماران مطرح شده است. در پژوهش حاضر از میان این تحقیقات نگاهی تحلیلی به نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر^{۱۶}، ترجمه جلد اول سرشت نظم؛ پدیده حیات^{۱۷}، فهم مرکز نزد او^{۱۸}، توانایی احساس در خلق معماری از منظر وی^{۱۹}، تلاش برای تعریف نظم در علم جدید و همچنین نزد الکساندر^{۲۰}، اثرپذیری الکساندر از پدیدارشناسی هایدگر^{۲۱}، و مفهوم تهی در اندیشه‌های الکساندر^{۲۲} مورد نظر بوده است.

اما شماری از پیشینه مرتبط به این تحقیق نیز نوشته معماران و یا غیرمعمارانی است که بعضاً متأثر از جریان‌های

جدید»، صفه، ش. ۶۲ (پاییز ۱۳۹۲): ۴۱-۳۱.

۲۱. نیر طهوری، «آموختن از هایدگر: پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه‌پردازی معماری: هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتس و کریستوفر الکساندر» کیمیای هنر، دوره ۶، ش. ۲۵ (زمستان ۱۳۹۶): ۷۳-۹۲.

۲۲. نفیسه صرامی (و)، «خاستگاه مفهوم تهی در اندیشه کریستوفر الکساندر»، اندیشه معماری، دوره ۳، ش. ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۳۹-۴۳.

23. Frithjof Schuon (1907-1998)

24. Titus Burckhardt (1908-1984)

25. Ananda Coomaraswamy (1877-1947)

۲۶. در این پژوهش معماری از اقسام هنر، و متعاقب آن معماری دینی از اقسام هنر دینی پنداشته شده است.

۲۷. جواد امین خندقی و سیدرضی موسوی گیلانی، «نقد دیدگاه سنت‌گرایان در باب هنر سنتی، هنر مقدس، و هنر دینی»، معرفت ادیان، سال ۶، ش. ۲۳ (تابستان ۱۳۹۴): ۱۰۹-۱۲۸. ان‌الله رحمتی، هنر و معنویت (تهران: متن، ۱۳۹۴)، ۱۰.

با این تفسیر، هنر سنتی و هنر قدسی نزد سنت‌گرایان تجلی روحانیت یک ملت است. اما هنر دینی نزد ایشان چگونه است؟ و آیا آنچه از هنر دینی و یا به صورت خاص معماری دینی و همچنین معماری قدسی و سنتی نزد ایشان است، نسبتی با معماری دینی‌ای که مورد پرسش این پژوهش است دارد؟ برای فهم ابعاد این پرسش باید بدانیم که آیا سنت‌گرایان مساوی با دین است؟

به اعتقاد سنت‌گرایان سنت و دین یکی نیستند و دین صورتی از سنت است و نه صورتی جامع از آن، هرچند دین همیشه با سنت نسبت و پیوندی نزدیک دارد.^{۳۰} در بسیاری از تأمل‌های صورت‌پذیرفته در آراء سنت‌گرایان بیان می‌شود که سنت را ایشان اعم از دین می‌دانند؛ چراکه می‌تواند در قالب‌هایی ظاهر شود که لزوماً دینی نیستند؛ به طور مثال یک سنت ممکن است در هنر، منسک، و اسطوره تجلی یابد.^{۳۱} پرسش مهم این است که سنت‌گرایان بر مبنای چه فهمی از دین آن را از سنت تمییز داده و در مقام نازل‌تری می‌نشانند؟ به باور سنت‌گرایان در نتیجه نفوذ تجددگرایی و عوامل سنت‌ستیز درون قلمرو دین، به خصوص در وضعیت بحران‌زده کنونی غرب، دین به خارجی‌ترین و سطحی‌ترین ابعادش فروکاسته و به همین سبب، هنر و ادبیات دینی از درک و فهم امر قدسی تهی شده است.^{۳۲} با این تفاسیر، اگر دین را به خارجی‌ترین و سطحی‌ترین ابعاد آن و مناسک و شرایع دینی محدود نکنیم و به گوهر آن نظر داشته باشیم، هنر و ادبیات دینی را نیز می‌توانیم تجلیگر امر قدسی بدانیم، کما اینکه در آراء سنت‌گرایان نیز چنین هنر و معماری‌ای در ادامه سنت‌الله و معماری قدسی قرار گرفته است. در نتیجه چنین تفکری نسبت به دین است که سنت‌گرایانی چون نصر، بورکهارت، و کوماراسوامی به تمایز هنر دینی با هنر قدسی و هنر سنتی اشاره می‌کنند.

۲۹. رنه گنون، بحران دنیای متجدد (تهران: حکمت، ۱۳۸۸)، ۹۴.
۳۰. سید حسین اطهری و مرتضی منشادی، «چیستی فلسفه سنت‌گرایی با تکیه بر آرا دکتر سیدحسین نصر، مضامین، دلالت‌ها، و بنیان‌ها»، فلسفه و کلام اسلامی آئینه معرفت، سال ۱۲، ش. ۳۶ (پاییز ۱۳۹۲): ۳۱.
۳۱. همان.
۳۲. سیدحسین نصر، در جست‌وجوی امر قدسی، گفت‌وگوی رامین جهاننگلو با سیدحسین نصر (تهران: نی، ۱۳۸۵)، ۳۴۰.
۳۳. امیر مازیار، «نسبت هنر اسلامی و اندیشه اسلامی از منظر سنت‌گرایان»، کیمیای هنر، دوره ۱، ش. ۳ (تابستان ۱۳۹۱): ۹.
۳۴. آناندا کنتیش کوماراسوامی، فلسفه هنر مسیحی و شرقی (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶)، ۹۹.
۳۵. تیتوس بورکهارت، هنر مقدس اصول و روش‌ها (تهران: سروش، ۱۳۸۱)، ۴؛ غلامرضا اعوانی، حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات) (تهران: گروس، ۱۳۷۵)، ۳۱۹ و ۳۳۱؛ حسین مهرپویا و مرضیه قاسمی، «تمایز هنر دینی و هنر قدسی در آراء متفکران معاصر»، رهپویه هنر، دوره ۲، ش. ۶ (تابستان ۱۳۸۷): ۱۳.

بنابر آنچه آمد، در این پژوهش پیش از پرداختن به فهم الکساندر از معماری دینی، تبیین مراد پژوهش از دین و دین‌باوری ضروری است. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که با توجه به میزان تأکید و تمایل سنت‌گرایان بر زبان صوری و ویژگی‌های شکلی هنر، به‌خوبی می‌توان علت تمایز هنر دینی با هنر قدسی و هنر سنتی را نزد سنت‌گرایان تشریح کرد.

به اعتقاد نصر فلسفه هنر سنتی با معنای صورت‌ها سروکار دارد^{۳۳} و برای فهم هنر سنتی فهم صورت است که اهمیت می‌یابد. هنر سنتی در واقع بیان صوری یک سنت وحیانی است.^{۳۴} کوماراسوامی هنر دینی را الهیت بصری در بستر غیرسنتی می‌خواند.^{۳۵} بورکهارت نیز عقیده دارد اصلی‌ترین عاملی که بین هنر دینی و هنر قدسی جدایی می‌افکند، شکل و صورت ظاهری است. از نظر بورکهارت برای اینکه هنری در زمره هنر قدسی قرار گیرد و شایسته آن شود، علاوه بر اینکه موضوع آن باید از حقیقت روحانی و دینی نشئت گرفته باشد، زبان صوری آن نیز باید به همان حقیقت گواهی دهد و اگر جز این باشد آن هنر را شاید بتوان در زمره هنر دینی و مذهبی جای داد؛ اما هنر قدسی قلمداد نمی‌شود. در مجموع می‌توان گفت از نظر بورکهارت، هنری که نه صورت و نه محتوای آن دینی باشد، هنر دنیوی است، و هنری که هم صورت و هم محتوای دینی داشته باشد، هنر قدسی است. هنری که موضوع دینی داشته باشد هنر دینی است؛ اما چنان نیست که همواره هنر قدسی باشد، زمانی که نحوه و سبک بیان آن در کنار محتوای آن دینی باشد، آن هنر را می‌توان از اقسام هنر قدسی دانست؛ به بیان دیگر هنر قدسی هنر دینی است، اما هنر دینی الزاماً قدسی نیست. برای بیان واضح این تمایز، سنت‌گرایان به‌وفور معماری اماکن مذهبی غرب را پس از عصر رنسانس مثال می‌زنند؛ چراکه از نظر ایشان این معماری به موضوع مذهب و دین با صورتی پرداخته است که آن را از زمره هنر

«معماری هندو چیست؟» را وضوح می‌بخشد و یا ایمانی در پژوهش مشابه دیگری در جستجوی نسبت میان معماری و دین اسلام و دیدگاه صاحب‌نظران تاریخ‌نگار، هنرشناسان دین‌پژوه، و معماران در خصوص این نسبت است.^{۴۰} پژوهش‌هایی نیز به فهم نسبت معماری با دین به صورتی عام مبادرت ورزیده‌اند، محدثی در یکی از این پژوهش‌ها انسان فرهنگی را انسانی قلمداد می‌کند که پیام دین را به کمک فرهنگ خویش می‌فهمد و آن را عامل بروز دین در ظرف معماری می‌داند.^{۴۱} چنانچه آمد، در میان انبوه پژوهش‌هایی که به صورت خاص شامل نقد، تحلیل، و شرح فهم معماران و غیرمعماران از آراء الکساندر است و یا حاصل تحقیق هنرپژوهان، معماران، و غیرمعمارانی است که درصدد فهم معماری دینی هستند، فهم الکساندر، این معمار صاحب‌نظر، در خصوص معماری دینی مورد پرسش قرار نگرفته است، به‌منظور رفع این نقیصه، در این پژوهش نگارندگان سعی کرده‌اند به تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی در خلال بررسی فصل صورت خداوند از جلد چهارم کتاب سرشت نظم بپردازند.

۲. روش تحقیق

با توجه به پرسش‌های پژوهش، این پژوهش از نظر هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی - نظری است، همچنین از لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی و از لحاظ روش‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. راهبرد کلی این پژوهش نیز از نظر شیوه تجزیه و تحلیل کیفی محسوب می‌گردد.

۲.۱. ابزار سنجش

در این پژوهش به‌منظور فهم الکساندر از معماری دینی لازم بود از لحاظ انتخاب ابزار و روش‌های بررسی و تحلیل داده‌ها به روش‌هایی توجه شود که می‌تواند برای فهم چارچوب

و معماری قدسی بیرون رانده است، اما هنر و معماری دینی محسوب می‌شود.^{۳۵} گویی تعبیر این دسته از سنت‌گرایان این است که صورت در هنر قدسی و هنر سنتی از سنت برگرفته شده است، و نشان آن است و این در حالی است که صورت در هنر دینی از بستری غیرسنتی و درک جدید دین و تقلیل آن به مناسک و شرایع ظاهری برخاسته و ناشی از تفکرات مدرن و تجددطلبانه است. با این تفاسیر، می‌توان این‌گونه بیان کرد که سنت‌گرایان پیش‌گفته به تمایز بین صورت سنتی، صورت قدسی، و صورت دینی قائل هستند. اما از نظر شوان بین هنر دینی و هنر قدسی تمایزی وجود ندارد؛ چراکه به زعم او آنچه در هنر قدسی یا دینی اهمیت دارد، محتوای روحانی و معنوی آن است، و نه صورت ظاهری. وی هنر دینی و هنر قدسی را در یک سو قرار می‌دهد و در نقطه مقابل آن به هنر دنیوی یا عرفی اشاره می‌کند. از نظر وی زیبایی هنر دینی از حقیقت معنوی، محتوا، دقت زبان نمادین و رمزی، و فایده آن برای اعمال آیینی سرچشمه می‌گیرد، و عواملی چون ویژگی‌های صوری و ظاهری که به افراد و ذوق شخصی آنان وابسته است، از ویژگی‌های فرعی در هنر دینی محسوب می‌گردد.^{۳۶}

پوجین، معمار انگلیسی، معماری گوتیک را حاصل جامعه‌ای پاک و معماری راستین دینی در دین مسیحیت دانست و کلیسا را یک نهاد زنده برای نمایش بزرگی و جلال خدا معرفی و بر ارتباط بین هنر و دین تأکید کرد.^{۳۷} تری، معمار انگلیسی، نسبت بین الهیات و معماری، یا به بیانی، دین و هنر را جست و رنگ باختن ترس از خدا و ایمان به او را دلیل نابخردی معماران در خلق هر نوعی از معماری دانست.^{۳۸}

از پژوهش‌های جدید مرتبط با فهم معمار از معماری دینی نیز می‌توان به پژوهش‌های محققان در خصوص نسبت معماری با دینی خاص اشاره کرد: رحیم‌زاده در پژوهشش به حقیقت معماری هندو اشاره دارد^{۳۹} و ابعاد مواجهه با پرسش

۳۶. فریتویف شوان، *مبانی هنر معنوی*، مجموعه مقالات از نویسندگان مختلف (تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲)، ۹۶-۱۰۰؛ شوان، کاست‌ها و نزادها (تهران: حکمت، ۱۳۸۸)، ۸۱-۸۰.

37. A.W. Pugin, *Contrasts: Or, a Parallel between the Noble Edifices of the Middle Ages and Corresponding Buildings of the Present Day* (Cambridge Library Collection, Art and Architecture, Illustrated Edition, 1841).

38. Quinlan Terry, "Architecture & Theology", *In Theories and Manifestoes of Contemporary Architecture* (academy edition, Chichester, 1997): pp. 193-196.

۳۹. محمدرضا رحیم‌زاده، «پرسش از حقیقت معماری هندو»، خیال، ش. ۲ (تابستان ۱۳۸۱): ۷۸-۸۵.

۴۰. نادیه ایمانی، «نسبت معماری و اسلام» (تهران: دانشگاه هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۴۰۱).

۴۱. جلال محدثی، «نسبت معماری و دین» (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۹۹).

42. Phenomenology
43. Hermeneutical
Phenomenology

۴۴. سیاوش جمادی، زمینه و زمان
پدیدارشناسی (تهران: ققنوس، ۱۳۸۵)،
۴۰۵.

۴۵. محمود ارژمند، «اهلیت در مرمت»
(اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان،
دانشکده حفاظت و مرمت، ۱۳۹۵): ۵۶.

46. Realistic Phenomenology
47. Constitutive
Phenomenology
48. Existential
Phenomenology

۴۹. زهرا رهبرنیا و آمنه مافی تبار،
«مبادی پدیدارشناسی هرمنوتیک
در چیدمان تعاملی «وقتی چیزی رخ
نمی‌دهد» اثر «ارنستو تنو»، «کیمیای
هنر، دوره ۴، ش. ۱۵ (تابستان ۱۳۹۴):
۳۵.

۵۰. پروین پرتوی، پدیدارشناسی مکان
(تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷)، ۴۵.

۵۱. هربرت اسپیگلبرگ، جنبش
پدیدارشناسی (درآمدی تاریخی) (تهران:
مینوی خرد، ۱۳۹۲)، ۵۸۶.

۵۲. جوئل واینسهایمر، هرمنوتیک
فلسفی و نظریه ادبی: مروری بر آرای
گادامر در گستره هرمنوتیک (تهران:
ققنوس، ۱۳۸۱)، ۱۷.

53. terminology

موضوع راهگشا باشد. بنابراین، بر اساس مطالعات اولیه، از بین روش‌شناسی‌های کیفی، روش پدیدارشناسی^{۴۲} با رویکرد هرمنوتیک پدیدارشناسی^{۴۳} یا پدیدارشناسی تأویلی، که بیشترین مناسبت را با ماهیت پژوهش داشته است، برای این پژوهش انتخاب گردید. در پدیدارشناسی، چگونگی راه مجال دادن به چیزها برای نشان دادن بی‌واسطه خود مطالعه می‌گردد.^{۴۴} در روش پدیدارشناسی منظور فهم، تفسیر، و تأویل مفاهیم برای رسوخ به عمق آنهاست و بر مینای آن توصیه می‌شود که همه شناخت انتزاعی گذشته انسان از چیزها به‌طور موقت مشکوک تلقی و به‌اصطلاح هوسرل تعلیق گردد تا از آغاز باری دیگر همه چیز به روش پدیدارشناسی واری شود. مشکوک انگاشتن شناخت موضوع تحقیق به معنی بی‌اعتبار دانستن آن نیست؛ بلکه به معنای آن است که باید اعتبار آنها باری دیگر به نحو انضمامی (و نه انتزاعی) از سوی انسان و مطابق با نحوه التفات کنونی وی سنجیده شود.^{۴۵}

در باور کلی معمولاً پدیدارشناسی به‌مثابه رهیافتی صرفاً توصیفی - تحلیلی شناخته می‌شود، اما درواقع شامل چهار گرایش غالب، متوالی، و گهگاه متداخل است. نخست پدیدارشناسی واقع‌گرایانه^{۴۶} که بر جستجوی ذوات کلی موضوعات تأکید دارد؛ دوم پدیدارشناسی تقویمی^{۴۷} که با حذف مسائل مربوط به جهان طبیعی پیرامون، به تحلیل موضوع می‌پردازد؛ سوم پدیدارشناسی اگزستانسیالیستی^{۴۸} که وجود انسان را به‌مثابه ابزاری برای وجودشناسی بنیادین به نقد می‌کشد؛ و چهارم پدیدارشناسی هرمنوتیک.^{۴۹}

که در این مورد اخیر تأکید بر وجوه تفسیری - تحلیلی در فهم و وجود است. در روش پدیدارشناسی هرمنوتیکی درواقع مراد کشف و فهم معانی پوشیده‌متون است، معانی‌ای که قابل توصیف آنی نیستند.^{۵۰} به باور اسپیگلبرگ، پدیدارشناسی هرمنوتیکی را درواقع می‌توان روشی برای ظهور غایات و

مقاصد نهفته هستندگانی چون آدمیان دانست؛ چراکه در روش هرمنوتیک اساساً پژوهشگر می‌کوشد تا از توصیف آنچه آشکار است فراتر رود و از معانی نهان پرده بردارد.^{۵۱}

حال با فرض اینکه آثار مکتوب معماری را در مقام یک «متن» بپذیریم؛ مخاطب اثر در جایگاه «مفسر» آن متن قرار می‌گیرد و مفسر، از دید خود، به فهمی نسبی از آن دست می‌یابد. چگونگی فهم مفسر از این متن و تحلیل و تفسیر آن در محدوده پدیدارشناسی هرمنوتیک قرار می‌گیرد.^{۵۲}

وقتی بخواهیم با رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیکی به فهم معماری دینی مورد نظر الکساندر بپردازیم، با نوعی فهم، شرح، و روشن‌سازی مفهوم معماری دینی نزد او سروکار داریم؛ چراکه اساساً پدیدارشناسی هرمنوتیکی با فهم سروکار دارد. در مسیر این فهم، مطابق با رویکرد پدیدارشناسانه، نخست افهام و تفاسیر موجود نظری الکساندر از معماری دینی، چنانچه گفته شد، به حالت تعلیق درخواهد آمد، بی‌آنکه مضامین موجود را رد یا بی‌اعتبار کنیم. در این تعلیق سعی خواهد شد از زوایای مغفول و مورد توجه معماری دینی نزد این معمار و ابعاد مواجهه‌وی با این معماری پرسش شود، پرسشی که با آن بتوان به زوایای مغفول آن توجه کرد و به نقد و بررسی و تأویل معانی نهان آن پرداخت.

۲.۲. نمونه مورد مطالعه

در این پژوهش چنانچه آمد فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی با تکیه بر نظریات مکتوب این معمار در فصل آخر از کتاب سرشت نظم: زمین نورانی با عنوان «صورت خداوند» تحلیل شده است.

۳. مبانی نظری

ازآنجاکه عبارات «هنر دینی» و «معماری دینی» از منظر اصطلاح‌شناسی تخصصی^{۵۳} دارای بار معنایی خاصی است،



54. structure
55. life
56. I
57. Not-seParateness
58. SPirit

۵۹. بیژن عبدالکریمی، پرسش از امکان امر دینی در جهان معاصر (پروپوز: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸)، ۱۴-۱۱.
۶۰. محدثی، «نسبت معماری و دین»، ۱۰۸.

۶۱. مسئله «گوهر و صدف دین»، ابعاد آنها، و امکان تفکیک این دو از یکدیگر از مسائل مورد بحث در زمینه دین پژوهی است.

۶۲. محمد مهدی گرجیان و زهرا شریف، «گوهر دین و دین‌داری از منظر عرفان اسلامی (با تأکید بر رابطه آن با مراتب هستی)»، «فلسفه دین»، سال ۶، ش. ۳ (پاییز ۱۳۸۸): ۷۱؛ هادی ربیعی، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۳): ۵۵.
۶۳. دین‌پژوهانی، چون محمد مجتهد شبستری و عبدالکریم سرروش، گوهر دین و دین‌باوری را در تجربه دینی می‌دانند و این تجربه را نوعی احساس تلقی می‌کنند (محمد مجتهد شبستری، ایمان و آزادی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، ۵۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹؛ حسن یوسفی اشکوری، نقد و بررسی جنبش اسلام معاصر نوگرایی دینی (تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۷۷)، ۱۶۸ و ۱۶۹.

فردی، نیرویی درونی (وجدان) است که در تعامل روح و جسم، بر اقلیم وجود انسان حاکم است و در مقیاس جمعی، نیرویی بیرونی است که به‌اعتبار قانون (عرفی و شرعی و علمی) و در قالب نهادی اجتماعی، بر جامعه حاکم است.^{۶۰} در عرفان اسلامی دین حقیقتی واحد است و این حقیقت واحد گوهری است دارای تجلیات سه‌گانه ظاهری، باطنی، و بطن الباطنی. عرفای اسلامی سه‌گانه شریعت، طریقت، و حقیقت و یا اسلام، ایمان، و احسان را برای دین آورده‌اند. لایه باطنی دین همان حقیقت و وحدت شخصیه آن است و جلوه‌های ظاهری، اگرچه به‌مثابه صدف^{۶۱} مطرح می‌شود، اما رقیقه همان حقیقت است، پس هیچ‌گاه زوال نخواهد یافت. دین‌باوری نیز حقیقتی سه‌لایه است که گوهر آن را شهود حق‌الیقینی توحید عرفانی دانسته‌اند؛ بنابراین گوهر دین و دین‌باوری با یکدیگر متناظرند.^{۶۲} در چنین درکی از دین، اگرچه برای دین به‌مثابه امری مشکک، مراتب و لایه‌های مختلفی تعریف شده است، اما دین همان حقیقت واحد است و تنها در این تعینات بروز کرده است و حقیقت واحد دین گوهر آن است و مرتبه‌ای است که هدف غایی تشریح شریعت و تقنین طریقت بوده است، و قرب و بُعد انسان به این گوهر مقام و مراتب دین‌باوری‌اش را مشخص می‌کند.^{۶۳} پس اگرچه عرفان اسلامی نظامی از دستورات باطنی و آداب ظاهری را پیش روی انسان می‌نهد، اما هدف از بیان این دستورات، قوانین، و فرامین رسیدن به نهایت حقیقت و آن گوهر است.

دین در واژه‌نامه‌های دوزبانه فارسی به انگلیسی، Religion ترجمه شده است. این کلمه در واژه‌نامه‌های یک‌زبانه انگلیسی لانگمن، آکسفورد، و کمبریج در این معانی آمده است: (۱) اعتقاد به پرستش یک خدا یا خدایان و هر نظام اعتقادی و پرستشی از این قبیل؛ (۲) فعالیت‌هایی مرتبط با عبادت خدا یا خدایان و آموزه‌های یک رهبر معنوی؛ (۳) فعالیت‌های منظم شخصی

بیان هرگونه تفسیر و فهمی از این عبارات از دید کریستوفر الکساندر نیازمند تبیین مراد پژوهش از دین، دین‌باوری، معماری، و هنر و معماری دینی است. همچنین به‌منظور تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی، ضرورت فهم برخی واژگان که اساس اندیشه‌های وی بر آنها استوار است، احساس می‌شود. به بیانی دیگر، فهم مقصود او از معماری دینی به فهم وی از کلماتی چون «ساختار»^۴، «حیات»^۵، «من»^۶، «عدم انقطاع»^۷ «ساختار»، و «روح»^۸ بستگی دارد. بر این اساس در مبانی این پژوهش به موارد یادشده خواهیم پرداخت.

۳.۱. تبیین مراد پژوهش از معماری دینی از طریق فهم دین، دین‌باوری، و معماری

بنابر ادعای اندیشمندان، نمی‌توان تعریفی کلی، یکسان، و جهان‌شمول از دین عرضه کرد. بخشی از این تعدد در تعاریف ناشی از تنوع در مبادی و تفاوت در مدخل ورود اندیشمندان حوزه‌های مختلف به موضوع دین است. مقوله دین با شبکه‌ای از مفاهیم چون زبان، فرهنگ، سیاست، تاریخ، سنت‌های اجتماعی، و ... در ارتباط است^۹ و به همین دلیل در بسیاری از موارد که از دین سخن می‌گوییم و یا با انتساب صفت دینی به موصوف خود، تعبیری چون هنر و معماری دینی را به کار می‌بریم، کاملاً روشن نیست از چه چیزی صحبت می‌کنیم. بنابر مطالب پیش‌گفته، در این پژوهش نیز در تلاش برای بیان فهمی جهان‌شمول از دین و دین‌باوری نیستیم، بلکه تنها مراد خویش را از مفهوم «دین» به‌وضوح بیان می‌کنیم تا پیش از عرضه تفسیر و فهمی از عبارت معماری دینی از دید الکساندر، مراد این پژوهش را نسبت بدین مفهوم به‌دست دهیم.

دین در لغت‌نامه دهخدا در معانی کیش و آیین، قانون و حق و داوری، حکم کردن، داوری و قضاوت، وجدان، خصایص روحی، و تشخیص معنوی آمده است. گویا دین در مقیاس

حاضر بر مبنای نظریات اندیشمندان این حوزه علی‌الخصوص اندیشه‌های الکساندر در باب دین، دین به مثابه باوری عمومی و رابطه‌ای درونی و باطنی بین انسان و خدا قلمداد خواهد شد که در اندیشه، کنش، و رفتار فردی و اجتماعی انسان به ظهور می‌رسد. درحقیقت جوهره یا گوهر دین یک نسبت و ارتباط وجودی بین انسان متناهی با همان یگانه حقیقت فراتاریخی و قدسی هستی یا امری متعالی، خدا، و حقیقتی نامتناهی و استعلایی در نظر گرفته خواهد شد.

پذیرفتیم که گوهر دین متناظر با انسان است و به بیان دیگر دین برای دین‌باوری است. دین‌پژوهان درک نسبت وجودی بین انسان متناهی و حقیقتی نامتناهی را در سطح فاهمه ملاک دین‌باوری نمی‌دانند؛ به‌طور مثال اگر این پرسش را طرح کنیم که «جهان چگونه به‌وجود آمد؟» و فاهمه ما این پاسخ را دهد: «جهان را خدا آفرید»، صرف بیان این پاسخ، دین‌باوری نیست. تفکر دینی و دین‌باوری از آنجایی آغاز می‌شود که فرد از سطح فاهمه و نظر صرف ارتقا یابد و بر اساس صیوروت و تحولی درونی، با لایه‌های عمیق‌تری از هستی خود^{۶۸} یا جانش، با حقیقت پیوندی وثیق یابد، بدان ایمان داشته باشد، و این حقیقت را در احساس، اندیشه، کنش، و رفتار فردی و اجتماعی متجلی کند. روح دین‌باوری و تفکر دینی درحقیقت معرفت قلبی و باطنی به دین، به کمال رساندن حال انفسی، و متعاقب آن بروز امر دینی در احساس، اندیشه، کنش، و رفتار فردی و جمعی و سپس دستیابی به کمال جمعی است، و در این مسیر تأکید بیش از اندازه بر اشکال و صور دین، ظواهر به اصطلاح دینی، و شریعت آن می‌تواند به قربانی شدن نسبت آدمی با حقیقت دین منتهی شود و حیات دین‌باورانه‌اش را به خطر اندازد^{۶۹} و اگر تجلی امر متعالی و آن حقیقت استعلایی در کنش و رفتار انسان نباشد، رفتار او دینی نیست و دین‌باورش نمی‌خوانیم، حتی اگر این رفتار و کنش

مشناق؛ ۴) نظام خاصی از عقاید و تمامی مراسم، مناسک، و وظایف مربوط؛ ۵) علاقه‌ای خاص به چیز یا موضوعی یا تأثری خاص از آن در زندگی. در این فهم از Religion دو سطح معنای عام و خاص برداشت می‌شود. در معنای عام این کلمه را می‌توان هرگونه حوزه ذهنی یا عینی دانست که انسان نسبت به آن تعلق و تقید دارد. معنای تخصصی دین همان معنای عمومی آن است که بر اساس یک یا چند ویژگی خاص، همچون معتقدات و مناسک مبتنی بر مفهوم یا پدیده‌ای محوری، مثلاً خدا و پرستش او، به محدوده مصداقی مشخصی دلالتگر باشد؛ در این صورت دین را می‌توان ارتباط انسان با چیزی مقدس، مطلق، معنوی، ملکوتی یا شایسته احترام و تکریم ویژه دانست. در بسیاری از سنت‌ها این ارتباط و این ملاحظات به‌صورت رابطه یا گرایش به خدایان، ارواح، فرد انسانی، جهان طبیعت، یا پدیده‌ای طبیعی بیان می‌شود.^{۶۴}

از آنجاکه هدف در این پژوهش تحلیل فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی است، در این بخش به فهم الکساندر از دین نیز در کتاب سرشت نظم نظر خواهیم داشت. الکساندر نیز در این کتاب معادل دین را Religion آورده است. وی به تقلیل ادیان بزرگ به آموزه‌ها، مناسک ظاهری، و شریعت آن و همچنین مغایرت بین عقاید اجتماعی و دنیوی و عادات فرهنگی^{۶۵} با دین اشاره می‌کند. به زعم وی هر دین دارای روح، گوهر، و جوهری^{۶۶} است که تنها از طریق فهم آن می‌توان دین را به زندگی و معماری وارد کرد. به باور او ارتباط بین دین و معماری در همه ادیان وجود دارد و ظهور این ارتباط در معماری در گرو فهم گوهر یا جوهر دین است.^{۶۷}

با نظر به آنچه از دین در زبان فارسی و انگلیسی آمد، رابطه دین، به مثابه یک نیروی درونی در انسان، با حقیقتی شایسته احترام که ابعاد مختلف فردی و اجتماعی زندگی وی را متأثر می‌کند، دریافت می‌گردد. بنابراین در پژوهش

۶۴. محدثی، «نسبت معماری و دین»، ۱۰۹ و ۱۱۰.

65. secular or social body of doctrine and cultural habits
66. Psychic center of religion
67. Christopher Alexander, The Nature of Order, vol. 4 (California: Berkeley university Press, 2004) 84-91, 309, 314.

۶۸. لایه‌های عمیق هستی انسان در زبان حکمت و ادب به «جان»، در ادبیات افلاطون به «روح»، و در لسان هایدگر به «دزاین» تعبیر می‌گردد (عبدالکریمی، پرسش از امکان امر دینی در جهان معاصر، ۱۵).

۶۹. تفکرات جریان‌ات بنیادگرای اسلام چون طالبانیسم، القاعده، و داعش نمونه تأکید افراطی بر شریعت دین است.

معمار دین‌باور کسی است که در نحوه مواجهه خود با جهان، خودآگاهانه و آزادانه، مراتبی از آگاهی به حقیقتی روشن را متجلی می‌کند و بسته به مراتب وجودی خویش و درجه کسب این آگاهی، توفیق بیشتری در این مسیر خواهد یافت.

انسان یگانه موجودی است که از نحوه هستی‌ای برخوردار است که «خود - برپا»ست، یعنی خودش باید نحوه هستی خود را تحقق بخشد. همچنین انسان یگانه موجودی است که از امکان‌های گوناگونی برای تحقق نحوه هستی خویش برخوردار است. بر پایه این مقدمات می‌توان گفت که تحقق دینی نحوه‌ای از تحقق هستی انسان یا معمار است، پس انسان یا معمار دینی یا دین‌باور انسانی نیست که پاره‌ای از آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی، اطلاعات تاریخی، و مفروضات فرهنگی را در فاهمه‌اش دارد و یا به انجام احکام و شعائر دین می‌پردازد، بلکه انسان و معمار دین‌باور انسانی است که به گونه‌ای خاص، یعنی بر اساس رابطه و نسبتش با آن ساحت ازلی، نحوه هستی انسانی‌اش تحقق یافته است.^{۷۴} از طرفی، انسان یگانه موجودی است که می‌تواند در جهان قیام داشته باشد، در برابر جهان بایستد، درباره جهان، درباره خویش، درباره نسبتش با این جهان، درباره امر متعالی، خدا، و در یک کلام حقیقت پرسش کند. این پرسشگری از حقیقت جهان همان ساحتی است که در آن انسان به حقیقت انسان است و انسانیت انسان، یعنی جوهره اصیل انسانی، در آن ظهور می‌یابد. بنابراین امر دینی حاصل پرسشگری انسان و یگانه امری است که انسان در آن می‌تواند عالی‌ترین نحوه هستی‌اش و شأن انسانی خود را متحقق سازد. زندگی دین‌باورانه لبیک گفتن به ندای پرسشگر انسانی است که در پی قرب به یگانه حقیقت جهان است.^{۷۵}

با نظر به پیش‌گفته‌ها و از آنجا که معماری نیز به واسطه انسان دین‌باور و در نسبت با مراتب دین‌باوری‌اش رقم می‌خورد، در یک جمع‌بندی کلی معمار دین‌باور را در این پژوهش معماری

ادای همان مناسک ادیان چون نماز خواندن، روزه گرفتن، و عبادت در کلیسا و کنیسه باشد. به همین ترتیب، سلام ساده یک استاد به دانشجو، فروخته شدن یک جنس در فروشگاه، و بیل زدن یک کشاورز در کشتزارش، در صورتی که این نسبت را در خود به ظهور رساند، دین‌باوری است.^{۷۰} بنابراین در چارچوب فکری این پژوهش، دین‌باوری، چنان که آمد، ظهور و تجلی امری متعالی و حقیقتی قدسی بر ذهن، احساس، اندیشه، کنش، و رفتار فردی و جمعی انسان است. با این مقدمات به تبیین مراد پژوهش از معمار دینی یا معمار دین‌باور و معماری دینی، به‌خصوص بر مبنای نظریات الکساندر، خواهیم پرداخت.

بنابر آنچه از دین و دین‌باوری گفته شد، گوهر دین متناظر با وجود انسان است. به بیان دیگر وجود انسان دین‌باور گوهر دین را رقم می‌زند، و امر دینی در ساحتی از وجود انسان تحقق می‌پذیرد که آدمی درکی از حیات را خودآگاهانه و آزادانه برمی‌گزیند. سرشت امر دینی درحقیقت نحوه خاصی از مواجهه انسان با جهان است و زمانی انسان، در پس کثرتی از واقعیت‌های فناپذیر، حقیقتی روشن را می‌یابد.^{۷۱} در همه سنن تفکر دینی و معنوی اصیل، جهان هستی ذومراتب و دارای مراتب گوناگون وجودشناختی است و متناظر با آن مراتب گوناگون آگاهی نیز وجود دارد؛ به این معنی که همه آگاهی‌های بشری همسطح نیستند، بلکه مراتب پایین آگاهی به مراتب پایین وجود، و مراتب بالای آگاهی به مراتب بالای وجود تعلق می‌گیرد. بنابراین خودآگاهی معنوی سطحی از آگاهی انسان است.^{۷۲} نظریات الکساندر نیز هم‌جهت با این مطلب است. به اعتقاد او ادیان باید در پی آموزش یکی شدن و وحدت با جهان و هماهنگی با محیط اطراف به پیروانشان باشند. او معتقد است آگاهی نسبت به من، جهان، زمینه، محیط اطراف، و ارتباط و پیوستگی با آن تنها راهی است که می‌توان بر مبنای آن معماری کرد.^{۷۳} بنابراین به نظر می‌رسد که انسان و به تعبیری

۷۰. همان، ۱۴-۲۱.

۷۱. همان، ۲۹۲.

۷۲. همان، ۲۹۵.

73. Alexander, *The Nature of Order*, vol. 4, 84-91, 309, 314.

۷۴. عبدالکریمی، پرسش از امکان امر

دینی در جهان معاصر، ۲۹۷-۲۹۶.

۷۵. همان، ۲۹۶-۲۹۷ و ۳۰۴-۳۰۵.

و زنده نگه داشتن چیزها به کمک ساختن دلالت دارد. از آنجاکه معماری در فرایند ساخت به وجود انسان وابسته است و فرآورده معماری نیز برای انسان است، معماری گوهری انسانی، مشکک، و ذومراتب می‌یابد که در سطوحی از نسبت، کیفیت و ارزش و آبادی را برای زندگی انسان به نمایش می‌گذارد.^{۸۱} به بیانی دیگر، معماری با هدف ارزشی آباد کردن، ظرفی برای مظلوف خود یعنی زندگی انسان می‌سازد و اساساً علت وجودی آن جای دادن این مظلوف به بهترین نحو ممکن در خود است، به بیان دیگر، ظرف معماری نه بر اساس مکان، بلکه بر اساس ظرفیت آن برای مظلوف زندگی، به آبادی زندگی انسان می‌پردازد و با نظر به مشکک بودن مراتب هدف ارزشی آباد کردن، معماری نیز ظرفیت و مراتبی در تحقق این هدف می‌یابد. با این تفاسیر، زمانی که نام ساخته‌ای را معماری می‌نهیم، این بدین معنا است که قائل به وجود باطنی در آن هستیم که از زندگی انسان نشئت گرفته است و هدف آباد کردن این زندگی را دارد.

آنچه در باب معنای معماری در زبان فارسی آمد، با نظریات الکساندر در باب معماری نیز هم‌جهت است و بنابر مقدمات پیشین، معماری دینی را نیز، با استناد به منابع موجود معماری‌ای خواهیم پذیرفت که در هر اثر معماری معمار دین‌باور (مطابق با تعریفی که آمد) متناسب با ظرفیت‌های آن به ظهور می‌رسد.^{۸۲}

۲.۳. تبیین «ساختار»، «حیات»، «من»، «عدم

انقطاع ساختار»، و «روح» نزد الکساندر

الکساندر در تعریف حیات از اصطلاح «پدیده حیات»^{۸۳} استفاده می‌کند و تعاریف عصر خویش از این پدیده را کامل نمی‌بیند. او تعریف حیات و زنده بودن را علاوه بر موجودات زنده برای پدیده‌های زیست‌محیطی، اشیای بی‌جان، و رویدادها و رفتارهای انسانی به کار می‌برد و تلاش می‌کند تعاریف موجود از حیات را در هنر و معماری وضوح بخشد و از این طریق

می‌دانیم که خودآگاهانه و آزادانه مراتب ایمان، نحوه هستی انسانی، و رابطه درونی خویش را با خداوند از طریق پرسشگری از جهان و قواعد هستی و پرورش مراتب آگاهی خویش به آن حقیقت ازلی، باطن، و گوهر دین تقویت کند.

از طرفی، معادل معماری در زبان انگلیسی یعنی Architecture از Arkhitekton یونانی آمده است؛ که ترکیبی از Arkhi به معنای مهتر، سرور، و رئیس، و tekton به معنای سازنده و نجار است. کلمه Techne در یونان باستان بر فنون و صنایع اطلاق می‌شد، چه صنایع هنری و چه صنایع کاربردی؛ البته تکنیک و صنعتی که در یونان شناخته شده بود با برداشت امروزی از کلمه صنعت و همچنین تکنیک تفاوت دارد. تکنیک و صنعت در یونان رخ نمود و انکشاف حقیقت^{۶۶} بود و در دنباله جهان و طبیعت به‌شمار می‌رفت.^{۶۷}

معماری به زعم الکساندر ساختاری است که در سرشت آن مراتبی از حیات^{۶۸} و روح وجود دارد. به تعبیر وی معماری جلوه‌ای از «من» یا صورت خداوند^{۶۹} است و حاصل در جهان بودن ماست. به عقیده او ارتباط نزدیک معماری با من یا صورت خداوندی، بی‌مرزی بین معماری و جهان، زمینه، محیط اطراف، و اتصال و پیوستگی با آن موجب ظهور درجات بالاتری از حیات در معماری می‌شود.^{۸۰}

از طرفی، معماری در زبان فارسی نیز درحقیقت کلمه‌ای عربی و از ریشه «ع م ر» است. عمر و عمر به معنای زندگی و یا استمرار آن و زنده بودن و زنده ماندن است، و بر زندگی زیاد و دراز، سکونت، ساختن، آباد کردن، فراوانی و بسیاری، خوب، و باکیفیت دلالت دارد. عمر درحقیقت فراتر از صرف بقا و ماندگاری است، و بر آبادی چیزی در طول زندگی و بر آن بخشی از زندگی، که سالم و آباد است، دلالت دارد. بنابراین می‌توان معنای معماری را در زبان فارسی معنایی ارزشی دانست که بر مطلوب آبادی و کیفیت آبادکردن و ماندگار کردن

76. Aletheia

۷۷. فرح رامین، «هنر؛ تنها راه نجات (نگاهی به فلسفه هنر هایدگر و نسبت آن با اندیشه متفکران مسلمان)»، مشرق موعود، دوره ۶، ش. ۲۱ (بهار ۱۳۹۱): ۱۷-۱۸؛ محمد مددیپور، ماهیت تکنولوژی و هنر تکنولوژیک (تهران: سوره مهر، ۱۳۸۴)، ۶۰-۵۹.

78. degrees of life

وجه‌الله، Face of God

80. Alexander, *The Nature of Order*, vol. 4, 5-7, 63-64, 307.

۸۱. محدثی، «نسبت معماری و دین»، ۸۳-۹۰.

۸۲. سیده‌مهسا باقری، «تفسیر معماری دینی از منظر معمار» (تهران: دانشگاه هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۴۰۱)، ۱۶۷.

83. the Phenomenon of life



هنگامی که یک چیز به خوبی ساخته شود، تحقق فیزیکی، واقعی، و ظاهری روح در جهان است.^{۸۹}

به عقیده وی «هنگامی که یک چیز به خوبی ساخته شود، تحقق مرتبه بالایی از روح در جهان است»^{۹۰} و وقتی چیزی را می‌سازیم باید به آنچه می‌کنیم توجه داشته باشیم و خود را ملزم به طی مسیری کنیم که در نهایت آنچه ساخته‌ایم تجلی روح باشد.^{۹۱}

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به منظور تحلیل داده‌ها، نخست نسبت و ارتباط بین معماری دینی با معماری، معماری خوب، و معماری در شأن خدا در نظر الکساندر تبیین خواهد شد، سپس ابعاد مواجهه او با معماری دینی و فهم آن ذیل سه وجه منتسب دین، خدا، و معمار خواهد آمد و در نهایت چارچوب مفهومی پیشنهادی برای معماری دینی از منظر الکساندر عرضه خواهد شد.

۱.۴. وجود نسبت و ارتباط بین معماری دینی با معماری، معماری خوب، و معماری در شأن خدا در نظر الکساندر

اگرچه در نگاه نخست ممکن است به نظر رسد الکساندر هنگام سخن در باب معماری و یا معماری خوب التفاتی به مفهوم معماری دینی ندارد و اشاره مستقیمی بدان نمی‌کند؛ چنان‌که در سطوری از همین فصل نیز بودن در جریان اصلی برخی از ادیان بزرگ مانند مسیحیت و اسلام را سبب آبادی زندگی نمی‌داند،^{۹۲} اما مطابق با آنچه در مبانی پژوهش در باب دین، دین‌باوری، و معمار دین‌باور آوردیم، سخنان الکساندر در این کتاب را می‌توان از مصداق‌های تفکر دینی دریافت کرد، و تعبیر وی از معماری خوب و یا معماری در شأن خدا نیز چشم‌انداز دینی وی را، که مطابق با مراد این پژوهش از دین

فهمی از معماری، معماری خوب، و معماری دینی عرضه کند.^{۸۴} به زعم الکساندر هر اثر معماری یک ساختار است و حیات کیفیتی است که در سرشت هر چیز نهفته است؛ پس حیات می‌تواند در یک فضا، ساختار، و اثر معماری ظاهر شود. در نگاه او هر ساختار یا اثر معماری مراتبی از حیات را در خویش دارد و هرچه این ساختار یا معماری خوب‌تر باشد، مراتب بالاتری از حیات را ظاهر می‌کند.^{۸۵}

الکساندر به حضور یک «من» در پس هر چیز، ساختار، و اثر اشاره می‌کند و آن را با عناوینی چون خویشتن^{۸۶}، من، و صورت خداوند می‌آورد. او معتقد است این من تجربه‌ای عمیق و شخصی از جهان بودن ماست. در همه چیز هست و سبب می‌شود آن چیز یا ساختار مرتبه‌ای از حیات را به ظهور رساند. به بیان دیگر، هرچه آن چیز یا ساختار ارتباط و نزدیکی بیشتری با من داشته باشد، می‌تواند درجات بالاتری از حیات را در خویش متجلی کند و انسان در مواجهه با چیزهایی که مراتب بالایی از من او را یادآور می‌شوند، ارتباط و تعلق بیشتری را احساس می‌کند.^{۸۷}

از منظر الکساندر کیفیت عدم انقطاع از جهان اطراف یا زمینه می‌تواند منجر به نزدیکی آن ساختار یا چیز با من و در نهایت تجلی مراتبی از حیات شود؛ عدم انقطاع ساختار از جهان بدین معنی که ساختار با جهان متصل، مرتبط، و یکپارچه است، از آن جدایی نمی‌طلبید، و مرزی بین آن ساختار و جهان وجود ندارد؛ به بیان دیگر، جهان و ساختار ذوب در یکدیگرند.^{۸۸} الکساندر همچنین معتقد است که هر چیز دارای مراتبی از روح است و روح موجود در جهان دارای قابلیت ظهور و وقوع در چیزهاست:

صدای زنبورها، نسیم تابستان، تابش نور روی برگ درختان، و عطر گرم علف همه دارای امکان ظهور روح است ... معماری، جزئیات آن، و یا یک نقاشی دارای حد و مراتبی از روح است.

84. Alexander, *The Nature of Order*, vol.1, 30-40.

85. Ibid, 31-32.

86. self

87. Ibid, vol. 4, 5-7, 63-64.

88. Ibid, 307.

89. Ibid, 302.

90. Ibid, 302, 303.

91. Ibid, 303.

92. Ibid, 314.

که الکساندر آن را رسیدن به خدا از طریق خودسازی، ترک نفسیات، و مواجهه با جهان و آگاهی به آن می‌داند.^{۹۴} وی همچنین نمونه‌هایی از معماری دینی نقاط مختلف جهان و تزیینات بسیاری از آنها چون پاگودای بودایی غاز وحشی^{۹۵}، مسجد امام اصفهان^{۹۶}، و کلیسای شارتر^{۹۷} را نمونه‌هایی از معماری خوب و متعالی، معماری زنده، و معماری در شأن خدا می‌داند و در باب حیات در آنها و کیفیت یکپارچگی نمونه‌های متعددی از معماری دینی با جهان، عدم انقطاع آنها از جهان در راستای پرورش مراتب آگاهی به جهان می‌نویسد و اینها همه ناظر بر آنچه بوده است که در مبانی این پژوهش در باب دین و دین‌باوری آمد. بنابراین می‌توان بیان کرد که در نظر این معمار هرگز معماری خوب، معماری، معماری در شأن خدا، و معماری دینی از یکدیگر به‌طور قاطع قابل تفکیک نیستند.

۲.۴.۲. ابعاد مواجهه الکساندر با معماری دینی و فهم آن
 ضمن مطالعه فصل مورد نظر از کتاب الکساندر، نخست مواجهه او با مفهوم معماری دینی در خلال سه وجه منتسب شناسایی شد. این سه وجه دین، خدا، و معمار بوده است. الکساندر در سطور مختلف این فصل گاه از طریق انتساب معماری دینی به دین و به‌صورت خاص جوهر ثابت ادیان، گاه از طریق انتساب آن به خدا، و گاه از طریق به‌دست دادن فهمی از معمار دینی و فضایل لازم برای این معمار، راهی به سوی تفهیم معماری دینی به مخاطبین خویش می‌جوید. در ادامه به‌منظور فهم کریستوفر الکساندر از معماری دینی به تحلیل هریک از وجوه یادشده خواهیم پرداخت.

۲.۴.۱. فهم معماری دینی از طریق انتساب آن به دین
 در نگاه الکساندر ارتباطی گریزناپذیر بین معماری با دین وجود دارد.^{۹۸} فهم این ارتباط را می‌توان کلید فهم معماری دینی از

و دین‌باوری بوده است، نشان می‌دهد. به بیان دیگر، فهم این معمار از معماری دینی با فهم وی از معماری خوب، معماری در شأن خدا، و یا به‌طور کلی معماری در هم آمیخته است. چنان که در مبانی مربوط به این پژوهش آوردیم، جوهره یا گوهر دین نه ادای مناسک و شرایع ظاهری دین و پیروی از احکام انسان‌ساخت، ناسوتی، و بشری؛ بلکه رابطه‌ای درونی و باطنی بین انسان و خداست که دارای مراتب مختلفی است و به همین ترتیب معمار دین‌باور را معماری نامیدیم که خودآگاهانه و آزادانه مراتب ایمان، نحوه هستی انسانی، و رابطه درونی خویش را با خداوند از طریق پرسشگری از جهان و پرورش مراتب آگاهی بدان و به گوهر دین تقویت گرداند و آن را در احساس، اندیشه، کنش، و رفتار فردی و اجتماعی و در یک کلام زندگی‌اش متجلی کند. با مطالعه نظرات الکساندر، فهم این معمار از دین، حیات، معماری، و معماری خوب با مفروضات این پژوهش از دین، دین‌باوری، و معمار دین‌باور مطابق بوده است؛ چنان که الکساندر نیز کیفیت حیات را بی‌ارتباط با آموزه‌های ظاهری ادیان و مناسک آن می‌داند و کلیساها و آیین‌های سازمان‌یافته را به‌سبب تأکید بر مناسک ظاهری، دور از هرگونه ارتباط با جهان و قلمرو خدا معرفی می‌کند. او ارتباط بین معماری و دین را می‌پذیرد، اما این ارتباط را مبتنی بر گوهر دین و نه ظواهر آن، همچنین ارتباط بین انسان و جهان و عدم انقطاع از آن، و تسلیم شدن انسان در برابر امر متعالی و خدا می‌داند.^{۹۹} همچنین در جایی دیگر چنین اشاره می‌کند که اگرچه جزئیات مسیر معنوی‌ای پیمودنی در ادیان مختلف متفاوت است، اما همه آنها واجد یک گوهر غایی هستند؛ اگر مسلمانان بر نماز و ارتباط با خدا تأکید دارند، مسیحیان بر عشق به هر موجود زنده، و بوداییان بر اندیشه‌ورزی و تعمق؛ همه این آموزه‌های درظاهر متفاوت دارای ویژگی اساسی مشترکی است و تمرینی معنوی و تلاشی است برای دستیابی به همان گوهر غایی. گوهری

- 93. Ibid.
- 94. Ibid, 35
- 95. Ibid, vol.1, 10-12.
- 96. Ibid, 40-44.
- 97. Ibid, vol. 4, 84-91.
- 98. Ibid, 314.

می‌گیرد و برج زرد^{۱۰۳} را به‌منزله نمونه باشکوهی از وحدت معماری با جهان چین معرفی می‌کند:

برج زرد تا حدودی از کیفیت عدم انقطاع از زمینه برخوردار است که بسیار نادر است. برج در شخصی که آن را می‌بیند احساس آرامش کامل را ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که همه‌چیز در جهان خوب است. همه‌چیز به هم متصل و مرتبط است. هر چیزی جزئی از دیگری است. این احساس را ایجاد می‌کند که هیچ چیز جدا نیست، همه‌چیز هماهنگ است ... هیچ محدودیتی در مرزهای آن وجود ندارد ... فراتر از دیوارهایش گسترش می‌یابد. کاملاً با مسیرها، باغ‌ها، و ساختمان‌های فراسوی یکی شده و در آن ذوب می‌شود. هیچ انقطاعی وجود ندارد. جهان پیرامون این چیز کاملاً یکی (یکپارچه) است.^{۱۰۴}

حال می‌توان به راحتی مدعی شد که اگر الکساندر به ارتباط آثار بزرگ معماری تاریخ با دین اشاره می‌کند، این ارتباط را به دلیل وجود یک پیش‌شرط اساسی برای ساختن اثر در جوهر ادیان بزرگ می‌داند. این پیش‌شرط همان یکی بودن و وحدت^{۱۰۵} است. به زعم او در تعداد بسیار اندکی از رشته‌های دیگر می‌توان تأکیدی چون دین بر یکی بودن، وحدت، جدانبودگی و عدم انقطاع از زمینه، جهان، چیزها، من، و خدا را یافت و همین‌هاست که در هر ساختاری که زندگی دارد قابل مشاهده است.^{۱۰۶} ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که اگرچه الکساندر به تأثیر جوهر دین بر معماری قائل است، اما آن را مختص به دین مسیحیت نمی‌بیند و همه ادیان را دارای این جوهر ثابت می‌داند.^{۱۰۷}

تحت این منطق فکری می‌توان نتیجه گرفت که ظهور زندگی در معماری دینی وابسته به ایجاد ارتباط بین معماری و جوهر ادیان است و معماری دینی نیز مطابق با جوهر ثابت ادیان بزرگ معماری‌ای است که از کیفیت عدم انقطاع از جهان پیرامون و هماهنگی و یکپارچگی با آن برخوردار است.

نظر این معمار دانست.

به عقیده الکساندر اگر متصور شویم که تنها با قرار گرفتن در جریان اصلی برخی ادیان تاریخی مانند مسیحیت، اسلام، یا بودیسم می‌توانیم زندگی را در معماری به جریان درآوریم، درگیر تصویری نادرست هستیم. به زعم او درجه وجود زندگی در هر معماری و یا به صورت عام در جهان، به عقاید اجتماعی و دنیوی و عادات فرهنگی، که عموماً با نام دین شناخته می‌شود، بستگی ندارد.^{۹۹} الکساندر به وجود انحرافی در فهم دین در نظرات معاصرانش اشاره می‌کند. این انحراف تقلیل دین به آموزه‌ها و مناسک ظاهری و دنیوی ادیان تاریخی و واگذارن روح و جوهر آن است.

وی مدعی وجود ارتباطی بین دین و معماری است که در همه ادیان موجود و ثابت است. این ارتباط به روح و جوهر ادیان مربوط است. او معتقد است این روح و جوهر به‌طور ذاتی در هر فرد و در جهان وجود دارد. به زعم الکساندر این جوهر که ارتباط بین ما و جهان را برقرار کرده است، موجب ظهور زندگی در معماری خواهد شد.

الکساندر روح دین عصر خویش را در معرض خطر می‌بیند و وضعیت کلیساها و ادیان را به‌دور از هرگونه ارتباط درونی با زمین، جهان، قلمرو ماده و قلمرو خدا یا من معرفی می‌کند.^{۱۰۰} او معتقد است آموزه‌های ظاهری و دنیوی ادیان و رشته‌های^{۱۰۱} مذهبی مربوط به آن در عصر وی به جای آموزش عدم انقطاع از جهان به مردم و حتی مهم‌تر از آن، ایجاد تمایل در ایشان به این عدم انقطاع، به مردم آموخته است که خود را فراموش کنند و این در حالی است که هیچ‌چیزی را نمی‌توان ساخت، مگر توسط شخصی که تمایل به انقطاع از جهان نداشته باشد.^{۱۰۲} او برای توصیف عدم انقطاع ساختار از جهان، عباراتی چون یکی شدن و ادغام با زمینه، وحدت با چیزها، ذوب شدن در جهان، و هماهنگی با محیط اطراف و جدانبودگی از جهان را به کار

99. Ibid.

100. Ibid.

101. disciplines

102. Ibid, 309.

۱۰۳. برج زرد اصطلاحی است

که الکساندر آن را برای توصیف

یک معماری دینی یعنی پاگودای

بودایی غاز وحشی، که در جنوب

استان شانشی چین واقع است، به کار

می‌برد و آن را در کتاب سرشت نظم

نمونه‌ای از معماری خوب معرفی می‌کند.

104. Alexander, *The Nature of*

Order, vol. 4, 307.

105. One-ness

106. Ibid, 309.

107. Ibid, 304.

۲.۲.۴. فهم معماری دینی از طریق انتساب آن به خدا

مواجهه با معماری دینی به مثابه هدیه‌ای به خدا و انتساب این معماری به او یکی از نکاتی است که می‌توان آن را به کرات در نظریات الکساندر در این فصل دید.

به عقیده الکساندر ظهور روح در معماری دینی، ظهور خداست. به‌طور کلی در نگاه وی یک معماری خوب دارای درجه بالایی از روح است. او معتقد است پس از ظهور و رخ‌نمود روح، در آئی با خدا رودررو می‌شویم. زمانی که این کیفیت در چیزها رخ دهد، انسان با خدا مواجه است و این نشانه وجود خدا در پس هر چیز نیست، ظهور روح ظهور خود خداست.^{۱۰۸} او هدف نهایی همه ساخت‌ها را آشکار کردن روح، دیدنی کردن خدا، و نمایش معنای نهایی حیات با سنگ و آجر می‌داند.^{۱۰۹}

الکساندر نه تنها معماری و به‌صورت خاص معماری دینی، بلکه همه چیزهای موجود در جهان را دارای امکان ظهور روح و خدا می‌داند. کیفیت معماری دینی در نظر این معمار نیز در تناظر با میزان تحقق فیزیکی، واقعی و ظاهری درجاتی از روح یا خداست. وی اذعان می‌دارد که درحقیقت در پس معماری نوری است که خواه این نور را روح یا خدا بنامیم یا چیز دیگری برای تشخیص میزان آن باید به همان حد و اندازه نمایش خدا متوسل شویم.^{۱۱۰} بنابراین به زعم وی اول این روح یا خدا امکان تعیین دارد، و دوم در معماری خوب ظاهر می‌شود. درحقیقت در نظر او معماری خوب نیز در نسبت با خدا قابل فهم است. به همین علت است که او معماری خوب را معماری‌ای می‌داند که هدیه‌ای برای خدا بوده و به خدا تعلق داشته باشد و نه انسان؛ و برای بندگی خدا، تسبیح، و ستایش او ساخته شده باشد، نه ستایش شدن سازنده آن.^{۱۱۱} الکساندر پاسخ به یک سؤال اساسی را راه فهم درجه کیفیت معماری می‌داند و آن هم این است که «آیا این چیز بهترین هدیه به خداست؟» چنانچه می‌گوید:

108. Ibid, 302.

109. Ibid.

110. Ibid, 316.

111. Ibid, 304.

112. Ibid, 310.

وقتی ساختمانی می‌سازم، وقتی حجم آن را می‌بایم، وقتی روی فضای خارجی آن کار می‌کنم، وقتی فرم آن را طراحی می‌کنم و در مورد ارتفاع آن تصمیم می‌گیرم، وقتی به احساس فضای داخلی و بخش سازه‌ای فکر می‌کنم، وقتی روی موقعیت اتاق‌های اصلی کار می‌کنم و عرض راهروها را مشخص می‌کنم، وقتی روی درها و سطوح کف کار می‌کنم، هر بار و در هر موقعیت، از خود می‌پرسم «کدام‌یک از کارهای متنوعی که می‌توانم انجام دهم بهترین هدیه برای خداست؟»^{۱۱۲}

بنا بر آنچه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که الکساندر در تعبیر معماری بسان هدیه‌ای به خدا دو نکته‌ی مهم را مد نظر داشته است: نکته نخست اینکه او معتقد است اگر معمار همواره در نظر داشته باشد که ساختاری برای هدیه به خدا می‌سازد، در تلاش خواهد بود که بهترین معماری را عرضه کند؛ پس این معماری فارغ از اینکه برای کدام انسان و با چه عملکردی ساخته شود، نخست و در نهایت متعلق به خداست. با این طرز تفکر، معمار همواره در تلاش است که معماری‌اش در شأن خدا و در حد و اندازه ظهور و هدیه به او باشد. نکته دوم اینکه الکساندر هر ساختار را واسطه‌ای برای درک خدا و بندگی وی می‌بیند. به بیان دیگر، به زعم وی معماری هدیه‌ای به خداست، به این دلیل که می‌تواند شرایط بندگی خدا را برای انسان تسهیل کند و بنده را به یاد خدا و تسبیح و حمد و ستایش وی بیاندازد. بنابراین معماری باید در حد و اندازه‌ای باشد که این امکان را فراهم کند. با این تعابیر ساختاری که انسان را به یاد سازنده یا معمار بیاندازد و نه خداوند، نمی‌تواند معماری دینی، معماری خوب، و به‌طور کلی حتی معماری باشد.

با این مقدمات، به نظر می‌رسد که در مکتب فکری این معمار برای فهم معماری دینی باید از امکان انتساب آن به خدا پرسید. در این فهم با یک پرسش اساسی مواجهیم و آن اینکه «آیا این معماری بهترین هدیه به خداست؟» معماری

بهتر شدن و دستیابی به معماری خوب انجام دهد.^{۱۳۱} با این تعبیر می‌توان مدعی شد که به نظر الکساندر معمار و معمار دین‌باور از یکدیگر قابل تفکیک و تمیز نیستند و خلق معماری دینی را نمی‌توان صرفاً به معمار دین‌باور نسبت داد. در ادامه برای فهم معماری دینی از منظر وی، از طریق مواجهه با معمار و نه معمار دین‌باور وارد موضوع خواهیم شد.

به عقیده الکساندر قضاوت هر معمار نسبت به معماری خویش، با ملاک بهترین هدیه به خدا بودن موجب می‌گردد که وی ظهور خودمحموری‌های شخصی و تمایل به شهرت و تحسین شدن را در درون خویش دریابد و راه خلاص شدن از آنها را بیابد و فراتر از آنها را ببیند.^{۱۳۲} در واقع، آنچه معمار را به این حساس می‌کند که کارش یک هدیه برای خدا باشد، به حالتی در ذهن معمار می‌انجامد که وی را از افکار خودستا و پوچ دور می‌گرداند و مجبورش می‌کند فروتن باشد.^{۱۳۳} الکساندر می‌گوید:

وقتی چیزی می‌سازم از خودم می‌پرسم که آیا این هدیه آن قدر فروتنانه است که بتواند بهترین هدیه به خدا باشد؟ پاسخ به این سؤال حتی بی‌فکری‌های کوچک کار من را در معرض دید قرار می‌دهد، خودمحموری‌ها و تمایل من به تحسین شدن را وضوح می‌بخشد و به من فرصت‌رهایی از آن را می‌دهد. در هر لحظه از مراحل ساخت، با انتخاب‌هایی روبه‌رو می‌شوم که پاسخ به این سؤال مرا برای کارهایی که باید در مرحله بعد انجام داده شود راهنمایی می‌کند.^{۱۳۴}

چنانچه پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، معمار تمایلی طبیعی به تحسین شدن و جلب توجه دیگران دارد. تمایل دارد که مردم ساخته‌اش را ببینند و دوست بدارند. تمایل دارد نام خود را بر روی اثرش بگذارد تا آن ساختمان با نام او شناخته شود، در یک کلام معمار تمایل دارد بگوید «به آنچه ساخته‌ام نگاه کن». به زعم الکساندر این تمایل معمار وی را ترغیب می‌کند که

دینی برای نیل به این مقام و احتساب به‌مثابه یک معماری خوب و بهترین هدیه به خدا، باید دارای مراتب بالایی از روح و منادی حضور خدا باشد، همچنین به خدا تعلق داشته باشد و برای بندگی و ستایش او ساخته شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است: الکساندر در شرایطی خدا و معماری دینی را به هم منتسب می‌کند که دیدگاه اثبات‌گرایانه و مکانیستی^{۱۳۵} حاکم بر اندیشه علمی سه قرن پیش از او تلاشی فزاینده برای «اثبات»^{۱۳۶} نبودن چیزی به نام خدا داشته است و از همین روی، بحث در خصوص هرگونه ارتباطی بین معماری و خدا و مواجهه با معماری دینی از طریق انتساب آن به خدا نزد معاصرانش غیرواقعی^{۱۳۷} و حتی شاید متعصبانه^{۱۳۸} به نظر می‌رسید.^{۱۳۹}

۳.۲.۴. فهم معماری دینی از طریق مواجهه با معمار

هنگام فهم معماری دینی مورد نظر الکساندر، نکته‌ای بارز در نظریات او به چشم می‌آید و آن‌هم تأکید بر فهم معماری دینی از طریق معمار و فضایل اخلاقی لازم برای اوست.

الکساندر خلق حیات در یک ساختار را آخرین مرحله فرایند ساخت می‌داند^{۱۴۰} و معتقد است ارتباط و پیوندی بین ذهن معمار و ساختمان وجود دارد و اینها یکدیگر را منعکس می‌کنند. به بیانی، ساختمانی که حیات دارد، آینه ساختار ذهن، بدن، و خود معمار است.^{۱۴۱} با این اوصاف برای تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی، باید فهمی از معمار آن به‌دست دهیم.

الکساندر میزان حیات معماری را به وجود حالتی ذهنی در درون معمار نسبت می‌دهد که در آن، معمار هر ساختمانی که می‌سازد را به‌مثابه بهترین هدیه به خدا می‌داند.^{۱۴۲} به زعم او صحبت در خصوص ساخت چیزی که بهترین هدیه به خداست، ممکن است در ابتدا در ارتباط با دین و تفکرات دینی معمار دین‌باور قلمداد شود، اما هر معماری باید این کار را تنها برای

113. Positivist and mechanistic view of the universe

114. Prove

115. non-factual

116. fanatic

117. Ibid, 314.

118. Ibid, 303.

119. Ibid, 314, 315.

120. Ibid, 304.

121. Ibid, 308.

122. Ibid, 311-312.

123. Ibid, 304, 311, 312.

124. Ibid, 311.

بین معمار و معمار دین‌باور وجود ندارد. رجوع هر معمار به درون و پرسش از امکان بهترین هدیه بودن معماری‌اش برای خدا، علاوه بر اینکه ظهور روح و خدا در معماری و درنهایت خلق معماری خوب و حیات آن را منتج می‌شود، به پرورش برخی فضایل اخلاقی در وی نیز می‌انجامد؛ از تمایل معمار به خودمحوری‌های شخصی و افکار خودستا چون شهرت، تحسین شدن، و جلب توجه پرهیز می‌دهد و موجب پرورش فروتنی در معمار و متعاقب آن تمایل وی به وحدت معماری‌اش با جهان و عدم انقطاع معماری از آن می‌گردد. چنانچه پیش‌تر آمد، معماری دینی نیز از کیفیت عدم انقطاع از جهان پیرامون و هماهنگی و یکپارچگی با آن برخوردار است. پس پرسش معمار از بهترین هدیه بودن معماری‌اش برای خدا با پرورش برخی فضیلت‌های اخلاقی در وی، به خلق معماری دینی می‌انجامد.

۳.۴. چارچوب مفهومی پیشنهادی برای معماری دینی از منظر الکساندر

با تکیه بر نتایج مطالعات پژوهش و با نظر به فهم الکساندر از معماری دینی از طریق انتساب این معماری به دین، خدا، و معمار، می‌توان موارد ذیل را با عنوان چارچوب فهم معماری دینی از منظر الکساندر بیان کرد:

- ظهور زندگی در معماری دینی در نسبت با گوهر یا جوهر ثابت ادیان است.
- معماری دینی از کیفیت عدم انقطاع از جهان پیرامون، هماهنگی و یکپارچگی با آن، و تمایل به عدم انقطاع از آن برخوردار است.
- معماری دینی امکان ظهور مراتبی از روح، خدا، و معنای نهایی حیات را فراهم می‌کند.
- معماری دینی از کیفیت وحدت و یکپارچگی با جهان و تمایل به عدم انقطاع از آن برخوردار است.

ساختمانی چشمگیرتر و قابل‌شناسایی‌تر بسازد تا به راحتی بتوان آن را تشخیص داد و به آن اشاره کرد. اما در مقابل موجب آسیب رساندن به معمار و معماری می‌گردد؛ چراکه معمار در نتیجه آن، تمایل به وحدت با جهان و زمینه و ذوب شدن در آن را به سویی می‌نهد. ممکن است تمایل به جلب توجه به شهرت یک معمار بیانجامد، اما موجب می‌گردد که وی فروتنی خود در انجام کارهای مورد نیاز در یک معماری خوب و متحد با جهان را با ذهنیتی که در هر لحظه معماری می‌خواهد فریاد بکشد، جانشین کند^{۱۲۵} و به همین سبب الکساندر معتقد است که معمار باید از توجه صرف به تمایلات و ایده‌های شخصی پرهیز کند؛ چراکه ایده و خواسته معمار در زمان معماری باید فکر وی در خصوص معماری و کارش باشد و اینکه ساختمان چه باید یا ممکن است باشد. به زعم الکساندر تلاش برای بزرگ کردن تمایلات و ایده‌های معمار یا دیگران و توجه صرف و اغراق‌آمیز به آنها به آسیب معماری منجر خواهد شد.^{۱۲۶}

الکساندر همچنین معتقد است آن فضای ذهنی یا حالت روحی معمار، که در آن وی از خود می‌پرسد آیا آنچه می‌سازم می‌تواند هدیه‌ای مناسب برای خدا باشد یا خیر، منجر به پیدایی حالت روحی دیگری در او می‌شود و آن هم آگاهی از زمینه و قلمرو جهان اطراف ساختار و وحدت با آن است.^{۱۲۷}

از نظر وی مسئله «ایجاد» ساختاری که درنهایت از جهان اطراف جدا نباشد، تنها از ذهن معماری که تمایل به وحدت با جهان را در درون داشته باشد و تمایلات شخصی خویش را کنار نهد نشئت می‌گیرد.^{۱۲۸} اگرچه به زعم او، زیبا و دشوار می‌نماید، اما یکی شدن معمار با جهان لازمه معماری خوب و ساخت چیزی است که روح را آشکار می‌کند و بهترین هدیه به خداست.^{۱۲۹}

نتایج حاصل از اوصاف فوق نشان داده است که در فهم الکساندر از معماری دینی از طریق مواجهه با معمار آن، تمایزی

125. Ibid, 304.

126. Ibid.

127. Ibid, 312.

128. Ibid, 309.

129. Ibid, 308.

حیات در آن وابسته به ایجاد ارتباط بین معماری و روح و جوهر ادیان و پرهیز از تمایل صرف به آموزه‌ها و مناسک ظاهری و دنیوی ادیان تاریخی است.

در بررسی و تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی از طریق انتساب این معماری به خدا، آنچه آمد ناظر بر تأکید این معمار بر فهم معماری دینی از طریق نسبتی است که در خلال یک پرسش اساسی بین این معماری و خدا می‌یابیم: «آیا این معماری بهترین هدیه به خداست؟» معماری دینی در این مقام باید بهترین هدیه به خدا و منادی حضور او باشد، به وی تعلق داشته و برای بندگی و ستایش او ساخته شود.

در نهایت بررسی و تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی از بعد مواجهه با معمار آن، نشان داده است که به عقیده الکساندر با تأکید بر فهم معماری دینی از طریق معمار و پرورش فضایل اخلاقی لازم مواجهیم. وی پرسش از امکان بهترین هدیه بودن معماری برای خدا را موجب پرورش برخی فضائل اخلاقی در معمار، که لازمه ظهور روح و خدا در معماری و در نهایت خلق معماری خوب و حیات آن است، می‌داند. پرهیز معمار از خودمحوری و خودستایی‌هایی چون شهرت، تحسین شدن، و جلب توجه به پرورش فروتنی در معمار می‌انجامد و متعاقب آن کیفیت وحدت معماری با جهان و عدم انقطاع از آن حاصل می‌گردد. این وحدت پیش‌تر در تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی از طریق انتساب آن به دین لازمه خلق معماری دینی بود.

معماری دینی بهترین هدیه به خدا و منادی حضور اوست. معماری دینی به خدا تعلق دارد و برای بندگی و ستایش او ساخته می‌شود.

خلق معماری دینی در گرو پرورش فضائل اخلاقی معمار است (پرهیز معمار از خودمحوری و خودستایی‌هایی چون شهرت، تحسین شدن، و جلب توجه).

نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر در پی آن بودیم که در خلال مطالعه و بررسی فصل «صورت خداوند» از جلد چهارم کتاب سرشت نظم، به مطالعه و تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی بپردازیم. بنابر آنچه گفته شد، نخست دریافتیم که در نظر این معمار هرگز معماری خوب، معماری، معماری در شأن خدا و معماری دینی از یکدیگر به‌طوری قاطع قابل تفکیک نیستند. مواجهه الکساندر با معماری دینی در این فصل از کتاب، از سه بعد مختلف تشخیص داده شد: فهم معماری دینی از طریق انتساب آن به دین، خدا، و همچنین از طریق مواجهه با معمار.

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل فهم الکساندر از معماری دینی از طریق انتساب این معماری به دین در نزد وی حاکی است که الکساندر در امتداد باور به وجود وحدت در جوهر ثابت ادیان بزرگ، معماری دینی را معماری‌ای می‌داند که از کیفیت وحدت و یکپارچگی با جهان و تمایل به عدم انقطاع از آن برخوردار است. به زعم او خلق این معماری و امکان ظهور

References

Abd-ol-Karimi, Bizhan. *The question of the possibility of religion in the contemporary world*. Pardis: Naqd-e Farhang publication, 2019. (In Persian)

Alexander, ChristoPher. *The Nature of Order, Phenomenon of Life, An Essay on the Art of Building and the Nature of the*

Universe, vol. 1. California: Berkeley university Press, 2004.

_____. *The Nature of Order, vol. 1: The phenomenon of life*. Persian translation by Reza Cyrus Sabri and Ali Akbari. Tehran: Parham Naqsh, 2011. (In Persian)



_____. *The Nature of Order, The Luminous Ground*, vol 4. California: Berkeley university Press, 2003.

Arzhmand, Mahmoud. "Competence in restoration". PhD dissertation in Restoration. Isfahan: Isfahan Art University, Faculty of Conservation and Restoration, 2016. (In Persian, Unpublished)

Athari, Seyyed Hossein and Morteza Manshadi. "What is the philosophy of traditionalism based on Dr. Seyyed Hossein Nasr's opinions, themes, implications, and foundations". *Ayeneh Ma'refat (The Mirror of Knowledge: scientific research quarterly of Faculty of Theology and Religious Studies, Shahid Beheshti University)*, vol 12, no. 36 (Autumn 2013): 25-51. (In Persian)

A'wani, Gholamreza. *Spiritual wisdom and art (collection of articles). first edition*. Tehran: Gross publication, 1996. (In Persian)

Bagheri, Seyede Mahsa. "Interpretation of religious architecture from the architect's point of view". PhD dissertation in architecture. Tehran: Tehran University of Arts, Faculty of Architecture and Urban Planning, 2022. (In Persian, Unpublished)

Burkhardt, Titus. *The sacred art of principles and methods*. Persian translation by Jalal Sattari. Third edition. Tehran: Soroush publication, 2002. (In Persian)

Cyrus Sabri, Reza and Ali Akbari. "The Concept of Order: Christopher Alexander and the New Science". *Soffeh (Journal of the School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University)*, vol. 23, no. 61 (Autumn 2013): 31-41. (In Persian)

Gorjian, Mohammad Mahdi and Zahra Sharif. "The kernel of religion and religiousness from Islamic mysticism's viewpoint". *Philosophy of Religion (JPHT: Scientific journal of Farabi College of Tehran University)*, vol. 6, no. 3 (Autumn 2009): 71-98. (In Persian)

Guenon, Rene. *The crisis of the modern world*. Persian translation by Hasan Azizi. Tehran: Hekmat publication, 2009. (In Persian)

Imani, Nadieh. "The relationship between architecture and Islam". PhD dissertation in Architecture, Tehran: University of Tehran, Faculty of Fine Arts, 2006. (In Persian, Unpublished)

Jamadi, Siavash. *Context and time of phenomenology*. Tehran: Qoqnoos publication, 2006. (In Persian)

Khandaghi, Javad Amin and Seyed Razi Mousavi Gilani. "A Critique of Traditionalist's View about Traditional Art, Sacred Art and Religious Art". *Ma'rifat-e Adyan Magazine (Knowledge of Religions)*, vol. 6, no. 23 (Summer 2015): 107-128. (In Persian)

Kumaraswamy, Ananda Kentish. *Philosophy of Christian and Eastern art*. Persian translation by Amir Hossein Zekrgo. Tehran: Iran Art Academy, 2007. (In Persian)

Maddpoor, Mohammad. *The nature of technology and*

technological art. Tehran: Sooreh-ye Mehr publication, 2005. (In Persian)

Maziar, Amir. "Traditionalists on the Relationship between Islamic Thought and Islamic Art". *Kimiya-ye-Honar (The Quarterly Periodical of the Advanced Research Institute of Art (ARIA))*, vol. 1, no. 3 (Summer 2012): 8-12. (In Persian)

Mehrpooya, Hossein and Marzieh Ghasemi. "The distinction between religious art and sacred art in the opinions of contemporary thinkers". *Rahpooye Honar (Quarterly Scientific Rahpooye Honar Journal of Visual Arts of Soore University)*, vol. 2, no. Advance no. 6 (Summer 2008): 10-15. (In Persian)

Mohaddesi, Jalal. "The relationship between architecture and religion". PhD dissertation in Architecture. Tehran: Shahid Beheshti University, School of Architecture and Urban Planning, 2020. (In Persian, Unpublished)

Mohajeri, Nahid and Shiva Ghomi. "Analytical Approach to Design Theories of Christopher Alexander From notes on synthesis of form and pattern language to new concepts of complexity theory". *Hoviatshahr (Journal of Islamic Azad University - Science and Research Branch)*, vol. 2, no. 2 (Spring and Summer 2008): 45-56. (In Persian)

Mojtahed Shabestri, Mohammad. *Faith and freedom*. Tehran: Tarh-e Now publication, 1997. (In Persian)

Nadimi, Zoha. "Research on the nature of the center and its role in the creation of architecture". Master's thesis in architecture. Yazd: Yazd University, Faculty of Art and Architecture, 2011. (In Persian, Unpublished)

Nasr, Seyyed Hossein. *In search of the sacred matter, Ramin Jahanbeglu's interview with Seyyed Hossein Nasr*. Persian translation by Seyyed Mostafa Shahr Ayini. Tehran: Ney publication, 2006. (In Persian)

Pertovi, Parvin. *Phenomenology of place*. Tehran: Iran Art Academy, 2008. (In Persian)

Pugin, Augustus Welby. *Contrasts: Or, A Parallel between the Noble Edifices of the Middle Ages and Corresponding Buildings of the Present Day*, Cambridge Library Collection, Art and Architecture, Illustrated Edition, 1841.

Rabi'ei, Hadi. *Essays on the nature of Islamic art, collections of articles and lectures. Sixth edition*. Tehran: Iran Art Academy, 2014. (In Persian)

Rahbarnia, Zahra and Amene Mafitabar. "The Phenomenological Hermeneutics Bases on Ernesto Neto's Interactive Installation: 'While Nothing Happens'". *Kimiya-ye-Honar (The Quarterly Periodical of the Advanced Research Institute of Art (ARIA))*, vol. 4, no. 15 (Summer 2015): 33-46. (In Persian)

Rahimzadeh, Mohammad-Reza. "Question the truth of Hindu Architecture". *Khoyal (The Quarterly Periodical of the Iranian Academy of the Arts (ARIA))*, vol. 2 (Summer 2002): 78-85. (In Persian)

Rahmani, Mahsa and Amin Naderanjad. "The Role of

Feeling in Creating Architecture (Recognizing the ability of 'emotion' to create a living architecture based on the views of Christopher Alexander)": *Soffeh (Journal of the School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University)*, vol. 23, Issue 3, no. 62 (Autumn 2013): 7-18. (In Persian)

Rahmati, En-Sha-Allah. *Art and spirituality*. Tehran: Institute of Compilation, Translation and Publishing of Artistic Works (Matn), 2015. (In Persian)

Ramin, Farah. "Art only way (A look at Heidegger's philosophy of art and its relationship to the ideas of Muslim thinkers)". *Mashreq-e Mowood (A Research Quarterly in Mahdaviyyat)*, vol.6, no. 21 (Spring 2012): 5-26. (In Persian)

Sarami, Nafise, Kazem Mondehari and Hadi Nadimi. "Origin of the concept of "The Void" in Christopher Alexander's thought". *Architectural thought*. vol. 3, no. 6 (Autumn 2019 and Winter 2020): 29-43. (In Persian)

Schwann, Fretioff. *Castes and races*. Persian translation by Babak Aalikhani and Kamran Sasani. Tehran: Hekmat, 2009. (In Persian)

_____. *The basics of spiritual art, a collection of articles by various authors. first edition*. Tehran: Hôwze-ye Hônâri (Publication of Art Department of Islamic Development

Organization), 1993. (In Persian)

Spiegelberg, Herbert. *Phenomenological movement (historical income)*. Persian translation by Masoud Olya. Tehran: Minooye Kherad publication, 2013. (In Persian)

Tahoori, Nayer. "Learning from Heidegger: Phenomenology in Architecture The Impact of Heidegger's Philosophy on Architectural Theory - The Identity of Place in Theories of C. Norberg-Schulz and C. Alexander". *Kimiya-ye-Honar (The Quarterly Periodical of the Advanced Research Institute of Art (ARIA))*, vol. 6, , no. 25 (Winter 2018): 73-92. (In Persian)

Terry, Quinlan. "Architecture & Theology". In *Theories and Manifestoes of Contemporary Architecture*. edited by Charles Jenkes & Karl Kropf. academy edition, Chichester, 1997, pp. 193-196.

Weinsheimer, Joel. *Philosophical hermeneutics and literary theory: a review of Gadamer's opinions in the field of hermeneutics*. Persian translation by Masoud Olya. Tehran: Qoqnoos publication, 2002. (In Persian)

Yoosefi Ashkvari, Hassan. *Criticism of contemporary Islamic religious modernism movement*. Tehran: Qaseideh Sara publication, 1998. (In Persian)

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

The Evaluation and Improvement of Fire Safety for Existing Buildings: A Development of Codes System

Saeed Bakhtiary, PhD* 

Associated Professor, Road, Housing & Urban Development Research Centre, Tehran, Iran

Ramtin Khalili

MSc, Researcher, Road, Housing & Urban Development Research Centre, Tehran, Iran

Mohammad Amin Hosseinpour

PhD Candidate, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: February 1, 2021

Accepted: August 12, 2023

(Pages: 49-63)

Bakhtiary, S., Khalili, R., and Hosseinpour, M.A., 2023. The Evaluation and Improvement of Fire Safety for Existing Buildings: A Development of Codes System. *Soffeh*. 103 (4): 49-63.

DOI: [10.48308/SOFFEH.2023.220505.1010](https://doi.org/10.48308/SOFFEH.2023.220505.1010)

Abstract:

Fires in buildings are always a treat to people's lives and properties. Fire safety codes and regulations have been developed nationally, therefore, to attain a reasonable level of fire safety in buildings. In Iran part III of National Building Codes is allocated to this topic. However, this document does not cover the problems of fire safety in existing buildings, and therefore most buildings built before 2016, the year the third edition codes came into force, suffer from the lack of many fire protection measures. In addition, the changes

Keywords:

Hazard evaluation, Fire, Fire hazard, Safety management, Fire safety, Operation plan.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024


ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. CorresPonding Author: Email Address. bakhtiariy@bhrc.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFFEH.2023.220505.1010>

in buildings such as repairs, extensions and changes of occupancy type, could increase the fire risk level and need a review of the new condition of buildings. There is, therefore, a serious need to designated codes for the assessment and improvement of fire safety in existing buildings. To this end, a method was developed, mainly based on fire risk assessment. A system for fire risk indexing was developed in which existing fire protection measures are evaluated and scored. The minimum acceptable scores of protective measures are defined according to the importance levels of the building, mainly for means of egress and total fire safety, and fire risk levels are determined according to the likelihood of fire and its potential consequences. For each stage, the prescriptive or performance-based methods could be used, depending on the complexity of building. At the end, a proper improvement action plan needs to be designed and performed in the building for attaining a proper fire safety level.

ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود

توسعه یک روش مقرراتی^۱

سعید بختیاری^۲

رامتین خلیلی^۳

پژوهشگر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، تهران، ایران

محمد امین حسین پور^۴

دریافت: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹
پذیرش: ۲۱ مرداد ۱۴۰۲
(صفحه ۴۹-۶۳)

دانشیار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، تهران، ایران

بختیاری، س.، ر. خلیلی و م.ا. حسین پور. ۱۴۰۲. ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود؛ توسعه یک روش مقرراتی. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳ (۴): ۴۹-۶۳.

کلیدواژگان: ارزیابی خطرپذیری حریق، خطر حریق، خطرپذیری حریق، مدیریت ایمنی حریق، برنامه عملیاتی.

چکیده

آتش‌سوزی همواره یک تهدید بالقوه برای جان و مال ساکنان ساختمان‌هاست. از این رو برای ایجاد شرایط ایمن در ساختمان‌ها در کشورهای مختلف مقررات و دستورالعمل‌های متعددی تهیه و به کار گرفته می‌شود. در ایران مبحث سوم مقررات ملی ساختمان به موضوع حفاظت در برابر آتش اختصاص دارد. با این حال این مبحث، همانند سایر مقررات ملی ساختمان، عمدتاً برای ساختمان‌های جدید به کار می‌رود و ضوابط خاص برای ارزیابی و بهسازی ساختمان‌های موجود در آن وجود ندارد. از طرف دیگر، عمده ساختمان‌های موجود که قبل از آخرین ویرایش مبحث سوم ساخته شده‌اند، فاقد شرایط مناسب ایمنی در برابر آتش‌سوزی هستند. همچنین تغییرات در ساختمان‌های موجود، از قبیل تعمیرات، تغییر کاربری، و افزایش بنا، ممکن است موجب کاهش سطح ایمنی آتش‌سوزی در ساختمان شوند. سطح ایمنی مناسب در ساختمان‌های مختلف، با توجه به اهمیت راهبردی و عملکردی بار تصرف ساختمان و سایر شرایط، می‌تواند تغییر کند. از این رو تدوین روش‌ها و ضوابط خاص برای ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود با توجه به درجه اهمیت آنها، به منظور کاهش خسارات جانی و مالی، از اهمیت زیادی برخوردار است. در این

مقاله روشی برای ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش‌سوزی در ساختمان‌های موجود عرضه شده است. اساس این روش کاربرد اصول ارزیابی خطرپذیری حریق در ساختمان است. بدین منظور، روشی برای امتیازدهی تمهیدات محافظت در برابر آتش بیان شده است. امتیاز تمهیدات در دو گروه ایمنی در برابر آتش و فرار از حریق دسته‌بندی و برای هر کدام، حداقل امتیاز لازم برحسب درجه اهمیت ساختمان تعیین می‌شود. متعاقباً با تعیین احتمال خطر حریق و تبعات احتمالی آن، سطح خطرپذیری تعیین و بر این اساس، برنامه عملیاتی بهسازی طراحی می‌گردد. برای تعیین هریک از سطوح خطر، ممکن است، برحسب اهمیت و پیچیدگی ساختمان، از روش‌های تجویزی یا عملکردی (مهندسی آتش) استفاده شود.

مقدمه

در چند سال گذشته چند حادثه حریق مهم در ساختمان‌های موجود در کشور رخ داد که از این بین باید حوادث دردناک ساختمان پلاسکو و کلینیک سینا را نام برد. حریق ساختمان پلاسکو با ریزش ساختمان و تلفات قابل توجه همراه بود و باعث تمرکز بیشتر

۱. تشکر و قدردانی: این پژوهش با حمایت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی صورت گرفته است که جای تقدیر و تشکر دارد.

۲. نویسنده مسئول

bakhtariy@bhrc.ac.ir

3. ramtin.khalili@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه

شهید بهشتی، شهرسازی، تهران،

ایران

m_hosseinPour@sbu.ac.ir



*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳
* CorresPonding Author: Email Address. bakhtariy@bhrc.ac.ir
http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.220505.1010

پرسش‌های تحقیق

۱. عوامل و پارامترهای مؤثر برای ارزیابی، درجه‌بندی و بهسازی ایمنی در برابر آتش‌سوزی در ساختمان‌های موجود چیست؟

۲. چگونه می‌توان با تعدیل (Trade off) پارامترهای ایمنی در برابر آتش و با استفاده از روش‌های پایه عملکردی (مهندسی آتش) و علی‌رغم ضعف برخی پارامترها در مقایسه با ضوابط ساختمان‌های جدید، به سطح مناسب ایمنی در برابر آتش دست یافت؟

مسئولین و مردم به ایمنی ساختمان‌ها در برابر آتش شد. خصوصاً نکته‌ای که بیش از همه مورد توجه جامعه مهندسی قرار گرفت، نیاز به وضع مقررات و الزامات برای ارزیابی و بهسازی ساختمان‌های موجود بود.

موضوع ایمنی در برابر آتش، به دلایل مختلف، از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. برای آن دسته از ساختمان‌هایی که با مقررات جدید ساخته شده‌اند، انتظار می‌رود که در صورت تعمیر و نگهداری مناسب از سیستم‌ها، ساختمان سطح قابل قبول ایمنی را در برابر آتش دارا باشد. اگرچه در همین ساختمان‌ها نیز «فقدان مدیریت ایمنی در برابر آتش» نقص مهمی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، برای ساختمان‌های قدیمی این موضوع صادق نیست؛ زیرا این دسته از ساختمان‌ها در زمانی ساخته شده‌اند که مقررات فعلی نبوده و معمولاً الزامات محافظت در برابر آتش در آنها در سطح مناسبی رعایت نشده است. شایان ذکر است که ویرایش سوم مقررات محافظت ساختمان‌ها در برابر آتش (ابلاغ شده در بهمن سال ۱۳۹۵) نسبت به ویرایش‌های قبلی توسعه قابل توجهی یافته که برای ساختمان‌های ساخته شده در پیش از آن چنین سطحی از مقررات فراهم نبوده است، بنابراین سیستم‌های نظارتی برای تعیین سطح قابل قبول ایمنی و پذیرش مسئولیت آن با مشکلات فنی و حقوقی مواجه هستند و لازم است تا دستورالعمل‌های اجرایی در سطح ملی برای این موضوع تهیه شود. در این خصوص دسته‌بندی ساختمان‌های موجود از نظر درجه اهمیت و کاربری باید مورد توجه باشد. بدیهی است که ساختمان‌های مهم و با تعداد بهره‌برداران و مراجعان زیاد، باید سطح بالاتری از محافظت را داشته باشند. همچنین تعیین معیارهای ارزیابی و پذیرش (سطوح قابل قبول) بر اساس مشخصات ساختمان ضروری است.

به این منظور، نگارندگان به توسعه یک روش ارزیابی و بهسازی ساختمان‌های موجود از نظر خطر حریق را در این مقاله پرداخته‌اند. این روش عمدتاً متکی بر ارزیابی خطرپذیری ساختمان در برابر حریق و رساندن آن به سطح قابل قبول است. در این مقاله روش توسعه داده شده برای ارزیابی ایمنی در برابر آتش ساختمان‌های موجود توضیح داده می‌شود. در این روش از مکاتب و ادبیات علمی سایر کشورها استفاده شده، اما به‌طور کلی قالب و چارچوب آن منحصر به فرد است.

۱. مرور ادبیات علمی

در برخی از مقررات ساختمانی و استانداردهای کشورهای مختلف روش‌ها و ضوابطی برای بهبود عملکرد ساختمان‌های موجود در مواجهه با خطر آتش‌سوزی وضع شده است. در دستورالعمل NFPA 101^۵ ضوابط محافظت در برابر آتش به تفکیک تصرف‌ها برای هردو گروه ساختمان‌های از قبل موجود و جدید بیان شده است. در عین حال، بخش عمده این ضوابط تقریباً معادل با همان ضوابط ساختمان‌های جدید نوشته شده‌اند و به لحاظ عملیاتی برای ساختمان‌های قدیمی در ایران قابل کاربرد نیست. در عین حال در مدرک NFPA 101A^۶ روش شاخص خطرپذیری برای تعیین خطرپذیری ساختمان در برابر آتش عرضه شده است. در این روش کیفی پارامترهای مختلف مؤثر بر ایمنی ساختمان برای انواع تصرف‌های مختلف مشخص و امتیازدهی شده است. بدین منظور، فهرست‌های بازبینی^۷ امتیازدهی برای هر نوع تصرف خاص عرضه شده است. این امتیازات در قالب چند مشخصه نظیر ایمنی کلی ساختمان، قابلیت خروج، اطفای مؤثر، و مهار آتش، با حداقل مقادیر الزامی برای نوع تصرف مورد نظر مقایسه می‌شود.

در دستورالعمل IFC^۸ ضوابطی برای ساختمان‌های موجود مشخص و در عین حال ذکر شده که مقررات IFC یا مقررات زمان ساخت ساختمان، هر کدام که سخت‌تر است، باید رعایت شود. در این دستورالعمل، ضوابط امکان انتقال پیام رادیویی، عملکرد آسانسور، گشودگی‌های قائم، آتریوم‌ها، پلکان برقی، لوله‌های آتش‌نشانی و اسپرینکلر^۹ و کشف و اعلام حریق و راه‌های خروج برای ساختمان‌های موجود گفته شده است.

در ضوابط کد IEBC^{۱۰} برای ایمنی در برابر آتش ساختمان‌های موجود، دامنه کاربرد شامل تغییرات، تعمیرات، تغییر تصرف یا اضافه کردن به مساحت یا طبقات بنا بیان شده است. در اینجا چند راه حل با عنوان روش‌های قابل قبول

برای تطبیق داده شده است که شامل تطبیق با کدهای تجویزی (عمدتاً IFC) و تطبیق با ضوابط تدوین شده در فصول مشخص برای تغییرات یا تعمیرات در منطقه کار^{۱۱} است. در این دستورالعمل تغییرات در سه سطح تعریف شده است. برای هر سطح تغییرات دستورالعمل‌های الزامی بهسازی مشخص شده است که عمدتاً شامل ضوابط مصالح جدید و بهسازی در همان منطقه کاری است. همچنین اجازه برای تطبیق عملکردی داده شده که شامل مقاوم‌سازی در برابر آتش، سیستم‌های کشف و اعلام، و راه‌های خروج است.

پس از ابلاغیه اصلاح مقررات ایمنی در برابر آتش بریتانیا در سال ۲۰۰۵، مؤسسه استاندارد بریتانیا در سال ۲۰۰۷ راهنما و روشی پیشنهادی برای ارزیابی خطرپذیری حریق را در اختیار عموم قرار داد.^{۱۲} در این راهنما پس از تعریف مفاهیم اصلی خطر^{۱۳} و خطرپذیری حریق^{۱۴}، روشی کلی برای ارزیابی خطرپذیری ساختمان‌ها بیان شده است. در این راهنما فهرست‌های مشخصی برای مراحل مختلف ارزیابی ساختمان آورده شده که به منظور ارزیابی کیفی خطرپذیری ساختمان‌های جدید و موجود و بهسازی متناسب با آن قابل کاربرد است.

کنفدراسیون انجمن‌های اروپایی محافظت در برابر آتش یک روش کیفی برای ارزیابی خطرپذیری ساختمان در برابر آتش عرضه کرده است.^{۱۵} در این مدرک به صورت بسیار کلی خطرپذیری به مثابه تابعی از حاصل ضرب سطح مخاطرات و در معرض قرارگیری تعریف شده و یک فرایند کیفی برای ارزیابی و طبقه‌بندی عرضه گردیده است.

چو مروری کوتاه بر مشکلات ساختمان‌های موجود قدیمی در هنگ‌کنگ کرده است. هنگ‌کنگ جزو کشورهای با بیشترین ساختمان‌های بلندمرتبه است. با توجه به حوادث شدید حریق در تعدادی از این ساختمان‌ها، دولت هنگ‌کنگ در سال ۲۰۰۴ برنامه‌ای برای بهسازی ساختمان‌های موجود،

5. NFPA 101, "Life Safety Code". National Fire Protection Association, USA, 2018.

6. NFPA 101A, "Guide on Alternative aPProaches to life safety", National Fire Protection Association, USA, 2019.

7. check lists

8. International Code Council, "International Fire Code", USA, 2018.

۹. دستگاه آتش‌نشانی پاشنده اتوماتیک آب

10. International Code Council, "International Existing Building Code", ICC, USA, 2018.

11. Work Area

12. British Standard Institute, PAS 79: Fire Risk Assessment – Guidance and a Recommended Methodology. UK, 2007.

13. Hazard

14. Fire Risk

15. EuroPeAn Guideline, "Qualitative Fire Risk Assessment", CFPA E, no.4 (2010).

16. Total Fire Safety System
17. W.K. Chow, "ON THE FIRE SAFETY REQUIREMENTS FOR EXISTING OLD BUILDINGS". *Int. J. on Eng. Performance-based Fire Codes*, vol. 9, no. 1 (2007): 31-37.
18. Siu Ming Lo, "A Building Safety InsPection System for Fire Safety Issues in Existing Buildings". *Structural Survey*, vol. 16, no. 4 (1998): 209-217.
19. S.W. Chien, Y.Y. Chenb, L. ChingYuan, T.S. Shena and P.T. Huang, "UPgrading Fire Safety Strategies for the Existing Non-residential OccuPancies in TaiPei City", *Procedia Engineering*, vol. 62 (2013): 1096-1103; S.W. Chien, G.Y. Wu, "The Strategies of Fire Prevention on Residential Fire in TaiPei", *Fire Safety J.* vol. 43, issue 1 (2008): 71-76.
20. P. Drukisa, L. Gailea and L. Pakrastiņša, "InsPection of Public Buildings Based on Risk Assessment". *Procedia Engineering*, Vol. 172 (2017): 247-255.
21. Ibid
22. S. Bakhtiyari, R. Khalili, and M. HosseinPour. "A Risk-based APPROach for Assessment and ImProvement of Fire Safety in Existing Buildings". *//////*, 23 (2022), 391-404.

که قبل از سال ۱۹۸۷ ساخته شده بودند، وضع کرد، اما، به علت فقدان سیستم‌های مناسب ایمنی حریق در این ساختمان‌ها و پیچیدگی تطبیق با مقررات جدید، این برنامه با مشکلات زیادی مواجه شد. چو برای حل این مشکل، یک روش محافظت در برابر آتش کل‌نگر^{۱۶} شامل هر دو روش تجویزی و عملکردی را پیشنهاد می‌کند که در آن از روش‌های تجویزی، مدل‌سازی، و روش‌های دیگر برای رسیدن به سطح مناسب ایمنی در برابر آتش استفاده شود،^{۱۷} اما الگوی کاربردی خاصی را معرفی نکرده است. سیو مینگ‌لو نیز این مسئله را بررسی کرده است. وی ایراد روش تجویزی برای بهسازی در ساختمان‌های موجود را متذکر شده و در عین حال روش عملکردی یا مهندسی آتش را نیز برای بسیاری از ساختمان‌ها دشوار می‌داند. بنابراین ضمن تأکید بر استفاده از یک روش جامع‌نگر، توسعه و کاربرد یک روش ارزیابی خطرپذیری توأم با امتیازدهی یا درجه‌بندی را مطرح می‌کند. او توسعه یک چارچوب ارزیابی را به این صورت پیشنهاد داده که شاخص‌های متعدد ایمنی در برابر آتش فهرست‌بندی شوند و در یک پانل تخصصی در قالب یک ماتریس برای هر کدام وزن‌دهی صورت گیرد.^{۱۸}

چین و همکاران با بررسی آماری حوادث حریق در تایوان، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رخداد حریق در ساختمان‌های مسکونی را بررسی کردند. به منظور کاهش تعداد حوادث و همچنین کنترل تلفات ناشی از آتش‌سوزی، راهبردهای متناسب با عوامل وقوع آتش اتخاذ شده است. این استراتژی‌ها شامل ارتقای تدابیر پیشگیرانه حریق، جلوگیری از آتش‌سوزی عمدی، آموزش عمومی و نیروهای امدادی، و بازنگری در مقررات است.^{۱۹}

پتریس دروکیس مشکلات مشابه در لتونی را تحلیل کرده است. وی فرسوده شدن سیستم‌ها، تعویض مصالح و سیستم‌ها به صورت نامناسب، و افزایش جمعیت سالخورده

نیازمند به دسترس‌پذیری را از جمله دلایل افزایش مشکلات ایمنی در ساختمان‌های موجود بر شمرده است.^{۲۰} به همین دلیل، پارلمان لتونی در سال ۲۰۱۳ اجباری کردن تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها را در فهرست مسئولیت‌های شهروندی تصویب کرده است و برای ارزیابی ایمنی و عملکرد ساختمان بر اساس الزامات اساسی، استفاده از یک روش ارزیابی خطرپذیری را پیشنهاد داده است.^{۲۱}

نگارندگان مقاله حاضر در مقاله‌ای دیگر^{۲۲} به کمک یک رویکرد ریسک‌محور به ارزیابی خطرپذیری آتش در ساختمان‌های موجود پرداخته‌اند که بر اساس آن، عواملی مانند وضعیت کمی و کیفی راه‌های خروج، سیستم‌های تشخیص و اعلام حریق، و محفظه‌بندی آتش از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خطرپذیری آتش در ساختمان‌های موجود شناسایی شدند.

در نوشتار پیش رو برای در نظر گرفتن سایر اقدامات ایمنی، از جمله اقدامات پیشگیرانه و مدیریتی، یک سیستم تجزیه و تحلیل کیفی خطرپذیری آتش برای کل ساختمان توسعه داده می‌شود که با امتیازدهی به عوامل مؤثر در هنگام آتش‌سوزی، سطح خطرپذیری آتش در ساختمان‌های مختلف پیش‌بینی خواهد شد.

در ایران، مبحث سوم مقررات ملی ساختمان^{۲۳} به مقررات محافظت در برابر آتش برای ساختمان‌های جدید اختصاص دارد. این مقررات از جنبه تدابیر محافظتی و سطح انتظار از ساختمان جدید یک مدرک با ارزش است، اما تطبیق ساختمان‌های موجود با آن عمدتاً، به علت محدودیت‌های فیزیکی یک ساختمان ساخته شده، امکان‌پذیر نیست. بنابراین برای هدف بهسازی از نظر ایمنی در برابر آتش به یک سیستم ارزیابی خطرپذیری، موازنه انتظارات، و تا حد امکان امتیازدهی نیاز است که با یک چارچوب تجویزی تفاوت دارد. با مطالعات انجام شده، دستورالعمل مورد نیاز برای این موضوع تدوین شد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

تعیین می‌شود. با اینکه گزینه‌هایی برای تحلیل عدم قطعیت در این‌گونه روش‌ها نیز وجود دارند، روش‌های تعینی تصویر کاملی از شرایط خطرپذیری آتش به ما نمی‌دهند. یک رویکرد تعینی معمولاً نیاز به متخصص تحلیل ریسک ندارد و می‌تواند به‌دست یک طراح با دانش مهندسی خوب نیز انجام شود.

۲. روش تحقیق

این مطالعه به‌منظور ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود و عرضه یک روش مقرراتی در سطح ملی برای کاهش آسیب‌پذیری ساختمان‌های موجود در برابر خطر آتش‌سوزی انجام شده است. این تحقیق با بررسی و مطابقت مطالعات مشابه و مقررات و آیین‌نامه‌های تدوین‌شده در کشورهای مختلف صورت گرفته و بر این اساس پارامترهای مؤثر در تعیین خطرپذیری ساختمان‌ها در برابر آتش استخراج شده است. این پارامترها در قالب پرسش‌نامه‌ای توسط تیم تحقیق مدون و به‌منظور کسب نظر کارشناسان و خبرگان در خصوص تعیین میزان کمی و کیفی تأثیر آنها بر ارزیابی خطرپذیری آتش ارسال شد. سپس با بررسی مجدد پرسش‌نامه‌ها، گزارش نهایی که شامل وزن‌دهی به پارامترهای مختلف در تعیین خطرپذیری آتش در دو شاخص «محافظة در برابر آتش» و «ایمنی خروج» است، در محاسبه امتیاز ایمنی ساختمان موجود (جدول‌های ۱ و ۲) اعمال گردید. در ادامه نحوه امتیازدهی شرح داده می‌شود.

محاسبه امتیاز ایمنی ساختمان: امتیاز کسب‌شده در هر دو شاخص ذکرشده، با استفاده از پارامترهای ایمنی حریق تعیین‌شده حاصل از بررسی نظرات کارشناسان تعیین می‌گردد. در «جدول‌های ۱ و ۲» نحوه امتیازدهی و وزن (درصد) هر یک از پارامترها برای هر شاخص مشخص شده است. همان‌طور که در جدول‌ها نیز مشخص است، امتیازهای بعضی از پارامترها

تحلیل احتمالی و تعینی دو رویکرد متداول در ارزیابی خطرپذیری آتش هستند. سیستم‌های تعینی بر اساس سناریوهای از پیش مشخص‌شده پیش‌بینی و تعیین می‌شوند. در یک رویکرد تعینی مهندسی آتش بدترین سناریوها مد نظر قرار می‌گیرد و در مقابل عملکرد سامانه‌های ایمنی مانند اسپرینکلرها و سیستم کشف حریق بدون خطا در نظر گرفته می‌شود. با توجه به تعینی بودن این روش، هیچ‌گونه عدم قطعیتی در محاسبات در نظر گرفته نمی‌شود. در مقابل در رویکردهای مهندسی ایمنی آتش احتمالی، همه سناریوهای موجود را در نظر می‌گیرند و به عواقب احتمال وقوع آنها توجه می‌کنند.^{۲۴} سیستم‌های احتمالی شامل درجه‌ای از عدم قطعیت در پیش‌بینی رفتار متغیرها و اجزای مختلف سیستم و به‌طور کلی رفتار کلی سیستم می‌شود. این امر با تعریف احتمال وقوع تعیین‌شده برای اجزای مختلف سیستم و تعامل احتمالی بین آنها اتفاق می‌افتد. واتز و هال^{۲۵} روش‌های تحلیل ریسک آتش به چهار دسته مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند: روش روایتی، روش فهرست‌بازبینی، روش نمایه‌سازی، و روش احتمالی. روش‌های اول تا سوم روش‌های کیفی یا نیمه‌کمی هستند، درحالی‌که روش احتمالی دارای ماهیت کمی است و جزئیات دقیق‌تری در خصوص ارزیابی کمی ریسک آتش در ساختمان فراهم می‌کند. در روش احتمالی داده‌ها، روابط ریاضی، و فرضیات مختلف و رابطه آنها در توزیع ریسک بررسی می‌شود.^{۲۶} اطلاعات مورد نظر در روش احتمالی می‌تواند بر اساس آمارهای محلی و جهانی مبتنی بر وقایع آتش‌سوزی و یا قضاوت‌های مهندسی استفاده شود.

مزیت روش‌های تعینی تحلیل ریسک تسهیل روند تصمیم‌گیری در آنهاست. محاسبات معمولاً ساده و مستقیم هستند و نتایج خروجی پاسخ مستقیمی برای سیستم تعیین می‌کند و معمولاً نتایج به‌صورت ایمن یا غیرایمن بودن سیستم

۲۳. دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان، *مبحث سوم: محافظت در برابر آتش، ویرایش سوم* (انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۵).

۲۴. نک:

British Standards Institution. *PD 7974-7:2003 - Application of Fire Safety Engineering Principles to the Design of Buildings-Part 7: Probabilistic Risk Assessment* (London: BSI, 2003), 1-80.
25. Hall JR Watts JM, "Introduction to Fire Risk Analysis", in *SFPE Handbook of Fire Protection Engineering* (New York: Springer, 2016), 2817-2826.

۲۶. نک:

GV. Hadjisophocleous and Z. Fu. "Literature Review of Fire Risk Assessment Methodologies". *International Journal on Engineering Performance-Based Fire Codes*, 6(1) (2004).



جدول ۱ (پایین راست). جدول وزن‌دهی به پارامترهای مؤثر بر خطرپذیری آتش در ساختمان (شاخص محافظت در برابر آتش)، تدوین: نگارندگان.

جدول ۲ (پایین چپ). وزن‌دهی به پارامترهای مؤثر بر خطرپذیری آتش در ساختمان (شاخص ایمنی خروج)، تدوین: نگارندگان.

جدول ۳ (بالا، چپ). حداقل امتیاز لازم برای ایمنی ساختمان و راه‌های خروج در برابر آتش بر حسب درجه اهمیت ساختمان، تدوین: نگارندگان.

فقط در تعیین امتیاز یک شاخص مؤثر است و برخی از پارامترها نیز به صورت الزامی باید در هر دو شاخص از سطح تعیین شده کمتر نباشند.

محاسبه حداقل امتیاز قابل قبول: حداقل امتیاز قابل قبول با توجه به درجه اهمیت ساختمان و بر اساس پرسش‌نامه‌ها تعیین شد (جدول ۳).

در صورتی که امتیاز هر ساختمان، با توجه به درجه اهمیت آن، بیشتر یا مساوی با حداقل امتیاز قابل قبول مشخص شده در «جدول ۲» باشد، خطرپذیری آتش در شاخص مورد نظر، قابل قبول و در غیر آن لازم است تا با اعمال برنامه عملیاتی ایمنی و تکرار این روند، ارزیابی مجدد انجام گیرد تا به سطح ایمنی قابل قبول در ساختمان دست یابیم.

درجه اهمیت ساختمان	محافظت در برابر آتش	ایمنی خروج
ویژه	۳۸	۵۰
زیاد	۲۵	۴۵
متوسط	۲۰	۲۸
کم	۱۵	۱۵

۳. چارچوب کلی مقررات ارزیابی و بهسازی ساختمان‌های موجود در برابر آتش

به منظور ارزیابی و بهسازی ساختمان‌های موجود از نظر ایمنی در برابر آتش، یک چارچوب شامل روش تجویزی برای شرایط مشخص، دیدگاه ارزیابی، و کاهش خطرپذیری پیاده‌سازی شد. از آنجاکه ساختمان‌های مختلف از جنبه‌های مختلف (مانند ابعاد ساختمان، تعداد و نوع متصرفین، اهمیت استراتژیک،

پارامتر	عنوان	ویژه	زیاد	متوسط	کم
P1	مشخصات کالبدی بنا	۶٫۱	۶٫۱	۸٫۳	۹٫۳
P2	سیستم‌های کشف و هشدار حریق	۹٫۲	۹٫۲	۱۳٫۰	۱۳٫۳
P3	راه‌های خروج و فرار از ساختمان	۳۰٫۷	۳۰٫۵	۲۸٫۴	۲۴٫۷
P4	واکنش مصالح نازک‌کاری در برابر آتش	۲٫۲	۲٫۲	۳٫۰	۳٫۳
P5	رفتار نما در برابر آتش	۵٫۵	۵٫۵	۵٫۲	۵٫۸
P6	سازه و ساختار باربر	۵٫۵	۵٫۵	۵٫۲	۳٫۳
P7	منطقه‌بندی حریق	۸٫۸	۵٫۲	۵٫۹	۶٫۷
P8	جداسازی فضاهای مستقل	۰٫۸	۴٫۶	۷٫۷	۸٫۲
P9	دوربندی گشودگی‌های قائم	۳٫۱	۳٫۱	۴٫۱	۳٫۳
P10	درهای راه‌های خروج	۷٫۴	۷٫۴	۸٫۰	۷٫۶
P11	سیستم اطفای حریق خودکار و شبکه آب آتش‌نشانی	۷٫۱	۷٫۱	۵٫۲	۷٫۲
P12	خدمات آتش‌نشانی	۲٫۲	۲٫۲	۳٫۰	۳٫۳
P13	آسانسور و لابی دسترس آتش‌نشان	۷٫۹	۷٫۹	۰٫۰	۰٫۰
P14	سیستم کنترل دود	۳٫۵	۳٫۵	۳٫۰	۴٫۰

پارامتر	عنوان	ویژه	زیاد	متوسط	کم
P1	مشخصات کالبدی بنا	۸٫۱	۸٫۰	۱۰٫۷	۱۱٫۹
P2	سیستم‌های کشف و هشدار حریق	۱۲٫۱	۱۲٫۱	۱۶٫۸	۱۷٫۰
P3	راه‌های خروج و فرار از ساختمان	۸٫۷	۸٫۶	۷٫۶	۴٫۲
P4	واکنش مصالح نازک‌کاری در برابر آتش	۲٫۹	۲٫۹	۳٫۸	۴٫۲
P5	رفتار نما در برابر آتش	۷٫۲	۷٫۲	۶٫۷	۷٫۴
P6	سازه و ساختار باربر	۷٫۲	۷٫۲	۶٫۷	۴٫۲
P7	منطقه‌بندی حریق	۱۱٫۵	۶٫۹	۷٫۶	۸٫۵
P8	جداسازی فضاهای مستقل	۱٫۲	۶٫۲	۹٫۹	۱۰٫۲
P9	دوربندی گشودگی‌های قائم	۴٫۰	۴٫۰	۵٫۴	۴٫۲
P10	درهای راه‌های خروج	۹٫۸	۹٫۸	۱۰٫۳	۹٫۷
P11	سیستم اطفای حریق خودکار و شبکه آب آتش‌نشانی	۹٫۴	۹٫۳	۶٫۷	۹٫۱
P12	خدمات آتش‌نشانی	۲٫۹	۲٫۹	۳٫۹	۴٫۲
P13	آسانسور و لابی دسترس آتش‌نشان	۱۰٫۴	۱۰٫۳	۰٫۰	۰٫۰
P14	سیستم کنترل دود	۴٫۶	۴٫۶	۳٫۹	۵٫۲



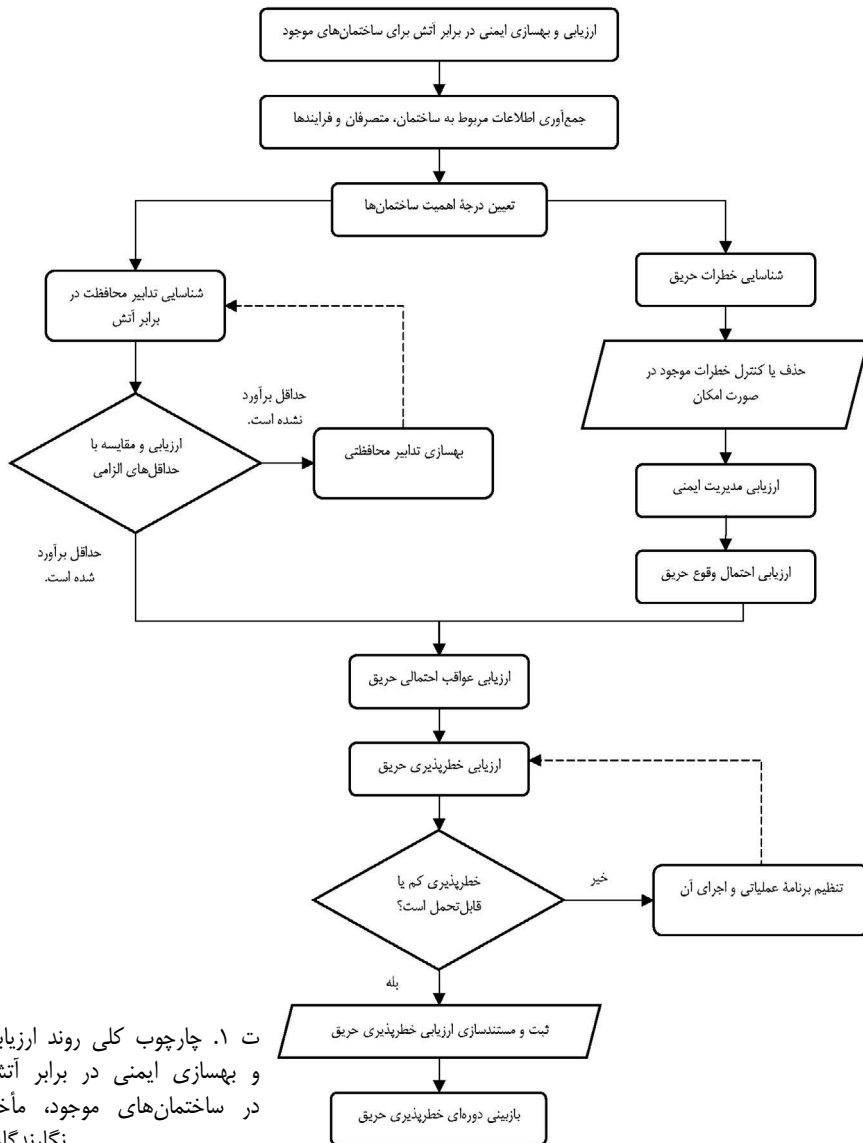
اهمیت ویژه: ساختمان‌هایی که کارکرد بی‌وقفه آنها برای امنیت و ایمنی جانی و مالی جامعه ضروری است، مانند ساختمان‌های فرماندهی مدیریت بحران، ساختمان‌های

سرویس‌دهی حیاتی به جامعه، و ... متفاوت هستند، میزان خطرپذیری مورد انتظار نیز در آنها باید متفاوت باشد. بنابراین نیاز به تعریف سیستم طبقه‌بندی اهمیت ساختمان است.

در ادامه چارچوب روش ارزیابی و بهسازی توضیح داده می‌شود: در گام نخست، اطلاعات مرتبط ساختمان از قبیل نقشه‌ها، سن ساختمان، مصالح و جزئیات نازک‌کاری و اجرایی، عوامل و فرایندهای خطرزا، نوع و تعداد متصرفین جمع‌آوری می‌شود. سپس درجه اهمیت ساختمان با توجه به مشخصات و کاربری ساختمان تعیین می‌شود. در گام بعد، با توجه به درجه اهمیت ساختمان، تدابیر محافظتی موجود ارزیابی و امتیازدهی می‌شود. امتیاز این تدابیر به دو شاخص ایمنی خروج و محافظت در برابر آتش تقسیم و برای هرکدام از آنها برحسب درجه اهمیت ساختمان یک امتیاز حداقل خواسته می‌شود. در صورت عدم کفایت ایمنی، لازم است تدابیر محافظتی ارتقا یابد. از سوی دیگر، خطرات حریق، که در نقشه‌های ساختمان و بازرسی‌ها قابل‌شناسایی است، در صورت امکان کنترل یا حذف می‌شوند. در این مرحله خطر و عواقب ناشی از هر حادثه آتش‌سوزی، با فرض بهسازی تدابیر محافظتی تا سطح قابل‌قبول، ارزیابی و بر این اساس خطرپذیری ساختمان به صورت کیفی مشخص می‌شود. با توجه به سطح خطرپذیری، نیاز به بهسازی بیشتر بررسی می‌شود. در «ت ۱» چارچوب کلی روند ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش در ساختمان‌های موجود نشان داده شده است.

۴. درجه‌بندی اهمیت ساختمان‌ها

اهمیت ساختمان‌ها با توجه به عوامل ارتفاع، مساحت، ابعاد مختلف اهمیت از جمله اجتماعی و راهبردی، و نیز تعداد متصرف‌ها و نوع کاربری ساختمان‌ها در چهار سطح ویژه، زیاد، متوسط، و کم درجه‌بندی شد:



ت ۱. چارچوب کلی روند ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش در ساختمان‌های موجود، مأخذ: نگارندگان.

راهبردی حکومتی، نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها.

- اهمیت زیاد: ساختمان‌های پیچیده یا دارای ارتفاع یا مساحت زیاد (بیش از ۱۰ طبقه روی تراز زمین یا بیش از ۵۰۰۰ متر مربع)، یا دارای ارزش ملی یا ساختمان‌هایی که تعداد متصرف‌های زیادی را در بر می‌گیرند و در گروه ویژه قرار ندارند، مانند مگامال‌ها، سالن‌های بزرگ سینما، مدارس، و مراکز درمانی فاقد اورژانس و جراحی.

- اهمیت متوسط: محل تجمع و یا استقرار جمعیت ۲۰ تا ۲۵۰ نفر، ساختمان‌های مسکونی با حداکثر ۹ طبقه روی تراز زمین و حداکثر ۵۰۰۰ متر مربع زیرینا و برای ساختمان‌های سایر تصرف‌ها با ۳ تا ۵ طبقه ارتفاع از روی زمین و حداکثر زیرینای ۲۰۰۰ مترمربع که در صورت شکست، خطر خسارت ناشی از آن به جان و سلامت افراد و محیط زیست و یا خسارات اقتصادی در حد متوسط است.

- اهمیت کم: ساختمان‌هایی با مساحت و ارتفاع و تعداد متصرف کم (حداکثر ۵ طبقه روی تراز زمین و کمتر از ۲۰۰۰ متر مربع) که در صورت شکست، خطرپذیری اندکی به سلامت افراد، محیط زیست، یا اقتصاد وارد می‌کنند.

۵. ارزیابی و بهسازی ایمنی حریق در ساختمان

۵.۱. ارزیابی خطرپذیری حریق

برای ارزیابی خطرپذیری حریق مراحل به این شرح باید صورت گیرد:

۵.۱.۱. تهیه اطلاعات ساختمان، فرایندها، و متصرف‌ها

در مرحله اول باید اطلاعات مربوط به مشخصات ساختمان و فرایندهای موجود در آن و متصرف‌ها تهیه شود. ابعاد ساختمان، تعداد طبقات بالا و زیرزمین، مساحت طبقات، نوع فضاها، و

۲۷. نک
B. Meacham, "Building Fire Risk Analysis", in *SFPE Handbook of Fire Protection Engineering* (New York: Springer, 2015).

کاربری‌ها باید شناسایی شود. نقشه‌هایی چون نقشه ساخت در حد نیاز باید تهیه شود. اطلاعات مربوط به متصرفان و بهره‌بردار ساختمان، مخصوصاً آنهایی که به‌طور خاص در هنگام حریق بیشتر در معرض خطر هستند، لازم است. مشخصات سازه و مصالح به‌کاررفته در ساختمان، وسایل و سیستم‌های تأسیساتی، وضعیت تجهیزات ایمنی حریق، و تاریخچه و سوابق آتش‌سوزی در ساختمان در صورت وقوع باید بررسی و مستندسازی شود. وضعیت فضاهای پنهان مانند شفت‌ها و فضاهای کاذب یا سطوحی، که پوشیده شده‌اند، همیشه عامل مهمی در آتش‌سوزی و البته بسیار دشوار برای شناسایی است. اطلاعات این قسمت‌ها باید حتی‌الامکان به‌دست آید. ارزیاب در این قسمت نیاز به یک شناخت نسبی خوب از مصالح و اجزای ساختمان و چگونگی رفتار آنها در برابر آتش دارد.

۵.۱.۲. شناسایی مخاطرات حریق و راه‌های حذف یا کنترل

هدف از ارزیابی مخاطرات حریق شناسایی منابع احتمالی افروزش آتش، مواد و مصالح، جانمایی، و شرایط مختلفی است که ممکن است باعث وقوع آتش‌سوزی، بدون توجه به احتمال آن شود. به کمک این اطلاعات می‌توان خطرات احتمالی ناشی از وقوع حریق با توجه به منبع آن، مواد قابل سوختن و ساختار ساختمان، و نحوه رشد و انتشار آتش را برآورد و پیش‌بینی کرد. روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای شناسایی مخاطرات حریق وجود دارد که از جمله می‌توان به فهرست‌های بازبینی، بازدیدهای میدانی، و جمع‌آوری اطلاعات اشاره کرد.^{۲۷} علاوه بر این، ملاحظات مخاطرات حریق نباید فقط به موارد مربوط به منبع افروزش محدود شود. وضعیت‌هایی مانند نگهداری و خانه‌داری ضعیف و انبار کردن مواد و ضایعات قابل اشتعال می‌تواند منجر به وقوع حریق شوند.

راه‌های کنترل یا حذف خطرات آتش‌سوزی را می‌توان در

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳
ارزیابی و بهسازی ایمنی در برابر آتش برای ساختمان‌های موجود؛ توسعه یک روش مقرراتی؛ سعید بختیاری، رامین خلیلی، محمدمامین حسین‌پور

آتش در ساختمان شناسایی و دسته‌بندی شده است. هریک از این عوامل با توجه به وزن‌دهی مشخص‌شده در «جدول‌های ۱ و ۲» و با توجه به درجه‌بندی اهمیت ساختمان، در تعیین امتیاز ایمنی ساختمان در دو شاخص محافظت در برابر آتش (جدول ۱) و ایمنی راه‌های خروج (جدول ۲) ارزیابی خواهند شد. لازم به ذکر است که لزوم رعایت برخی از معیارها از جمله آتش‌بندی منافذ و درزهای موجود در داخل اجزای جداسازی و محافظت فضاهای فرعی حادثه‌خیز، با توجه به اهمیت ساختمان، الزامی است و بنابراین در امتیازدهی نقشی نخواهند داشت. به بیان دیگر رعایت نکردن این موارد باعث مردود شدن یک ساختمان فارغ از امتیاز کسب‌شده آن در معیار مشخص‌شده در «جدول ۳» خواهد بود. یک موضوع مهم، وجود یک چارچوب ارزیابی (حداقل به صورت نسبی) برای تشخیص کفایت سیستم‌های محافظتی، با در نظر داشتن سایر جوانب موجود در ساختمان است. از این‌رو روش امتیازدهی پیشنهادی برای سیستم‌ها و تمهیدات محافظت در برابر آتش در مقایسه با ضوابط تجویزی (مانند مبحث سوم مقررات ملی ساختمان) می‌تواند به شرح زیر صورت پذیرد:

- مشخصات کالبدی ساختمان شامل ارتفاع، عمق، مساحت طبقات، و سن بنا (P1)؛
- سیستم‌های کشف و هشدار حریق (P2)؛
- راه‌های خروج و فرار از ساختمان (P3)؛
- مشخصات واکنش در برابر آتش برای مصالح نازک‌کاری (P4)؛
- رفتار نما و مصالح آن در برابر آتش‌سوزی (P5)؛
- نوع و قابلیت مقاومت سازه و ساختار باربر در برابر آتش (P6)؛
- منطقه بندی (زون بندی) حریق (P7)؛
- جداسازی فضاهای مستقل (P8)؛
- دوربندی گشودگی‌های قائم شامل پلکان، آسانسور و شفت‌های تأسیساتی (P9)؛

دو فاز مشخص سیاست‌گذاری و عملیاتی در نظر گرفت. در فاز سیاست‌گذاری که عمدتاً به مسائل مدیریت ایمنی حریق مرتبط می‌شود، با اتخاذ تدابیر و دستورالعمل‌هایی می‌توان مخاطرات احتمالی حریق را شناسایی و حذف کرد. مرحله عملیاتی زمانی اتفاق می‌افتد که ساختمان بازرسی می‌گردد و به‌کارگیری صحیح سیاست‌های اتخاذشده بررسی و ارزیابی می‌شود.

۵.۱.۳. ارزیابی احتمال وقوع حریق

این ارزیابی تا حدود زیادی وابسته به شناسایی مخاطرات حریق است. پس از تکمیل اطلاعات ساختمان و شناسایی مخاطرات حریق، احتمال وقوع حریق برآورد می‌شود. منظور از احتمال وقوع حریق یک قضاوت کارشناسی کیفی یا تفسیری است که احتمال را به یکی از سه حالت از پیش تعیین‌شده رده‌بندی می‌کند:

کم: احتمال پایین وقوع آتش‌سوزی، به علت منابع بالقوهٔ آفرورش ناچیز و/ یا مصالح قابل اشتعال اندک، متوسط: خطرات آتش‌سوزی معمولی برای این نوع تصرف، با خطرات حریقی که به‌طور کلی تحت کنترل‌های مناسب (غیر از کمبودهای جزئی) قرار دارند، زیاد: فقدان کنترل کافی بر روی یک یا چند خطر مهم آتش‌سوزی، به‌طوری که احتمال وقوع آتش‌سوزی را به طرز قابل توجهی افزایش دهد.

۵.۲. ارزیابی و امتیازدهی تدابیر محافظت در برابر آتش

در این مرحله از ارزیابی خطرپذیری حریق، تمهیدات فیزیکی و تدابیر محافظت در برابر آتش، که به‌منظور کاهش خسارات جانی و مالی ناشی از آتش‌سوزی در ساختمان به کار رفته‌اند، بررسی می‌شود. بر این اساس ۱۴ عامل مؤثر در ارزیابی خطرپذیری

- درجه محافظت در برابر آتش برای درهای راه خروج (P10)؛
 - سیستم اطفای حریق خودکار و شبکه آب آتش‌نشانی (P11)؛

- خدمات آتش‌نشانی شامل قابلیت دسترسی و واکنش نیروهای آتش‌نشان (P12)؛

- آسانسور و لابی دسترس آتش‌نشان (P13)؛

- سیستم کنترل و تخلیه دود (P14)؛

امتیازدهی به تدابیر محافظت در برابر آتش در ساختمان مورد ارزیابی، نهایتاً در دو مجموعه زیر نیز طبقه‌بندی می‌شود:

- شاخص محافظت در برابر آتش: دربرگیرنده ساختارها و تجهیزات ایمنی ساختمان در برابر آتش، مانند مقاومت در برابر آتش، کشف، اعلام و اطفای حریق، و سایر جوانب مرتبط در طرح ساختمان که مجموعاً باعث محافظت ساختمان در برابر آتش و کاهش خسارات می‌گردد.

- شاخص ایمنی خروج: همه جوانبی که به ایمنی خروج مربوط می‌شود، مانند مشخصات طراحی، پلکان، تجهیزاتی مانند کشف و اعلام حریق که باعث افزایش سرعت اطلاع و واکنش مردم به حریق می‌شود، یا سیستم اسپرینکلر که ایمنی مسیر خروج و زمان فرار را افزایش می‌دهد.

ارزیاب باید با استفاده از این مدل امتیاز تدابیر محافظت را تعیین کند. وزن هریک از پارامترها بر اساس «جدول‌های ۱ و ۲» مشخص و میزان خطرپذیری ساختمان برای هریک از دو شاخص تعیین می‌گردد. برای هریک از این دو شاخص، برحسب درجه اهمیت ساختمان، یک مقدار حداقل قابل قبول تعیین شده است که در «جدول ۳» مشاهده می‌شود. در صورتی که حداقل امتیاز لازم مطابق با جدول یادشده برآورده نشود، ارزیاب باید راه‌حل‌های مناسب را در برنامه عملیاتی بگنجانند و پس از اعمال برنامه عملیاتی، فرایند امتیازدهی مجدداً صورت گیرد. صرف برآورده شدن حداقل امتیازات ارائه‌شده در این جدول، به

معنای قابل قبول بودن ایمنی ساختمان در برابر آتش نیست، بلکه شاخص نهایی برای تصمیم‌گیری، سطح خطرپذیری حریق است که در انتهای ارزیابی به دست می‌آید. پس از تعیین خطرپذیری حریق، ممکن است ارزیاب کماکان در برنامه عملیاتی خود ارتقای بخشی از تدابیر محافظت در برابر آتش ساختمان را برای رسیدن به خطرپذیری قابل قبول مطالبه کند. لازم به ذکر است که رعایت برخی از معیارها از جمله آتش‌بندی منافذ و درزهای موجود در داخل اجزای جداسازی و محافظت فضاهای فرعی حادثه‌خیز، با توجه به اهمیت ساختمان، الزامی است و بنابراین در امتیازدهی نقشی نخواهند داشت. به بیان دیگر، رعایت نکردن این موارد باعث مردود شدن یک ساختمان فارغ از امتیاز کسب‌شده‌اش در معیار مشخص‌شده در «جدول ۳» خواهد بود.

ارزیاب برای تعیین احتمال وقوع و عواقب حریق می‌تواند از این مدل نیز (علاوه بر سایر اطلاعات) بهره‌گیری کیفی کند؛ به‌طور مثال وجود انواع نازک‌کاری یا نمای با قابلیت اشتعال بالا در کنار منابع آفرورش در ارزیابی به معنای احتمال وقوع حریق و همین‌طور احتمال گسترش سریع حریق و افزایش عواقب آن است. همچنین نصب نبودن سیستم کشف و اعلام حریق همراه یا مشکلات در راه خروج، در یک ساختمان با بار تصرف بالا احتمال خسارات جانی را می‌افزاید.

مزیت این روش به‌کارگیری دیدگاه کل‌نگرانه و یکپارچه به جای نگاه منفرد به اجزای ایمنی در برابر آتش است. در واقع در بسیاری از ساختمان‌های موجود، پیاده‌سازی برخی ضوابط تجویزی در عمل مقدور نیست (مانند اضافه کردن یک یا دو پله فرار دوربندی‌شده)، و نگرش کل‌نگرانه برای در نظر گرفتن راه‌حل‌های جان‌نشین و تعدیلی برای رسیدن به سطح قابل قبول ایمنی در برابر آتش کمک می‌کند؛ درعین‌حال، برای ارزیابی کل‌نگرانه، وجود این سیستم امتیازدهی مورد نیاز است.

۳.۵. ارزیابی عواقب احتمالی حریق

برای تعیین سطح ایمنی در برابر آتش و عرضه راه حل‌های اقتصادی مناسب، ارزیابی عواقب احتمالی حریق در ساختمان نیاز است. در اینجا جنبه‌های مدیریت ایمنی حریق عامل اثرگذاری در عواقب احتمالی حریق به‌شمار می‌رود. حتی در یک ساختمان ضعیف از نظر ایمنی حریق، وجود یک سیستم مدیریت ایمنی حریق می‌تواند به کاهش عواقب ناشی از آتش‌سوزی کمک زیادی کند. در عین حال، با توجه به شرایط فعلی کشور، انتظار نمی‌رود که در ابتدای بسیاری از ارزیابی‌ها مدیریت چندان در ساختمان وجود داشته باشد، در این روش، ارزیابی عواقب احتمالی حریق به‌صورت کیفی شامل سه رده آسیب کم، متوسط، و شدید به شرح زیر می‌شود:

آسیب کم: بعید است که آتش‌سوزی احتمالی منتج به صدمه یا صدمات جدی یا مرگ هیچ‌یک از ساکنین شود (غیر از ساکنین در حال خواب در اتاقی که حریق رخ می‌دهد).

آسیب متوسط: پیش‌بینی می‌شود که یک آتش‌سوزی بتواند منتج به صدمه یا صدمه جدی به یک یا تعداد بیشتری از متصرفین شود، ولی بعید است بیشتر از یک کشته برجا بگذارد. آسیب شدید: پتانسیل قابل توجهی برای صدمه جدی یا مرگ یک یا تعداد بیشتری از ساکنین وجود دارد.

۴.۵. ارزیابی خطرپذیری حریق

به‌منظور بهسازی ایمنی ساختمان‌های موجود در برابر آتش لازم است تا ارزیابی خطرپذیری حریق در ساختمان بر اساس مبانی و روش‌های پیش‌گفته صورت گیرد و مشکلات و کاستی‌های ایمنی در برابر آتش مشخص شود. خطرپذیری حریق از ترکیب دو عامل «احتمال وقوع حریق» و «عواقب احتمالی حریق» استنتاج و بر اساس یک ماتریس با رده‌های از پیش تعیین شده بیان می‌شود. این رده‌ها به‌صورت کیفی با عباراتی مانند ناچیز،

قابل تحمل، متوسط، قابل توجه، و غیرقابل تحمل بیان می‌شوند. در روش پیشنهادی نویسندگان این مقاله، پنج مورد رده‌های از پیش تعیین شده به شرح «جدول ۴» است، اما از تعداد رده‌های بیشتر یا کمتر دیگر (به تعداد فرد) می‌توان استفاده کرد.

علاوه بر ملاحظات مربوط به اقدامات محافظت در برابر آتش و نیز مسائل مدیریت ایمنی حریق، لازم است به رفتارهای انسانی در شرایط حریق توجه شود. در بررسی عواقب حریق باید گستردگی جراحات احتمالی برای متصرفان، در سناریوهای قابل انتظار در نظر گرفته شود و نیز تعداد متصرف‌هایی که احتمالاً اثرپذیرند لحاظ شود. به همین ترتیب، عواقب جدی می‌تواند شامل موقعیت یا موقعیت‌هایی شود که در آن تعداد کمی از متصرفان (حتی یک نفر) به احتمال زیاد در معرض صدمه جدی در حادثه آتش‌سوزی قرار گیرند. در این روش، به بیان عواقب احتمالی حریق به‌صورت آماری نیازی نیست (و معمولاً امکان‌پذیر هم نیست)، بلکه کافی است که قضاوت کیفی از عواقب احتمالی آتش‌سوزی به چند رده از پیش تعیین شده صورت گیرد.

در ساختمان‌های بزرگ و بااهمیت، برای بررسی دقیق‌تر خطرپذیری حریق می‌توان از مدل‌های پیشرفته مهندسی آتش نیز استفاده کرد که از جمله باید مدل‌های زمان تخلیه ASET/ RSET و مدل‌سازی CFD برای بررسی دینامیک گسترش دود و حریق را نام برد.

جدول ۴. برآورد سطح احتمال خطرپذیری، تدوین: نگارندگان.

رده‌بندی خطرپذیری حریق			احتمال حریق
عواقب احتمالی حریق			
صدمه شدید	صدمه متوسط	صدمه جزئی	
خطرپذیری متوسط	خطرپذیری قابل تحمل	خطرپذیری ناچیز	کم
خطرپذیری قابل توجه	خطرپذیری متوسط	خطرپذیری قابل تحمل	متوسط
خطرپذیری غیرقابل تحمل	خطرپذیری قابل توجه	خطرپذیری متوسط	زیاد

۵.۵. تدوین برنامه عملیاتی^{۲۸}

خطرپذیری مبتنی بر مهندسی آتش پیاده‌سازی شده است. از آنجا که ساختمان‌های مختلف از جنبه‌های مختلف (مانند ابعاد ساختمان، تعداد متصرفین، اهمیت استراتژیک، سرویس‌دهی حیاتی به جامعه، و ...) متفاوت هستند، میزان خطرپذیری مورد انتظار نیز در آنها باید متفاوت باشد. بنابراین یک سیستم طبقه‌بندی اهمیت ساختمان تعریف شد.

دامنه کاربرد این روش به دو قسمت «تجویزی» برای مجوز تغییرات و «عملکردی» برای ساختمان‌های موجود (غیر از تغییرات) تقسیم شد. در بخش تجویزی از روش‌های روایتی برای تعیین خطرپذیری آتش در ساختمان استفاده می‌شود. در حالی که در بخش عملکردی با استفاده از روش نمایه‌سازی، پارامترهای مؤثر در تعیین خطرپذیری آتش در ساختمان مشخص و ارزیابی می‌شوند. برای اهداف «تعمیرات، نوسازی، تغییر تصرف (کاربرد)، و افزایش بنا» باید، با استفاده از ضوابط تجویزی عرضه‌شده، بهسازی انجام گیرد. در ساختمان‌هایی که نیاز به ارتقای ایمنی در برابر آتش دارند، روش ارزیابی خطرپذیری و بهسازی با دیدگاه مهندسی آتش عرضه شده است. مراحل چارچوب روش ارزیابی و بهسازی به شرح زیر است:

۱) جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با ساختمان؛

۲) تعیین درجه اهمیت ساختمان؛

۳) ارزیابی و امتیازدهی تدابیر محافظتی ساختمان؛

۴) شناسایی مخاطرات حریق؛

۵) بررسی مدیریت ایمنی حریق؛

۶) ارزیابی خطرپذیری ساختمان در برابر آتش‌سوزی؛

۷) تهیه برنامه عملیاتی؛

۸) تکرار ارزیابی تا حصول سطح ایمنی مورد قبول.

با انجام این مراحل می‌توان سطح خطرپذیری آتش در ساختمان‌های موجود را به سطح ایمنی قابل قبول بر اساس دو

خروجی و نتیجه اصلی ارزیابی خطرپذیری حریق یک برنامه عملیاتی است. هدف از این برنامه کاهش سطح خطرپذیری و نگهداری آن در سطح قابل قبول یا قابل تحمل است. این برنامه باید، متناسب با سطح خطرپذیری، فوریت اقدامات را نیز شامل شود. معمولاً ترکیبی از اقدامات فیزیکی و مدیریتی ضروری است و هر جا مناسب باشد، برنامه عملیاتی باید هر دو گروه تمهیدات فیزیکی (مثلاً جداسازی بهتر مواد قابل سوختن و منابع افروزش یا تمهیدات محافظتی) و مسائل مربوط به مدیریت ایمنی در برابر آتش را شامل شود.

۵.۶. استقرار مدیریت ایمنی حریق

در ارزیابی خطرپذیری حریق لازم است تا مدیریت ایمنی حریق و کفایت آن بررسی شود. مدیریت ایمنی حریق حتی اهمیتی در حد تمهیدات محافظت در برابر آتش می‌تواند داشته باشد. مدیریت ایمنی حریق باید به صورت یک دستورالعمل، شامل تعیین مسئولیت‌ها، فرایندها، دستورالعمل‌های ایمنی، هماهنگی و برنامه داشتن برای برای بازرسی‌های عادی و نگهداری و تعمیر سیستم‌ها، و آموزش‌های لازم برای کارکنان و بهره‌برداران ساختمان باشد. بدیهی است بازبینی‌های دوره‌ای، مثلاً یک‌ساله، نیز باید برای بازبینی وضعیت ایمنی حریق ساختمان لحاظ شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این مقاله برای ایجاد شرایط ایمن و کاهش خسارات جانی و مالی ناشی از حوادث آتش‌سوزی در ساختمان‌های موجود، چارچوب یک روش ارزیابی خطرپذیری و بهسازی ایمنی حریق در ساختمان‌های موجود پیشنهاد شده است که در آن علاوه بر روش تجویزی برای شرایط مشخص، دیدگاه ارزیابی و کاهش

یک روش قطعی در تعیین خطرپذیری آتش در ساختمان‌های موجود است، در آن به عدم قطعیت‌های ناشی از وجوه احتمالی و ناشناخته رفتار آتش در ساختمان پرداخته نمی‌شود که می‌تواند در تحقیقات بعدی به آن توجه شود.

شاخص «محافظةت در برابر آتش» و «ایمنی خروج» رساند. ارزیابی خطرپذیری باید به صورت دوره‌ای و در بازه‌های زمانی مشخص در ساختمان‌ها تکرار شود تا سطح خطرپذیری در محدوده قابل قبول حفظ شود و خسارات جانی و مالی ناشی از آتش‌سوزی به حداقل برسد؛ با این حال، با توجه به اینکه این

References

- Bakhtiyari, S., R. Khalili, & M. HosseinPour. "A Risk-based Approach for Assessment and Improvement of Fire Safety in Existing Buildings". *Asian J Civ Eng*, 23 (2022), 391-404. <https://doi.org/10.1007/s42107-022-00430-2>
- British Standards Institution. *PD 7974-7:2003 – Application of Fire Safety Engineering Principles to the Design of Buildings – Part 7: Probabilistic Risk Assessment*. London: BSI, 2003, 1-80.
- British Standard Institute. *PAS 79: Fire Risk Assessment – Guidance and a Recommended Methodology*. UK, 2007.
- Bureau of National Building Regulations. *The third topic: fire protection, third edition*, Road, Housing and Urban Research Center Publications, 2015. (In Persian)
- Chien, S.W. and G.Y Wu. "The Strategies of Fire Prevention on Residential Fire in Taipei". *Fire Safety J*. vol. 43, Issue 1 (2008): 71-76.
- Chien, S.W., Y.Y. Chen, L. ChingYuan, T.S. Shena and P.T. Huang. "UPgrading Fire Safety Strategies for the Existing Non-residential Occupancies in Taipei City". *Procedia Engineering*, vol. 62 (2013): 1096-1103.
- Chow, W.K. "ON THE FIRE SAFETY REQUIREMENTS FOR EXISTING OLD BUILDINGS". *Int. J. on Eng. Performance-based Fire Codes*, vol. 9, no. 1 (2007): 31-37.
- Chung, Cheuk-hung. "Fire Safety Improvement in Private Buildings". *Home Affairs, Building Management*, The Hong Kong Government.
- Drukisa, P. Gailea, L. Pakrastinša. "Inspection of Public Buildings Based on Risk Assessment". *Procedia Engineering*, vol. 172 (2017): 247-255.
- EuroPeAn Guideline. "Qualitative Fire Risk Assessment". CFE E, no.4 (2010).
- HadjisoPhocleous, G.V. and Z. Fu. "Literature Review of Fire Risk Assessment Methodologies". *International Journal on Engineering Performance-Based Fire Codes*, 6(1) (2004).
- International Code Council. "International Existing Building Code". ICC, USA, 2018.
- International Code Council. "International Fire Code". USA, 2018.
- Meacham, B. "Building Fire Risk Analysis". in *SFPE Handbook of Fire Protection Engineering*, New York: Springer, 2015.
- NFPA 101. "Life Safety Code". National Fire Protection Association, USA, 2018.
- NFPA 101A. "Guide on Alternative Approaches to Life Safety". National Fire Protection Association, USA, 2019.
- Siu Ming Lo. "A Building Safety Inspection System for Fire Safety Issues in Existing Buildings". *Structural Survey*, vol. 16, no. 4 (1998): 209-217.
- Watts JM, Hall JR. "Introduction to Fire Risk Analysis". in *SFPE Handbook of Fire Protection Engineering*, New York: Springer, 2016, 2817-2826.

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

An Evaluation of Holy Shrines Pilgrims' perceptual indicators; the Case of the Surroundings of Her Holiness Masoumeh's Shrine

Shirin Eslami

MA, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Bahador Zamani, PhD* 

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Homayoon Nooraie, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: September 18, 2021

Accepted: May 28, 2023

(Pages: 65-84)

Eslami, Sh., Zamani, B., and Nooraie, H., 2023. An Evaluation of Holy Shrines Pilgrims' perceptual indicators; the Case of the Surroundings of Her Holiness Masoumeh's Shrine. *Soffeh*. 103 (4): 65-84.

DOI: [10.48308/SOFEH.2023.22223786.1089](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.22223786.1089)

Abstract:

Pilgrims' perceptions and how they affect spiritual, mental states and images are important for their mental preparation. The aim of this present study is to measure and analyse the effect of perceptual indicators of pilgrims to holy shrines in their procession towards Her Holiness Masoumeh's shrine. This study was conducted through a mixed (quantitative-qualitative) approach and a descriptive-analytical research method. For data collection, library and field methods have been used

Keywords:

Perceptual indicators, Pilgrimage hierarchy, Pilgrimage shrines, Her Holiness Masoumeh's shrine, Qom city.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024


ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. CorresPonding Author: Email Address. b.zamani@aiui.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.2223786.1089>

and the sample group of the study, 172 people, was randomly selected from the pilgrims and locals. The data was analysed using the SPSS23 and Amos Graphic26 in the form of two types of descriptive-inferential analysis and structural equation modelling. The factor model compiled with cropper fit shows a significant relationship between the indicators and perceptual measures in the pilgrimage. Furthermore, among six identified indicators and seventeen related measures, the sense of politeness and humility, spirituality, expectation, ingravibility, legibility and belonging, respectively have more weight in the perception of pilgrims. This sheds light on the fact that the surrounding fabric of Her Holiness Masoumeh's shrine requires more attention by authorities, in order to improve the quality of the perceptual scape, in accordance with normative values hierarchies.

سنجش تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشرف به حرم‌های زیارتی

موردپژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه (س)^۱

شیرین اسلامی^۲

بهادر زمانی^۳ ID

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

همایون نورایی^۴

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

دریافت: ۲۷ شهریور ۱۴۰۰
پذیرش: ۷ خرداد ۱۴۰۲
(صفحه ۶۵ - ۸۴)

اسلامی، ش.، ب. زمانی، و ه. نورایی. ۱۴۰۲. سنجش تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشرف به حرم‌های زیارتی؛ موردپژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه (س). فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳ (۴): ۶۵-۸۴.

کلیدواژگان: مؤلفه‌های ادراکی، سلسله مراتب تشرف، حرم‌های زیارتی، حرم مطهر حضرت معصومه (س)، شهر قم.

چکیده

توجه به بُعد ادراکی زائران در قلمروهای زیارتی و مؤلفه‌های مؤثر بر حالات روحی، معنوی، و تصویر ذهنی آنها، یکی از عوامل حائز اهمیت زمینه‌ساز آمادگی ذهنی در تشرف به یک مکان قدسی است. این پژوهش با هدف سنجش و تحلیل میزان تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشرف به حرم‌های زیارتی و بررسی آن در عرصه‌های تشرف به حرم مطهر حضرت معصومه (س) صورت گرفته است. پژوهش حاضر به روش کاربردی و با نظام پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابزارهای گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) است که در بستری پیمایشی با جامعه آماری ۱۷۲ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از زائرین و مجاورین حرم مطهر حضرت معصومه (س) صورت پذیرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS²³ و Amos Graphic¹⁶ در قالب دو گونه تحلیل توصیفی و استنباطی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، مدل عاملی تدوین شده با برازش مطلوب، رابطه معناداری میان مؤلفه‌ها و سنجه‌های ادراکی در تشرف زائران به حرم مطهر حضرت معصومه (س) را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس

۱. این مقاله برگرفته از چارچوب بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته طراحی شهری با عنوان حریم حرم؛ ارتقاء کیفیت حریم‌های مقدس با رویکرد قلمروپایی جامع؛ مطالعه موردی: بافت پیرامون حرم حضرت معصومه (س) است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در تاریخ مهرماه سال ۱۳۹۹ در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، ایران
eslami_109@yahoo.com

۳. نویسنده مسئول
b.zamani@ui.ac.ir
4. H.noorai@ui.ac.ir
5. Ismail Serageldin, Ephim Shluger, and Joan Martin-Brown, eds. *Historic Cities and Sacred Sites: Cultural Roots for Urban Futures* (World Bank Publications, 2001), Xii.

یافته‌های پژوهش، از میان ۶ مؤلفه شناسایی شده و ۱۷ سنجه مرتبط با آن، مؤلفه‌های حس ادب و خضوع، حس معنویت، حس انتظار، نقش‌انگیزی، خوانایی، و حس تعلق به ترتیب با بارعاملی بیشتر، وزن بیشتری در ادراک زائران در حین تشرف به این حرم مطهر دارند. بنابر نتایج به‌دست آمده، بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه (س)، نیازمند توجهات مضاعفی از سوی مدیریت شهری به‌منظور ارتقای کیفیات منظر ادراکی منطبق با هنجارها و ملاحظات ارزشی این قلمرو زیارتی با توجه به سلسله‌مراتب تشرف در زائران است.

مقدمه

قلمروهای تاریخی و مقدس، به‌مثابه بخشی از میراث فرهنگی با پیوند زدن گذشته، حال، و آینده^۵، نقش مهمی در ادراک، شناخت، و دریافت معنا برای کاربران دارند. نحوه ادراکات ما بر تفکراتمان اثر می‌گذارد و شناخت با شیوه‌هایی در ارتباط است که به‌واسطه آنها، تجارب ما از محیط دسته‌بندی، یادآوری، و بازنمایی و ساختار یا

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author: Email Address. b.zamani@ui.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.223786.1089>



پرسش‌های تحقیق

۱. مدل مفهومی سنجش و تحلیل تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در طریق تشریف به یک حرم زیارتی دارای چه مؤلفه‌ها و سنجه‌هایی است؟

۲. وزن و اندازه اثر هر یک از مؤلفه‌های ادراکی زائران در طریق تشریف به حرم مطهر حضرت معصومه^(س) چه میزان است؟

6. Jack L. Nasar, "Environmental Psychology and Urban Design", in *Companion to Urban Design*, 180-192. (Routledge, 2011), 163.

7. Philip Sheldrake, "Placing the Sacred: Transcendence and the City", *Literature and Theology*, no. 3 (2007): 245.

۸. قاسم مطلبی و فرشته اسلامی و ثریا طاهری و سمیه گردی تختی و امین مهدوی، «تغییر ادراک معنا از حرم امام رضا (ع) در نسبت با زمان». فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ش. ۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۱۵.

۹. محمدجواد حیدری، «تحلیلی بر نقش مکان‌های مذهبی در ایجاد حس مکان در ساکنین محلات شهری؛ مطالعه موردی: محله حسینیّه زنجان». جغرافیا و روابط انسانی، ش. ۲ (پاییز ۱۳۹۹): ۴۷۸.

۱۰. بهزاد وثیق، «تبیین کاربست حس معنوی مکان جایگزین مفهوم حس مکان؛ نمونه بررسی شده: حرم امام رضا (ع)». فرهنگ رضوی، ش. ۲ (تابستان ۱۳۹۹): ۲۲۳.

11. SeyedMaziar Mazloomi, Syed Iskandar Ariffin, and Raja Nafida Raja Shahminan, "Impact of Architecture on Sense of Place and Public Perceptions in Contemporary Mosques in Malaysia" *Journal of Architectural and Planning Research*, 31(3) (2014): 233.

۱۲. محمدرضایی ندوشن، «بازتعریف

الگوی غالب بر محیط دریافت و معنا می‌شود؛^۶ باین حال در طراحی‌های ملهم از خردگرایی مدرنیستی اهمیت چندانی برای مقوله معنا به صورت عام و معنمندی و معنویت این گونه قلمروها به طور خاص قائل نیستند.^۷ در صورتی که قلمروهای معنوی در شهرهای دارای اماکن مقدس همواره زمینه‌ساز خلق مکان‌های معنادار، تصویر ذهنی مطلوب، نقش‌انگیزی، و ایجاد حس مکان در جهت پیوند بیشتر کاربران با زمینه بوده‌اند. از جمله این قلمروهای معنوی و مقدس حریم و ساحت قدسی حرم‌های مطهر زیارتی است که نیازمند ملاحظات ویژه برای تمرکز بر زیارت و آداب آن به منزله مؤلفه تمایزبخش یک شهر زیارتی از سایر شهرها هستند. حریم فضایی این اماکن نیازمند ملاحظات برانگیزنده حس خضوع، خشوع، ادب، وحدت، و توجه به ارزش‌های معنوی است، به گونه‌ای که سیطره معنوی آن مکان مقدس بر قلمرو پیرامون خویش به وضوح برجسته و محسوس باشد. لازم است مداخلات و تحولات کالبدی و کارکردی در این قلمروها به گونه‌ای کنترل شود که با احترام به ساحت مقدس حرم مطهر و تقویت پیوندهای مکانی، به غلبه حالات مادی بر زائران در موعد تشریف نیانجامد. ارتقای کیفیت سلسله‌مراتب تشریف به این اماکن در راستای سازگاری با فرهنگ زیارت در ساماندهی قلمرو بلافصل حرم‌های مطهر می‌تواند کیفیات ادراکی و عواطف معنوی مستولی بر زائران در طریق تشریف را ارتقا بخشد. در شرایط موجود، لزوم توجه به بعد ادراکی حرم‌های زیارتی و بازتاب آداب زیارت در طراحی شهری این قلمروهای عمومی یک اصل ضروری است.

از جمله قلمروهای زیارتی نیازمند این ملاحظات بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه^(س)، نمونه مطالعاتی این پژوهش، است. به نظر می‌رسد سیطره مادیات مانند تعدد کاربری و فعالیت‌های ناسازگار با حال معنوی قلمرو، آلودگی شنیداری و دیداری، ازدحام و ترافیک مرکز شهر، و نقض ضوابط ساخت‌وساز در حرائم حرم مطهر مانند تجاوز به حریم آن با عبور مونوریل و کم‌توجهی به حریم بصری حرم مطهر در قلمرو مذکور منشأ اثرات نامطلوب بر ارتباط حسی - ادراکی زائران در طی طریق تشریف به این حرم مطهر شده است. در روند موجود با توجه ناکافی به بعد ادراکی این قلمرو زیارتی، حالات و عواطف روحی و معنوی زائران به هنگام تشریف به حرم مطهر و تجارب معنوی آنها در سطوح مختلف احساس، ادراک، و معنا تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت موضوع

مفهوم دروازه‌ها در مکان شهری، تأثیر دروازه‌های شهری بر ادراک عابران» (تهران: دانشگاه علم و صنعت، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۹۸)، د.

13. Shampa Mazumdar and Sanjoy Mazumdar, "Sacred Space and Place Attachment", *Journal of Environmental Psychology*, no. 3 (1993): 231; Sh. Mazumdar and S. Mazumdar, "Religion and Place Attachment: A Study of Sacred Places". *Journal of Environmental Psychology*, no. 3 (2004): 385.
14. Richard H. Jackson and Roger Henrie, "Perception of Sacred Space", *Journal of Cultural Geography*, no. 2 (1983): 94.
15. Keji Huang and Philip Pearce, "Visitors' Perceptions of Religious Tourism Destinations", *Journal of Destination Marketing & Management*, no. 14 (2019): 1.
16. Harold M. Proshansky, *Environmental Psychology and the Design Professions* (University of Chicago Press, 1974), 547-548.
17. Mirilia Bonnes and Marino Bonaiuto, *Environmental Psychology: from Spatial-Physical Environment to Sustainable Development* (New York: John Wiley & Sons, Inc, 2002), 163.

به این پرسش‌ها، پس از شناسایی مؤلفه‌های ادراکی زائران در قلمروهای مقدس، و با توجه به پیشینه موضوع، چارچوب مفهومی پژوهش بیان می‌شود و بر اساس این چارچوب، نمونه مطالعاتی ارزیابی می‌شود و به دنبال عرضه یافته‌ها، استنتاج لازم صورت می‌پذیرد.

۱. چارچوب نظری پژوهش

۱.۱. ادراک

مبتنی بر مفاهیم محیطی و روان‌شناسی سنتی، هر تلاش جدی برای تعریف و بررسی مفاهیم انسانی و محیط با در نظر گرفتن معنا و مفهوم آنها در ارتباط با مفاهیم روان‌شناختی سازماندهی می‌شود.^{۱۶} به دلیل اهمیت مقوله ادراک کاربران و واکنش‌هایشان در محیط‌های شهری، طراحان شهری، با بهره بردن از روان‌شناسی محیطی، به تعاملات رفتار محیطی و اهمیت بعد فضایی - فیزیکی محیط به منزله بخشی از اقدامات و تجربیات انسان در سطوح درون فردی، بین فردی، گروهی، بین گروهی، و اجتماعی می‌پردازند.^{۱۷} در خصوص ادراک محیطی، نظریه‌های متعددی وجود دارد که برخی واجد مفاهیمی طراحی شهری هستند. از جمله این نظریه‌ها «نظریه سطح سازگاری»^{۱۸} است که نشان می‌دهد افراد خود را با سطح غالب محرک‌ها وفق می‌دهند.^{۱۹} رویکرد اکولوژی^{۲۰} ادراکی نظریه دیگری است که محیط را متشکل از اطلاعات محرک ساختاری و معنادار در نظر می‌گیرد،^{۲۱} مشاهده‌گران فعال ساختارهای محیطی را شناسایی می‌کنند، ساختارهایی که پشتیبان کنش‌های مشاهده‌گران محسوب می‌شوند و زمینه‌ای را برای سیر و اکتشافات فراهم می‌آورند؛ مهم‌ترین مقوله در این بین، مفهوم «استطاعت محیط» است. «بنابر نظریه سوم، تحت عنوان کارکردگرایی احتمالی»^{۲۲}، استدلال می‌شود که ارزیابی محیط با احتمالات مرتبط با درک فرد از کالبد همراه

ادراک زائران در این‌گونه قلمروها، سنجش و تحلیل میزان تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشریف به حرم مطهر حضرت معصومه^(س) و قلمرو پیرامون آن، در پژوهش حاضر مورد نظر است. در این باره، مروری بر پیشینه نظری موضوع حاکی از تعدد مطالعات پژوهشگران خارجی و داخلی در زمینه‌های مختلف زیارتی است. به‌طور نمونه، پژوهشگران داخلی نظیر مطلبی و همکاران به تغییر وجوه معنایی ادراک منظر بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا^(ع) در گذر زمان پرداخته‌اند.^۸ حیدری^۹، وثیق^{۱۰}، و مظلومی و همکاران^{۱۱} تحلیل‌هایی بر نقش مکان‌های مذهبی در ایجاد حس مکان و محمد رضایی ندوشن^{۱۲} سلسله فضاهای ورود به شهر قم با تأثیر بر ادراک مخاطب در تشریف به حرم مطهر حضرت معصومه^(س) در دوره صفویه تا قاجاریه را مطالعه کرده‌اند. همچنین، محققان هندی به رابطه مکان‌های مقدس و دل‌بستگی فضایی^{۱۳}، جکسون و هنری به گونه‌شناسی ادراکی از فضای مقدس^{۱۴} و هانگ و پیرس به ادراک بازدیدکنندگان از مقاصد گردشگری مذهبی^{۱۵} پرداخته‌اند. با توجه به اینکه در بسیاری از مطالعات ادراک کاربران در واحد معماری مکان مقدس بررسی گردیده، به سلسله‌مراتب تشریف بافت پیرامون کمتر توجه شده است و در زمینه مورد مطالعه، قلمرو پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه^(س)، نیز مطالعاتی با محوریت ادراک زائران صورت نپذیرفته است؛ از این‌رو در تحقیق پیش رو در مقایسه با پیشینه پژوهی صورت‌پذیرفته در حیطه قلمرو اماکن مقدس، با هدف سنجش و تحلیل مؤلفه‌های ادراکی در مقیاس بافت و در قلمرو حرم مطهر حضرت معصومه^(س)، یافتن پاسخ به این پرسش‌ها مورد نظر است: مدل مفهومی سنجش و تحلیل تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در طریق تشریف به یک حرم زیارتی دارای چه مؤلفه‌ها و سنجه‌هایی است؟ وزن و اندازه اثر هر یک از مؤلفه‌های ادراکی زائران در طریق تشریف به حرم مطهر حضرت معصومه^(س) چه میزان است؟ به‌منظور پاسخ

18.adaptation level theory
 19.Nasar, "Environmental Psychology and Urban Design", 164.
 20.ecological approach
 21. Ibid.
 22. probabilistic functionalism
 23. Ibid, 165.
 24. Robert Birch and Brian R. Sinclair, "Spirituality in Place: Building Connections between Architecture, Design, and Spiritual Experience", in *ARCC Conference Repository* (University of North Carolina at Charlotte, 2013), 80.

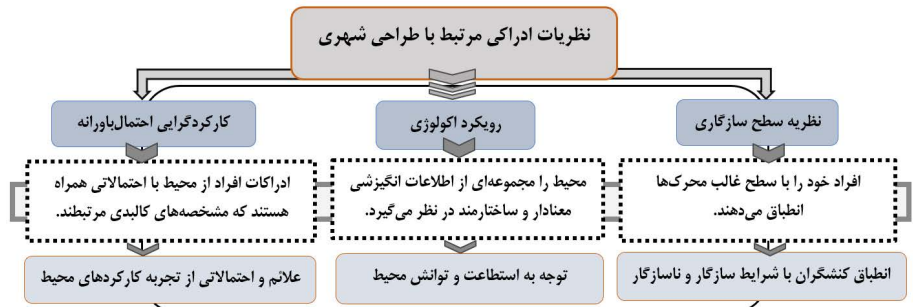
ت ۱. نظریات ادراکی مرتبط با طراحی شهری، برگرفته از: Jack L. Nasar, "Environmental Psychology and Urban Design", in *Companion to Urban Design*, 162-174. Routledge, 2011.

است که این احتمالات با مشخصه‌های کالبدی محیطی مرتبط است.^{۲۳} در «ت ۱» نظریات ادراکی مرتبط با طراحی شهری مشاهده می‌شود.

۲.۱. کیفیت‌های ادراکی در قلمرو اماکن زیارتی

روان‌شناسان محیطی در مطالعاتی مرتبط با رویکردهای کسب تجربیات معنوی و قدسی، به‌واسطهٔ زمینه‌های طبیعی و مصنوع، نشان داده‌اند که ویژگی‌های خاص محیط کالبدی و فضایی می‌تواند منجر به کسب تجربه‌های متعالی در کاربران شود؛ به تعبیری مفهوم معنویت مکان در ارتباط با ویژگی‌های محیط ساخته‌شده به‌واسطهٔ طرح کالبدی، امکان کسب معنای بیشتری را از ادراکات محیط اطراف فراهم می‌آورد.^{۲۴} مکان‌های مقدس و مذهبی همواره تحت تأثیر فرایند پویای تغییر معنا و ادراک در مخاطبین قرار دارند؛ چراکه مفاهیم مذهبی فراتر از وجه متافیزیکی خود، به‌منظور ایجاد یک چارچوب تفکر کلی در طیفی از تجربه، تفکر، احساس، و اخلاق می‌توانند به شکل معنی‌داری گسترش یابند.^{۲۵} موضوع ذکرشده در قلمرو اماکن مقدس و زیارتی از این لحاظ حائز اهمیت است که چگونگی محیط کالبدی و طبیعی عرصه‌های تشریف‌نقش هدایت‌کنندهٔ زائر به مکان زیارتی را دارد و به‌جا آوردن آداب زیارت و ادراکات مترتب بر زائران در طریق تشریف‌را دستخوش تغییرات می‌کند.

در شهرهای مذهبی با فرهنگ زیارتی، بافت‌های تاریخی شهری که به‌صورت افزایشی در اطراف هستهٔ مرکزی مذهبی ظاهر شده‌اند، همراه با آداب‌ورسوم مذهبی، مراسم آیینی، و نمادها، ایجادکنندهٔ فرهنگ زیارت هستند. جداسازی مرکزیت دینی از بافت تاریخی پیرامون آن که قبلاً یک کل را تشکیل داده، منجر به انزوا خواهد شد. به گفتهٔ الکساندر^{۲۶} وقتی کل کوچک‌تر تخریب و تقسیم می‌شود، کل بزرگ‌تر از ساختار شهری و بافت محلی جدا می‌شود. این رویکرد ممکن است در کوتاه‌مدت به یک رقابت و جذابیت سرمایه‌گذاری ختم شود، اما در درازمدت اثر نامطلوب بزرگی بر میراث تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی شهر خواهد گذاشت.^{۲۷} تا اواسط قرن بیستم، اکثر شهرهای زیارتی به‌صورت ارگانیک و در اطراف مراکز مقدس خود رشد می‌کردند و ساختارهای مسکونی همچون یک حوزهٔ یکپارچه برای آنان عمل می‌کردند؛ برخلاف سنت غربی که در آن بناهای مذهبی عموماً مانند بقعه‌های تاریخی در میانهٔ میدانی عمومی قرار گرفته‌اند. غالباً مرکزیت سمبولیک امروز اماکن مذهبی مرکزیتی زیرساختی است که کاربرد اصلی آن تأمین دسترسی است.^{۲۸} اما حضور میراث مذهبی در متن تاریخی خود است که منجر به منحصربه‌فرد بودن آن می‌شود، محلیت را تقویت می‌کند، به شکل‌گیری حافظهٔ جمعی شهری کمک می‌کند، و تاریخ و هویت آن شهر را تعریف می‌کند.^{۲۹} متأسفانه سیاست جاری در بسیاری از شهرهای مذهبی و زیارتی با جداسازی حرم مطهر از بافت پیرامون، احاطه آن با رینگ‌های حرکتی سواره،^{۳۰} و انبوهی از ساخت‌وسازها و کاربری‌های پشتیبان زیارتی، تخریب بافت بارزش میراثی، و اقدامات مداخله‌جویانه به‌منظور طرح‌های توسعهٔ آن حرم زیارتی تبعات نامطلوبی را برای هویت شهر زیارتی در اذهان زائران و مجاوران ایجاد می‌کند و بر نحوهٔ تشریف و ارتباط قلبی و معنوی زائران اثرات سوئی بر جای خواهد گذاشت. در ادامه،



25. Clifford Geertz, "Religion as a Cultural System", in *The Interpretation of Cultures: Selected Essays* (Fontana Press, 1993), 123.
26. Alexander
27. Hooman Ghahremani and Niloofar Hashemi, "A Critical Approach to the Interventions in Historical Urban Fabrics Focusing on City Competitiveness; Case Study: Central Area Surrounding the Holy Shrine, Mashhad, Iran", *Armanshahr Architecture & Urban Development*, no. 22 (2018): 65.
28. Robert Saliba, "Framing Urban Design on the Margins: Global Paradigms and Regional Implications", in *Urban Design in the Arab World: Reconceptualizing Boundaries* (Routledge, 2016), 180.
29. Ghahremani and Hashemi, "A Critical Approach to the Interventions in Historical Urban Fabrics Focusing on City Competitiveness; Case Study", 65.
30. Saliba, "Framing Urban Design on the Margins: Global Paradigms and Regional Implications", 180.

تجربه کنند.^{۳۴} جذابیت یک قلمرو خاص نه تنها به نوع تجربه‌ای که انتظار می‌رود از آن پشتیبانی کند بلکه به کیفیت ادراک استفاده از آن فضا نیز بستگی دارد.^{۳۵} از ویژگی‌های اصلی مکان مقدس تشخیص و تمایز آن از فضاهای دیگر است.^{۳۶} اتو^{۳۷} بر جنبه‌های ذهنی ادراک مکان مقدس تأکید می‌کند که این بُعد از مهم‌ترین مشخصه‌های مکان است و به آن قابلیت خاطره‌سازی می‌بخشد که به تعبیر وی، دستیابی به حالت‌های روحی خاص مبتنی بر دریافت‌های شخصی تلقی می‌گردد.^{۳۸} توجه به بافت پیرامون اماکنی با چنین شخصیت منحصر به فردی و با نقش رابط و دعوت‌کننده، نیازمند ملاحظات اصولی در کیفیات عرضه‌کننده عرصه‌های تشریف به منظور ایجاد نقش‌انگیزی، این‌همانی، و خاطره‌سازی در طریق تشریف زائران است. میزان یادآوری خاطرات و نقش‌انگیزی در تجربیات فردی و گروهی در مقوله زیارت در این دسته از قلمروهای زیارتی، مرتبط با فریضه عبادت و نیایش جمعی، زیارت گروهی و خانوادگی، برپایی مراسم و مناسک آیینی و مذهبی، خرید سوغات، و غیره محقق می‌گردد. برگزاری آیین‌ها، فعالیت‌ها، و رویدادهای پیش‌گفته ضمن پیوند روحی مردم به این مکان‌ها، معانی خاصی را در ذهن شهروندان تداعی می‌کند و عاملی بر ماندگاری و نقش‌انگیزی مضاعف این معانی است.^{۳۹}

۱.۵. القای ارزش‌های معنوی و دینی در طریق تشریف زائران

اغلب اشخاص مایل به برقراری ارتباط با مکان‌های مقدس هستند؛ چراکه چنین مکان‌هایی پرستش‌کنندگان را به خداوند نزدیک می‌کنند؛^{۴۰} جستجوی حقیقت، روشنگری، و کسب تجربه ارزشمند آمیخته با شئون الهی و مقدس مردم را بر آن می‌دارد تا به اماکن مقدس که از نظر آیین عبادی از فضای دنیوی و زندگی عادی بسیار فراتر هستند، بروند.^{۴۱}

به مؤلفه‌های ادراکی قلمروپایی مورد انتظار در طریق تشریف به یک مکان قدسی در قلمروهای معنوی و زیارتی پرداخته می‌شود.

۱.۳. ایجاد حس تعلق در زائران نسبت به قلمرو مکان مقدس

قلمرو را می‌توان مؤلفه اصلی در حس‌پردازی مکان دانست که در محیط‌های با هویت معین بروز می‌یابد و حوزه تعلق یک فرد یا گروه را نسبت به یک ناحیه یا منطقه نشان می‌دهد.^{۴۱} رفتارهایی برای ساختن، برقراری ارتباط، و حفظ و احیای قلمرو موجب ایجاد احساس تعلق خاصی می‌گردد.^{۴۲} یکی از روابط نمادین تجربه این معنا، ادراکات معنوی و دستیابی به حس مکان از طریق اماکن مقدس و ارتباط زیارتی است. معمولاً تجربه مکان در زیارت موقتی است، ولی حس مکان، به دلیل اهمیت مذهبی معنوی یا اجتماعی - سیاسی مکان، مدت‌های مدید دوام می‌یابد. زیارت مستلزم تغییری در آهنگ حیات فرد و تجربه یک محیط جدید است و به این ترتیب موجب خلق یک هم‌ذات‌پنداری و تعلق فرد به مکان می‌شود،^{۴۳} به گونه‌ای که زائر علاقه‌مند به تشریف مجدد به مکان زیارتی است؛ میزان علقه و احساسات عاطفی و میزان احساس تعصب و مالکیت ذهنی در زائران نسبت به حرم مطهر و قلمرو زیارتی از نتایج قلمروپایی و آمیخته با حس تعلق و انس با قلمرو مکان قدسی است.

۱.۴. القای حس نقش‌انگیزی در طریق تشریف زائران

ارتباط با یک محیط فیزیکی موجب تغییر در احساسات، رفتار فضایی، و ارزیابی محیط می‌شود. از این‌رو از ویژگی‌های اساسی کاربران یک قلمرو آن است که با قرارگیری در آن، احتمالاً پیش‌بینی می‌شود که در آینده به آن بازگردند و دوباره آن را

۳۱. هادی محمودی‌نژاد و محمدرضا پورجعفر و محمدرضا بمانیان و مجتبی انصاری و علی‌اکبر تقوایی، «پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای فضا به مکان شهری»، علوم و تکنولوژی محیط، ش. ۴ (زمستان ۱۳۸۷): ۲۹۲.

32. Graham Brown, Thomas B. Lawrence, and Sandra L. Robinson, "Territoriality in Organizations", *Academy of Management Review*, no. 3 (2005): 578.

۳۳. محمدصادق فلاحت، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هنرهای زیبا، ش. ۲۶ (تابستان ۱۳۸۵): ۶۰-۶۱.

34. Julian J. Edney, "Place and Space: The Effects of Experience with a Physical Locule", *Journal of Experimental Social Psychology*, no. 2 (1972): 133.

35. Ralph B. Taylor and Glenn Ferguson, "Solitude and Intimacy: Linking Territoriality and Privacy Experiences", *Journal of Nonverbal Behavior*, no. 4 (1980): 238.

36. Ron E. Hassner, "'To Halve and to Hold': Conflicts over Sacred Space and the Problem of Indivisibility", *Security Studies*, no. 4 (2003): 6.

37. Otto

توجه به ارجحیت و تسلط معنویت (عناصر معنوی و روحانی) بر مادیت (عناصر با عملکرد صرف مادی) در طراحی شهر و سیطره‌ی روانی و حتی هندسی و کمی فضاهایی که به امور معنوی و روحانی زندگی می‌پردازند بر عملکردها و فضاهایی که پاسخ‌گوی نیازها و محل فعالیت‌های مادی انسان هستند، می‌تواند در متذکر نگاه‌داشتن انسان نقشی در خور توجه ایفا نماید؛ این امر مهم در طراحی و برنامه‌ریزی توصیه‌ای مؤکد است.^{۴۲}

در نتیجه، لازم است بافت پیرامون اماکن مقدس «نمایشگر حداکثر طهارت (معنوی و فرهنگی)، زیبایی (معنوی و بصری)، تذکردهی و غفلت‌زدایی، آرامش فرهنگی، و هویت (معنوی و کالبدی) باشد»^{۴۳}؛ به عبارتی دیگر، «بیانگر سیر حرکت از فضای مادی به سوی فضای قدسی حرم مطهر باشند»^{۴۴}. این مهم از طریق یادآوری ارزش‌ها و مفاهیم معنوی به زائر به واسطه‌ی فضای شهری پیرامون اماکن مقدس می‌تواند زمینه را برای ورود به یک مکان مقدس و معنوی فراهم کند.^{۴۵} القای یاد و ذکر خداوند به زائرین و عبادت‌کنندگان در سلسله‌مراتب تشرف به یک مکان مقدس، موجب عدم ورود یک‌مرتبه مراجعان، بدون طی سیر تدرج جهت خودتنظیمگری به‌منظور زیارت است.^{۴۶}

۱.۶. القای حس خضوع، خشوع، و ادب در طریق تشرف زائران

از آنجاکه امر قدسی دارای شکوهی و رای همه‌ امور است، مکان قدسی باید شکوهی بالاتر از سایر مکان‌ها داشته باشد و با جلوه‌ی مکان‌های دنیوی قیاس‌شدنی نباشد،^{۴۷} بافت پیرامون مکان مقدس حالتی از تواضع و فروتنی را القا کند تا سیطره‌ عنصر مقدس و غلبه‌ معنوی و مادی آن بر کالبد و فضای پیرامون کاملاً ملموس باشد. امروزه بسیاری از شهرهای زیارتی فاقد و یا ناقص چنین احساسی هستند. قرارگیری زائر در قلمرو

مکان زیارتی توأم با احساسی از فروتنی و تواضع از طریق ویژگی‌های کالبدی مستلزم آن است که پیکره‌های منتهی به مکان قدسی نیازمند دور بودن از حالت کبر و خودستایی و نموده‌های تجمل‌گرایی و تفاخر، و برعکس، برانگیزنده‌ حس ادب، تواضع، هماهنگی، و توجه به معنویت و اصول و ارزش‌های معنوی باشند. برخی کنترل‌های محیطی بر ویژگی‌هایی که به القای حس تواضع و فروتنی در چنین بافت‌هایی منجر می‌شود، تأثیرگذار است. پیکره‌های افقی و کشیده، رعایت مقیاس انسانی، سادگی در جداره‌ها، استفاده از مصالح بومی و محدود، برخورداری از نظم قابل‌درک و هماهنگی کامل ساختمان‌ها با یکدیگر در رعایت اصول گشتالت، هماهنگی در نسبت بین زمینه و شکل، و حداقل استفاده از تزئینات بیرونی از مواردی است که در معماری و طراحی شهری قلمرو این اماکن نیازمند توجه است؛^{۴۸} نظر داشتن به ریزدانی بافت در حریم اماکن مقدس با حفظ احترام به مکان مقدس و اجتناب از پیکره‌های درشت‌دانه و کلان‌پیکر، به گونه‌ای که بارگاه مطهر در بین توده‌ای از ساخت‌وسازهای بلندمرتبه مهجور واقع نگردد.^{۴۹}

۱.۷. ایجاد حس انتظار و اشتیاق در طریق تشرف زائران

میزان دریافت حس انتظار و اشتیاق به قصد زیارت از طریق ویژگی‌های محیطی قلمرو پیرامون مکان زیارتی و احساس تبدیل شدن تدریجی عرصه‌ها به محیطی صمیمی، مذهبی، و مقدس در آمادگی ذهنی زائران پیش از تشرف دارای اهمیت است. همچنین طی طریق پیاده به مکان قدسی یکی از اصول ارزشی تشرف گام‌به‌گام در همه‌ ادیان و یک رفتار قلمروپایی در جهت حرمت‌گذاری به جایگاه معنوی مکان مقدس است که در کسب این آمادگی تأثیر دارد. طی سلسله‌مراتب فضایی حین حرکت به سمت مرکزیتی مقدس نه‌تنها موجب حس

۳۸. پژمان شقاقی، کالبد خدایان، مروری بر چگونگی تجسم امر قدسی در معماری تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون (تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۴)، ۵۴.

۳۹. اصغر مولایی و محمدتقی پیربابایی، «بازشناسی فضاهای مذهبی به عنوان عناصر نشانه‌ای بنیادین در ساختار شهرهای ایران؛ نمونه موردی: شهرری»، مدیریت شهری، ش. ۵۱ (تابستان ۱۳۹۷): ۲۴۹.

40. Leila Scannell and Robert Gifford, "Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework", Journal of Environmental Psychology, no. 1 (2010): 2.

۴۱. دالن جی تیموتی و دانیل اچ ال سن، گردشگری دین و سفرهای معنوی (تهران: نشر جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲)، ۱۶.

۴۲. محمد نقی‌زاده، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری) (اصفهان: راهیان، ۱۳۸۵)، ۳۳۰.

۴۳. محمد نقی‌زاده، «هویت شهر و کمال‌بخشی به بافت تاریخی آن؛ مطالعه موردی: مشهد مقدس». هويت شهر، ش. ۱۹ (پاییز ۱۳۹۳): ۳۲.

۴۴. مژگان پورعماد، محمد اجزاء شکوهی، محمدرحیم رهنما، و براتملی خاکپور، «مطالعه محور شیرازی به‌عنوان یک مفصل شهری در دسترسی به بخش مرکزی مشهد»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش. ۲۳ (زمستان ۱۳۹۴): ۱۵۳.

طول ادوار مختلف نیز حرم مطهر از ارکان اصلی شکل‌گیری نقشه ساختار ذهنی زائران بوده است؛ به‌نحوی که تصویر ذهنی مسیرهای اصلی در ذهن زائران متأثر از مرکزیت دربرگیرنده حرم و نواحی اطراف آن شکل می‌گرفته است.^{۵۵} در این خصوص، لازم است

خوانایی و نمایشی اماکنی که زمینه‌برگزاری آداب و مراسم عبادی هستند در ساختار و منظر شهر حفظ شود و افزون بر آن، منظر شهری در تعارض با هویت دینی آن نباشد.^{۵۶}

از ویژگی‌های شهرهای زیارتی هماهنگی فضایی در یک الگوی منظم سلسله‌مراتبی با اتصالات یکپارچه است که در اطراف هسته زیارتی متمرکز شده‌اند و یک ساختار قابل فهم و خوانا را ایجاد می‌کنند،^{۵۷} ساختاری که عمدتاً بر ساختار شعاعی با تأکید بر مرکزیت اشاره دارد. همچنین از مشخصات دیگر شهرهای زیارتی، وجود مسیر غالبی برای تشریف زائران و انجام مناسک آیینی و مذهبی است.^{۵۸} وجود چنین مرکزیت و محورهای شعاعی منشعب از آن، به‌منزله نقاط تفوق و تسلط با فرمی متمایز بر کل ساختار شهر زیارتی، علاوه بر مرکزیت عینی، مرکزیت ذهنی را نیز ایجاد می‌کند و موجب خوانایی، وضوح، و ارتقای تصویرپذیری در طریق تشریف زائران می‌شود.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با هدف سنجش وزن و اهمیت مؤلفه‌های ادراکی زائران در عرصه‌های تشریف به حرم مطهر حضرت معصومه (س) انجام گرفته است. به‌منظور دستیابی به هدف مذکور، پس از مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع پژوهش، چارچوب مفهومی پژوهش در حوزه بلافصل حرم مطهر بررسی شد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی با نظام پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) و روش تحقیق آن توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با استفاده ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای - اسنادی و میدانی

انتظار می‌شود، بلکه حسی اسرارآمیز از مکاشفه را نیز ایجاد می‌کند. در تشریف به آستانه و مکان مقدس اغلب یک مسیر و یک عرصه ورودی وجود دارد، مسیری که به مکان می‌رسد می‌تواند با اشکال مختلف، به‌طور فزاینده‌ای مقدس‌تر شود.^{۵۹} قطعاً برجسته‌ترین خصیصه زیارت حرکت است؛^{۶۰} مسیر آیینی و مذهبی مهم‌ترین محور در شبکه گذربندی تشریف زائران در شهر زیارتی است.^{۶۱}

مسیر مقدس دلالت بر طی طریق می‌نماید که در اشکال مختلف با مسئله ریتم و گام، که خصوصیت متغیر حرکت است، ارتباط کامل دارد. اغلب، مسیر یک هدف از خود هدف مهم‌تر است، تا آنجا که سازماندهی نحوه ساخت راه اهمیتی فوق‌العاده دارد. تنظیم چگونگی راه و تقطیع آن به هدف قوت می‌بخشد و از ابزار نمود سلسله‌مراتب در جهت اهداف تشریف است. عوامل کشش‌آفرین در طی مسیری که محیطی آن را احاطه نماید بستگی به سه عامل دارد تا امکان تجربه و لذت انتظار در سطح بعدی سلسله ادراکات پیاپی را عامل باشد: بعد فاصله‌ها، اهمیت صحنه‌ها، و سنجش توالی صحنه‌ها بر اساس سلسله‌مراتب. به‌طور مثال چینی‌ها و ژاپنی‌ها با استفاده از دروازه‌های مستقل و پیاپی برای رسیدن به معابدشان، به‌تدریج حس آمادگی و رویارویی با پرستشگاه را در خود پذیرا می‌شوند یا تعداد راه‌های پریچ‌وخم، بیش از راه‌های مستقیم کنجکاو را برمی‌انگیزانند و عطش رسیدن به هدف را افزون می‌کنند.^{۶۲}

۸.۱. وضوح و خوانایی طریق تشریف

ساماندهی فضایی خوانا در شهرهای زیارتی مستلزم ایجاد تصویری روشن و شفاف از ویژگی‌های شاخص آن در ذهن مردم است. مراکز، مجموعه‌ها، و فضاهای مذهبی عناصر بنیادین ساختار شهرهای زیارتی در قالب گره‌ها و نشانه‌های کلیدی هستند و در خوانایی این شهرها نقش مهمی دارند.^{۶۴} در

مؤلفه	سنجه	مطالعات پشتیبان	تفسیر مؤلفه مورد بررسی
۴۵	میزان علاقه‌مندی به حضور مجدد در قلمرو حرم مطهر	Herzog, et al., "Houses of Worship as Restorative Environments", 396.	میزان علقه و احساسات عاطفی نسبت به مکان مقدس و قلمرو آن از نتایج قلمروگرایی منبعث از حس تعلق و انس با مکان است که می‌تواند زمینه‌ساز حس کنترل، تعلق، و مالکیت ذهنی نسبت به قلمرو باشد و نتایج آن حس نظارت، مسئولیت، و توجه اجتماعی را نسبت به مکان مقدس در زائران و مجاوران ارتقا می‌دهد.
	میزان احساس تعصب و مالکیت ذهنی نسبت به حرم مطهر و قلمرو آن	Ibid; Brown, Lawrence, and Robinson, "Territoriality in Organizations". <i>Academy of Management Review</i> , 578.	
	میزان احساس دلتنگی در دوری از حرم مطهر		
۴۶	میزان یادآوری خاطرات و تجربیات فردی و گروهی در قلمرو حرم مطهر	عاشوری، «منظر معنوی شهر، توسعه مکان‌های مذهبی در شهرهای ایران»، ۲۳؛ شقاقی، کالبد خدایان، مروری بر چگونگی تجسم امر قدسی در معماری تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، ۵۴؛ Wang & Ho, "Constructing a Preliminary Model for Designing Sacred Space", 330.	میزان یادآوری خاطرات، تجربیات فردی و گروهی در مقوله زیارت، مرتبط با فریضه عبادت جمعی و نیایش گروهی و بالأخص حضورپذیری خانوادگی، حاصل قلمروپایی در قلمروهای با نقش زیارتی است.
	وضعیت دعوت‌پذیری قلمرو برای حضورپذیری خانوادگی	Ibid.	
۴۷	میزان انعکاس ارزش‌های مذهبی - معنوی قلمرو حرم مطهر در زمان تشریف	نقی‌زاده، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، ۳۳۰؛ نقی‌زاده، «هویت شهر و کمال‌بخشی به بافت تاریخی آن»، ۳۲؛ خاک زند و قربان‌زاده، «نگاهی پدیدارشناسانه به طراحی مناظر مقدس شهری»، ۳۱؛ تیموتی و السن، ۱۳۹۲: ۱۶؛ Gifford, Environmental Psychology, 561; Geertz, "Religion as a Cultural System", 123; Birch & Sinclair, "Spirituality in Place", 80.	میزان انعکاس یاد و ذکر خداوند، ارزش‌های دینی و مذهبی و میزان رعایت الگوهای رفتاری در جهت حرمت‌گذاری در سلسله‌مراتب تشریف به حرم مطهر موجب عدم ورود یک‌مرتبه زائرین بدون طی سیر تدرج و کسب آمادگی لازم مرحله‌به‌مرحله برای تغییر و خودتنظیم‌گری برای زیارت است.
	میزان محدودیت رفتاری ناخودآگاه	Hassner, "To Halve and to Hold: Conflicts over Sacred Space and the Problem of Indivisibility", 7.	
	میزان رعایت رفتارهای منطبق با شأن و حال‌وهوای مذهبی در تشریف به حرم مطهر	عاشوری، «منظر معنوی شهر، توسعه مکان‌های مذهبی در شهرهای ایران»، ۲۵.	
۴۸	احساس تبدیل شدن تدریجی عرصه‌ها به محیطی صمیمی، مذهبی، و مقدس در تشریف	همان، ۲۳؛ بدیعی، «جدارها، حریم وصل»، ۱۱۳؛ Jordan, "The Uses of Territories in Conflicts", 5; Barrie, Spiritual Path, Sacred Place, 59.	دریافت حس اشتیاق و انتظار برای زیارت از طریق ویژگی‌های محیطی عرصه‌های تشریف، که منطبق با فضاهای مذهبی است و به‌تدریج قدسی تر می‌شوند، حائز اهمیت است.
	میزان ایجاد حس انتظار و اشتیاق برای زیارت از طریق ویژگی‌های عرصه‌های تشریف	عاشوری، «منظر معنوی شهر، توسعه مکان‌های مذهبی در شهرهای ایران»، ۲۳؛ بدیعی، «جدارها، حریم وصل»، ۱۱۳؛ Ibid; Jordan, "The Uses of Territories in Conflicts".	
۴۹	میزان انتقال حس خضوع، فروتنی، و احترام در ساخت‌وسازهای قلمرو نسبت به بارگاه مطهر	ادیب‌زاده و فرازمنند، «زیارت قبول، نقش نماهای شهری در ارتقاء کیفیت حریم‌های مقدس»، ۸؛ تقوایی، «کعبه از حصول شکل تا حضور صورت»؛ نقی‌زاده، «هویت شهر و کمال‌بخشی به بافت تاریخی آن»، ۲۷؛ Ardhhati, "The New Architecture of Mosque Design to Express the Modernity of Moslems".	این قلمرو نیازمند رعایت ادب، تواضع، معنویت، و هماهنگی است؛ جدارها در برابر مکان مقدس، حالتی از فروتنی دارند (احساس تواضع در برداشت قلبی از پیکره‌های مجاور مکان مقدس احساس می‌شود).
	میزان تأثیر محیط اطراف حرم مطهر در ایجاد حس احترام و ادب در تشریف زائر	نقی زاده، معماری و شهرسازی اسلامی، ۲۲۶؛ Hassner, "To Halve and to Hold: Conflicts over Sacred Space and the Problem of Indivisibility", 7.	

۴۵. عمیدالاسلام ثقة‌الاسلامی و زهرا روحی میرآبادی، «تحلیل فضاهای شهری پیرامون مکان‌های مقدس در ارتباط با نیازها و الگوهای رفتاری زائران؛ مورد مطالعاتی: خیابان امام رضا (ع) شهر مشهد» آرماتشهر، ش. ۳۲ (پاییز ۱۳۹۹): ۲۰۸.

۴۶. تقوایی، ویدا. «کعبه از حصول شکل تا حضور صورت»، مطالعات هنر اسلامی، ش. ۱۵ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰): ۱۴-۱۵.

۴۷. شقاقی، کالبد خدایان، مروری بر چگونگی تجسم امر قدسی در معماری تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، ۹۶.

۴۸. بهمن ادیب‌زاده و سلمی سیادتی فرازمنند، «زیارت قبول، نقش نماهای شهری در ارتقاء کیفیت حریم‌های مقدس (با تأکید بر حالت بنا GESTURE)»، در مجموعه مقالات کنفرانس دوسالانه جامعه و معماری معاصر (اصفهان، ۱۳۹۵)، ۷-۱۲.

49. Yuke Ardhhati, "The New Architecture of Mosque Design to Express the Modernity of Moslems". *Global Advanced Research Journal of Arts and Humanities (GARJAH)*, no. 4 (2013): 77.

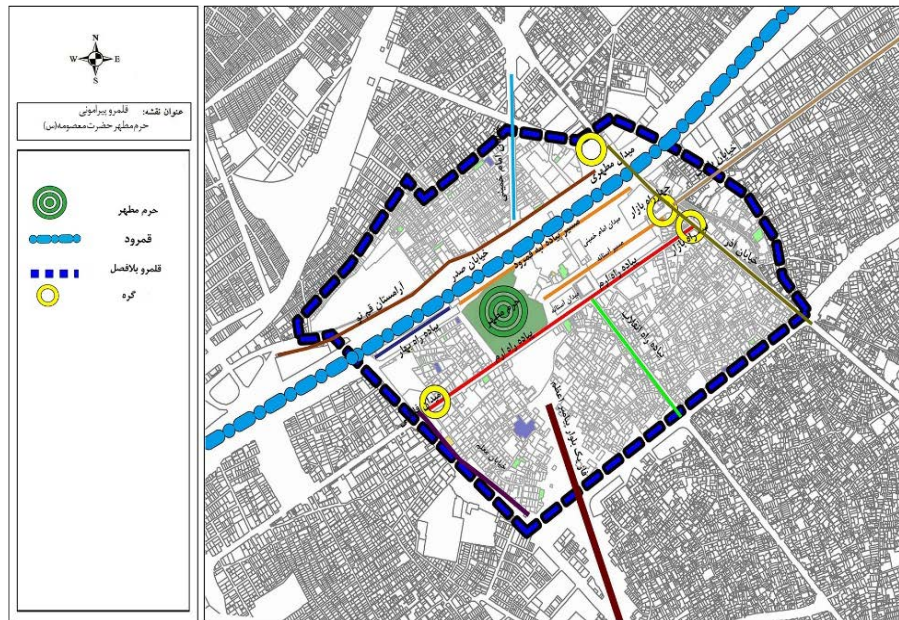
جدول ۱. ارائه مؤلفه‌ها و سنجه‌های ادراکی چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در طریق تشریف زائران، تدوین: نگارندگان.

50. Thomas Barrie, *Spiritual Path, Sacred Place: Myth, Ritual, and Meaning in Architecture* (Boston: Shambhala, 1996), 59.

۵۱. مرضیه محمدی تمنانی، «بررسی آداب ورود به اماکن مقدس در ادیان (هندوئیسم، بوئیسم، یهودیت و اسلام)» (شهرکرد: دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۴)، ۶۹.

ت ۲. نقشه قلمرو بلافضل حرم مطهر حضرت معصومه (س)، مأخذ: شهرداری قم، ۱۳۹۹.

مؤلفه	سنجحه	مطالعات پشتیبان	تفسیر مؤلفه مورد بررسی
میزان	میزان هدایت آسان زائر توسط عناصر راهنما در قلمرو حرم مطهر	شفیعی، «طراحی مجتمع مسکونی در رشت»، ۶۱؛ معماریان و زمانی، «تدوین چارچوب طراحی شهری برای مرکز شهر قم با رویکرد افزایش خوانایی و تصویرپذیری»، ۳۰۹.	خوانایی و تشخیص قلمروی مکان مقدس، راهیابی، نزدیک شدن، و قرارگیری در قلمرو حرم مطهر را به زائران انتقال می‌دهد. خوانایی مکان مقدس در ساختار شهر زیارتی در نشانه‌گذاری ذهنی کاربران در تعریف قلمرو زیارتی تأثیرگذار است.
	میزان شناسایی راحت نقاط ویژه در قلمرو حرم مطهر	تاج‌بخش، «نقش قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن»؛ نسر، تصویر ذهنی ارزیابانه از شهر؛ شفیی، «طراحی مجتمع مسکونی در رشت»، ۶۱؛ معماریان و زمانی، «تدوین چارچوب طراحی شهری برای مرکز شهر قم با رویکرد افزایش خوانایی و تصویرپذیری»، ۳۰۹.	
	میزان رویت‌پذیری حرم مطهر و شناسایی سریع آن از یافت	همان، ۳۰۸؛ مولایی و پیربابایی، «بازشناسی فضاهای مذهبی به عنوان عناصر نشانه‌ای بنیادین در ساختار شهرهای ایران»، ۲۴۹؛ کلانتری خلیل‌آباد و دیگران، «میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران»، ۴۱.	
	میزان تشخیص موقعیت مکانی زائر در قلمرو حرم مطهر	معماریان و زمانی، «تدوین چارچوب طراحی شهری برای مرکز شهر قم با رویکرد افزایش خوانایی و تصویرپذیری»، ۳۰۹؛ تاج‌بخش، «نقش قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن»، ۴۲.	
	میزان سهولت مسیریابی و نشانی‌دهی در قلمرو حرم مطهر	کلانتری خلیل‌آباد و دیگران، «میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران»، ۴۱؛ تاج‌بخش، «نقش قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن»، ۴۲.	



مبتنی بر پرسش‌نامه انجام گرفته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کمی این تحقیق در قالب دو گونه تحلیل توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²³ و Amos Geraphic¹⁶ صورت پذیرفته است. تحلیل توصیفی با استفاده از آماره‌های میانگین و انحراف معیار و تحلیل استنباطی با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری^{۵۹} و تحلیل عاملی مرتبه دوم^{۶۰} صورت پذیرفته است. تعیین حجم نمونه در بستر مورد مطالعه، با توجه به فرمول جامعه نامحدود کوکران، در حدود ۱۷۰ نفر تخمین زده شده است؛ گروه نمونه در این پژوهش در بستری پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از زائرین و مجاوران انتخاب شده است. به‌منظور سنجش پایایی و اعتماد، در مقیاس ساخته‌شده، که بر اساس آن به بررسی انسجام درونی گویه‌ها پرداخته می‌شود،

از فرمول آلفای کرونباخ^{۶۱} استفاده گردیده است که مقدار آلفای به دست آمده برای همه سنجها مقدار ۰/۸۸۹ است که بالاتر از عدد ۰/۷ است و نشان دهنده مقبولیت پایایی^{۶۲} مدل است و می توان مطمئن شد که این مقیاس ساخته شده، دقت لازم را برای سنجش مفهوم مورد نظر دارد. در مورد روایی مدل مفهومی پژوهش نیز، پرسش نامه مورد قضاوت اساتید دانشگاهی حوزه شهرسازی قرار گرفت. در «جدول ۱» مؤلفه ها و سنجه های ادراکی چارچوب مفهومی پژوهش مشاهده شود. همان طور که گفته شد، مورد مطالعاتی پژوهش حاضر بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه^(س) است که شامل عرصه های تشرف پیاده مدار نظیر پیاده راه ارم، پیاده راه انقلاب، پیاده راه بهار، میدان آستانه، و میدان امام خمینی است که نقش مهمی در هدایت زائر به حرم مطهر دارند. در «ت ۲» موقعیت مکانی حرم مطهر و عرصه های تشرف مذکور و در «ت ۳» فرایند انجام این پژوهش قابل مشاهده است.

52. Mohammed Hussein, "From Courtyard to Monument: Effect of Changing Social Values on Spatial Configuration of the Cities of the Holy Shrines' in Iraq", in *Ninth International Space Syntax Symposium* (Seoul: Sejong University, 2013), 7.

ت ۳. فرایند انجام پژوهش.

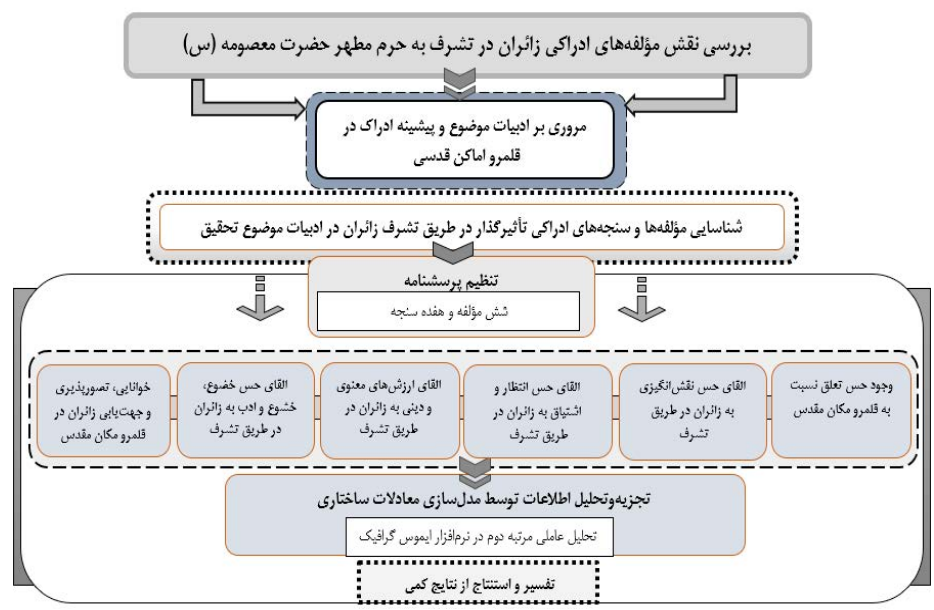
۳. تحلیل یافته ها

۱. ۳. مقایسه توصیفی میانگین مؤلفه های ادراکی زائران در قلمرو حرم مطهر حضرت معصومه^(س)

در میان مؤلفه های مورد بررسی ادراکی در قلمرو حرم مطهر حضرت معصومه^(س)، مؤلفه حس تعلق با میانگین ۳/۹۲ و مؤلفه حس نقش انگیزی با میانگین ۳/۷۹ در قیاس با سایر مؤلفه ها از نگاه زائران در سطح مطلوب تری ارزیابی می گردند. مؤلفه خوانایی با میانگین ۳/۲۹، مؤلفه القای حس معنویت با میانگین ۳/۲۹، و مؤلفه حس خضوع و ادب با میانگین ۳/۳۶ در رده های بعدی با میانگین های پایین تری ارزیابی می شوند. مؤلفه حس انتظار و اشتیاق با میانگین ۳/۰۰، پایین ترین ارزیابی را از نگاه زائران دارد. ارزیابی در سطح متوسطه مؤلفه های مذکور حاکی از فقدان تعریف مناسب این قلمرو، منطبق بر آداب و فرهنگ زیارتی از نگاه زائران است. در «جدول ۲» تحلیل آماره های میانگین، انحراف معیار، مقادیر، و درصد های پاسخ گویی زائران به سنجها نشان داده شده است.

۲. ۳. تحلیل استنباطی

برای بررسی میزان اثرگذاری مؤلفه ها و سنجه های ادراکی بر طریق تشرف زائران در قلمرو حرم مطهر حضرت معصومه^(س) از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل طراحی شده در نرم افزار Amos Geraphic دارای این متغیرهاست: یک متغیر پنهان^{۶۳} بیرونی (عوامل مؤثر بر ادراک زائران در قلمرو حرم مطهر)، شش متغیر پنهان درونی شامل مؤلفه های حس تعلق، نقش انگیزی، حس معنویت، حس انتظار، حس خضوع، و خوانایی که به ترتیب ETA1 تا ETA6 نامیده شدند و شانزده متغیر مشاهده شده بیرونی^{۶۴} و قابل اندازه گیری (سنجه ها) که با (X) نام گذاری گردیدند. در این مدل شانزده خطای اندازه گیری شده متغیرهای مشاهده شده (E) و شش مورد



۱۰۳ فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و سوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

سنجش تأثیر مؤلفه های ادراکی زائران در تشرف به حرم های زیارتی؛ مورد پژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه^(س)؛ شیرین اسلامی، بهادر زمانی، همایون نورایی

۵۳. ناهید بدیعی، «جدارها، حریم وصل» (تهران: دانشگاه تهران، دانشکده معماری و شهرسازی ۱۳۸۱)، ۱۱۳.
 ۵۴. مولایی و پیربابایی، «بازشناسی فضاهای مذهبی به عنوان عناصر نشانه‌ای بنیادین در ساختار شهرهای ایران؛ نمونه موردی: شهری»، ۲۴۹.
 ۵۵. حسین کلانتری خلیل آباد، حسین مبینی، و مهدی حقی، «میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش. ۱۷ (پاییز ۱۳۹۳): ۴۱.
 ۵۶. بهناز امین‌زاده، ارزش‌ها در طراحی منظر شهری: پایداری، زیبایی، هویت (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴)، ۱۳۷.

57. Shradha Chandan and Ashwani Kumar, "Challenges for Urban Conservation of Core Area in Pilgrim Cities of India", *Journal of Urban Management*, no. 3 (2019): 12.
 58. Hussein, "From Courtyard to Monument: Effect of Changing Social Values on Spatial Configuration of the Cities of the Holy Shrines in Iraq", 12.
 59. structural equation modeling

جدول ۲. تحلیل آماره‌های میانگین، انحراف معیار، و مقادیر و درصد‌های پاسخ‌گویی زائران به سنجه‌ها، تدوین: نگارندگان.

۳+ و در بررسی کشیدگی، در بازه ۱۰- و ۱۰+ قرار گیرند که همه این متغیرها در پژوهش پیش رو در بازه قابل قبول هستند، بنابراین پیش فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش برقرار است.

۳.۳. رابطه همبستگی بین عامل‌های اصلی

به‌منظور پذیرش رابطه بین متغیرهای مشاهده‌شده بیرونی (سنجه‌ها) و شش متغیر پنهان درونی (مؤلفه‌ها) و متغیر پنهان

مربوط به خطای معادله ساختاری (PSI) در نظر گرفته شده است. در «ت ۴» ارتباط بین متغیر بیرونی، متغیرهای پنهان درونی، و متغیرهای مشاهده شده در مدل ترسیمی نرم‌افزار به‌تصویر کشیده شده است. قابل ذکر است به‌منظور بررسی پیش فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش در نرم‌افزار Amos Geraphic، از دو مقدار کشیدگی^{۵۵} و چولگی^{۵۶} استفاده گردیده است. به‌منظور بررسی چولگی، لازم است تا مقادیر در بازه ۳- و

مقایسه توصیفی میانگین سنجه‌های سازمان ادراکی در پرسش‌نامه								
عنوان سنجه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین	انحراف معیار
میزان علاقه‌مندی به حضور مجدد در قلمرو حرم مطهر	۱۰	۱۰	۱۹	۲۹	۱۰۴	۷۲۳	۴,۲۰	۱,۱۹
	۵,۸٪	۵,۸٪	۱۱,۰٪	۱۶,۹٪	۶۰,۵٪			
میزان احساس تعصب و مالکیت ذهنی نسبت به حرم مطهر و قلمرو آن	۱۹	۱۵	۴۲	۳۷	۵۹	۶۱۸	۳,۵۹	۱,۳۳
	۱۱,۰٪	۸,۷٪	۲۴,۴٪	۲۱,۵٪	۳۴,۴٪			
میزان احساس دل‌تنگی در دوری از حرم مطهر (میزان علقه و احساسات عاطفی به حرم مطهر)	۱۳	۱۲	۲۷	۳۴	۸۶	۶۸۴	۳,۹۷	۱,۲۷
	۷,۶٪	۷,۰٪	۱۵,۷٪	۱۹,۸٪	۵۰٪			
میزان تمایل به حضور خانوادگی برای زیارت	۱۲	۱۲	۲۳	۴۲	۸۳	۶۸۸	۴,۰۰	۱,۲۳
	۷,۰٪	۷,۰٪	۱۳,۴٪	۲۴,۴٪	۴۸,۳٪			
میزان یادآوری خاطرات و تجربیات فردی و گروهی در قلمرو حرم مطهر	۱۲	۱۷	۴۹	۴۷	۴۷	۶۱۶	۳,۵۸	۱,۱۸
	۷,۰٪	۹,۹٪	۲۸,۵٪	۲۷,۴٪	۲۷,۳٪			
میزان انعکاس ارزش‌های مذهبی - معنوی قلمرو حرم مطهر در زمان تشریف	۲۱	۲۵	۲۸	۴۱	۵۷	۶۰۴	۳,۵۱	۱,۳۹
	۱۲,۲٪	۱۴,۵٪	۱۶,۳٪	۲۳,۸٪	۳۳,۱٪			
میزان رعایت رفتارهای منطبق با شأن و حال‌وهوای مذهبی در تشریف به حرم مطهر	۱۱	۲۴	۵۸	۵۴	۲۳	۵۶۴	۳,۳۱	۱,۰۷۹
	۶,۵٪	۱۴,۱٪	۳۴,۱٪	۳۱,۸٪	۱۳,۵٪			
میزان محدودیت‌های رفتاری ناخودآگاه در تشریف به حرم مطهر	۳۳	۲۲	۴۹	۲۶	۳۰	۵۱۸	۳,۳۱	۱,۳۵
	۱۹,۴٪	۱۲,۹٪	۲۸,۸٪	۲۱,۲٪	۱۷,۶٪			
احساس تبدیل شدن تدریجی عرصه‌ها به محیطی صمیمی، مذهبی، و مقدس در طریق تشریف	۲۷	۳۳	۴۰	۴۲	۲۷	۵۱۶	۳,۰۵	۱,۳۱
	۱۶,۰٪	۱۹,۵٪	۲۳,۷٪	۲۴,۹٪	۱۶,۰٪			
میزان ایجاد حس انتظار و اشتیاق برای زیارت از طریق ویژگی‌های عرصه‌های تشریف	۳۶	۳۲	۳۱	۴۰	۳۱	۵۰۸	۲,۹۸	۱,۴۱
	۲۱,۲٪	۱۸,۸٪	۱۸,۲٪	۲۳,۵٪	۱۸,۲٪			

بیرونی (مقوله ادراک زائران) در مدل مفروض این پژوهش، جدول وزن رگرسیونی استاندارد، «جدول ۳»، ارائه گردیده است. همان طور که در خروجی این جدول مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری برای هریک از متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است؛ در نتیجه تفاوت معناداری بین مقادیر محاسبه شده همه متغیرها با صفر با سطح اطمینان ۹۹٪ وجود دارد. یافته‌های حاصل از مدل عاملی مرتبه دوم در این پژوهش نشان می‌دهند که از بین مؤلفه‌های اثرگذار بر ادراک زائران، کدام مؤلفه دارای اهمیت بیشتر و اثرات بارزتری در قیاس با سایر متغیرهای ذکر شده است. در این میان، نحوه اثرگذاری متغیر پنهان درونی حس تعلق بر مقوله ادراک زائران، با توجه به بار عاملی، کمتر از اثرگذاری سایر متغیرهای پنهان درونی بوده است و اثرگذاری متغیر پنهان درونی حس خضوع و ادب بر ادراک

زائران، با توجه به بار عاملی بالای آن، بیش از سایر عامل‌ها بر ادراک زائران بوده است که، با توجه به فقدان تمهیدات مناسب فضایی - کالبدی عرصه‌های تشریف با مقوله زیارت، نیازمند توجهاتی است. در میان متغیرهای پنهان درونی، سه مؤلفه حس خضوع و ادب، حس معنویت، و حس انتظار وزن بیشتری در محاسبات متغیر بیرونی (ادراک زائران) دارند؛ مؤلفه‌های نقش‌انگیزی، خوانایی، و حس تعلق به ترتیب در رده‌های بعدی جای می‌گیرند.

۴.۳. سنجش شاخص‌های برازش الگوی معادلات ساختاری در مدل مفهومی

در ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از شاخص‌های مطلق و نسبی برازش استفاده می‌شود. همان‌گونه که در

مقایسه توصیفی میانگین سنجه‌های سازمان ادراکی در پرسش‌نامه								
انحراف معیار	میانگین	جمع	تعداد/ درصد					عنوان سنجه
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱,۳۹	۳,۰۵	۵۱۹	۳۳ ۱۹,۴٪	۳۷ ۲۱,۸٪	۳۸ ۲۲,۴٪	۳۰ ۱۷,۶٪	۳۲ ۱۸,۸٪	میزان انتقال حس خضوع، فروتنی، و احترام در ساخت‌وسازهای قلمرو نسبت به بارگاه حرم مطهر
۱,۳۱	۳,۶۷	۶۳۲	۶۰ ۳۴,۹٪	۴۷ ۲۷,۳٪	۳۳ ۱۹,۳٪	۱۳ ۷,۶٪	۱۹ ۱۱,۰٪	
۱,۱۷	۲,۲۷	۵۶۰	۲۷ ۱۵,۸٪	۵۰ ۲۹,۳٪	۵۳ ۳۱,۰٪	۲۵ ۱۴,۶٪	۱۶ ۹,۴٪	میزان هدایت آسان زائر توسط عناصر راهنما در قلمرو حرم
۱,۲۶	۲,۷۲	۴۶۱	۱۶ ۹,۵٪	۳۳ ۱۹,۵٪	۴۵ ۲۶,۶٪	۳۹ ۲۳,۱٪	۲۶ ۲۱,۳٪	میزان شناسایی راحت نقاط ویژه در قلمرو حرم مطهر
۱,۱۹	۳,۵۴	۶۰۷	۴۳ ۲۵,۱٪	۵۱ ۲۹,۸٪	۴۸ ۲۸,۱٪	۱۵ ۸,۸٪	۱۴ ۸,۲٪	میزان رؤیت‌پذیری حرم مطهر و شناسایی سریع آن از یافت
۱,۳۰	۳,۴۶	۵۹۲	۴۲ ۲۴,۶٪	۵۷ ۳۳,۳٪	۳۰ ۱۷,۵٪	۲۲ ۱۲,۹٪	۲۰ ۱۱,۷٪	میزان تشخیص موقعیت مکانی زائر در قلمرو حرم مطهر
۱,۲۳	۳,۴۴	۵۸۹	۳۶ ۲۱,۱٪	۵۹ ۳۴,۵٪	۳۸ ۲۲,۲٪	۲۱ ۱۲,۳٪	۱۷ ۹,۹٪	میزان سهولت مسیریابی و نشانی‌دهی در قلمرو حرم مطهر

- 60. Second-order confirmatory factor model
- 61. Cronbach's alpha
- 62. Reliability
- 63. latent variables
- 64. observed variables
- 65. kurtosis
- 66. skewness

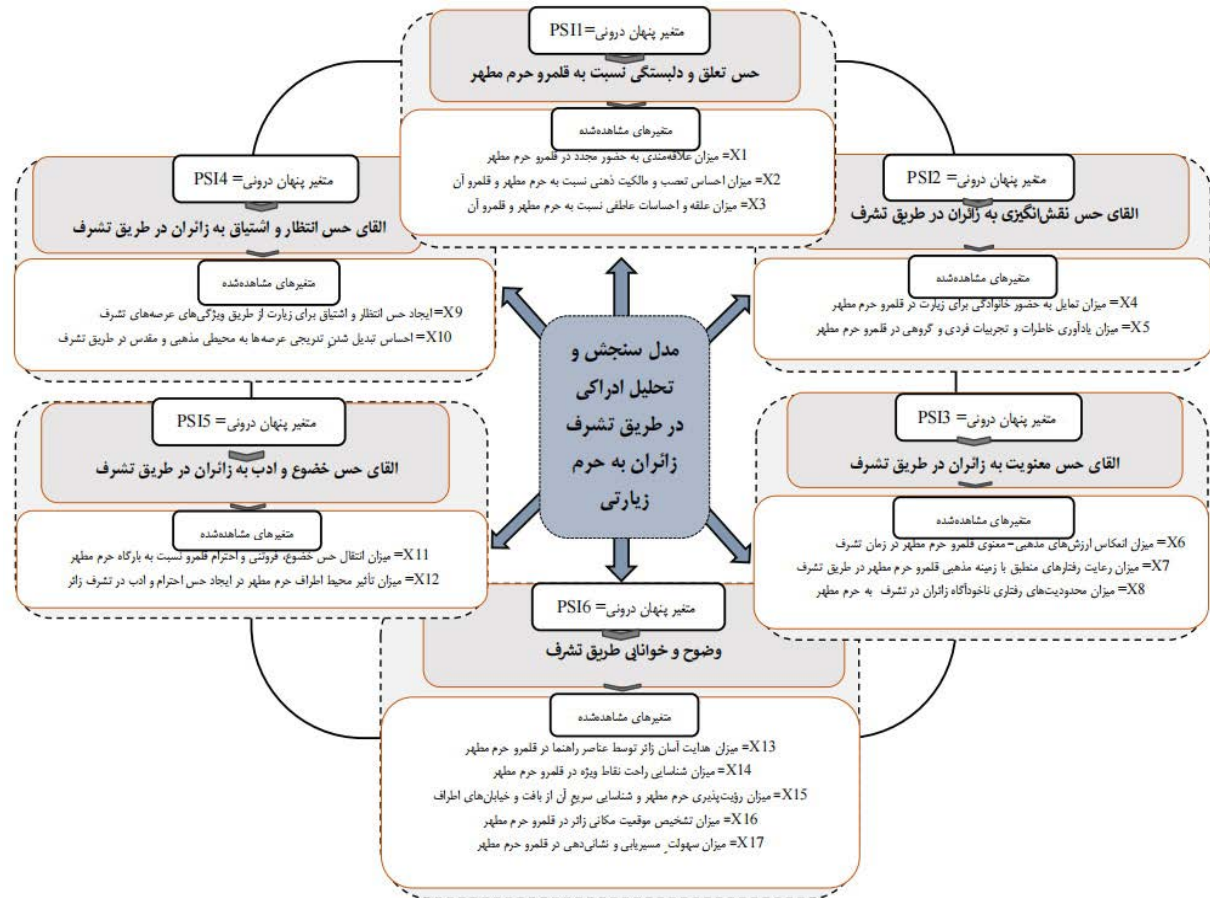
ادامه جدول ۲.
تحلیل آماره‌های میانگین، انحراف معیار، و مقادیر و درصد‌های پاسخ‌گویی زائران به سنجه‌ها، تدوین: نگارندگان.

گردیده و از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها و از نرم‌افزار SPSS23 و Amos Graphic26 به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره گرفته شده است. مدل سنجش و تحلیل از مؤلفه‌ها و سنجه‌های تأثیرگذار بر ادراک زائران در طریق تشرف با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری به دست داده شده است. نتایج پژوهش حاضر ضمن تأیید نتایج تحقیقاتی نظیر مطلبی و همکاران و هانگ و پیرس، بیانگر این واقعیت است که وجوه ادراکی و معنایی بافت پیرامون حرم‌های زیارتی با وجود اهمیتی که در منظر ذهنی زائران در طریق

«جدول ۴» عرضه شده است، شاخص‌های پیش‌گفته بر برازش مطلوب مدل دلالت دارند که در «ت ۵» قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف سنجش مؤلفه‌های ادراکی زائران در عرصه‌های تشرف به حرم مطهر حضرت معصومه^(س) در پاسخ به این پرسش که کدام عامل ادراکی در تشرف زائران به حرم مطهر اهمیت بیشتری دارد؟ انجام گرفته است. بدین منظور نظام پژوهش آمیخته با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی دنبال



ت ۴. ارتباط بین متغیر بیرونی، متغیرهای پنهان درونی، و متغیرهای مشاهده‌شده در مدل ترسیمی در نرم‌افزار Amos Graphic.

جدول ۳. وزن رگرسیونی شاخص‌های پژوهش. تدوین: نگارندگان.

تشرف دارند، در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه بوده‌اند. مداخلات و تحولات کالبدی و کارکردی صورت‌پذیرفته در این قلمروهای زیارتی با القای حالات مادی و دنیوی به زائران، اثرات نامطلوبی بر ارتباط احساسی و معنوی زائران داشته است. مدل تدوین‌شده در این پژوهش با استفاده از معادلات ساختاری و تحلیل عاملی مرتبه دوم در نرم‌افزار Amos

Graphic تأیید شده است. نتایج آزمون تحلیل عاملی تأییدی، برازش مطلوب میان مدل عاملی تدوین‌شده با داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسش‌نامه را نشان می‌دهد که این موضوع بیانگر شناسایی صحیح مؤلفه‌ها و سنجه‌های مؤثر در مدل عرضه‌شده در پژوهش است. بر اساس یافته‌های پژوهش و منطبق بر مدل عاملی مفروض، مؤلفه‌های ادراکی در طریق تشرف زائران به یک حرم زیارتی در قالب شش عامل حس تعلق، نقش‌انگیزی، حس خضوع، کسب معنویت، خوانایی، و حس انتظار و سنجه‌های شکل‌دهنده آنها قابل‌صورت‌بندی است. با توجه به تحلیل استنباطی صورت‌پذیرفته از مدل‌سازی معادلات ساختاری، نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که از میان مؤلفه‌های تأثیرگذار ادراکی در طریق تشرف زائران، مؤلفه حس خضوع و ادب، حس معنویت، حس انتظار، نقش‌انگیزی، خوانایی، و حس تعلق به ترتیب با بارعاملی بیشتر، وزن بیشتری در ادراک زائران دارند.

در مدل مفروض این پژوهش، مؤلفه‌ی حس خضوع و ادب بیشترین بار عاملی را دارد؛ بالا بودن مقدار عامل پیش‌گفته لزوم توجه بیشتر مدیران شهری به این عامل، به‌منزله مهم‌ترین عامل ادراکی در تشرف زائران، را نمایان می‌کند. توجه به تمهیدات فضایی - کالبدی عرصه‌های تشرف به‌منظور انتقال حس خضوع، ادب و احترام نسبت به بارگاه مطهر می‌تواند نقش مهمی در حضور قلب بیشتر زائران در قلمرو مذکور در موعد تشرف ایفا کند. این موضوع با توجه به مداخلات کارکردی و کالبدی صورت‌گرفته در سال‌های اخیر، نظیر تجاوز به حریم حرم مطهر با جانمایی مونوریل در قمرود، دچار مشکل گردیده است. رعایت هرچه بهتر حریم ارتقاعی و توجه به ضوابط ساخت‌وساز میراث فرهنگی در حرائم سه‌گانه حرم مطهر حضرت معصومه^(س) در کنار وضع ضوابط جدید الزام‌آور و پیروی از الگوهای مدون در طراحی و جداره‌سازی پیکره‌های

مسیره‌های رگرسیونی	وزن رگرسیونی استاندارد	ضریب تعیین استاندارد (.S.E)	ضریب بحرانی (.C.R)	سطح معناداری (P)
ETA1	<---	Xi1	۰٫۶۳	
ETA2	<---	Xi1	۰٫۷۹	$P \leq ۰٫۰۵$
ETA3	<---	Xi1	۰٫۹۶	$۰٫۰۳$
ETA4	<---	Xi1	۰٫۹۲	$P \leq ۰٫۰۵$
ETA5	<---	Xi1	۰٫۹۹	$P \leq ۰٫۰۵$
ETA6	<---	Xi1	۰٫۶۸	$P \leq ۰٫۰۵$
X3	<---	ETA1	۰٫۹۰	
X2	<---	ETA1	۰٫۷۱	$P \leq ۰٫۰۵$
X1	<---	ETA1	۰٫۸۶	$P \leq ۰٫۰۵$
X5	<---	ETA2	۰٫۶۸	
X4	<---	ETA2	۰٫۶۳	$P \leq ۰٫۰۵$
X8	<---	ETA3	۰٫۱۸	
X7	<---	ETA3	۰٫۴۵	$۰٫۰۳$
X6	<---	ETA3	۰٫۸۶	$۰٫۰۲$
X10	<---	ETA4	۰٫۸۸	
X9	<---	ETA4	۰٫۷۳	$P \leq ۰٫۰۵$
X12	<---	ETA5	۰٫۷۶	
X11	<---	ETA5	۰٫۷۴	$P \leq ۰٫۰۵$
X17	<---	ETA6	۰٫۶۳	
X16	<---	ETA6	۰٫۴۲	$P \leq ۰٫۰۵$
X15	<---	ETA6	۰٫۶۴	$P \leq ۰٫۰۵$
X14	<---	ETA6	۰٫۷۶	$P \leq ۰٫۰۵$
X13	<---	ETA6	۰٫۷۳	$P \leq ۰٫۰۵$

بار عاملی است و فاقد سهم درخور توجهی در مدل تدوین شده است.

چهارمین عامل اثرگذار بر مقوله ادراک زائران نقش‌انگیزی قلمرو حرم مطهر است؛ این مؤلفه با توجه به حال و هوای معنوی این قلمرو و تعدد مراکز مذهبی، مساجد، تکایا، و بقاع متبرکه، برپایی مناسب و رویدادهای مذهبی و مناسبات اجتماعی - سیاسی و وجود دسته‌ای کاربری‌ها و فعالیت‌ها و همچنین عناصر شاخصی نظیر مجموعه بازار بزرگ قم، مراکز خرید، و کاربری‌های پشتیبان زائر دارای پتانسیل مناسبی برای یادآوری خاطرات و تجربیات فردی و گروهی است. از این رو در قیاس با سه مؤلفه دیگر با بار عاملی کمتر در رده چهارم جای می‌گیرد. مؤلفه خوانایی پنجمین عامل اثرگذار در مدل مفروض این پژوهش است؛ مرکزیت ساختاری، بصری، و ذهنی حرم مطهر و محورهای شعاعی منشعب از آن خوانایی و وضوح نسبی در طریق تشرف زائران را فراهم آورده است، و البته برطرف کردن موانع دید و زوائد بصری جداره‌ها و گره‌های ترافیکی و فعالیتی، رؤیت نشانه‌ها و المان‌ها، استفاده از اشکال،

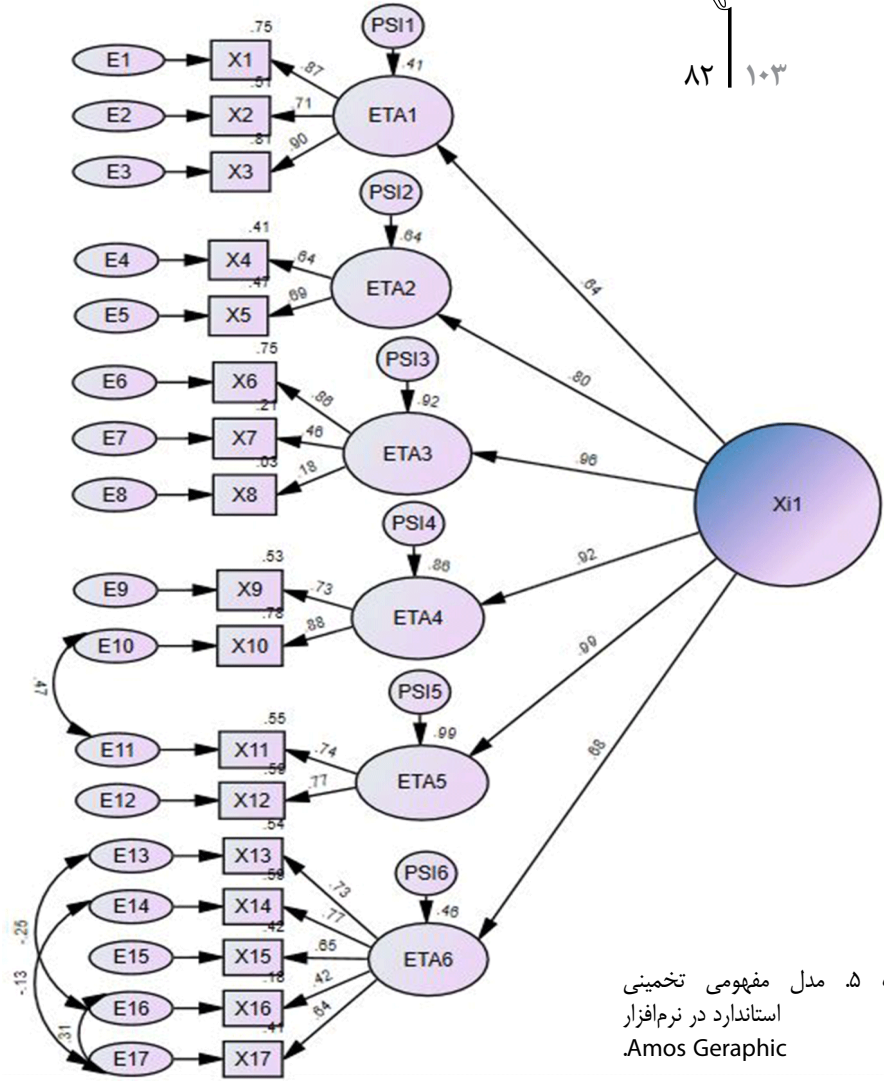
منتهی به حرم مطهر می‌تواند در القای این حس به زائران کمک‌کننده باشد. دومین عامل تأثیرگذار در مدل عرضه‌شده، مؤلفه القای حس معنویت در طریق تشرف با انعکاسی از ارزش‌های معنوی و آیینی در حالات زائران است. زیارت قصد و عزمی معنوی است، از این رو دریافت‌های دلالت‌کننده بر معانی و ارزش‌های مذکور در منظر ذهنی و عینی زائران می‌تواند در کیفیت تشرف اثرگذار باشد، به نحوی که عرصه‌های هدایت‌کننده به قصد زیارت القای یاد و ذکر خداوند و کسب معرفت در تشرف زائران را ایجاد کنند. در این خصوص، آنچه از منظر جداره‌های سازنده در عرصه‌های تشرف در وضعیت فعلی محدوده مورد مطالعه قابل دریافت است، از الگوی مدونی منطبق با اصول طراحی قلمروی اماکن قدسی تبعیت نمی‌کند؛ اشکالاتی، شامل جداره‌های مغشوش و فرسوده، استفاده ناکافی از الگوهای بصری نمادین و اسلامی، و استفاده ناکافی از آرایه‌ها و نمادهای معنوی، منظری مغایر با ارزش‌های بصری زمینه به‌دست داده است. مؤلفه ایجاد حس انتظار و اشتیاق برای زیارت از طریق ویژگی‌های محیطی قلمرو حرم مطهر سومین عامل تأثیرگذار در مدل به‌دست داده شده است. در این باره، طی طریق پیاده با سیاست پیاده‌مدار کردن عرصه‌ها در سال‌های جاری گام مثبتی در رعایت آداب زیارت است که به ارتقای این حس در زائران کمک می‌کند، هرچند حال و هوای تقسیمات عرصه‌های قلمرو حرم مطهر تلفیقی از حال و هوای مادی و معنوی را باز می‌نمایاند؛ تقسیم‌بندی عرصه‌های تشرف با در نظر گرفتن تمهیدات بصری، کالبدی، و کارکردی مورد انتظار از قلمروهای زیارتی به وضعیت تبدیل شدن تدریجی فضاها به محیطی صمیمی، مذهبی، و مقدس با نزدیک شدن به حرم مطهر کمک خواهد کرد. از میان سنجه‌های اثرگذار بر حس معنویت در مدل مفروض، سنجه‌ی «میزان محدودیت‌های رفتاری ناخودآگاه در تشرف به حرم مطهر» دارای کمترین

جدول ۴. برازش مدل مفهومی پژوهش. تدوین: نگارندگان.

شاخص‌های مطلق برازندگی مدل				
کای اسکور	CMIN	--	۲۴۰	--
درجه آزادی	DF	--	۱۰۹	--
سطح معناداری	P	کوچک‌تر از ۰/۰۵	۰/۰۰۰	مطلوب
نسبت کای اسکور به درجه آزادی	CMIN/DF	بین ۲ تا ۳	۲/۲۱۰	مطلوب
شاخص‌های نسبی برازندگی مدل				
نام شاخص	اختصار	آستانهٔ برازش قابل قبول	مدل	
			پیش‌فرض	اشباع / استقلال
شاخص برازش هنجار شده	RMSEA	۰/۰۸ تا ۱	۰/۰۸۴	۰/۲۴۳
شاخص برازش تطبیقی	CFI	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۰۴	۰/۰۰۰
نسبت مقصد بودن	PRATIO	۱-۰	۰/۸۰۱	۰/۰۰۰
شاخص برازش هنجار شده مقتصد	PNFI	بالاتر از ۰/۵	۰/۶۷۴	۰/۰۰۰
شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	بالاتر از ۰/۵	۰/۷۲۴	۰/۰۰۰

فرم‌ها، و نظام تراکمی و ارتفاعی متناسب با عرصه‌های تشریف ایجاد انسجام و پیوستگی کلی در قلمرو حرم مطهر برای مسیریابی بهتر زائر و تسلط شکل (حرم مطهر) در برابر زمینه در راستای ایجاد خوانایی بهتر را به‌دنبال خواهد داشت. آخرین عامل با وزن کمتر در مدل تدوین‌شده پژوهش مربوط به مؤلفه حس تعلق است. برداشت ذهنی و قلبی زائران از تجربه زیارت همواره با پیوندهای حسی و عاطفی و ارادت قلبی به ساحت ملکوتی حرم مطهر همراه است؛ حتی اگر تمهیدات فضایی - کالبدی عرصه‌های تشریف به حرم مطهر با کیفیت مورد انتظار عرضه نگردد. اگرچه تخصیص تمهیدات مناسب موجب تغییر در سطوح دریافتی آن می‌شود. مطابق مدل به‌دست‌آمده، سنجه «میزان علقه و احساسات عاطفی نسبت به قلمرو حرم مطهر» در مؤلفه‌ی ذکرشده، بیشترین بار عاملی را نسبت به سایر سنجه‌ها داراست.

در مجموع، اتخاذ سیاست‌های طراحی شهری به‌منظور تقویت مؤلفه‌ها و سنجه‌های ادراکی مورد اشاره در نمونه مورد مطالعه ضروری به‌نظر می‌رسد و می‌تواند در ارتقای کیفیت‌های ادراکی زائران با در نظر گرفتن ارزش‌ها و ملاحظات مذهبی خاص این گونه بافت‌ها مؤثر واقع شود. مدل مطرح‌شده در این پژوهش می‌تواند در فرایند سنجش و ارتقای کیفیت‌های ادراکی زائران در قلمرو این حرم مطهر، مورد استفاده طراحان و برنامه‌ریزان شهری باشد. انجام پژوهش‌های بیشتر و ارزیابی تجربی این مدل در سایر قلمروهای زیارتی با استفاده از مؤلفه‌ها و سنجه‌های مکمل سازمان‌های طراحی شهری، تدقیق و افزایش قابلیت تعمیم آن را به‌دنبال خواهد داشت.



ت ۵. مدل مفهومی تخمینی استاندارد در نرم‌افزار Amos Geraphic

References

Adibzadeh, Bahman and Solma Siadati Farazmand. "Pilgrimage of Acceptance, the role of urban facades in improving the quality of sacred sanctuaries with an emphasis

on the condition of the building GESTURE". In *The Proceedings of the Biennial Conference on Society and Contemporary Architecture*, Isfahan, 2016. (In Persian)

- Aminzadeh, Behnaz. *Values in urban landscape design: sustainability, beauty, identity*. Tehran: Tehran University Press, 2015. (In Persian)
- Ardhiati, Yuke. "The New Architecture of Mosque Design to Express the Modernity of Moslems". *Global Advanced Research Journal of Arts and Humanities (GARJAH)*, no. 4 (2013): 75-78.
- Ashouri, Ali "Spiritual City Landscape". Manzar (The Scientific Journal of landscape of Nazar Research Center for Art, *Architecture and Urbanism (NRC)*), vol. 5, Issue 3, no. 24 (Autumn 2013): 36-39. (In Persian)
- Badii, Nahid. "Walls, Harim Wasl". PhD dissertation in Architecture. Tehran: University of Tehran, School of Architecture and Urban Planning, 2002. (In Persian, Unpublished)
- Barrie, Thomas. *Spiritual Path, Sacred Place: Myth, Ritual, and Meaning in Architecture*. Boston: Shambhala, 1996.
- Birch, Robert and Brian R. Sinclair. "Spirituality in Place: Building Connections between Architecture, Design, and Spiritual Experience". in *ARCC Conference Repository*. University of North Carolina at Charlotte, 2013, 80-87.
- Bonnes, Mirilia and Marino Bonaiuto. *Environmental Psychology: from Spatial-Physical Environment to Sustainable Development*. New York: John Wiley & Sons, Inc, 2002.
- Brown, Graham, Thomas B. Lawrence, and Sandra L. Robinson. "Territoriality in Organizations". *Academy of Management Review*, no. 3 (2005): 577-594.
- Chandan, Shradha and Ashwani Kumar. "Challenges for Urban Conservation of Core Area in Pilgrim Cities of India". *Journal of Urban Management*, no. 3 (2019): 1-13.
- Edney, Julian J. "Place and Space: The Effects of Experience with a Physical Locule". *Journal of Experimental Social Psychology*, no. 2 (1972): 124-135.
- Falahat, Mohammad Sadegh. "The sense of space and factors". *Honar-Ha-ye-Ziba: (Journal of Fine Arts faculty of College of Fine Arts, University of Tehran)*, no. vol. 1 (26), no. 26 (770) (Summer 2006): 57-66. (In Persian)
- Geertz, Clifford. "Religion as a Cultural System". in *The Interpretation of Cultures: Selected Essays*, Clifford Geertz, 87-125. Fontana Press, 1993.
- Ghahremani, Hooman and Niloofar Hashemi. "A Critical Approach to the Interventions in Historical Urban Fabrics Focusing on City Competitiveness; Case Study: Central Area Surrounding the Holy Shrine, Mashhad, Iran". *Armanshahr Architecture & Urban Development*, no. 22 (2018): 51-68.
- Gifford, Robert. *Environmental Psychology: Principles and Practice*. Colville, WA: Optimal books, 2007.
- Hassner, Ron E. "To Halve and to Hold': Conflicts over Sacred Space and the Problem of Indivisibility". *Security Studies*, no. 4 (2003): 1-33.
- Herzog, Thomas R., Pierre Ouellette, Jennifer R. Rolens, and Angela M. Koenigs. "Houses of Worship as Restorative Environments". *Environment and Behavior*, no. 4 (2010): 395-419.
- Huang, Keji and Philip Pearce. "Visitors' Perceptions of Religious Tourism Destinations". *Journal of Destination Marketing & Management*, no. 14 (2019): 1-10.
- Hussein, Mohammed. "From Courtyard to Monument: Effect of Changing Social Values on Spatial Configuration of 'the Cities of the Holy Shrines' in Iraq". in *Ninth International Space Syntax Symposium*. Seoul: Sejong University, 2013.
- Heydari, mohammadajavad. "An Analysis of the Role of Religious Places in Creating a Sense of Place and in Residents of Urban Neighborhoods (Case Study: Hosseinieh Neighborhood in Zanjan city)". *Quarterly Journal Geography and Human Relationships*, vol. 3, Issue 2, no. 10 (Autumn 2020): 478-496. (In Persian)
- Jackson, Richard H. and Roger Henrie. "Perception of Sacred Space". *Journal of Cultural Geography*, no. 2 (1983): 94-107.
- Jordan, Thomas. "The Uses of Territories in Conflicts, A Psychological Perspective". *Online Journal of Peace and Conflict Resolution*, no. 2 (1998).
- Khakzand, Mehdi and Davood Ghorbanzadeh. "Phenomenological Look to the Sacred Landscape of Urban Design". *The Semiannual Journal of Urban Landscape Research*, vol. 3, Issue 1, no.5 (Spring & Summer 2016): 25-34. (In Persian)
- Kalantari Khalilabad, Hossein and Hossein Mobini and Mehdi Hagh. "The degree of adaptation of the main structure of Mashhad city with the pilgrims mental image". *Journal of Studies On Iranian - Islamic City (Quarterly of Institute of Humanities and Social Studies, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR))*, vol. 5, Issue 3, no. 17 (Autumn 2014): 35-43. (In Persian)
- Mahmudinezhad, Hadi, Mohammad Reza Poorjafar, Mohammad Reza Bamanian, Mojtaba Ansari, and Ali Akbar Taghvaei. "Urban Environment Phenomenology: A Reflection on Elevating Space to Urban Place". *Journal of Environmental Sciences and Technology (JEST: Quarterly Scientific of Azad University - Science and Research Branch)*, vol. 10, Issue 4, no. 39 (Winter 2008): 282-297. (In Persian)
- Mazloomi, SeyedMaziar, Syed Iskandar Ariffin, and Raja Nafida Raja Shahminan. "Impact of Architecture on Sense of Place and Public Perceptions in Contemporary Mosques in Malaysia". *Journal of Architectural and Planning Research*, 31(3) (2014): 233-253.
- Mazumdar, Shampa and Sanjoy Mazumdar. "Sacred Space and Place Attachment". *Journal of Environmental Psychology*, no. 3 (1993): 231-242.
- _____. "Religion and Place Attachment: A Study of Sacred Places". *Journal of Environmental Psychology*, no. 3 (2004): 385-397.
- Memariyan, Maliheh and Bahador Zamani. "An Urban Design

Framework for Qom City Center Applying Legibility and Imageability Approach". *Armanshahr Quarterly (Armanshahr Architecture & Urban Development: journal of Architecture, Urban Design & Urban Planning)*, vol. 11, Issue 4, no. 25 (Winter 2019): 301-317. (In Persian)

Mohammadi Tamannani, Marzieh. "Investigating the manners of entering holy places in religions (Hinduism, Buddhism, Judaism and Islam)". Master's thesis in Theology and Islamic Studies. Shahrekord: Shahrekord University, Faculty of Literature and Human Sciences, 2015. (In Persian, Unpublished)

Motalebi, Qasem, Fereshteh Eslami, Sorayya Taheri, Somayyeh Gordi Takhti, and Amin Mahdavi. "The Evolution of the Perception of Meaning of Imam Reza Shrine over Time". *Culture of Islamic Architecture and Urbanism (The Semiannual Journal of Tabriz Islamic Art University)*, vol. 2, Issue 2, no. 3 (Fall 2016 and winter 2017): 15-25. (In Persian)

Moulai, Asghar and Mohammad Taghi Pirbabaei. "Recognition the religious places as Strategic Urban Signs in Iranian Cities; (Case Study: Shahr-e-Ray)". *Modiriyate Shahri (International Journal of Urban and Rural Management)*, vol. 17, Issue 2, no. 51 (Summer 2018): 243-258. (In Persian)

Naghizadeh, Mohammad "The Identity of City and Perfection of its Historic Texture (Case Study: Mashhad)". *Hoviatshahr (Journal of Islamic Azad University - Science and Research Branch)*, vol. 8, Issue 3, no. 19 (Autumn 2014): 19-34. (In Persian)

_____. *Islamic architecture and urban planning (theoretical foundations)*. Isfahan: Rahian Publications, 2006. (In Persian)

Nasar, Jack L. "Environmental Psychology and Urban Design". in *Companion to Urban Design*, 162-174. Routledge, 2011.

_____. *Evaluative mental image of the city*. Persian translation by Masoud Asadi Mahalchali. Tehran: Armanshahr Publications, 2014. (In Persian)

Pooremad, Mozghan, Mohammad Ajza Shokoohi, Mohammad Rahim Rahnama, and Baratali Khakpoor. "Detailed pivotal study Shirazi as a city in the Central District of Mashhad access". *Journal of Research and Urban Planning (Quarterly Scientific of Azad University - Marvdasht Branch)*, vol. 6, Issue 3, no. 23 (Winter 2015): 133-154. (In Persian)

Proshansky, Harold M. *Environmental Psychology and the Design Professions*. University of Chicago Press, 1974.

Rezaei Nadooshan, Mohammad. "Redefining the concept of gates in an urban place, the effect of urban gates on the perception of passers-by". PhD dissertation in Urban Planning. Tehran: University of Science and Technology, School of Architecture and Urban Planning, 2019. (In Persian, Unpublished)

Shafie'e, Sae'ed. "Designing a residential complex in Rasht; A reflection on the adaptation of subjective and objective realms in residential complexes. Master's thesis in

Architecture. Gilan: Gilan University, Faculty of Architecture and Art, 2014. (In Persian, Unpublished)

Shaghaghi, Pezhman. *The bodies of the gods, a review of how to visualize the sacred in the architecture of different civilizations and cultures*. Qaseideh Sara publication, 2005. (In Persian)

Saghatoleslami, Amidoleslam and Zahra Rohi Mirabadi. "Analysis of the Urban Spaces around the Holy Places on the Needs and Behavioral Patterns of Pilgrims; Case Study: Imam Reza (PBUH) Street, Mashhad City". *Armanshahr Architecture & Urban Development: journal of Architecture, Urban Design & Urban Planning)*, vol. 13, Issue 3, no. 32 (Autumn 2020): 205-218. (In Persian)

Saliba, Robert. "Framing Urban Design on the Margins: Global Paradigms and Regional Implications". in *Urban Design in the Arab World: Reconceptualizing Boundaries*, Routledge, 2016.

Scannell, Leila and Robert Gifford. "Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework". *Journal of Environmental Psychology*, no. 1 (2010): 1-10.

Serageldin, Ismail, Ephim Shluger, and Joan Martin-Brown, eds. *Historic Cities and Sacred Sites: Cultural Roots for Urban Futures*. World Bank Publications, 2001.

Sheldrake, Philip. "Placing the Sacred: Transcendence and the City". *Literature and Theology*, no. 3 (2007): 243-258.

Taghvaie, Vida. "Ka'abah; From the Intellectual Shape to the Presentable Form". *Scientific Quarterly Islamic Art (Semi Annual of Islamic Art Studies of the Institute of Islamic Art Studies)*, vol. 8, Issue 1, no. 15 (Autumn 2011 and Winter 2012): 7-20. (In Persian)

Tajbakhsh, Golnaz. "The role of territory in urban spaces and the role of urban design in its realization". Master's thesis in Urban Design. Tehran: University of Tehran, School of Architecture and Urban Planning, 2002. (In Persian, Unpublished)

Timothy, Dalen J. and Daniel H. Elsen. *Religious tourism and spiritual journeys*. Persian translation by Mohammad Ghalipoor and Ehsan Majidifard. Tehran: Jme'e shenasan publication, 2013. (In Persian)

Taylor, Ralph B. and Glenn Ferguson. "Solitude and Intimacy: Linking Territoriality and Privacy Experiences". *Journal of Nonverbal Behavior*, no. 4 (1980): 227-239.

Vasigh, Behzad. "Expression of Applying the Spiritual Sense of Place Instead of the Concept of Sense of Place (Case Study: Shrine of Imam Riḍā (as))". *Journal of Razavi Culture (Scientific-Research Quarterly of International Cultural and Artistic Foundation of Imam Reza (peace be upon him))*, vol. 8, Issue 2, no. 30 (Summer 2020): 223-245. (Bilingual: Persian & English)

Wang, Pi-Fen and Ming-Chyuan Ho. "Constructing a Preliminary Model for Designing Sacred Space". *Bulletin of Japanese Society for the Science of Design*, no. 4 (2011): 31-40.

Developing a new Framework for Providing Permanent Housing after Earthquakes in Vulnerable Urban areas Using Build-Back-Better Approach (The Case of District 3, Sari City)

Abd-ol-Majid Khorshidian, PhD* 

Assistant Professor, Faculty of Civil Engineering, Babol Noshirvani University of Technology, Babol, Iran

Received: April 11, 2023

Accepted: July 23, 2023

(Pages: 85-104)

Khorshidian, A., 2023. Developing a new Framework for Providing Permanent Housing after Earthquakes in Vulnerable Urban areas Using Build-Back-Better Approach (The Case of District 3, Sari City). *Soffeh*. 103 (4): 85-104.

DOI: [10.48308/SOFEH.2023.231297.1249](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231297.1249)

Abstract:

Post-disaster reconstruction remains problematic despite the increasing number of disasters worldwide. This research calls for a systematic approach to pre-earthquake planning, which focuses on Build-Back-Better principles and its application in post-earthquake housing reconstruction. The study uses the sequential methodology approach to provide a framework for defining the key aspects of Build-Back-Better and its practical application. First, a qualitative approach is used to identify and interpret the main dimensions of providing permanent housing with a Build-Back-Better approach in District 3 of Sari city. Data from semi-structured interviews and field observations is analysed through qualitative content analysis, with results quantitatively analysed in the second part of the research using survey method by receiving two rounds of feedback from experts.

Keywords:

Build Back Better, Post-disaster reconstruction, Permanent housing, Earthquake, District 3 city of Sari.



SOFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024


ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. CorresPonding Author: Email Address. Abdolmajid.khorshidian@nit.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231297.1249>

The Build-Back-Better framework for post-earthquake housing consists of four categories and fourteen sub-categories. In order to emphasise the importance of pre-earthquake measures, this framework begins with earthquake risk reduction in physical, economical, socio-cultural and legal dimensions. Then, in the category of community participation, it defines the purpose of participation, the key participants, the type of participation, and the needed resources. Following that, the reconstruction of financial and organisational arrangements is discussed in two parts; resource procurement and organisational design. Finally, the paper presents the requirements for the design and implementation of permanent housing in the form of four subcategories: executive requirements, design approach, economic efficiency, and socio-cultural considerations. The output of this research is a unique framework that can help planners and implementers of recovery projects in risk reduction before the earthquake and in accelerating the provision of safe and affordable housing after the earthquake by predicting the needs and guiding executive actions.

چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری با رویکرد بازبهبودی

مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری

عبدالمجید خورشیدیان^۱

دریافت: ۲۲ فروردین ۱۴۰۲
پذیرش: ۱ مرداد ۱۴۰۲
(صفحه ۸۵ - ۱۰۴)

استادیار دانشکده عمران، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، ایران

خورشیدیان، ع. ۱۴۰۲. چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری با رویکرد بازبهبودی؛ مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص ۸۵-۱۰۴. ۱۰۳ (۴): ۸۵-۱۰۴.
کلیدواژگان: بازبهبودی، بازسازی پس از سانحه، مسکن دائم، زلزله، منطقه سه شهر ساری.

چکیده

ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، و قانونی آغاز می‌شود. سپس در مقوله مشارکت جمعی به تعریف هدف مشارکت، تعیین مشارکت‌کنندگان کلیدی، نوع مشارکت در مراحل مختلف بازسازی مسکن، و منابع مورد نیاز آن پرداخته می‌شود. در ادامه، ترتیبات مالی و سازمانی بازسازی در دو بخش طراحی سازمانی و تدارک منابع تبیین می‌شود و الزامات طراحی و اجرای مسکن دائم در قالب چهار زیرمقوله الزامات اجرایی، رویکرد طراحی، کارایی اقتصادی، و ملاحظات اجتماعی - فرهنگی بیان می‌گردد. خروجی اصلی تحقیق چارچوبی منحصر به فرد است که با پیش‌بینی نیازها و هدایت اقدامات اجرایی به برنامه‌ریزان و مجریان پروژه‌های بازسازی در کاهش خطرپذیری پیش از زلزله و در تسریع تأمین مسکن ایمن و توان‌پذیر پس از وقوع آن کمک می‌کند.

مقدمه

بازسازی مسکن، به دلیل تقاضای گسترده آسیب‌دیدگان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌های بازسازی پس از زلزله است. بنابراین تأمین مسکن تاب‌آور که بتواند به نیازها و انتظارات بهره‌برداران

علی‌رغم افزایش سوانح در جهان، بازسازی پس از سانحه همچنان با معضلات فراوانی همراه است. موضوع این پژوهش در مورد رویکردی نظام‌مند برای برنامه‌ریزی پیش از زلزله است و در آن بر ایجاد تاب‌آوری از طریق استفاده از اصول بازبهبودی پس از سانحه و به‌کارگیری آنها در اقدامات بازسازی مسکن پس از زلزله تمرکز می‌شود.

در این مطالعه به‌منظور عرضه چارچوبی برای تعریف جنبه‌های اصلی بازبهبودی و به‌کارگیری آن، به‌صورت عملی از الگوی روش‌شناسی متوالی بهره گرفته شده است. در بخش اول و اصلی پژوهش از رویکرد کیفی برای شناسایی و تفسیر ابعاد اصلی تأمین مسکن دائم با رویکرد بازبهبودی در منطقه سه ساری استفاده شده است. در این بخش تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی با استفاده از تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است و نتایج آن در بخش دوم تحقیق از طریق دریافت بازخورد از متخصصان بازسازی در دو نوبت به روش زمینه‌یابی سنجش کمی شده است.

چارچوب بازبهبودی مسکن، نتیجه اصلی پژوهش، از چهار مقوله اصلی و چهارده زیرمقوله تشکیل شده است. این چارچوب، به‌منظور تأکید بر اهمیت اقدامات پیش از زلزله، با مقوله کاهش خطرپذیری زلزله در

1. Abdolmajid.khorshidian@nit.ac.ir



*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author: Email Address. Abdolmajid.khorshidian@nit.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231297.1249>

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری چگونه به انجام می‌رسد؟

پرسش‌های فرعی

۱. ابعاد و شاخص‌های بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در شهری چیست؟

۲. مهم‌ترین اصول و دستورالعمل‌های اجرایی بازبهبودی مسکن پس از زلزله در منطقه سه شهری چیستند؟

2. Ahmed, I. "Resilient Housing Reconstruction in the Developing World". in *Urban Planning for Disaster Recovery* (Elsevier, 2017), 176.
3. Build Back Better
4. S. Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better* (New York: Routledge, 2019), 1.
5. PEPPER: Pre-event Planning for Post-Event Reconstruction
6. NHRAIC, *Holistic Disaster Recovery* (University of Colorado, 2001), 3.
7. D.S. Mileti, *Disaster by Design* (Washington DC: Joseph Henry Press, 1999), 233.
8. IRP, *Redesigning Systems for Resilience through Recovery* (International Recovery Platform Herald, 2022.), 3.
9. I. Davis and D. Alexander, *Recovery from Disaster* (New York: Routledge, 2016), 27.
10. resilient disaster recovery

پاسخ دهد، عاملی کلیدی در موفقیت برنامه بازسازی محسوب می‌شود. اما تجربیات پیشین نشان می‌دهد که دستیابی به هدف مذکور با چالش‌های فراوانی روبه‌روست.^۲ در مطالعه حاضر هدف عرضه رویکردی نظام‌مند برای بازسازی مسکن پس از زلزله است که در آن بر ارتقای تاب‌آوری از طریق استفاده از اصول بازبهبودی^۳ تمرکز می‌شود. در این رویکرد بازتابی پس از سانحه نه تنها به منظور بازسازی خسارات و بازگشت جامعه به شرایط پیش از سانحه، بلکه فرصتی برای بهبود شرایط و ایجاد آینده‌ای تاب‌آورتر قلمداد می‌شود.^۴

در این مطالعه پس از تبیین نظریه بازبهبودی و بررسی جنبه‌های اصلی آن، چارچوب بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در منطقه سه شهر ساری تدوین و در نهایت دستورالعمل‌های اجرایی آن عرضه می‌شود که در سازمان‌های دولتی و غیردولتی و دیگر گروه‌های دخیل در برنامه‌ریزی بازسازی مسکن پیش و پس از وقوع زلزله قابل استفاده است.

برنامه‌ریزی بازسازی پیش از سانحه: برنامه‌ریزی پیش از وقوع سانحه اولین بار در دهه ۱۹۸۰ تحت عنوان «برنامه‌ریزی پیش از رخداد برای بازتابی پس از رخداد»^۵ مطرح شد و تا به امروز تکامل یافته است.^۶ با توجه به اینکه زمان تعیین‌کننده‌ترین عامل در تصمیمات و اقدامات دولت‌ها در بازسازی پس از سانحه است،^۷ با برنامه‌ریزی پیش از سانحه می‌توان مشکلات پیش روی برنامه بازسازی را پیش‌بینی و سیاست‌ها و اقدامات مقتضی پس از سانحه را تعریف و از طریق فراهم‌آوری الزامات قانونی، فنی، و اجتماعی و تدارک منابع مورد نیاز، برای کاهش خطر هنگام سانحه تدبیر کرد.^۸ در این دیدگاه بازتابی به این صورت تعریف می‌شود: بازتابی شامل وظایف ساماندهی و بازسازی پس از مرحله اضطراری است و باید بر اساس راهبردها و سیاست‌های از پیش موجود، مسئولیت‌های سازمانی را تعریف و مشارکت جمعی را تسهیل کرد. برنامه‌های بازتابی باید با ارتقای آگاهی عموم و مشارکت آنها پس از سانحه همراه باشد و تحت آنها فرصت‌های ارزشمندی برای توسعه، کاهش خطر سوانح، و کاربست اصول بازبهبودی فراهم شود.^۹

بازبهبودی: از نظر سنتی، مفهوم بازسازی بازگشت به شرایط پیش از سانحه تعریف می‌شود. اما شواهد نشان می‌دهد که اقدامات بازسازی با هدف بازگشت



11. B. Winsler, et al. *At Risk: natural hazards, people's vulnerability, and disasters*. p.313.
12. Davis and Alexander, *Recovery from Disaster*, 255.
13. UNDP, *Recovery and Reconstruction after the 2023 Earthquakes in Türkiye UNDP Offer and Proposed Projects* (United Nations Development Program, 2023), 2.
14. J. Kennedy, "The Meaning of 'Build Back Better'", *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 16(1) (2008): 28.
15. R.D. Sarkissian, et al., "The 'Build-Back-Better' Concept for Reconstruction of Critical Infrastructure: A Review", *Safety Science*, 157(4) (2023): 15.

۱۶. نک:

- W.J. Clinton, *Lessons Learned from Tsunami Recovery: Key Propositions for Building Back Better*, *Special Envoy for Tsunami Recovery* (New York: Office of the UN Secretary-General, 2006); Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*; UNISDR. *Sandai Framework for Disaster Risk Reduction 2015-2030* (Sandai, Japan: United Nations, 2015).
17. Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*, 17.

بازبهبازی، کندی و دیگران (۲۰۰۸) به مشکلات تفسیر معنای «بهتر» می‌پردازند و بیان می‌دارند:

عوامل بسیاری در نزد مردم محلی و سازمان‌های امداد «بهتر» را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است شکل‌های بالقوه بسیاری برای «بهتری» وجود داشته باشد.^{۱۴}

بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد دیدگاه‌های متنوعی در زمینه بازبهبازی پس از سانحه وجود دارد. در برخی مطالعات به این مفهوم از منظر انعطاف‌پذیری توجه شده است، برخی این مفهوم را فرصتی برای دستیابی به پایداری محیطی و مواجهه با تغییرات اقلیمی قلمداد می‌کنند، و برخی دیگر آن را عمدتاً مردم‌محور می‌دانند. مجموع مطالعات نظری نشان می‌دهد بازبهبازی پس از سانحه یک فرایند یادگیری بی‌انتهای برای ارتقای شرایط کالبدی، اقتصادی، محیط‌زیستی، و اجتماعی به‌طور هم‌زمان است.^{۱۵}

در این زمینه بررسی چارچوب‌هایی که جنبه‌های مفهومی و اجرایی این رویکرد را به هم پیوند می‌دهند، می‌تواند روش مناسبی برای شناسایی شاخص‌های عملی و ارزیابی عملکردها آن در تحقق اهداف برنامه‌های بازتوانی با رویکرد بازبهبازی باشد. بررسی مهم‌ترین چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های بازبهبازی پس از سانحه اشتراکاتی را نشان می‌دهد. جنبه‌هایی مانند تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌های ذی‌نفعان، مشارکت جمعی، و کاهش خطر در اغلب دستورالعمل‌ها مشاهده می‌شود.^{۱۶} چارچوب ماناکارا و دیگران برای بازبهبازی پس از سانحه شامل سه مقوله اصلی «کاهش خطرپذیری»، «بازتوانی جامعه»، و «اجرای کارآمد» برای دسته‌بندی مفاهیم اصلی این مفهوم است.^{۱۷}

الف. کاهش خطرپذیری

کاهش خطرپذیری سانحه از طریق تلاش‌های نظام‌مند

به شرایط پیشین می‌تواند تکرار آسیب‌پذیری‌های گذشته را به‌همراه داشته باشد. از این رو کاهش آسیب‌پذیری در برابر سوانح آینده یکی از اساسی‌ترین اهداف بازسازی قرار گرفت که هرروز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این امر منجر به شکل‌گیری مفهوم بازتوانی تاب‌آور^{۱۸} در ادبیات سوانح گردید.^{۱۱} در این زمینه بازسازی پس از سانحه در صورتی تاب‌آور خواهد بود که از معیارهای زیر برخوردار باشد:

- ایستا و غیرفعال نباشد،
- نواحی آسیب‌دیده را به عملکرد اقتصادی پیشین و تعاملات اجتماعی مثبت گذشته بازگرداند،
- نه تنها خسارات مرمت بلکه محیط به‌صورت ایمن‌تر بازسازی شود،
- با آن آسیب‌پذیری‌های گذشته تکرار نشود،
- شامل سازگاری با خطرات باشد،
- تضمین‌کننده فعالیت بلندمدت سازمان‌ها باشد.
- جریان بودجه ادامه‌دار باشد.^{۱۲}

۱. ادبیات نظری پژوهش

استفاده از فرصت ایجادشده توسط سانحه در جهت کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای پایداری و تاب‌آوری جامعه، به‌ویژه طی تلاش‌های بازسازی پس از سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴، در نزد سازمان‌های دولتی و غیردولتی تحت عنوان «بازبهبازی» متداول گشت و همچنان از مفاهیم کلیدی برنامه‌های بازتوانی پس از سوانح محسوب می‌شود. در برنامه توسعه سازمان ملل متحد پس از زلزله ترکیه در سال ۲۰۲۳ از این مفهوم برای اقدامات بازسازی و برنامه‌ریزی توسعه‌محور برای بهبود اقتصاد محلی، ایجاد فرصت‌های درآمدزایی و اشتغال‌زایی، و توسعه خدمات اجتماعی به‌منظور ایجاد یک محیط قوی و پایدار استفاده شده است.^{۱۳} در خصوص اندازه‌گیری و تحلیل مفهوم



18. exposure
19. USAID, *Introduction to Disaster Risk Reduction* (United States Agency for International Development, 2011), 13.
20. Ibid.
21. J. da Silva, *Lessons from Aceh; Key Considerations in Post-Disaster Reconstruction* (Rugby: Practical Action Publishing, 2010), 62.
22. Multi-hazard-based Land-use Planning
23. Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*, 17.
۲۴. ع. فلاحی، تأملاتی بر رویکردها و مدل‌های بازسازی پس از سانحه (تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۹۶)، ۱۳۸.
25. Ibid. 19.
26. Ibid.
27. G. Lizarralde, *Unnatural Disasters; Why Most Responses to Risk and Climate Change Fail but Some Succeed* (New York: Columbia University Press, 2021), 167.
28. Clinton, *Lessons Learned from Tsunami Recovery*, 18.
29. Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*, 20.
30. Ibid. 21.

برای تحلیل و مدیریت عوامل مؤثر در سوانح شامل کاهش در معرض بودن^{۱۸} در برابر خطرات، تقلیل آسیب‌پذیری مردم و دارایی‌هایشان، مدیریت خردمندانه زمین و محیط زیست، و ارتقای آمادگی برای اثرات مخرب خطر می‌شود.^{۱۹} بر این اساس راهبردهای کاهش خطرپذیری شامل برآورد آسیب‌پذیری خدمات حیاتی، زیرساخت‌های اجتماعی، و اقتصادی از یک‌سو، و برآورد خطر و استفاده از سیستم‌های هشدار سریع، از سوی دیگر، می‌شود.^{۲۰} در رویکرد بازبهبودی، سانحه فرصتی برای تأثیرگذاری بر فرایند برنامه‌ریزی ساخت‌وساز محلی شناخته می‌شود که در این روند می‌توان به مکانیسم‌های اجتماعی و مالی در خصوص ارتقای آگاهی، آمادگی در برابر سوانح، و یا انتقال خطرپذیری توجه کرد.^{۲۱} روش‌های اصلی کاهش خطرپذیری سانحه در چارچوب بازبهبودی، در قالب سه اصل مشخص می‌شود: (۱) تاب‌آوری کالبدی از طریق ارتقای طرح‌های سازه‌ای، (۲) برنامه‌ریزی کاربری زمین مبتنی بر سوانح چندگانه^{۲۲}، و (۳) هشدار سریع و آموزش کاهش خطرپذیری سوانح.^{۲۳}

ب. بازتوانی جامعه

بازتوانی جامعه در دو بخش بازتوانی روانی - اجتماعی و بازتوانی اقتصادی برای بازبهبودی ضروری شناخته شده است. مسائل اجتماعی ایجادشده در شرایط پس از سانحه عمدتاً به عوامل اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، و روانی مربوط می‌شود.^{۲۴} بازسازی برای افرادی که دچار تروما می‌شوند مقطعی آشفته و استرس‌زاست. این جوامع به شکل‌های مختلف کمک، با عنوان بخشی از بازبهبودی، نیاز دارند.^{۲۵} اما در بازتوانی پس از سانحه، به دلیل تمرکز بر سرعت، اغلب به نیازهای واقعی جوامع توجه کافی نمی‌شود و نداشتن مشورت و مشارکت مؤثر با جامعه منجر به عرضه راه‌حل‌های نامناسب می‌گردد؛ درحالی‌که

مشارکت جمعی می‌تواند با دخیل کردن جامعه در اقدامات اسکان مجدد به انسجام اجتماعی و بازتوانی روانی کمک کند.^{۲۶} در ادبیات نظری بر اهمیت تمرکززدایی جهت توانمندسازی جوامع آسیب‌دیده از طریق سپردن مسئولیت اقدامات بازتوانی و مشارکت آنان در تصمیم‌سازی تأکید شده است.^{۲۷} بازتوانی اقتصادی اصل دوم بازتوانی جامعه در چارچوب بازبهبودی است. سوانح از طریق اختلال در مشاغل و صنایع درآمدزا به اقتصاد جوامع آسیب می‌رسانند و منجر به ایجاد مشکلاتی چون تورم بالا و فقر می‌گردند. کلینتون در گزاره‌های خود در مورد بازبهبودی بیان داشته است که یک فرایند پایدار بازتوانی به احیا و گسترش فعالیت‌های شخصی اقتصادی و اشتغال و ایجاد فرصت‌های معیشتی متنوع برای جمعیت آسیب‌دیده بستگی دارد.^{۲۸} بنابراین بازبهبودی، به‌مثابه رویکردی یکپارچه است که باید برای بازتوانی اقتصادی به‌اندازه بازسازی [کالبدی] اهمیت قائل باشد و هدف آن عرضه راهکارهایی متناسب با جریان‌ها و ترجیحات محلی باشد.^{۲۹}

پ. اجرای کارآمد

در بازبهبودی سه راه برای ارتقای کارایی و اثربخشی بازتوانی پس از سانحه معرفی می‌کنند: (۱) مدیریت بهینه ذی‌نفعان با به‌کارگیری یک سازوکار مناسب سازمانی، (۲) بهره‌گیری از قوانین و مقررات مقتضی، (۳) استفاده از مکانیسم نظارت و ارزیابی.^{۳۰} به‌منظور ایجاد هماهنگی میان ذی‌نفعان متنوع برنامه‌ریزی به‌منظور بازتوانی اتخاذ سازوکار سازمانی متناسب با شرایط پس از سانحه ضرورت دارد. تعیین مسئول اصلی برنامه بازتوانی، تعریف نقش ذی‌نفعان مختلف به‌منظور جلوگیری از دوباره‌کاری، و تعیین چگونگی هماهنگی و مشارکت با

31. J. Twigg, *Characteristics of a Disaster-resilient Community – a Guidance Note* (London: DFID Disaster Risk Reduction Interagency Coordination Group, 2007), 19; Clinton, *Lessons Learned from Tsunami Recovery*, 13.
32. Mannakkara, et al., *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*, 23.
33. M. Tas, "Study on Permanent Housing Production after 1999 Earthquake in Kocaeli (Turkey)", *Disaster Prevention and Management*, 19(1) (2010): 7.

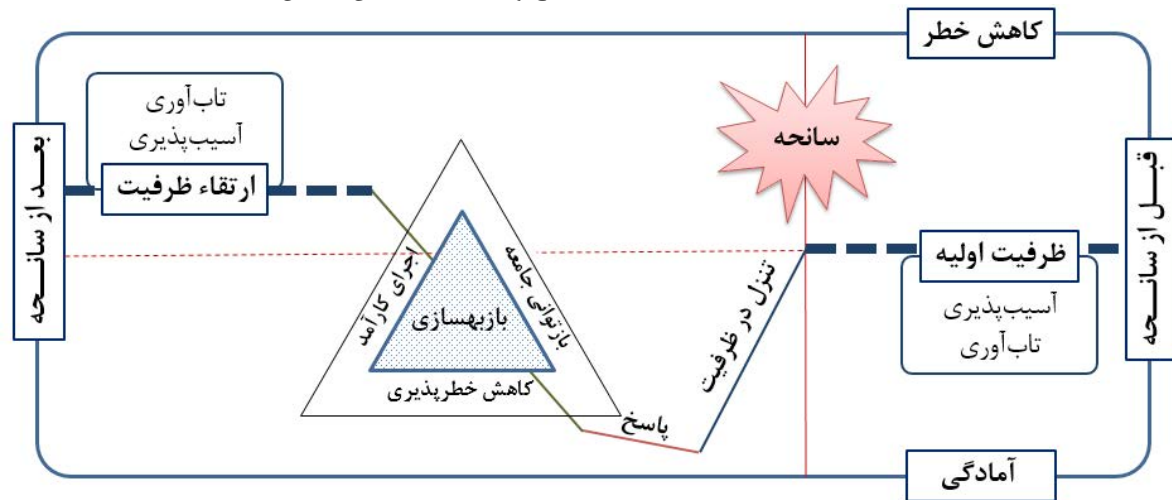
ت ۱. مدل مفهومی تحقیق، مأخذ: نگارنده با استفاده از: E. Jordan, et al., "Pathways to Community Recovery and Resiliency", in *Proceeding of Engineering Project Organizations Conference* (Boulder, Co, United States, 2011), 4.

در «ت ۱» مدل مفهومی حاصل از بررسی ادبیات مرتبط با موضوع در قالب چرخه مدیریت بحران مشاهده می‌شود. مدل مزبور نشان می‌دهد ابعاد کاهش خطرپذیری در چرخه مدیریت بحران منحصر به اقدامات پیش از سانحه نمی‌گردد و اقدامات بازتوانی با رویکرد بازبهبودی نه تنها شامل جبران تنزل ناشی از سانحه در ظرفیت جامعه در مواجهه با سانحه می‌شود، بلکه از بازسازی فرصتی برای ارتقای ظرفیت و تاب‌آوری جامعه و کاهش آسیب‌پذیری آن در برابر سوانح آتی می‌سازد. این در حالی است که در برنامه‌های بازسازی به‌طور سنتی به بازگشت هرچه سریع‌تر جامعه به شرایط پیش از سانحه تأکید می‌شود که این امر می‌تواند به تکرار آسیب‌پذیری‌های پیشین بیانجامد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی دارای الگویی متوالی است. مرحله اول و اصلی تحقیق، با استفاده از رویکرد کیفی، به شناسایی و تفسیر ابعاد اصلی تأمین مسکن دائم با رویکرد بازبهبودی در بستر منطقه سه ساری اختصاص دارد. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به

نهادهای محلی از مهم‌ترین ابعاد طراحی سازمانی در راستای امر بازبهبودی است.^{۳۱} از دیگر الزامات بازبهبودی کنترل کافی برای اجرای اصول آن است. افزایش ناگهانی حجم کار در شرایط پس از سانحه، به‌ویژه در صنعت ساخت‌وساز، کمبود نیروی کار سازمان‌های محلی، و مقررات کنترل امنیتی و ایمنی (مانند مجوزهای ساختمانی) می‌تواند منجر به ممانعت یا کندی فرایند اقدامات بازتوانی شود. از این رو تدوین قوانین و مقررات متناسب با شرایط پس از سانحه باید برای اطمینان از انطباق با اقدامات بازبهبودی و نیز تسهیل فعالیت‌هایی با هدف ارتقای کارایی تلاش‌های بازتوانی مورد نظر باشد.^{۳۲} در نهایت تأکید می‌شود که برخورداری از دانش بازبهبودی در طراحی برنامه‌های بازتوانی، بدون وجود سیستم‌های نظارت و پایش اقدامات، کافی نیست. تجربه برنامه‌های بازتوانی پس از سانحه در ترکیه نشان می‌دهد که، علی‌رغم داشتن راهبردهای بازتوانی و بازنگری در قوانین و مقررات به‌منظور ارتقای اقدامات بازتوانی، فقدان پایش مطابقت آنها با اقدامات بازتوانی منجر به اجرای ضعیف شده است.^{۳۳}



مرتب‌سازی اصول مذکور بر اساس میزان اهمیت (اجرایی و مفید بودن)، با هدف تأیید نهایی و معتبرسازی، نتایج تحقیق در نوبت دوم مجدداً در اختیار متخصصین قرار گرفت و از آنان درخواست شد تا در صورت موافق نبودن با نتایج تحقیق، دلایل آن را ذکر کنند. از این طریق نتایج تحقیق تنها به نظر اکثریت مشارکت‌کنندگان در پژوهش محدود نگردید و نظرات خاص متخصصان نیز به نتایج تحقیق افزوده شد.

گذراندن طولانی‌مدت در میدان مطالعه، توصیف پرمایه، نزدیکی پژوهشگر به مشارکت‌کنندگان، همگی بر ارزش یا صحت این مطالعه افزوده است. توصیف پرمایه در این تحقیق در زمینه‌های مختلف شامل توصیف ساکنین محلی، فرایند انجام پژوهش و شرایط جمع‌آوری داده‌ها، و شیوه تحلیل داده‌هاست. همچنین جمع‌آوری داده‌های غنی با استفاده از مصاحبه‌های عمیق منجر به دریافت بازخورد از متخصصان، سه‌سویه‌سازی از نظر روش پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها و انتخاب نمونه‌ها، و پایایی تحقیق و قابلیت تعمیم نتایج آن شده است.

۳. شناخت محدوده مورد مطالعه

منطقه سه در جنوب شهر ساری جمعیتی بیش از صد هزار نفر دارد. بافت اجتماعی این منطقه عمدتاً نیمه‌روستایی - نیمه‌شهری است و ساکنین آن غالباً مهاجرین روستایی هستند. محلات مختلف در این منطقه، علی‌رغم ویژگی مشترک سطح درآمدی پایین، از منظر منزلت اجتماعی و ویژگی‌های قومی و فرهنگی متفاوت هستند. به دلیل نازل بودن قیمت زمین در منطقه مزبور، از روستاهای جنوب ساری و نیز اقشار کم‌درآمد از دیگر بخش‌های شهر، در جستجوی زمین و مسکن ارزان‌قیمت، به این منطقه مهاجرت می‌کنند.^{۴۰} خط راه‌آهن که مرز شمالی منطقه سه را تشکیل می‌دهد، با ایجاد یک لبه مصنوعی قوی، منطقه را به صورت یک

دو شکل انفرادی و گروهی، در کنار مشاهده مشارکتی استفاده شده است. پس از تدوین چارچوب مفهومی تحقیق، با بررسی متون تخصصی و شناخت مفاهیم اصلی و ایده‌های مورد مطالعه، ۲۱ مصاحبه از نوع یادشده با متخصصان و مسئولین بازسازی پس از سانحه انجام شد.^{۳۴} نمونه‌ها در این مرحله از طریق نمونه‌گیری‌های نظری^{۳۵} و گلوله برفی^{۳۶} انتخاب شده و تا مرحله اشباع نظری ادامه یافته است. در ادامه به منظور اصلاح چارچوب اولیه و متناسب‌سازی آن با زمینه مورد مطالعه، ۵۱ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خانوارهای ساکن در سه محله آسیب‌پذیر انجام شد. انتخاب نمونه‌ها در این مرحله از طریق نمونه‌گیری هدفمند عام^{۳۷} صورت پذیرفته است. در مراحل مزبور یکی از مصاحبه‌ها به صورت گروه متمرکز به انجام رسیده است.

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است که از رایج‌ترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی برای جستجوی موضوعات در متن و یادداشت‌های میدانی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. در این زمینه روش‌های تحلیل داده‌ها از جمله آماده‌سازی و کدگذاری داده‌ها روش‌های مهمی هستند که با جاذبه‌های نظری یا مقولاتی، که محقق قصد بررسی بیشتر آنها را دارد، انجام شده است.^{۳۸}

مرحله کمی بخش دوم تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد که با استفاده از روش زمینه‌یابی^{۳۹} و به منظور اولویت‌سنجی و اعتباربخشی نتایج حاصل از مرحله کیفی انجام شده است. در این مرحله میزان اهمیت و نیز قابلیت اجرایی اصول مستخرج از مرحله کیفی تحقیق، به وسیله ۳۰ متخصص طی دو نوبت سنجش شده است. به صورتی که پس از اولویت‌سنجی اصول و الزامات کلیدی بازبهبودی مسکن در محله نخست و پس از

۳۴. پاسخ‌گویان مرحله نخست بخش کیفی پژوهش شامل مسئولین بازسازی مسکن در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و متخصصین بازسازی مسکن از دانشگاه شهید بهشتی بوده‌اند.

35. theoretical sampling

36. snowball sampling

37. generic purposive sampling

38. A. Bryman, *Social Research Methods* (Oxford: Oxford University Press, 2012), 557.

39. survey method

۴۰. هفت‌شهرآریا، طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده ساری (ساری: شهرداری ساری، ۱۳۸۹)، ۹۰.

واحد کالبدی با مرزهای معین قابل شناسایی کرده است. لبه شهر و بنابراین موجب جدایی منطقه از ساختار عملکردی مزبور مانعی در ایجاد ارتباط با بخش‌های میانی و مرکزی و فعالیتی شهر و در نتیجه استقلال نسبی شهر از منطقه و

مقوله	مقوله فرعی	اصول	مفاهیم اصلی
کاهش خطرپذیری	برنامه‌ریزی کالبدی	کیفیت ساخت	تکنولوژی و مصالح جدید، مقاوم‌سازی زیرساخت‌های شهری، ارتقای کدهای ساختمانی
		کاربری زمین	برنامه‌ریزی سایت، اصلاح بافت و ساختار معابر شهری، تراکم و سرانه فضای باز، پهنه‌بندی خطر زلزله، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی
	اقتصادی	رونق اقتصاد و معیشت	حمایت مالی به بخش مسکن، تضمین ساخت‌وساز اصولی، اهمیت بیمه، اولویت با بازسازی اقتصادی، ایجاد ارزش افزوده و تحول در اقتصاد خانوار، بهبود کیفیت زندگی
	اجتماعی - فرهنگی	آموزش و آگاهی	باورهای غلط، آگاهی درباره خطر زلزله و ایمنی مسکن، مهارت متخصصان و سازندگان
		اعتماد اجتماعی	اعتماد به متخصصان از نظر دانش و مسئولیت‌پذیری، اعتماد به مسئولین مدیریت شهری
	قانونی	الزامات قانونی	ارتقای حکمروایی، ضمانت اجرای کدهای ساختمانی، مقررات ساخت‌وساز ویژه محله‌های کم‌درآمد شهری، حق مالکیت، اسناد بالادستی، مسئولیت‌پذیری، آگاهی از حقوق قانونی
مشارکت جمعی	هدف مشارکت	هدف	آموزش، افزایش آگاهی، کاهش هزینه، تسریع بازسازی، ارتقاب رضایتمندی، افزایش حس تعلق
		زمینه	موضوع و زمان مشارکت (برآورد، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی)
	مشارکت کنندگان	ذی‌نفعان	سازمان مسئول، خانوارها و سازندگان محلی، متخصصان، جوامع مدنی، گروه‌های آسیب‌پذیر
		ظرفیت‌ها و موانع	ویژگی اجتماعی، سابقه مشارکت، شرایط روحی و روانی، دانش و آگاهی، اعتماد، حس تعلق
	نوع مشارکت	سطح مشارکت	سطوح مقتضی مشارکت در مراحل مختلف بازسازی مسکن، نوع و شدت سانه
		روش مشارکت	جلسات جمعی، مصاحبه‌های انفرادی، صحبت‌های غیررسمی، مشارکت با نمایندگان محلی
	منابع موردنیاز	اجتماعی	اعتماد، بازتوانی روانی، تأمین منافع مشارکت‌کنندگان، حس جمعی، آگاهی، تعلق مکانی
		فنی	تسهیلگری، آموزش و حمایت از سازندگان محلی، دسترسی به اطلاعات
		قانونی	حمایت‌های قانونی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی
	ترتیبات مالی و سازمانی	گزینه‌های سازمانی	گزینه‌های سازمانی
نقش‌ها و مسئولیت‌ها			دولت در نقش توانمندسازی و تسهیلگری، کمک فنی و آموزش توسط متخصصان، اجرا توسط سازندگان و پیمانکاران محلی، مردم متولی اصلی بازسازی
طراحی سازمانی		رویکرد اجرایی	رویکرد مالک‌محور با توجه به الگوی رایج ساخت در منطقه، مسکن توان‌پذیر، الگوی توسعه
		منابع مالی	اولویت بازسازی، کمک بر اساس تقاضامحوری، معیارهای تخصیص کمک، رعایت عدالت، حفظ کرامت نفس، جلوگیری از بالا رفتن انتظارات، عرضه کمک ویژه به اقشار آسیب‌پذیر، جلوگیری از فساد مالی و سودجویی
تدارک		مصالح و نیروی کار	رونق اقتصاد و تولید محلی، جلوگیری از تورم در بازار و یا اختلال در تولید محلی، حفظ محیط زیست، استفاده از نیروی کار و پیمانکاران محلی
		زمان‌بندی	تخصیص زمان برای تأمین الزامات برنامه‌ریزی، کاهش بروکراسی، انعطاف‌پذیری زمانی

جدول ۱. چارچوب بازبهبودی مسکن در منطقه سه شهر ساری، مأخذ: نگارنده.

حاصل از مصاحبه‌های کیفی با متخصصان از طریق کدگذاری باز و تحلیل سطر به سطر به سطح مفاهیم ارتقا یافت و سپس از طریق کدگذاری محوری در قالب چهار مقوله اصلی و چهارده مقوله فرعی دسته‌بندی شدند.

در مرحله دوم بخش کیفی تحقیق چارچوب حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های متخصصان مبنایی برای تدوین سؤالات مصاحبه‌های کیفی با ساکنین محلی قرار گرفت. تحلیل محتوای داده‌ها در این مرحله به صورت هدایت‌شده صورت پذیرفت؛ به صورتی که چارچوب اولیه به مثابه قالبی برای کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌های مردم محلی و تکامل و متناسب‌سازی چارچوب مزبور با بستر منطقه سه شهر ساری استفاده شد. در «جدول ۱» چارچوب بازبهبودی مسکن، که با استفاده از نتایج حاصل از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های متخصصین تدوین شده و سپس با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های ساکنین محلی تکامل یافته، نشان داده شده است.

وابستگی یک‌سویه منطقه به شهر شده است.^{۴۱} این منطقه، به دلیل قرارگیری در پهنه لرزه‌خیز، از یک‌سو، و آسیب‌پذیری ناشی از تراکم بالای بافت و جمعیت، ساخت‌وساز غیرمقاوم، و محدودیت‌های اقتصادی، از سوی دیگر، خطرپذیری بالایی در برابر زمین‌لرزه احتمالی دارد.

۴. یافته‌های تحقیق

پس از تدوین چارچوب مفهومی تحقیق از طریق بررسی متون تخصصی موضوع و شناسایی ابعاد اصلی بازبهبودی، ایده‌ها، و سؤالات تحقیق میدانی مشخص گردید. بخش کیفی تحقیق با هدف شناسایی و تفسیر مفاهیم اساسی تأمین مسکن دائم پس از زلزله با رویکرد بازبهبودی، طی دو مرحله، انجام گردید. در مرحله نخست، از طریق مصاحبه با متخصصین و مسئولین بازسازی پس از سانحه در ایران، مفاهیم اساسی بازبهبودی شناسایی و ارتباط میان آنها تبیین شد. در این مرحله داده‌های

مفاهیم اصلی	اصول	مقوله فرعی	مقوله	
درجاسازی، جابه‌جایی از زمین‌های پرخطر، جابه‌جایی جزئی، طرح تجمیع	مکان‌یابی	رویکرد اجرایی	الزامات طراحی و اجرای مسکن بازبهبودی مسکن پس از زلزله	۴۱. همان، ۳۵.
راهکارهای خودجوش و تأمینی، مکان‌یابی اسکان موقت، نحوه استفاده مجدد، ساختار کالبدی	اسکان موقت			
هزینه و تخصص، بناهای بارز یا کمتر آسیب‌دیده، نیاز به ارزش افزوده	مقاوم‌سازی			
رفع مشکلات گذشته و آسیب‌پذیری‌های پیشین	فرصت توسعه	رویکرد طراحی		
تدوین اصول و الگوی طراحی مسکن به جای تیپ‌سازی طرح‌ها	تسریع فرایند			
انعطاف‌پذیری در طراحی جهت تغییرات و توسعه آتی توسط ساکنین	تکامل تدریجی			
سرعت ساخت، قابلیت توسعه، دسترسی به مصالح و نیروی کار، هزینه، فرصت مشارکت	تکنولوژی	کارایی اقتصادی		
حداقل استاندارد مسکن، مصالح بازیافتی، مشارکت اعضای خانوار، هزینه تعمیر و نگهداری	توان‌پذیری			
همخوانی با معیشت محلی و مشاغل خانگی، اجاره واحد یا اتاق‌های مازاد، خانوار گسترده	نیازهای معیشتی			
عدم تغییر الگوی سکونت، حفظ همسایگی‌ها، توجه به الگوی رایج ساخت‌وساز منطقه	الگوی سکونت	تناسب اجتماعی-فرهنگی		
زیبایی‌شناسی بومی، عناصر هویت‌ساز در مقیاس محله و مسکن	هویت			
تغییر الگوی طراحی مسکن، تعداد فضاها و مساحت، تجهیزات و تکنولوژی جدید	انتظارات			

ادامه جدول ۱.
چارچوب بازبهبودی مسکن در منطقه سه شهر ساری، مأخذ: نگارنده.

۲ « اصول کلیدی بازبهبودی مسکن دائم مشاهده می‌شود که بر اساس اهمیت مرتب شده‌اند (اصولی که از اهمیت متوسط یا پایین‌تر برخوردار بوده‌اند، از جدول حذف شده‌اند).

۵. تحلیل

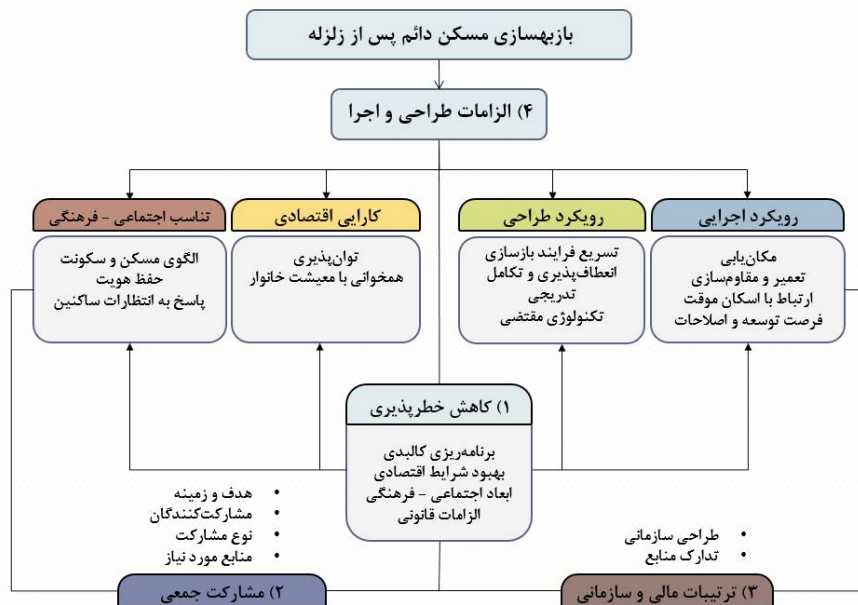
خروجی پژوهش چارچوب بازسازی مسکن دائم در مناطق کم‌درآمد شهر ساری با رویکرد بازبهبودی بوده که شامل دو بخش نظری و اجرایی است. در چارچوب مزبور هم به کیفیت محصول نهایی برنامه بازبهبودی مسکن دائم و هم به فرایند تأمین آن توجه شده است و دیدگاهی جامع نسبت به این مفهوم در اختیار برنامه‌ریزان و مجریان بازسازی قرار می‌دهد. در این چارچوب در مقایسه با چارچوب بیان‌شده از سوی ماناکارا و ویلکینسون (۲۰۱۹)، علاوه بر استخراج ابعاد اصلی بازبهبودی پس از سانحه و تبیین روابط میان آنها، اصول اجرایی آن نیز عرضه شده است، ضمناً با تمرکز ویژه‌ای که در این چارچوب

مجموع مباحث و تحلیل‌های صورت‌گرفته منجر به شکل‌گیری مدل نظری بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در منطقه سه ساری شده است. مدل مزبور بر اساس داده‌های حاصل از مطالعات میدانی و نیز تحلیل مصاحبه‌های کیفی متخصصین و مسئولین بازسازی پس از سانحه در ایران تدوین شده است و ابعاد بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله را در قالب دو سطح مقولات اصلی و مقولات فرعی (مقولات سازمان‌دهنده) دسته‌بندی و مرتبط می‌کند (ت ۲).

پس از تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مطالعات میدانی و شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های بازبهبودی مسکن، اصول استنباط‌شده از چارچوب بازبهبودی مسکن، در بخش کمی تحقیق، از طریق دریافت بازخورد از متخصصان طی دو نوبت ارزیابی شد. این بخش از پژوهش با دریافت نظرات ۳۰ متخصص بازسازی پس از سانحه انجام شده است، که عمدتاً شامل افرادی بوده است که در مرحله کیفی در تحقیق مشارکت داشته‌اند.

هدف این بخش از تحقیق سنجش اهمیت هر یک از اصول مستخرج از چارچوب بازبهبودی و نیز قابلیت اجرایی آنها در مقطع بازسازی پس از زلزله در منطقه مورد مطالعه است. این امر به انتخاب اصول کلیدی بازبهبودی مسکن، اعتباربخشی نتایج تحقیق، و قابلیت کاربرد گسترده‌تر آنها کمک کرده است. اهمیت هر یک از گزاره‌های پیشنهادی از سوی متخصصان از میان طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت ارزیابی شده و تحلیل آماری نتایج بر اساس مقادیر «میانگین و مُد» پاسخ‌ها انجام گردیده است. بدین‌صورت که امتیازات «خیلی مهم» و «مهم» نشانگر گزاره‌های کلیدی بازبهبودی مسکن هستند و امتیازات پایین‌تر بیانگر گزینه‌های هستند که نقش مهمی در ارتقای کارایی بازبهبودی ندارند و یا اینکه با وجود اهمیت، در شرایط پس از زلزله در منطقه مورد مطالعه قابلیت اجرا ندارند. در «جدول

ت ۲. مدل نظری بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی، مأخذ: نگارنده.



به بخش بازسازی مسکن دائم پس از زلزله شده، دقت و قابلیت اجرای اصول پیشنهادی را ارتقا می‌بخشد.

برای تدوین چارچوب نظری بازبهبودی مسکن دائم، ابتدا با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های کیفی با متخصصان و مسئولین بازسازی، چارچوب اولیه تدوین گردید و به‌منزله قالبی برای کدگذاری داده‌های حاصل از مشاهدات و مصاحبه‌های

کیفی در بستر منطقه سه شهر ساری استفاده شد. از طریق سنجش ابعاد مختلف قالب مزبور در نمونه‌های موردی و مقایسه و هم‌سنجی نتایج حاصل، علاوه بر پاسخ‌گویی به برخی از چالش‌ها، ابعاد جدید بازبهبودی مسکن در منطقه کشف گردید. این امر به اصلاح چارچوب اولیه متناسب با ویژگی‌های بستر مورد مطالعه و تکوین چارچوب نظری بازسازی مسکن در

مقوله	اصول اجرایی بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله	میانگین	مُد
کاهش آسیب‌پذیری	مقاوم‌سازی زیرساخت‌های شهری در برابر زلزله	۴/۴۷	۵
	ارتقای آگاهی مردم و از بین بردن باورهای غلط درباره خطر زلزله و ایمنی مسکن	۴/۴۰	۵
	آموزش مردم و سازندگان محلی برای ارتقای مهارت‌های فنی ساخت‌وساز	۴/۴۰	۵
	تقویت ضمانت اجرایی کدهای ساختمانی از طریق رفع ضعف‌های نظارتی	۴/۲۲	۴
	حمایت از حق مالکیت ساکنین به‌منظور جلوگیری از ایجاد احساس بی‌عدالتی	۴/۲۰	۵
	حفاظت از منابع طبیعی و زمین‌های کشاورزی در کاربری زمین	۴/۰۵	۵
	تدوین مقررات ساخت‌وساز مخصوص محله‌های کم‌درآمد شهری (مشوق‌های مالی)	۴/۰۰	۴
	حمایت‌های روانی و مشاوره برای بازتوانی روانی آسیب‌دیدگان	۴/۴۰	۵
مشارکت جمعی	آگاه ساختن ذی‌نفعان و شفافیت نسبت به فرایند بازسازی	۴/۴۰	۵
	ایجاد نفع مستقیم برای اهالی جهت مشارکت در بازسازی (هزینه - فایده اساس مشارکت)	۴/۴۰	۵
	ایجاد یک پایگاه داده با همکاری ذی‌نفعان با قابلیت دسترسی همه ذی‌نفعان به آن	۴/۳۲	۵
	مشارکت با هدف افزایش آگاهی و آموزش مردم محلی در زمینه دانش فنی ساختمان	۴/۳۰	۵
	ایجاد دفاتر تسهیلات برای مشارکت و شناسایی افرادی که آمادگی مشارکت دارند	۴/۳۰	۵
	آموزش و حمایت از سازندگان محلی برای مشارکت مؤثر در بازسازی مسکن	۴/۳۰	۵
	استفاده از مشارکت در سطوح توانمندسازی در اجرا، همکاری در طراحی، و مشاوره در برنامه‌ریزی	۴/۲۰	۵
	استفاده از جلسات عمومی برای توضیح فرایند و برنامه بازسازی مسکن به جامعه	۴/۲۰	۵
	مشارکت باهدف افزایش رضایتمندی ساکنین از مسکن	۴/۲۰	۵
	انعطاف‌پذیری در برنامه زمانی بازسازی برای انطباق با شرایط روانی آسیب‌دیدگان	۴/۰۵	۴
	الزامات قانونی و تشکیلات منظم برای برنامه‌ریزی مشارکتی	۴/۰۵	۵

جدول ۲. اصول کلیدی بازبهبودی مسکن دائم پس از زلزله، مأخذ: نگارنده.

منطقه سه ساری کمک کرد. چارچوب بازبهباسازی مسکن دائم کاهش خطرپذیری، مشارکت جمعی، ترتیبات مالی و سازمانی، نشان می‌دهد که این هدف از طریق چهار مقوله اصلی شامل و الزامات طراحی و اجرای مسکن دائم قابل حصول است.

مُد	میانگین	اصول اجرایی بازبهباسازی مسکن دائم پس از زلزله	مقوله
۵	۴/۴۰	کاهش بروکراسی و تسریع فرایند صدور مجوزهای لازم و تخصیص منابع مالی	تربیت ملی و سازمانی
۵	۴/۳۰	خدمات مشاوره و آموزشی برای جامعه محلی در مورد فرایند و مقررات ساخت و ساز	
۵	۴/۲۰	افزایش مسئولیت‌پذیری متخصصین از طریق بازرسی و اخذ تعهدات قانونی	
۴	۴/۱۶	توزیع برابر کمک‌های بازسازی برای جلوگیری از تبعیض و عواقب اجتماعی - فرهنگی	
۴	۴/۱۵	تعیین حداقل استاندارد مسکن و حداکثر کمک به بازسازی بر اساس شرایط محلی	
۴	۴/۱۰	تأمین اعتبارات و وام‌های کم‌بهره از سوی دولت برای بازسازی مسکن	
۵	۴/۱۰	مسکن، اولویت اول بازسازی به دلیل اهمیت آن در بازتوانی روانی مردم	
۴	۴/۰۵	تأمین مصالح مورد نیاز به شکلی که باعث تورم و یا اختلال در تولید محلی نگردد	
۴	۴/۰۵	عرضه حمایت‌های مازاد به اقشاری که توانایی مدیریت بازسازی مسکن را ندارند	
۴	۴/۰۰	به‌کارگیری روش‌های پایش و ارزیابی برای تضمین شفافیت و مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها	
۵	۴/۴۵	پرهیز از جابه‌جایی واحدهای مسکونی به‌غیراز واحدهای واقع در زمین‌های پرخطر	الزامات طراحی و اجرای مسکن
۵	۴/۴۰	پرهیز از تغییر همسایگی‌ها با توجه به سکونت بستگان در مجاورت یکدیگر	
۵	۴/۳۰	انعطاف‌پذیری در طراحی جهت تغییرات و توسعه آتی توسط ساکنین	
۵	۴/۲۵	تدوین اصول و الگوی طراحی مسکن به جای تیپ‌سازی طرح‌ها	
۴	۴/۳۰	ترغیب ساکنین در جهت استفاده از مصالح و نیروی کار موجود در منطقه در بازسازی	
۴	۴/۳۰	حفظ و تقویت عناصر هویت‌دهنده در مسکن و مراکز و کاربری‌های مهم محله مانند بازار و مسجد	
۴	۴/۲۵	تمهیدات لازم جهت همخوانی با شیوه معیشت محلی و مشاغل خانگی	
۴	۴/۲۰	کاهش هزینه‌های ساخت، نگهداری، و توسعه مسکن	
۵	۴/۲۰	ارتقای زیرساخت‌ها و خدمات شهری در بازسازی مطابق با خصوصیات فنی جدید	
۴	۴/۱۵	تأمین مسکن دائم بر اساس حداقل استاندارد مسکونی در پیش از وقوع زلزله	
۵	۴/۱۵	برنامه‌ریزی برای استفاده حداکثر از مصالح بازیافتی	
۴	۴/۱۰	بهره‌گیری از تکنولوژی قابل‌استفاده توسط سازندگان محلی از طریق آموزش	
۴	۴/۰۰	ترویج رویکرد مالک‌محور برای بازسازی مسکن با توجه به رواج آن در شرایط فعلی	

ادامه جدول ۲.
اصول کلیدی بازبهباسازی مسکن
دائم پس از زلزله، مأخذ: نگارنده.

۵.۱. کاهش خطرپذیری زلزله

کاهش خطرپذیری زلزله اصلی‌ترین مؤلفهٔ بازبهبودی است و شامل شش اصل می‌شود: (۱) ارتقای کیفیت ساخت‌وساز مسکن، (۲) برنامه‌ریزی کاربری زمین، (۳) رونق اقتصاد محلی و معیشت، (۴) ارتقای دانش و آگاهی جامعه در مورد خطر زلزله، (۵) ارتقای اعتماد اجتماعی، و (۶) فراهم کردن الزامات قانونی؛ که در قالب چهار زیرمقولهٔ برنامه‌ریزی کالبدی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، و قانونی دسته‌بندی شده‌اند.

در بُعد «کالبدی»، با توجه به رشد سریع و بی‌برنامهٔ منطقه به دلیل سکونت مهاجرین روستایی در پهنهٔ لرزه‌خیز و ساخت‌وساز در زمین کشاورزی، از یک‌سو، و فرسودگی بافت و به تبع آن آسیب‌پذیری بالای کالبدی آنجا، از سوی دیگر، دو اصل «ارتقای کیفیت ساخت‌وساز مسکن» و «برنامه‌ریزی کاربری زمین» مهم شناخته شده‌اند. در این راستا، «به‌روزرسانی و کدها و مقررات ساختمانی و متناسب‌سازی آنها با شرایط محلی، و افزایش ضریب اجرایی آن» به‌منظور ارتقای کیفیت ساخت‌وساز در منطقه پیشنهاد گردید. همچنین در زمینهٔ برنامه‌ریزی کاربری زمین، «مکان‌یابی سکونتگاه‌ها متناسب با پهنه‌بندی خطر زلزله و برنامه‌ریزی سایت مسکونی» و نیز در نظر داشتن «ملاحظات زیست‌محیطی» مهم شناخته شدند.

در بُعد «اقتصادی»، «رونق اقتصاد و بهبود وضعیت معیشت محلی» سومین عامل کاهش خطرپذیری زلزله شناخته شده است. با توجه به سکونت اقشار کم‌درآمد در منطقهٔ مزبور، محدودیت‌های مالی اثرات بسزایی در تصمیمات و اقدامات ساکنین در زمینهٔ تأمین مسکن داشته است. محدودیت دسترسی به بیمه، بهره نگرفتن از کمک‌های فنی متخصصان در طراحی و اجرا، و استفاده نکردن از مصالح و تکنولوژی مقاوم در برابر زلزله از مهم‌ترین تبعات ضعف اقتصادی خانوارهای کم‌درآمد منطقه در افزایش آسیب‌پذیری آنان در برابر زلزله است.

در بُعد «اجتماعی - فرهنگی»، ضعف آگاهی شامل بی‌تفاوتی و باورهای غلط ساکنین محلی نسبت به خطر زلزلهٔ عاملی اثرگذار در آسیب‌پذیری مسکن و جامعه در برابر زلزله شناخته شده است که، در کنار دانش اندک مردم و نیز استادکاران محلی نسبت به اصول فنی ساخت‌وساز، منجر به شکل‌گیری الگویی از ساخت و توسعهٔ مسکن شده که به افزایش آسیب‌پذیری آن در برابر زلزله منجر شده است. با توجه به این امر، «آموزش و ارتقای آگاهی» مردم و سازندگان محلی نسبت به خطر زلزله و نیز ابعاد ایمنی ساخت مسکن عامل چهارم کاهش خطرپذیری زلزله در منطقه مطرح شده است.

همچنین بررسی فرایند ساخت‌وساز محلی بیانگر ضعف در ابعاد «قانونی» ساخت مسکن در منطقه است. با توجه ضعف اقتصادی ساکنین منطقه، رعایت فرایند قانونی ساخت‌وساز، به دلیل تحمیل هزینه‌های ناشی از اخذ پروانهٔ ساخت و نیز هزینه‌های طراحی و نظارت ساختمان، به ندرت اتفاق می‌افتد. این امر نشان‌دهندهٔ ضعف مقررات ساخت‌وساز، به دلیل عدم تناسب با شرایط محله‌های کم‌درآمد شهری، است. در موارد بسیاری نیز مشاهده می‌شود که ضعف مقررات، به دلیل ایجاد صرفهٔ اقتصادی ناشی از تخلف، در کنار خلأهای نظارتی، منجر به سرپیچی ساکنین از روال قانونی ساخت‌وساز می‌گردد.

همچنین ضعف‌های «قانونی» تأثیر بسزایی در انجام تعهدات متخصصان محیط مصنوع داشته و منجر به تنزل مسئولیت‌پذیری آنان در نظارت بر اجرای صحیح ساخت مسکن گردیده است. این موضوع، علاوه بر اثرات نامطلوب در کیفیت فنی و ایمنی در ساخت‌وساز، منجر به ایجاد بی‌اعتمادی مردم نسبت به متخصصان شده است. بر این اساس دو عامل «اعتماد اجتماعی» و «ارتقای حکمروایی» به‌منظور تقویت ضمانت اجرایی مقررات ساخت‌وساز در منطقه مهم شناخته شده‌اند.



۵.۲. مشارکت جمعی در بازسازی مسکن

به منظور رسیدن به اهداف بازبهبودی، بهره‌گیری از مشارکت جمعی در مراحل مختلف فرایند بازسازی مسکن ضروری شناخته شد. در این خصوص، تبیین «هدف و زمینه مشارکت» و «تعیین مشارکت‌کنندگان» در هریک از مراحل بازسازی مسکن، «نوع مشارکت» ذی‌نفعان در هر مرحله، و درنهایت «منابع مورد نیاز» برای مشارکت، مقولات فرعی استنباط شدند. طبق نظر متخصصان و مسئولین، از میان اهداف متنوع مشارکت جمعی، دستیابی به «رضایتمندی ساکنین» مهم‌ترین هدف مشارکت در بازسازی مسکن شناخته شد. در ادامه سه گروه شامل خانوارهای در خطر، سازندگان، و متخصصان محیط مصنوع با عنوان مشارکت‌کنندگان کلیدی بازسازی مسکن انتخاب شدند. اما یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خانوارها و سازندگان محلی بیشترین نقش در ساخت‌وساز مسکن را دارند و با توجه به محدودیت‌های اقتصادی خانوارهای محلی، متخصصان محیط مصنوع نقش پررنگی در این زمینه ندارند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت همه ذی‌نفعان مزبور در مراحل مختلف پروژه بازسازی ضرورت ندارد و یا نیاز به سهم و اثرگذاری یکسان آنان نیست. بر این اساس تعیین سطح مشارکت در هریک از مراحل بازسازی شامل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت، و ارزیابی ضرورت یافت. از مصاحبه‌های متخصصان و مسئولین، ویژگی‌های اجتماعی مردم، روحیه مشارکت‌پذیری، نوع و شدت سانحه، تخصص و آگاهی ساکنین در زمینه طراحی و اجرا مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعیین سطح و نوع مشارکت در بازسازی مسکن شناخته شدند. بر اساس ظرفیت‌ها و موانع مشارکت در جامعه مورد مطالعه و نظر به دو عامل زمان مشارکت، با توجه به شرایط روحی و روانی مشارکت‌کنندگان، و توانایی آنان در انجام امور بازسازی، استفاده از سطح اطلاع‌دهی در برآورد «سطح همکاری در

مراحل برنامه‌ریزی و طراحی» و «سطح توانمندسازی در مراحل اجرا و نظارت» مطلوب شناخته شد.

مطابق با سطوح مذکور، روش‌های جلسات جمعی و مصاحبه‌های انفرادی برای انجام مشارکت تعیین شد. جلسات جمعی با مشارکت خانوارهای آسیب‌پذیر، مسئولین دولتی، متخصصان محیط مصنوع، و سازندگان محلی تشکیل می‌شود و هدف آن توافقات کلی برنامه، تعیین اهداف پروژه، تعیین گروه‌های هدف، برنامه‌ریزی زمانی، و تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌هاست. در روش مصاحبه‌های انفرادی، خانوار آسیب‌پذیر و متخصصان محیط مصنوع مشارکت‌کنندگان اصلی هستند و دریافت نیازها، انتظارات، باورها، و عقاید ساکنین در مورد مسکن و تعیین ظرفیت خانوار در تأمین منابع مورد نیاز بازسازی مسکن از مهم‌ترین اهداف آن است. در کنار دو روش نامبرده، استفاده از روش صحبت‌های غیررسمی میان خانوار و سازندگان محلی، با توجه به رایج بودن آن در شرایط عادی ساخت‌وساز، می‌تواند مفید باشد.

درنهایت به منابع مورد نیاز برای موفقیت مشارکت جمعی در منطقه مورد مطالعه توجه شد. نتایج تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر برای بازسازی مسکن دائم نیازمند منابعی چون اعتماد اجتماعی، بازتوانی روانی، تأمین منافع مشارکت‌کنندگان، حس جمعی، تسهیلگری، آموزش، دسترسی به اطلاعات، و پشتوانه‌های قانونی در منطقه است.

۵.۳. ترتیبات سازمانی و مالی

«ترتیبات مالی و سازمانی بازسازی»، به‌منزله بخشی حیاتی از بازبهبودی، از دو زیرمقوله «طراحی سازمانی» و «تدارک» تشکیل شده است. از مجموع بررسی‌ها در زمینه طراحی سازمانی سه اصل شامل «گزینه‌های سازمانی»، «تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها»، و «رویکرد بازسازی مسکن» استنباط شده است.

بر اساس نظرات متخصصان و اسناد قانونی، «بهره‌گیری از جریان سازمانی موجود طبق برنامه ملی مدیریت سوانح» برای مدیریت برنامه بازسازی در اولویت قرار گرفته است. اما مطالعات میدانی نشان می‌دهد که در اجرای شرح وظایف قانون مذکور توسط سازمان‌های ذی‌ربط در منطقه مورد مطالعه ضعف‌هایی وجود دارد؛ به طوری که «نیاز به اختیار»، «استقلال و حمایت سیاسی از سوی بالاترین سطح دولت»، «تأمین بودجه مورد نیاز»، «برنامه‌های آموزشی»، «تقویت و یا بازسازی ظرفیت سازمان‌های محلی»، «ارتباط و هماهنگی بین دستگاه‌ها»، و «نگاه بلندمدت توسعه‌ای» مهم‌ترین الزامات رفع ضعف‌های سازمانی موجود در منطقه هستند.

در زمینه تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌های ذی‌نفعان، مردم آسیب‌دیده مهم‌ترین عضو شرکت‌کننده در برنامه بازسازی شناخته شدند. در مقابل دولت نقش مدیریت و برنامه‌ریزی بازسازی (تعریف راهبردها و سیاست‌ها) و نیز حمایت و توانمندسازی مردم محلی را بر عهده دارد. در کنار مشارکت‌کنندگان مزبور، متخصصان محیط مصنوع شامل مهندسان و معماران نقش ویژه‌ای در تأمین مسکن ایمن و تاب‌آور دارند. «آموزش و ارتقای مهارت محلی در زمینه روش‌های ساخت و تعمیر و نگهداری مسکن»، «مشاوره، شناخت نیازها، و تهیه طرح‌های مسکن»، «تسهیل‌گری مشارکت»، و «نظارت بر اجرا» مسئولیت‌هایی هستند که متخصصان محیط مصنوع را، در کنار خانوارهای آسیب‌پذیر، با عنوان ذی‌نفعان کلیدی بازسازی مسکن مطرح کرده است. در زمینه «رویکرد اجرایی» بازبهبودی، با توجه نقش‌ها و مسئولیت‌های تعریف‌شده برای ذی‌نفعان و نیز الگوی رایج ساخت‌وساز در منطقه، رویکرد مالک‌محور می‌تواند مناسب‌ترین گزینه اجرایی برای رسیدن به اهداف بازبهبودی باشد. الگوی مزبور با توجه به محدودیت‌های اقتصادی ساکنین و به تبع آن

42. demand-driven

تکامل تدریجی مسکن، با احداث مسکن توان‌پذیر تناسب دارد. و به استفاده خلاقانه از منابع ساکنین در مسکن کمک می‌کند. این امر با نظارت دقیق و کنترل مالک در فرایند ساخت همراه است و در صورت تهیه آموزش کافی برای استادکاران و ساکنین در زمینه موضوعات فنی ساخت می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری مسکن در برابر زلزله و رسیدن به اهداف بازبهبودی کمک کند. در زیرمقوله «تدارک» پروژه بازسازی مسکن، تصمیم‌سازی در مورد سه اصل منابع مالی، نیروی کار، و زمان‌بندی مهم شناخته شد. مجموع نظرات مخاطبین پژوهش نشان می‌دهد که پس از زلزله احتمالی، بازسازی مسکن در اولویت نخست ساکنین محلی خواهد بود. غالب ساکنین، با توجه به محدودیت‌های اقتصادی و نیز ضریب نفوذ اندک بیمه، دولت را موظف به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای بازسازی مسکن می‌دانند؛ لیکن با توجه به اتخاذ سیاست توانمندسازی از سوی سازمان مسئول بازسازی، میزان کمک به خانوارهای آسیب‌دیده به صورت تقاضامحور^{۳۳} صورت خواهد گرفت. به بیان دیگر، کمک به بخش مسکن تا جایی که در توانایی مردم محلی نباشد، صورت می‌پذیرد و هزینه‌های خارج از توان جامعه محلی و نیز هزینه‌های مازاد تحمیلی ناشی از ارتقای سازه‌ای، بر اساس سیاست بازبهبودی و جلوگیری از تکرار آسیب‌پذیری‌های پیشین، از سوی دولت داده خواهد شد.

در این زمینه، موضوعات چالش‌برانگیز شناسایی واجدین شرایط دریافت کمک‌های بازسازی و میزان کمک‌ها مطرح شده‌اند. سیاست دولت در این خصوص کمک به خانوارهای اصلی در وهله اول است و تأمین مسکن مستأجرین و خانوارهای فرعی عمدتاً به صاحبان ملک وابسته خواهد بود. میزان کمک نیز بر اساس حداقل استانداردهای مسکن در منطقه و به شکل برابر برای خانوارهای آسیب‌دیده تأمین خواهد شد. اگرچه راهبرد مزبور از نظر برخی از ساکنین محلی

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وسوم، زمستان ۱۴۰۲، شماره ۴، پیاپی ۱۰۳

چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در مناطق آسیب‌پذیر شهری با رویکرد بازبهبودی؛ مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری؛ عبدالمجید خورشیدیان

مکان‌یابی مسکن در سایت‌های جدید عمدتاً با هدف کاهش خطرپذیری مد نظر قرار می‌گیرد. اما بر اساس یافته‌های تحقیق، جابه‌جایی واحدهای مسکونی حتی به صورت جزئی می‌تواند به تضعیف پیوندهای اجتماعی موجود بیانجامد. همچنین برخلاف یافته‌های حاصل از ادبیات نظری، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه، بهره‌گیری از تعمیر و مقاوم‌سازی مسکن پس از وقوع زلزله، به دلیل کمبود تخصص فنی و نیز تمایلات ساکنین به ارتقای شرایط اسکان در اثر فرصت ایجاد شده توسط زلزله، محدود است. در زمینه مراحل اسکان پس از زلزله، با توجه به امکانات ساکنین منطقه در تأمین مسکن موقت به صورت خودجوش، استفاده از رویکرد دومرحله‌ای اسکان با هدف کاهش هزینه‌ها و تسریع فرایند بازسازی امکان‌پذیر است و در صورت فراهم بودن شرایط زمینه‌ای همچون شدت زمین‌لرزه و گستردگی خسارات در کنار میزان آمادگی دولت در تسریع فرایند بازسازی مسکن قابل اجراست. در نهایت نگرش به زلزله به منزله فرصت تغییر و اصلاحات هم به منظور جلوگیری از تکرار آسیب‌پذیری‌های پیشین و هم در جهت اصلاحات ساختاری بافت ضروری به نظر می‌رسد؛ اما زمینه‌های چنین اصلاحاتی تنها در قالب جریان‌های توسعه‌ای از پیش موجود محدود است.

در زیرمقوله رویکرد طراحی سه عامل تسریع فرایند بازسازی، تکامل تدریجی، و تکنولوژی مقتضی استنباط شده است. به منظور تسریع در فرایند بازسازی، تیپ‌سازی طرح‌ها و یا استفاده از طراحی همه‌شامل راهکار مطلوبی شناخته نشده است، اگرچه این روش می‌تواند به سهولت اجرا و نظارت بر فرایند ساخت کمک کند. برابر نظر متخصصان، تسریع در فرایند بازسازی از طریق برنامه‌ریزی پیش از زلزله و تدوین الگو و شاخص‌های طراحی مسکن ارجحیت دارد. ضمناً تکامل تدریجی مسکن، به منزله الگویی رایج در منطقه

«بی‌عدالتی» محسوب می‌شود.

در زمینه چگونگی تأمین نیروی کار و مصالح مورد نیاز برای بازبهبودی، موضوعاتی چون «تعادل میان عرضه و تقاضا برای جلوگیری از تورم در بازار»، «تقویت تولید و اقتصاد محلی»، «بهره‌گیری از نیروی کار متخصصان بومی»، «استفاده از کارکنان سازمانی موجود به همراه تقویت و یا تغییر جریان سازمانی متناسب با حجم کار»، «عرضه سیستم‌های ساخت متناسب با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موجود در محل»، و «در نظر داشتن ملاحظات زیست‌محیطی» استخراج شده است. اصول مذکور با اتخاذ راهبرد تقاضامحور از سوی سازمان مسئول بازسازی و نیز الگوی مالک‌محور در اجرای بازسازی مسکن همخوانی دارد.

در نهایت عامل زمان‌بندی جهت ایجاد تعادل میان تقاضا برای تسریع بازسازی و تأمل برای فراهم ساختن الزامات برنامه‌ریزی بازبهبودی مهم شناخته شد. مجموع بررسی‌ها در این زمینه نشان‌دهنده اهمیت انعطاف‌پذیری زمانی با توجه به شرایط روحی و روانی بازماندگان و تسریع بازسازی از طریق کاهش بروکراسی و در مقابل تأمل بیشتر در مراحل برنامه‌ریزی و طراحی و اجراست.

۵.۴. الزامات طراحی و اجرای مسکن دائم

از تحلیل داده‌های میدانی در راستای «طراحی و اجرای مسکن دائم» با رویکرد بازبهبودی، دوازده اصل استنباط گردید که در قالب چهار زیرمقوله «رویکرد اجرایی»، «رویکرد طراحی»، «پاسخ‌های اقتصادی»، و «تناسب اجتماعی- فرهنگی» دسته‌بندی شدند.

در زیرمقوله رویکرد اجرایی چهار اصل مکان‌یابی، تعمیر و مقاوم‌سازی، مراحل اسکان، و فرصت توسعه و اصلاحات با عنوان اصول بازبهبودی مسکن دائم استخراج گردیدند.

مورد مطالعه، می‌تواند ظرفیتی برای تسریع تأمین مسکن دائم قلمداد و استفاده شود. لازم به ذکر است که در نظر داشتن تمهیدات فنی، قانونی، مالی برای رسیدن به این هدف ضروری است. درنهایت در زمینه انتخاب تکنولوژی مقتضی، برخلاف یافته‌های حاصل از ادبیات موضوع، به دلیل انتظارات مردم محلی و نیز اهمیت موضوع کاهش خطرپذیری در مقطع پس از سانحه، امکان بهره‌گیری از تکنولوژی بومی برای بازسازی مسکن محدود است. در مقابل بهره‌گیری از تکنولوژی جدید می‌تواند با موانعی در زمینه‌های اجرایی، مالی، تعمیر و نگهداری، فرصت‌های مشارکت، و تناسب فرهنگی مواجه شود؛ لیکن تلفیق تکنولوژی‌های جدید و بومی و نیز برنامه‌ریزی پیش از سانحه برای تأمین مصالح و آموزش نیروی کار در منطقه پیشنهاد می‌گردد.

در ذیل مقوله فرعی کارایی اقتصادی مسکن دائم، دو اصل توان‌پذیری، و نیازهای معیشت محلی اهمیت یافته‌اند. توان‌پذیری تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد عاملی کلیدی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر زمین‌لرزه دانسته شده است. بررسی ویژگی‌های مسکن محلی، راهکارهایی چون «بهره‌گیری از تکنولوژی قابل‌کاربرد توسط مردم»، «مشارکت اعضای خانوار»، «تأمین حداقل استاندارد مسکن»، «تکامل تدریجی مسکن»، و «استفاده از مصالح بازیافتی» را برای رسیدن به این هدف پیش روی می‌گذارد. همچنین با توجه به ساختار نیمه‌روستایی منطقه و به تبع آن اهمیت نقش مسکن در معیشت خانوار، حفظ و تقویت این ویژگی می‌تواند به افزایش سطح درآمد خانوار و ارتقای تاب‌آوری در برابر زلزله احتمالی کمک کند.

در خصوص ارتقای تناسب اجتماعی و فرهنگی، سه اصل الگوی سکونت، هویت محلی، و انتظارات ساکنین برای تأمین مسکن دائم مهم شناخته شده‌اند. الگوی سکونت جمعی و

گسترده خانوارهای محلی فوایدی چون «احساس امنیت»، «صرفه اقتصادی»، و «حمایت اجتماعی» را به دنبال دارد که حفظ آن را ضروری می‌نمایاند. حفظ و تقویت هویت محلی نیز از نظر متخصصان و ساکنین محلی عاملی مهم برای بازتوانی آسیب دیدگان شناخته شده است. بر این اساس مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز در سطح محله و نیز در سطح مسکن محلی شناسایی شد. درنهایت با قرار دادن ساکنین محلی در موقعیت پس از وقوع زلزله، مهم‌ترین نیازها و انتظارات آنان در مقطع بازسازی سنجش و اولویت‌سنجی شد. این نیازها در بخش مسکن در قالب تغییر در سبک طراحی، نیاز به فضاهای جدید، و امکانات رفاهی و آسایشی دسته‌بندی گردید. شایان ذکر است که بخش قابل‌توجهی از انتظارات ساکنین در مقیاس شهری و برخورداری از استانداردهای شهرسازی مانند معابر دسترسی‌ها، تأسیسات و خدمات شهری، تراکم، ایمنی، و بهداشت قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بازبهسازی پس از سانحه در این پژوهش رویکردی جامع تعریف شده است که علاوه بر در نظر داشتن ابعاد کاهش خطرپذیری جامعه آسیب‌پذیر پیش از رخداد سانحه، بر بهبود شرایط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، و محیط زیستی جامعه طی اقدامات بازتوانی و بازسازی پس از سانحه متمرکز می‌شود. مجموع مطالعات نظری و میدانی در این مطالعه منجر به شناسایی چهار مقوله اصلی و چهارده مقوله فرعی شد که نشان‌دهنده مؤلفه‌های اصلی بازبهسازی مسکن دائم پس از زمین‌لرزه احتمالی هستند.

چارچوب‌های نظری و اجرایی بازبهسازی مسکن، به‌منزله خروجی‌های اصلی این پژوهش، به‌طور جامع رویکرد مزبور را تعریف و ابعاد اصلی آن را تبیین می‌کنند و می‌توانند هم

توانمندسازی مناسب شناخته شدند. بر اساس سطوح مذکور، روش‌های مقتضی مشارکت شامل جلسات جمعی، مصاحبه‌های انفرادی، و صحبت‌های غیررسمی استنباط گردیدند و در نهایت مکانیسم‌های اجتماعی، فنی، و قانونی برای کارایی آنها تبیین گردید.

در زمینه «ترتیبات مالی و سازمانی» بازبهبودی مسکن، با توجه به الگوی رایج ساخت‌وساز در منطقه، رویکرد مالک‌محور برای بازسازی مسکن مناسب شناخته شد. این رویکرد با محدودیت‌های اقتصادی ساکنین منطقه و نیز تکامل تدریجی مسکن همخوانی دارد. در این رویکرد دولت غالباً نقش توانمندسازی را بر عهده گرفته است و متخصصان به تسهیلگری، آموزش، و کمک فنی به ساکنین می‌پردازند و مجری اصلی بازسازی مسکن بازماندگان خواهند بود. در زمینه چگونگی تأمین و توزیع منابع مورد نیاز بازسازی، پس از تعیین اولویت‌های بازسازی شامل زیرساخت‌ها، مسکن، و اقتصاد محلی، عرضه کمک‌ها بر اساس رویکرد تقاضا محور و به منظور تأمین حداقل استاندارد مسکن صورت خواهد پذیرفت. این کمک‌ها بر اساس اولویت‌بندی خانوارها و زمان‌بندی برنامه انجام می‌گیرد. در این زمینه، بر انعطاف‌پذیری برنامه، تسریع از طریق کاهش بروکراسی، و تخصیص زمان کافی برای مراحل برنامه‌ریزی و طراحی تأکید شد.

در مقوله «الزامات طراحی و اجرا» برای ارتقای کارایی مسکن دائم، بر راهکارهای تسریع فرایند بازسازی از طریق الگوسازی طرح مسکن و نیز بهره‌گیری از تکامل تدریجی مسکن، به‌منزله الگویی رایج در منطقه، تأکید شد. سپس تمهیدات در زمینه تکنولوژی و نیز انعطاف‌پذیری طرح‌ها برای تغییر و توسعه مسکن ضروری شناخته شد. این امر می‌تواند به توان‌پذیری مسکن برای اقشار کم‌درآمد منطقه کمک کند. در نهایت حفظ هویت محلی از طریق بازسازی عناصر هویت‌ساز

به ارتقای دانش نظری و هم به اجرای موفق پروژه‌های بازسازی مسکن پس از زلزله در ایران کمک کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که اجرای موفق بازبهبودی مسکن به مقولاتی چون کاهش خطرپذیری در برابر زمین‌لرزه، استفاده از مشارکت جمعی در مراحل مختلف بازسازی مسکن، اتخاذ سازوکار مناسب تدارک و طراحی سازمانی بازسازی، و تمهیدات طراحی و اجرای مسکن بستگی دارد.

چارچوب بازبهبودی مسکن در این مطالعه، برای تأکید بر اقدامات پیش از سانحه، با شناخت ابعاد «کاهش خطرپذیری» آغاز می‌شود و با توجه به صعوبت از بین بردن عامل خطر زلزله و یا دوری از آن، شناسایی عوامل ایجاد آسیب‌پذیری و راهکارهای تقلیل آن در منطقه مورد مطالعه اهمیت می‌یابد. در این باره، مقاوم‌سازی زیرساخت‌های شهری در برابر زلزله و ارتقای آگاهی مردم و از بین بردن باورهای غلط درباره خطر زلزله از طریق آموزش مردم و سازندگان محلی مهم‌ترین عوامل اصلی کاهش خطرپذیری زلزله شناسایی گردیدند. ضمناً تدوین مقررات ساخت‌وساز متناسب با شرایط ساکنین کم‌درآمد منطقه در کنار تقویت حکمروایی قانونی برای افزایش ضمانت اجرایی عوامل یادشده ضروری قلمداد شد.

با توجه به اهمیت «مشارکت جمعی» به‌مثابه عاملی کلیدی در موفقیت پروژه‌های بازسازی مسکن، تعیین روش‌های مقتضی در این زمینه بررسی شد. در این خصوص، پس از تعیین افزایش آگاهی و آموزش مردم محلی و نیز جلب رضایت ساکنین، به‌منزله مهم‌ترین اهداف مشارکت، ساکنین و سازندگان محلی و متخصصان محیط مصنوع مشارکت‌کنندگان کلیدی بازسازی مسکن شناخته شدند. در ادامه بر اساس ظرفیت آنان سطوح مقتضی مشارکت در هریک از مراحل بازسازی مسکن تعیین گردید: در این زمینه در مرحله برنامه‌ریزی سطح مشاوره، در طراحی سطح همکاری، و در اجرا و نظارت سطح

و نیز حفظ الگوی مسکن و سکونت در منطقه مهم شناخته شد. گرچه انتظارات ساکنین همچون درخواست تغییر در الگوی طراحی، ایجاد فضاهای جدید، و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید در بازسازی بافت و مسکن نیز باید مد نظر قرار گیرد. درنهایت تأکید می‌شود که این عوامل با یکدیگر مرتبط و بر هم به‌طور متقابل اثرگذار هستند. بنابراین نمی‌توان آنها را به‌طور جداگانه بررسی کرد و ممکن است ترکیبی از عوامل مزبور بر موفقیت پروژه اثر بگذارد؛ به‌طور مثال، انتخاب رویکرد بازسازی مسکن می‌تواند بر طراحی سازمانی، شیوه تدارک، سطح، و نوع مشارکت اثرگذار باشد.

References

- Ahmed, I. "Resilient Housing Reconstruction in the Developing World". in A. March & M. Kornakova, *Urban Planning for Disaster Recovery*, 171-186, Elsevier, 2017.
- Bryman, A. *Social Research Methods*. Oxford: Oxford University Press, 2012.
- Clinton, W.J. *Lessons Learned from Tsunami Recovery: Key Propositions for Building Back Better, Special Envoy for Tsunami Recovery*. New York: Office of the UN Secretary-General, 2006.
- da Silva, J. *Lessons from Aceh; Key Considerations in Post-Disaster Reconstruction*. Rugby: Practical Action Publishing, 2010.
- Davis, I. and D. Alexander. *Recovery from Disaster*. New York: Routledge, 2016.
- IRP. *Redesigning Systems for Resilience through Recovery: Assessing Progress and the Unfinished Agenda at the Midpoint of the Sendai Framework*. International Recovery Platform Herald, 2022.
- Fallahi, Alireza. *Reflections on the approaches and models of reconstruction after the disaster*. Tehran: Tehran Crisis Prevention and Management Organization, 2017. (In Persian)
- Haft Shahr-e Arya. *Improvement and renovation plan for worn-out fabric of Sari, level one studies*. Sari: Sari Municipality, 2010. (In Persian, Unpublished)
- Jordan, E. Javernick-Will, A. and B. Amadei. "Pathways to Community Recovery and Resiliency". in Proceeding of Engineering Project Organizations Conference, Boulder, Co, United States, 2011.
- Kennedy, J., J. Ashmore, B. Elizabet, and I. Kelman. "The Meaning of 'Build Back Better': Evidence from Post-Tsunami Aceh and Sri Lanka". *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 16(1) (2008): 24-36.
- Lizarralde, G. *Unnatural Disasters; Why Most Responses to Risk and Climate Change Fail but Some Succeed*. New York: Columbia University Press, 2021.
- Mannakkara, S., S. Wilkinson, and R. Potangaroa. *Resilient Post Disaster Recovery through Building Back Better*. New York: Routledge, 2019.
- Mileti, D.S. *Disaster by Design: A Reassessment of Natural Hazards in the United States*. Washington DC: Joseph Henry Press, 1999.
- NHRAIC. *Holistic Disaster Recovery: Ideas for Building Local Sustainability after a Natural Disaster*. University of Colorado, 2001.
- Sarkissian, R.D., Y. Diab, and M. Vuillet. "The 'Build-Back-Better' Concept for Reconstruction of Critical Infrastructure: A Review". *Safety Science*, 157(4) (2023): 1-14. doi:10.1016/j.ssci.2022.105932
- Tas, M. "Study on Permanent Housing Production after 1999 Earthquake in Kocaeli (Turkey)". *Disaster Prevention and Management*, 19(1) (2010): 6-19.
- Twigg, J. *Characteristics of a Disaster-resilient Community – a Guidance Note*. London: DFID Disaster Risk Reduction Interagency Coordination Group, 2007.
- UNDP. *Recovery and Reconstruction after the 2023 Earthquakes in Türkiye UNDP Offer and Proposed Projects*. United Nations Development Program, 2023.
- UNISDR. *Sandai Framework for Disaster Risk Reduction 2015-2030*. Sandai, Japan: United Nations, 2015.
- USAID. *Introduction to Disaster Risk Reduction*. United States Agency for International Development, 2011.
- Wisner, B., P. Blaikie, T. Cannon, and I. Davis. *At Risk: Natural Hazards, People's Vulnerability, and Disasters*. London: Routledge, 2004.

The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar Period

Maryam Heydarkhani, PhD

Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Zahra Ahari, PhD 

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: May 23, 2021

Accepted: August 16, 2021

(Pages: 105-123)

Heydarkhani, M., and Ahari, Z. 2023. The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar Period. *Soffeh*. 103 (4): 105-123.

DOI: [10.48308/SOFEH.2023.222092.1039](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.222092.1039)

Abstract:

Marvi Madrasa was one of the most important madrasas in the Qajar period built by Mohammad Hossein Khan-e Marvi, a high-ranking person in the Fath-Ali Shah court, in a period of the rising importance of educational and religious institutions in tandem with the rising influence of religious scholars (Ulama). The purpose of this paper is to study the spaces and activities of the madrasa at its beginning as an educational institution, and its subsequent changes due to its changing social status during the Qajar. Employing a historical method, primary sources, especially endowments, and Qajarid maps have been studied, and exploring the physical composition of the madrasa, its changes have been interpreted. From its beginning, the madrasa contained spaces of various functions such as mosque, bathhouse, icehouse, and elementary school

Keywords:

Marvi madrasa, Architecture of Qajarid madrasas, Activities in madrasas, Social role of madrasas, Mosque and madrasa, Mosque-madrasa.



SOFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024

 ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. CorresPonding Author: Email Address. zahraahari@gmail.com
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.222092.1039>

(maktabkhana), built for education and everyday life of the students (talabas). In a short time, the madrasa became a first-rated educational centre in Tehran. By building a bazaar and transforming its path to a 'street', the madrasa found its local and urban center, and the setting was prepared for its spatial expansion. The expansion of the 'mosque' was a turning point in the life of the madrasa. Located besides the 'madrasa' it became the main space. Public religious activities became significant and the madrasa became a powerful socio-religious centre. With spatial developments around the madrasa and the change of social and political situation, the madrasa found an important role in the Constitutional events and the madrasa became a point of contention between the government and the ulama over its tutelage. At the end of the Qajar period, and with the spread of intellectual views and new schools, the madrasa declined and its spatial scope changed. During this period, the spaces, activities, people, and social role of the madrasa underwent changes, and despite the 'madrasa' being initially the main space of the complex, at the end of the Qajar period, it was the combination of the 'mosque' and the 'madrasa' that formed the life of the complex.

مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه^۱

مریم حیدر خانی^۲

زهرا اهری^۳

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۲ خرداد ۱۴۰۰
پذیرش: ۲۵ مرداد ۱۴۰۰
(صفحه ۱۰۵-۱۲۳)

حیدر خانی، م.، ز. اهری، ۱۴۰۲. مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳-۱۰۴ (۴): ۱۰۵-۱۲۳.

کلیدواژگان: مدرسه مروی، معماری مدارس دوره قاجاریه، فعالیت‌ها در مدارس، نقش اجتماعی مدارس، مسجد و مدرسه، مسجد - مدرسه.

چکیده

مدرسه مروی از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود، که محمدحسین خان مروی، از مقربان دربار فتحعلی‌شاه، آن را در دوره‌ای ساخت، که با افزایش نفوذ علمای مذهبی بر اهمیت مدارس در نقش نهادی آموزشی و مذهبی افزوده شد. هدف از این مقاله شناخت فضاهای فعالیت‌های مدرسه در بدو ایجادش در نقش نهادی آموزشی و دگرگونی‌های آن در اثر تغییر نقش اجتماعی‌اش در طول دوره قاجاریه در رابطه‌ای دوسویه است. در این مقاله با راهبردی تاریخی، منابع درجه اول، به‌ویژه وقف‌نامه‌ها و نقشه‌های دوره قاجاریه، بررسی و ضمن شناسایی ترکیب کالبدی مدرسه دگرگونی‌های آن تحلیل و تفسیر شده است.

این مدرسه از ابتدا شامل فضاهایی با کارکردهای گوناگون از جمله مسجد، حمام، یخچال، و مکتب‌خانه بود و برای تحصیل و زندگی طلاب ساخته شد. مدرسه در مدت کوتاهی به مرکز آموزشی تراز اول تهران تبدیل شد. با ساخت بازارچه مروی و تبدیل شارع آن به «خیابان»، مدرسه مرکزی محلی و شهری یافت و زمینه گسترش فضایی آن فراهم شد. گسترش «مسجد» نقطه عطفی در حیات

مدرسه ایجاد کرد. مسجد در کنار مدرسه رکنی از فضاها شد؛ فعالیت‌های عمومی مذهبی اهمیت یافت و مدرسه مرکز مذهبی اجتماعی قدرتمندی شد. با تحولات فضایی اطراف مدرسه و تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی، مدرسه نقش مهمی در حوادث مشروطه یافت و محل منازعات حکومت و علما بر سر تولیت آن شد. مدرسه در اواخر دوره قاجاریه با گسترش دیدگاه‌های روشنفکری و رواج مدارس جدید، همچون دیگر مدارس آموزش مدرسی، کم‌رونق شد و پهنه فضایی آن تغییر کرد. در طول این دوره فضاها، فعالیت‌ها، افراد، و نقش اجتماعی مدرسه در روابط متقابل با یکدیگر دگرگون شد و گرچه در ابتدا «مدرسه»، با وجود داشتن مسجد، فضای اصلی مجموعه بود، در انتهای دوره قاجاریه ترکیب «مسجد» و «مدرسه» بود که موجودیت مجموعه را شکل می‌داد.

مقدمه

مدارس به‌خصوص از اواخر دوره صفویه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و سیاسی بود که تحت نظر عالمان دینی اداره می‌شد. مدارس فقط محلی برای استقرار نهاد دین و تحصیل نبود؛ بلکه

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است با عنوان «معماری مدارس قاجاری، با تکیه بر پیوند کالبد و زندگی» که با راهنمایی نویسنده دوم و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در تاریخ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی دفاع شده است.

۲. دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Heydarkhani.maryam@gmail.com

۳. نویسنده مسئول
zahraahari@gmail.com



پرسش‌های تحقیق

۱. مدرسه مروی چه فضاهایی داشت و محل چه فعالیت‌هایی بود؟
۲. مدرسه در طول دوره قاجاریه چه تغییراتی کرد؟
۳. در این دگرگونی‌ها چه نسبتی میان فضا، فعالیت‌ها، و نقش اجتماعی مدرسه برقرار بود؟

۴. نک: حامد قرائتی، «نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی موردی تهران»، اثر، ش. ۶۰ (زمستان ۱۳۹۳): ۱۷۱-۱۹۸؛ حسین آبادیان، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، *شبه‌شناسی*، ش. ۲۹ (بهار ۱۳۸۹): ۱۴۳-۱۹۲.

۵. مجید آژده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر (تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۹).

۶. سیدسعید میرمحمدصادق، «مسجد و مدرسه مروی». مسجد، سال پنجم، ش. ۲۹ (۱۳۷۵): ۷۰-۸۳.

۷. نک: زینب اکبری و جواد نیستانی، *معماری مدارس علوم دینی دوره قاجار شهر تهران (تهران: آرمان شهر، ۱۳۹۰)*؛ کامبیز حاجی قاسمی (و)، *گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر سوم: بناهای مذهبی تهران (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷)*؛

Markus Ritter, "Moscheen und Madrasabauten", in *Iran*, Leiden: Brill, 2005, 1785-1848.

۸. بخشی از نخستین وقف‌نامه مدرسه چاپ شده است (نک: رضا استادی، *مصحح*. «وقف‌نامه مدرسه مروی»، *وقف میراث جاویدمان*، ش. ۱۳ (بهار ۱۳۷۵): ۵۶-۷۱). در این تحقیق از رونوشت مفصل‌تر دیگری هم استفاده کرده‌ایم که شامل وقف‌نامه اولیه (۱۲۳۱ق) و افزوده‌هایی به آن در دوره متولیان بعدی (۱۲۷۱، ۱۲۷۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ق) است (نک: جنگ وقف‌نامه‌های مدرسه

نقش مهمی در هدایت طبقات مختلف جامعه داشت. در دوره قاجاریه، به‌خصوص با تثبیت برخی اندیشه‌های شیعی، چون نیابت امام و ضرورت تقلید، عالمان جایگاهی مهم یافتند و رابطه میان علما و حکومت نسبت به دوره صفویه دگرگون شد. به همین علت، نقش مدارس هم بسیار مهم و واسطه‌ای میان علما و مردم شد.^۴ در تهران، که از آغاز حکومت قاجاریان پایتخت شده بود، رویه مشابهی جاری بود.

مدرسه مروی، که محمدحسین‌خان مروی در زمان فتحعلی‌شاه آن را ساخت، از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود. مدرسه در طول این دوره موجودیتی ثابت نداشت و تغییرات بسیاری در وجوه مختلف آن به‌وجود آمد. در این مقاله بر آئیم تا مدرسه را از طریق فضاها و فعالیت‌های آنها و از ابتدای شکل‌گیری مدرسه شناسایی و نسبت آن را با حضور و اثر افراد مختلف و نقش اجتماعی و دگرگونی‌هایش در طول این دوره بررسی کنیم.

تا کنون در هیچ تحقیق مستقلی به مدرسه از منظر ذکرشده پرداخته‌اند. مجید آژده در کتاب خود^۵ استادان و متولیان و اتفاقات تاریخی مدرسه را در هر دوره معرفی کرده؛ اما به معماری و تحولات آن و نسبتش با اتفاقات تاریخی و افراد در دوره قاجاریه نپرداخته است. سعید میرمحمدصادق در مقاله‌ای^۶ علاوه بر معرفی مختصر متولیان و استادان و برخی وقایع تاریخی و وقف‌نامه از کالبد مدرسه، به توصیف عمومی وضع کنونی آن اکتفا کرده است. در بررسی‌های معماری مدارس^۷ نیز به ذکر ویژگی‌های کالبدی و فرمی اکتفا شده و به تحولات فضایی توجه نشده است.

در این مقاله، با راهبردی تاریخی و با تکیه بر منابع مکتوب و تصویری، تغییرات مدرسه را بررسی کرده‌ایم. مهم‌ترین منابع در این بررسی وقف‌نامه‌های به‌جامانده از مدرسه^۸ و نقشه‌های شهری تهران هستند، که به‌ویژه برای فهم تغییرات کالبدی و فعالیت‌ها در مدرسه به کار رفته‌اند. داده‌های به‌دست‌آمده از این منابع را با کالبد باقی‌مانده از مدرسه انطباق داده و مثلث‌بندی کرده‌ایم و با استفاده از منابع دیگر، مانند کتیبه‌ها، اسناد، و منابع مکتوب، تغییرات مدرسه را تحلیل و تفسیر کرده‌ایم.

این نوشتار شامل دو بخش است. در بخش نخست ضمن توصیف خصوصیات کالبدی مدرسه، به چگونگی شکل‌گیری مدرسه می‌پردازیم و

مروری). اصل این نسخه متعلق به کتابخانه مدرسه مروی است که جناب آقای شیخ‌الحکامی رونوشتی از آن را در اختیار بنده قرار دادند و از ایشان بسیار سپاسگزارم. این رونوشت کتابچه‌ای با ۷۵ برگ به خط نستعلیق است که با حمد و ستایش آغاز شده و با شعری از نویسنده وقف‌نامه اولیه اتمام یافته و وقف‌نامه‌های متولیان بعدی در صفحات میانی آن قرار گرفته است.

۹. همه تاریخ‌ها در متن مقاله و توضیحات ارجاعات هجری قمری است.
۱۰. رضا استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی طهران (تهران: کتابخانه مدرسه مروی، ۱۳۷۱)، ۴.
۱۱. تلاوت‌کننده، درپی‌رونده. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «تالی». در وقف‌نامه‌ها تالی به معنای نائب مناصب هم به کار رفته است.

۱۲. مستراح، بیت‌الخال. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «مبرز».
۱۳. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۵۹.

۱۴. محمدحسین مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی». در جنگ وقف‌نامه‌های مدرسه مروی، (تهران: کتابخانه مدرسه مروی).

۱۵. فضای کتب و گوشه صحن اصلی در وقف‌نامه با نام «زاویه» آمده است.

۱۶. در نقشه‌های شهری اولین ثبت مدرسه در نقشه کرشیش در سال ۱۲۷۵ است. وضعیت مدرسه در این نقشه با توضیحات وقف‌نامه‌ها همخوانی دارد و اطلاعات تکمیلی از سامان فضایی مدرسه را در اختیار قرار می‌دهد.

شخصی بانی ساخته شد. رکن اصلی فضاها مدرسه بزرگ بود که خود شامل حجره‌ها و مدرس‌ها، دو مسجد زمستانی و تابستانی، «مبرز»^{۱۲}، مطبخ، انبار، «خلوت» یا کتابخانه، جلوخان، صحن، و ایوان‌ها بود. صحن مدرسه بزرگ سامان‌دهنده اصلی فضاها بود؛ صحنی «جان‌فزا» شامل چهار باغچه بزرگ و حوضی در میان آنها.^{۱۳} سه مدرس در شمال و شرق و غرب صحن قرار داشت. مساجد در جنوب صحن قرار گرفته بود. برطبق توصیف وقف‌نامه و نقشه‌ها، مسجد زمستانی در محل شبستان فعلی قرار داشت و مسجد اصلی مدرسه بود؛ چراکه فضای محصور و احتمالاً بزرگ‌تری داشت و برای سوخت لازم برای گرمایش و روشنایی آن تمهیداتی اندیشیده شده و خدمه‌ای هم به آن اختصاص یافته بودند.^{۱۴} مسجد تابستانی چنین نبود. با توجه به شباهت ساختار فضای پشت ایوان شمالی به مدرس‌های شرقی و غربی مدرسه و وجود محرابی در ایوان جنوبی، احتمالاً منظور از مسجد تابستانی همین ایوان بوده است. فضاهای جانبی (مطبخ، مبرز، خلوت، و مدرسه کوچک) در «زاویه»‌های^{۱۵} صحن قرار گرفته بودند و هریک صحن کوچک‌تری داشت (نک: ت ۱ و ۲).^{۱۶} ورودی اصلی در جلوخان مدرسه قرار داشت که بانی دو درخت چنار در آنجا نشانده بود.^{۱۷} همچنین احتمالاً، به‌جز ورودی اصلی در جلوخان، ورودی فرعی‌ای واقع در سمت غربی مدرسه ورود مجزا به خلوت و حمام را فراهم می‌کرد (نک: ت ۱ و ۲ و ۶).^{۱۸}

فضاهایی در پیرامون مدرسه قرار داشت. یخچال در سمت غربی جلوخان و جنوب مدرسه بود. خانه‌ای بر روی یخچال بود که «حدی به جلوخان مدرسه، حدی به شارع عام، حدی به مسجد زمستانی، و حدی به یخ‌چاوان»^{۱۹} محدود می‌شد و به مدرس مدرسه وقف شده بود. خانه‌ای دیگر جنب مدرسه کوچک بود که «حدی به خانه وقفی مدرسه، حدی به شارع عام، حدی به مدرسه کوچک، و حدی به یخ‌چاوان» محدود

در بخش دوم دگرگونی‌های مدرسه را در چهار دوره تاریخی بررسی می‌کنیم: اول، در زمانی که مدرسه مرکز علمی تهران شد؛ دوم، هنگامی که مرکز مذهبی-اجتماعی قدرتمندی شد؛ سوم، دوره مشروطه و کمی پیش از آنکه محل منازعات قدرت بود؛ چهارم، مدرسه در اواخر دوره قاجاریه.

در این دگرگونی‌ها به این می‌پردازیم که چطور با وجود پشتیبانی حکومتی در زمان ساخت و نزدیکی بانی به شاه، مدرسه پس از یافتن مرکزیت علمی پایگاهی برای علمای شهر شد و جایگاهی مردمی در مقابل حکومت یافت و چطور ویژگی‌های افراد، فضاها، و فعالیت‌های اولیه پیش‌بینی‌شده برای مدرسه و دگرگونی‌های آن با نقش اجتماعی متفاوت مدرسه در هر دوره ارتباط متقابل داشت و در نهایت با افول نقش اجتماعی‌اش، از رونق افتاد و از لحاظ کالبدی هم رو به اضمحلال رفت.

۱. شکل‌گیری مدرسه

مدرسه مروی میان سال‌های ۱۲۲۸ تا ۱۳۳۲ ساخته شد.^۹ محمدحسین خان مروی دست‌کم از سال ۱۲۲۸ در حال ساخت یا تدارک برای ساخت مدرسه بوده است؛ چراکه تاریخ وقف برخی از کتاب‌های مدرسه ۱۲۲۸ است.^{۱۰} ماده تاریخ ساخت بنا در شعر فتحعلی خان صبا ۱۳۳۱ ذکر شده، اما با توجه به آخرین کتیبه، ساخت بنا تا سال ۱۳۳۲ طول کشیده است.

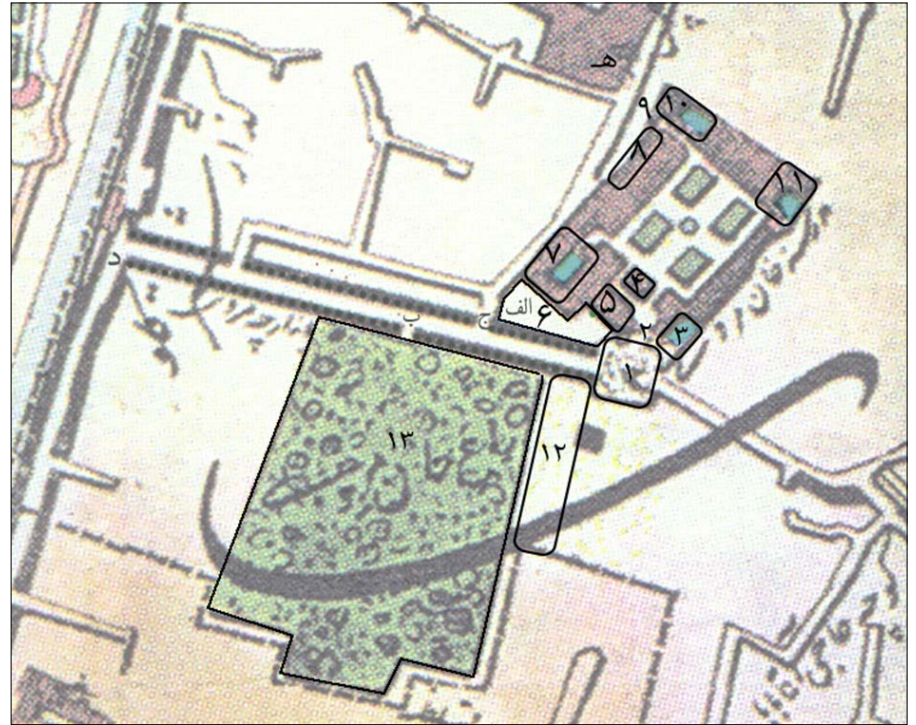
۱.۱. خصوصیات کالبدی مدرسه

مدرسه مروی در انتهای کوچه‌ای در محله عودلاجان بنا شد که از گذر شرقی مجاور دیوار و خندق ارگ منشعب می‌شد. فضاهای مدرسه شامل «مدرسه بزرگ»، «مدرسه کوچک»، مکتب‌خانه، منازلی برای مدرس و امام‌جماعت و «تالی»^{۱۱}، و حمام و یخچال بود. این مدرسه در کنار مجموعه باغ و منزل

می‌شد و با همه متعلقات آن به امام‌جماعت مدرسه‌ها وقف شده بود.^{۲۰} حمامی هم در سمت غرب مدرسه و پشت حجرات صحن اصلی قرار داشت،^{۲۱} که بر اساس محل بنا شدنش، می‌توانست در خدمت مدرسه و بیرون آن باشد. فضاهای دیگری در جنوب معبر مروی، که بیشتر مجموعه

خصوصی واقف بود، هم وقف مدرسه شده بود؛ از جمله خانه‌ای جنب اصطبل و وقف بر تالی و مکتب‌خانه‌ای «جنب دولت‌سرای جناب واقف».^{۲۲} بخش‌های دیگر شامل باغ، حمام، طویله، و مطبخ می‌شد. این حمام احتمالاً حمام خصوصی واقف بود.^{۲۳} وقف باغ و قسمت‌های جنوب معبر مروی به مدرسه امکان ساخت بازارچه مروی و اضافه کردن بناهای دیگری در دوره‌های بعدی را فراهم کرده بود.

فضاهای مدرسه در خدمت آموزش و زیست طلاب بود، اما مختص به آنها نبود. در وقف‌نامه فضاها از لحاظ اهداف در نظر گرفته شده برای آن و بر اساس افراد مجاز به استفاده تقسیم شده بود. همچنین نوع و ترتیب قرارگیری آنها و ارتباطشان با مدرسه و پیرامون نشان می‌دهد که، این فضاها برخلاف صورت کلی مدارس، صرفاً شامل فضاهایی برای ایجاد خلوت لازم برای تحصیل طلاب نبود.^{۲۴} به‌طور کلی فضاها شامل چهار دسته بود: دسته نخست مختص طلاب و شامل مدرس‌ها، حجرات و متعلقات آنها از کتاب‌ها و فرش‌ها و ظروف و مدرسۀ کوچک واقع در زاویه جنوب غربی صحن بود؛ دسته‌ای دیگر برای طلاب و عموم مسلمانان و شامل مسجدها، مبرز، و حوض صحن و مبرز بود و مکتب‌خانه هم وقف بر اطفال بود؛^{۲۵} دسته سوم به فرد یا منصبی از مدرسه اختصاص یافته بود، از جمله «خلوت» واقع در زاویه شمال غربی صحن که شامل کتابخانه مدرسه و مجموعه‌ای کوچک برای زندگی فرزند واقف بود تا در آنجا به تحصیل علوم بپردازد،^{۲۶} دو حجره در دهلیز مدرسه هم به مؤذن و آبدستان‌دار و خدام مدرسه اختصاص داشت، سه خانه هم برای مدرس و امام‌جماعت و تالی وقف شده بود. همه فضاهای دسته سوم به گونه‌ای قرار داشت که حدی به شارع عام یا جلوخان داشت و می‌توانست علاوه بر ارتباط با مدرسه، به‌صورت مستقیم با بیرون مدرسه در ارتباط باشد و امکان رفت‌وآمد مستقل از مدرسه را برای این افراد فراهم



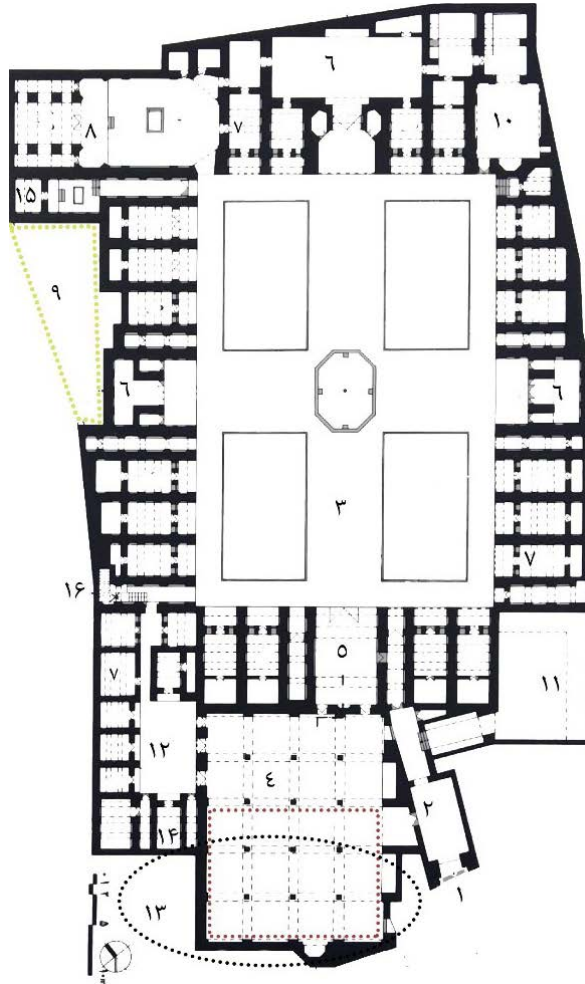
ت ۱. مدرسۀ مروی در نقشه کرشیش ۱۲۷۵، مأخذ: محسن معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵). افزوده‌ها از نویسنده. اولین نقشه حدودی مدرسه و فضاهای آن در زمان ساخت بر اساس وقف‌نامه (حیاط زاویه‌ها یا رنگ آبی مشخص شده است): ۱. جلوخان، ۲. دهلیز، ۳. مبرز، ۴. مسجد تابستانی، ۵. مسجد زمستانی، ۶. یخچال که بر روی آن در سمت غرب خانه مدرس و در سمت شرق خانه امام‌جماعت قرار داشته است، ۷. مدرسۀ کوچک، ۸. حمام، ۹. ورودی فرعی غربی، ۱۰. خلوت، ۱۱. مطبخ، ۱۲. محل مکتب‌خانه و خانه تالی و اصطبل و مطبخ و حمام مجموعه باغ و منزل مروی، ۱۳. باغ مروی. تحولات و افزوده‌ها در دوره ملا محمد اندرمانی: الف. تبدیل یخچال به آب‌انبار، ب. خیابان و بازارچه مروی، ج. راهرو احداثی، د. بازار کنار خندق ه. خانه سپهسالار.

همچنین جزئیات این نقشه همچون تناسبات صحن مدرسه کوچک و خلوت، که اکنون موجود و قابل انطباق است، دقت این نقشه را نشان می‌دهد و بر همین مبنا می‌توان چنین در نظر گرفت که مسجد زمستانی هم در آن زمان مساحتی کوچک داشته و در ارتباط با صحن نبوده و از طریق دهلیز از فضاهای مدرسه جدا می‌شده است.

۱۷. شمس‌الدین رشیدی، *سوانح عمر* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ۱۳۹.
 ۱۸. وجود این ورودی برای خلوت میرزا اسماعیل و حمام ضروری به نظر می‌رسد.

ت ۲. نقشه حال حاضر مدرسه و فضاهای آن بر اساس وقف‌نامه، مأخذ: کامبیز حاجی‌قاسمی (و.)، *بناهای مذهبی تهران* (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۷)، ۱۳۷، افزوده‌ها از نویسنده.
 ۱. جلوخان، ۲. دهلیز فعلی، ۳. صحن، ۴. مسجد زمستانی (محدوده گسترش با خطچین نشان داده شده است)، ۵. مسجد تابستانی، ۶. مدرس، ۷. حجره، ۸. خلوت (کتابخانه)، ۹. حمام، ۱۰. مطبخ، ۱۱. مبرز، ۱۲. مدرسه کوچک، ۱۳. یخچال / آب‌انبار، ۱۴. چاه آب، ۱۵. ورودی فرعی غربی، ۱۶. پلکان بام افزوده دوره ملا علی کنی.

از مناسک دینی تعزیه‌داری در دهه محرم بود که بخشی از منافع موقوفات به آن اختصاص می‌یافت.^{۳۴} هدف ساخت مطبخ هم بیشتر طبخ و اطعام در «اوقات شریفه تعزیه‌داری سیدالشهداء»^{۳۵} بود تا تهیه غذای روزمره طلاب.^{۳۶} اسباب و وسایلی نیز برای اطعام و پذیرایی در نظر گرفته شده بود، که این خبر از اهمیت برگزاری مراسم و همراه بودن آن با پذیرایی می‌دهد.^{۳۷} باین حال به نظر می‌رسد در ابتدا این فعالیت‌ها بیشتر برای جمع طلاب مدرسه بود تا برای عموم مردم؛ هم



کند (نک: ت ۱ و ۲ و ۶). دسته چهارم برای پشتیبانی دیگر فضاها بود؛ همچون یخچال، حمام غربی مدرسه، انباری در دهلیز مدرسه برای «حراست ظروف و فروش و سایر اسباب و متعلقات مدرسه و مسجدین و اسباب طلبه»^{۳۷}، مطبخ در زاویه شمال شرقی صحن، و چاه آبی که به خاطر فقدان آب در مدرسه کوچک احداث شده بود.^{۳۸} بخشی از این فضاها نیز، چون یخچال و حمام به گونه‌ای در پیرامون مدرسه قرار داشت که هم می‌توانست خدماتی را به ساکنان مجموعه عرضه کند و هم در خدمت مردم باشد و به این ترتیب بخشی از نیازهای محلی را در محله رو به رشد عودلاجان در زمان فتحعلی‌شاه مرتفع کند.^{۳۹}

۲.۱. فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای مدرسه

مهم‌ترین فعالیت مدرسه آموزش علوم دینی^{۴۰} و تمهیدات آن اعم از فضا و امکانات تحصیل شامل مدرس و کتابخانه و کتب مختلف، و منابع مالی برای آنها بود.^{۴۱} بنا بر سنت آموزش مدرسی، تحصیل عموماً با سکونت طلاب در مدرسه همراه بود. در حجره وسایل اندکی هم برای زندگی روزمره طلاب در نظر گرفته شده بود؛ نظیر آفتابه و لگن و قالی و وسیله روشنایی در شب، چون شمع‌دان و پیه‌سوز و منقل؛^{۴۲} که احتمالاً هم برای گرما و هم برای پخت‌وپز مختصر در حجره به کار می‌رفته است. درواقع حجره و امکانات اندک آن هم برای اقامت و زندگی روزمره بود و هم می‌توانست فضایی خلوت برای تحصیل فراهم کند.

بخش دیگری از فعالیت‌های مدرسه برگزاری مناسک دینی نظیر نماز جماعت و تلاوت قرآن و عزاداری و مسجد فضای اصلی این فعالیت‌ها بود. برای اقامه روزانه نماز جماعت در مدرسه محلی برای اقامت امام‌جماعت و مؤذن در مدرسه وجود داشت و آنها از موقوفات هم سهم می‌بردند.^{۴۳} بخش دیگری

۱۹. چالمه، یخندان، یخچال. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «یخچاوان». از به کار بردن دو واژهٔ یخچال و یخچاوان در وقف‌نامه به‌نظر می‌رسد یخچاوان به‌طور خاص به مخزن یخچال، و یخچال به کل مخزن و دیگر قسمت‌ها با هم اشاره دارد. ۲۰. نک: مروی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی».

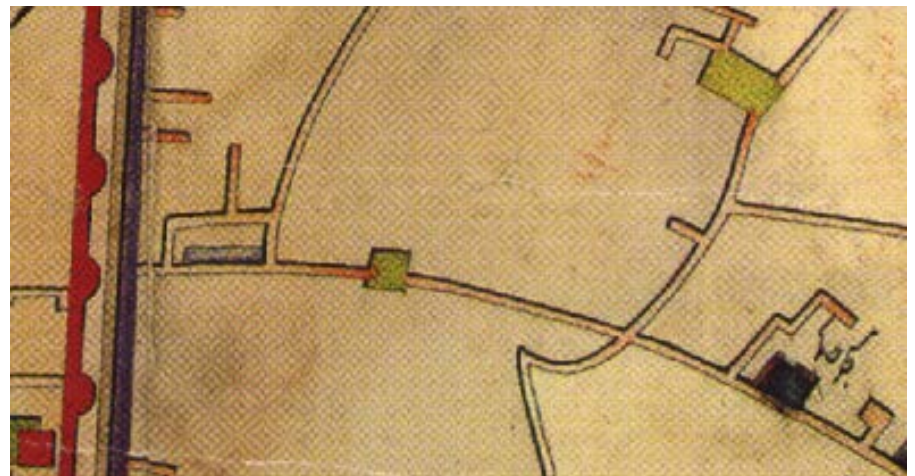
۲۱. استادی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی تهران»، ۶۸-۶۹. ۲۲. نک: مروی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی».

ت ۳. جلوخان مدرسهٔ مروی در نقشهٔ برزین ۱۲۶۸، مأخذ: آرشیو الکترونیکی دانشکدهٔ معماری دانشگاه شهید بهشتی؛ در راهنمای نقشه رنگ سبز نشانهٔ میدان و رنگ آبی نشانهٔ حوض نوشته شده است.

فضای مساجد کوچک بود و هم در وقف‌نامه تعزیه‌داری و اطعام با تأکید بر حضور طلاب مدرسه آمده و پیش‌نماز هم «امام‌جماعت مدرستین» ذکر شده است.^{۳۸} به این ترتیب، ابتدا مسجد بیشتر در نقش عبادتگاهی برای طلاب بود که، با توجه به آموزش دینی در مدارس، جزئی لاینفک از زندگی طلاب به‌نظر می‌رسید؛ اما این پیش‌بینی برای انجام مراسم مذهبی ظرفیتی برای گسترش آن در دوره‌های بعدی فراهم کرد.

۱.۳. افراد مؤثر بر شکل‌گیری و ادارهٔ مدرسه

بانی مدرسه مهم‌ترین نقش را در بنیاد نهادن مدرسه و تعیین سازوکار آن داشت. او حاج محمدحسین خان پسر حاکم مرو در دورهٔ فتحعلی‌شاه بود که، پس از کشته شدن پدرش به‌دست ازبکان، فرار کرد و به تهران آمد و در خدمت فتحعلی‌شاه ملقب به فخرالدوله شد.^{۳۹} و به‌سبب آن مدرسه را فخریه گفته‌اند. او از مقربان دربار شاه بود و جایگاه و منزلت رفیعی نزد او داشت.^{۴۰} تا آنجا که مدرسهٔ مروی را با پشتیبانی شاه ساخت. گواه آن توضیحی از زبان فتحعلی‌شاه در تمجید خود و خان مروی و مدرسهٔ او و معاف بودنش از مالیات در ابتدای وقف‌نامه است.^{۴۱}



مادهٔ تاریخ ساخت مدرسه هم در شعری سرودهٔ ملک‌الشعراى دربار، فتحعلی‌خان صبا، آمده که معمولاً برای ساخت بناهایی به دستور شاه شعر می‌سرود. به این ترتیب، جایگاه درباری بانی، همراه با ثروت و قدرتش، فخرالدوله را مؤثرترین فرد در تعیین سازوکار مدرسه کرد. تأثیر بانی بر مدرسه محدود به ساخت بنای اولیه و تخصیص موقوفات آن نبود، بلکه او شیوهٔ ادارهٔ آن را نیز معین کرده بود. وقف‌نامه نظام‌نامه‌ای برای مدرسه است، که زبان گویای بانی و اندیشهٔ او دربارهٔ سازوکار فعالیت‌ها و ادارهٔ مدرسه است و حتی پس از فوت او نیز نافذ مانده است. پس از بانی، مؤثرترین افراد در مدارس متولیان وقف آنها بودند. در وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی شروطی برای متولی آمده که، علاوه بر مدیریت داخلی مدرسه، موجب اهمیت دوچندان آن در ارتباط مدرسه با بیرون شده است. تولیت مدرسه با «مجتهد جامع‌الشرايط دارالسلطنهٔ تهران» بود و در صورت نبود او موکول است به اعلم و اتقای علمای بلدهٔ مذکوره به شرط اقتدار، و با عدم اعلم مقتدر در آن به عالم عادل مقتدر دارالسلطنهٔ مذکوره.^{۴۲}

اقتدار متولی موجب حفظ موقوفات و داشتن علم لازمهٔ مدیریت آموزشی مدرسه بود. مجتهد جامع‌الشرايط معمولاً از قدرتمندترین مجتهدان و محل رجوع مردم برای پرسش‌های دینی و پرداخت وجوهات شرعی و نیز ریاست محکمهٔ شرع بود.^{۴۳} قرار گرفتن چنین شخصی بر تولیت بزرگ‌ترین مدرسهٔ شهر بر ارزش و اعتبار او می‌افزود و همچنین به‌واسطهٔ قدرت او مدرسه و موقوفات آن از گزند تصرف در امان می‌ماند. ضمن آنکه مرجعیت متولی موجب اثرگذاری مدرسه بر عموم مردم و برعکس بود. این فایدهٔ دو سویه موجب می‌شد که افراد بسیاری خواستار تولیت این مدرسه باشند.^{۴۴} در واقع مهم‌ترین پیش‌بینی بانی برای حفظ حیات مدرسه سازوکار سه‌گانه‌ای میان حکومت و علما و مردم و پشتیبانی آنها و درعین حال جلوگیری از تصرف آنها در مدرسه بود.

۲. دگرگونی‌های مدرسه

ویژگی‌های مذهبی، آموزشی، و اجتماعی مدرسه همراه با امکانات کالبدی، فضایی، و کارکردی آن سبب شد که موقعیت و نقش مدرسه در دوره قاجاریه دگرگون شود و همراه با آن خصوصیات کالبدی و فضایی‌اش نیز تغییر کند.

۲.۱. مدرسه، مرکز علمی تهران

مدرسه مروی در مدت کوتاهی تبدیل به مرکز آموزشی مهم و تراز اول تهران شد و جایگاه آموزشی شهر تهران را به کلی تغییر داد. وجود مدرسان سرشناس، نبود محدودیت در مواد درسی، و تولید علمای صاحب‌نام مهم‌ترین دلایل کسب این جایگاه علمی بود. این موقعیت بر سطح زندگی در مدرسه هم اثر گذاشت و به ارتقای کیفیت فضایی آن انجامید.

در دوره صفویه مدرس رکن اساسی آموزش به‌شمار می‌رفت و جایگاه اجتماعی بالایی داشت. مدرسان اغلب از عالمان بزرگ دینی بودند و عنوان «مدرس» برای علما نشان از اهمیت بالایی این جایگاه بود.^{۴۵} پس از دوره صفویه همچنان اصفهان پایتخت علمی کشور باقی ماند؛ به همین علت، فتحعلی‌شاه از آخوند ملا علی نوری، درخشان‌ترین فرد در فلسفه و حکمت در اصفهان، خواست که برای تدریس در مدرسه مروی به تهران بیاید؛ اما او به علت کهولت سن آقا عبدالله مدرس زوزی، شاگردش در حکمت را، که جامع علوم معقول و منقول بود، برای تدریس به «مدرسه جدیدالبنای مروی» فرستاد. ایشان بیست سال تا زمان درگذشت در سال ۱۲۵۷ در مدرسه تدریس کرد.^{۴۶} او موجب انتقال مکتب فلسفی اصفهان به «مکتب تهران» شد.^{۴۷} او را مؤسس حوزه فلسفی و عرفانی تهران دانسته‌اند.^{۴۸}

از دیگر عوامل رونق فلسفه و حکمت در مدرسه مروی عدم محدودیت تحصیل در مدرسه به حوزه‌های خاص و نهمی شدن دیگر علوم بود که در اواخر دوره صفویه و دوره قاجاریه

کم‌وبیش مرسوم بود.^{۴۹} این موضوع موجب شد حکمت، که در اواخر دوره صفویه رو به افول بود، در اینجا شکوفا شود. از نشانه‌های عدم محدودیت مدرسه در آموزش علوم مختلف تنوع کتب در نظر گرفته شده برای مدرسه بود.^{۵۰}

تولیت مجتهدان صاحب‌نام نیز بر رونق علمی مدرسه افزود. مرکزیت علمی مدرسه مروی در دوره تولیت میرزا محمد اندرمانی تهرانی (از ۱۲۴۵ تا ۱۲۸۲)^{۵۱} محقق شد. او رئیس‌العلمای دارالخلافة و «از درجه نخستین مجتهدین بود و به بسط ید و نفاذ امر و قبول کلمه امتیازی بین داشت»^{۵۲} و به همین سبب مدیریت مدرسه مروی را بر عهده داشت.^{۵۳} او هم ریاست محاکم شرع و هم تولیت و مُدرسی مدرسه را داشت. همچنین با جایگاه بالایش میان علما، فضایی بزرگ در مجلس درسش حاضر می‌شدند و ملا علی کنی هم در ابتدای امر از شاگردان وی بود.^{۵۴}

مقام علمی بالای حاج میرزا محمد اندرمانی مدرسان صاحب‌نام را به مدرسه جلب کرد. در زمان تولیت وی بزرگان بسیاری از جمله ملا محمدتقی اردکانی^{۵۴}، حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری^{۵۵}، و ملا عبدالهادی مدرس تهرانی^{۵۶} در مدرسه مروی به تدریس مشغول بودند. با حضور علما امکان تحصیل از سطوح مقدماتی تا سطوح بالای علمی در مدرسه فراهم شد؛^{۵۷} در حالی که پیش از آن طلاب برای خواندن سطوح بالاتر باید به حوزه‌های بزرگ اصفهان یا عتبات می‌رفتند. در این دوره رونق مدرسه چنان بود که تدریس در آن موجب «اشتهار» مدرسان و محصلان آن می‌شد.^{۵۸} این رونق علمی، به‌خصوص با خواندن علمای دیگر شهرها به تهران، در زمان محمدشاه ممکن شد.^{۵۹} تأمین رفاه بیشتر برای طلاب مدرسه نیز در بالاتر بردن جایگاه مدرسه اثر داشت. در زمان تولیت میرزا محمد اندرمانی مدرسه «فقط یک نقص داشت» و آن فقدان آب‌انبار بود؛ چراکه در آن زمان یخچال هم به‌واسطه نرسیدن آب قابل‌استفاده نبود و

۲۳. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۶۹.

۲۴. محمدکریم پیرنیا و غلامحسین معاریان. آشنایی با معماری اسلامی ایران: ساختمانهای درون‌شهری و برون‌شهری (تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۸)، ۹۲.

۲۵. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۲۶. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۶۱-۶۲.

۲۷. همان، ۵۸-۵۹.

۲۸. همان، ۶۱.

۲۹. نشانه دیگر عمومی بودن این فضاها در بخش بعدی آمده که در وقف‌نامه آب‌انبار ساخته‌شده در محل یخچال وقف بر طلاب و دیگران شده است.

۳۰. همان، ۶۰.

۳۱. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۳۲. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۷۰.

۳۳. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۳۴. نک: همان.

۳۵. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۵۸-۵۹.

۳۶. غذای طلاب در مدارس عموماً غذایی ساده بود و نیاز به پخت‌وپز چندانی نداشت.

۳۷. همان، ۷۱.

۳۸. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

حتی در زمان دایری هم نقص تأمین آب را جبران نکرده بود.^{۶۰} به همین علت در سال ۱۲۷۱، با کمک مالی خیری، آب‌انباری در محل یخچال^{۶۱} ساخته و به طلاب و سکنه و غیر آنها وقف شد.^{۶۲} این تغییر زمینه‌ساز ساخت بازارچه در اطراف مدرسه شد. بعد از تبدیل یخچال به آب‌انبار، چون زمین دو طرف معبر ملک مدرسه بود و «قابلیت و استعداد بازارچه داشت» و می‌توانست عواید مالی بسیاری برای مدرسه داشته باشد، بازارچه‌ای در دو طرف معبر ساخته شد. بازارچه در مدت چهار سال (۱۲۷۱-۱۲۷۵)^{۶۳} با ۲۳/۵ طاق، شامل ۴۴ باب دکان و دو دکه، ساخته شد. ساخت آن بدون تصرف فضاهای دو سمت معبر بود و فقط چند درخت در باغ و معبر از بین رفت،^{۶۴} که این حکایت از عرض بسیار معبر دارد. بعد از ساخت «بازارچه جدیدالاحداث مدرسه» و به جهت «مرغوبی بازارچه» و تردد زیاد اهل محله و «مصلحت بازارچه» یک باب از دکان‌ها به «راهرو» از بازارچه به طرف شمال و خانه سپهسالار (نک: ت ۱ و ۶) تبدیل شد.^{۶۵}

تغییرات شهر در اطراف مدرسه نیز موجب تردد بیشتر مردم در محدوده آن شد. با ساماندهی حصار و خندق در عرصه شرقی ارگ در سال ۱۲۶۷ بازار جدید موسوم به بازار کنار خندق ساخته شد که از ابتدای معبر مروی به سمت جلوخان مسجد شاه می‌رفت و در نهایت به بازار می‌پیوست (نک: ت ۱).^{۶۶} در سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۳ مدرسه سپهسالار قدیم^{۶۷} هم در کنار مدرسه مروی ساخته شد.^{۶۸} راهروی کنار بازارچه به سمت خانه بانی، میرزا محمدخان سپهسالار، می‌رفت و احتمالاً در زمان ساخته‌شدن راهرو، او هم در تدارک ساخت مدرسه بود و این راهرو ارتباط راحت‌تری بین منزل بانی و موقوفه او فراهم می‌کرد. ساخت بازارچه و فضاهای دیگری در اطراف مدرسه در موقعیت اجتماعی آن اثرگذار بود. بازارها محل حضور مردم بود و می‌توانست ارتباط بی‌واسطه طلاب و علما و عموم مردم

را فراهم و کارآمدی اجتماعی مدرسه را بیشتر کند؛ مثلاً اهل بازارچه می‌توانستند برای نماز یا دیگر فعالیت‌های مذهبی در مسجد مدرسه حاضر شوند یا به سبب رفت‌وآمد در محدوده آن از اخبار و اتفاقات مدرسه باخبر شوند. از طرف دیگر، بازارچه که متعلق به مدرسه بود، مرکزیتی محلی به مدرسه می‌بخشید؛ چراکه بازارچه بیش از مدرسه محل مراجعه مردم بود. همچنین با ساخت بازارچه و آب‌انبار مدرسه بیش از پیش خودبسا شد و می‌توانست بر محله نیز چنین اثری بگذارد و نیازهای روزانه طلاب و مردم محل را تأمین کند. از نشانه‌های آن می‌توان وجود دکان‌های خبازی لواشی در آن زمان و بعدتر قهوه‌خانه^{۶۹}، چلوپزی، و خبازی سنگگی در بازارچه را برشمرد.^{۷۰} ساخت بازارچه به منابع مالی و ثروت مدرسه هم می‌افزود، که می‌توانست در خدمت گسترش فعالیت‌های مدرسه و رفاه آن باشد. عواید مالی حاصل از بازارچه برای تأمین سوخت برای زندگی طلاب و سکنه مدرسه و گرمایش مسجد آن و تعزیه‌داری در مدرسه شامل هزینه‌های اطعام و قهوه و قلیان و اجرت روضه‌خوان در سال ۱۲۷۸ وقف شده بود.^{۷۱}

ساخت بازارچه، علاوه بر مرکزیت محلی، مرکزیتی شهری به مدرسه بخشید. برخی از دکان‌هایش فراتر از نیازهای محلی و در خدمت عموم مردم بود، همچنین در این زمان در وقف‌نامه از معبر منتهی به جلوخان مدرسه با نام «خیابان» یاد شده، درحالی‌که پیش‌تر به آن «شارع عام» اطلاق می‌شد.^{۷۲} به نظر می‌رسد با ساخت دکان‌ها در دو سمت این معبر، آنجا به نوعی سامان یافته که «خیابان» به آن اطلاق شده است^{۷۳} و این موقعیتی ممتاز برای مدرسه بود؛ چراکه در همان زمان در نقشه کرشیش نامی از خیابان دیگری در شهر نیامده است^{۷۴} و علاوه بر آن جلوخان مدرسه با علامت میدان درج شده است. این خیابان احتمالاً از اولین خیابان‌های تهران پیش از گسترش شهر در دوره ناصری و ساخت خیابان ناصریه بود که به میدان / جلوخان مدرسه می‌رسید.

۳۹. استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی طهران، ۱۵.
 ۴۰. احمدمیرزا قاجار، تاریخ عضدی (تهران: علمی، ۱۳۷۶)، ۱۵۰.
 ۴۱. محمدحسین مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».
 ۴۲. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۶۱.
 ۴۳. حسین آبادیان، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، ص ۱۶۵، ۱۷۵.
 ۴۴. نک: بند ۲۳ مقاله حاضر.
 ۴۵. موسی‌الرضا بخشی، مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه (تهران: یاسین نور، ۱۳۹۲)، ۱۵۱.
 ۴۶. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ۲۱۱؛ حسین محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ۷۶۵.
 ۴۷. حسین نصر، «حکمت در تهران: گذری بر دیدگاه‌های فلسفی مکتب تهران»، خردنامه همشهری، ش. ۳ (خرداد ۱۳۸۵): ۳۰.
 ۴۸. حسین نصر، «حوزه فلسفی و عرفانی تهران»، در تهران: جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، (تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۸)، ۱۰۰.

۴۹. مثلاً در مدرسهٔ مریم‌بیگم خواندن کلیهٔ کتب حکمت و علوم عقلی منع شده و یا در مدرسهٔ چهارباغ اصفهان شرط بود یکی از کتب حدیث حتماً در برنامهٔ درسی باشد (نک: عفت خوشنودی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مریم‌بیگم». وقف میراث جاویدان، ش. ۷۴) تابستان ۱۳۹۰؛ محمد نادر نصیری مقدم، مصحح. «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ چهارباغ اصفهان»
۵۰. شامل قرآن و ادعیه و تفاسیر، نهج‌البلاغه و شروح آن، احادیث، فقه و اصول، ادب و تاریخ، حکمت و کلام و اخلاق، ریاضی و حساب و نجوم، ادب. نک: استادی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی تهران».
۵۱. بر اساس تاریخ تبعید میرزا مسیح متولی پیشین و زمان فوت میرزا محمد اندرمانی.
۵۲. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۲۰۶.
۵۳. عبدالله مودی، ملاحیب‌الله شریف کاشانی «فقیه فرزانه» (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)، ۳۸-۳۷؛ حبیب‌الله الشریف الکاشانی، لباب الالقاب فی القاب الاطیاب (قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۴)، ۱۶۴.
۵۴. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۱۹۶-۱۹۵.
۵۵. محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲، ۷۷۰.
۵۶. حبیب‌الله الشریف الکاشانی، لباب الالقاب فی القاب الاطیاب، ۱۷۱
۵۷. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۲۰۳.
۵۸. همان.

تصرف وقف نرسیده بود، به موقوفات اضافه کند و بسیاری از املاکی را، که به مرور از موقوفه خارج شده بودند، دوباره تصرف کند. علاوه بر اینها، در برخی اراضی موقوفه بناهایی احداث کرد که به ثروت مدرسه بسیار افزود. همچنین به خاطر حضور او خیرین دیگری از درباریان و غیره، احتمالاً برای جلب نظر او، موقوفاتی به مدرسه اهدا کردند.^{۸۴} افزایش موقوفات در رابطه‌ای متقابل موجب افزایش ثروت و قدرت متولی شد؛ چراکه بخشی از درآمد حاصل از آنها حق‌التولیه بود.

در این دوره وضع مدرسه بسیار منظم شد.^{۸۵} مدرسه همچنان مرکزیت علمی داشت. ملا علی کنی اعلم علمای ایران بود^{۸۶} و علمای بسیاری به دعوت او در مدرسه تدریس می‌کردند؛ از جمله میرزا عبدالرحیم نهایندی از علمای بزرگ فقه و اصول^{۸۷}، سید عبدالکریم لاهیجی^{۸۸}، و میرزا محمد مهدی حجار^{۸۹}. ملا علی کنی همچنین به احیای کتابخانه و افزودن کتب آن پرداخت و مبالغی از موقوفات را برای آن در نظر گرفت^{۹۰} که اسباب مهمی برای تحصیل طلاب بود.

دگرگونی مهم در این دوره ساخت «مسجدی بس رفیع مشتمل بر بیست طاق» (پیش از ۱۲۹۶) در محل مسجد زمستانی بود (نک: ت ۵).^{۹۱} پس از آن بود که در متون جز «مدرسهٔ مروی» نام «مسجد مروی» آمده است؛^{۹۲} در حالی که پیش‌تر هیچ‌گاه واژهٔ «مسجد» برای اشاره به مجموعه به کار نرفته بود. همچنین «امام‌جماعت» منصبی مهم و در نقش اجتماعی مدرسه اثرگذار شد.^{۹۳} پیش از آن هیچ فرد خاصی در مقام امام‌جماعت مدرسه ذکر نشده بود. به نظر می‌رسد که پیش‌تر مسجد برای طلاب بود تا آنکه مسجدی عمومی باشد؛ اما پس از گسترش مسجد در کنار مدرسه، رکنی دیگر از مجموعه شد که بیشتر در خدمت عموم بود؛ گویی دیگر فعالیت اصلی مدرسه منحصر به تحصیل نبود.

ساخت مسجد امکانی برای گسترش مناسک دینی فراهم

۲.۲. مدرسه، مرکز مذهبی اجتماعی قدرتمند

اهمیت تولیت مدرسه که بانی مشخصاتش را در وقف‌نامه ذکر کرده بود، در دورهٔ سوم حیات مدرسه آشکار شد. این دوره مقارن با گسترش نفوذ علمای مذهبی و رونق مناسک مذهبی در عین رشد و توسعهٔ روزافزون پایتخت بود. در این شرایط تولیت قدرتمند نقشی مهم در ارتقای فضایی مدرسه و تغییر ترکیب آن و توسعهٔ فضاهای پیرامونش داشت و بر اهمیت فضای اجتماعی مدرسه افزود.

مدرسه در دورهٔ تولیت ملا علی کنی مرکز مذهبی - اجتماعی قدرتمندی شد. ملا علی کنی، سومین متولی مدرسه (از ۱۲۸۲ تا ۱۳۰۶)^{۹۵}، مقبولیتی تام در تهران داشت و از مجتهدان جامع‌الشرایط و به‌نوعی پیشوای مردم بود.^{۹۶} جایگاه مردمی او از علل اثرگذاری اجتماعی مدرسه در این دوره بود.^{۹۷} جایگاه مردمی او به حدی بود که در زمان درگذشتش، در محرم ۱۳۰۶^{۹۸} دکان‌ها چهار روز تعطیل شد و افراد و اصناف مختلف شهر از گبر و یهود و ... عزاداری‌های مفصلی برای او گرفتند و ختمش را در مسجد مروی برگزار کردند؛ طوری که به گفتهٔ اعتمادالسلطنه «تا به حال برای احدی در ایران این‌طور عزاداری نکرده بودند».^{۹۹}

ملا علی کنی بر حکومت و شخص شاه هم نفوذ بسیار داشت، تا آنجا که به نقل از سفیر امریکا با یک کلمه می‌توانست شاه را از سلطنت خلع کند.^{۱۰۰} او روابط بسیاری با افراد مختلف در دربار داشت.^{۱۰۱} ناصرالدین شاه هم محترم‌ش می‌شمرده؛^{۱۰۲} چراکه از جایگاه مردمی او آگاه بود و می‌ترسید. او به‌واسطهٔ نفوذ بر شاه و مردم نقشی تأثیرگذار در لغو امتیاز روبر و برکناری سپهسالار و برچیدن فراموش‌خانه داشت.^{۱۰۳}

قدرت و نفوذ ملا علی کنی موجب گسترش موقوفات مدرسه شد. او به تعمیر املاک سابق و زیاد کردن موقوفات مدرسه پرداخت و توانست موقوفاتی را، که از زمان واقف به

۵۹. همان، ۱۹۵-۱۹۶.

۶۰. محمد اندرمانی، «وقفنامهٔ مدرسهٔ مروی».

۶۱. بلاغی ذکر کرده که در زیر شبستان آب‌انبار بزرگی برای استفادهٔ عموم بوده است و بنابراین توضیح و حدود مشخص‌شدهٔ یخچال در وقف‌نامه، محل آن در نقشهٔ مدرسه مشخص شده است (عبدالحججه بلاغی، گزیده تاریخ تهران (تهران: مازیار، ۱۳۸۶)، ۶۹).

۶۲. محمد اندرمانی، «وقفنامهٔ مدرسهٔ مروی».

۶۳. همان.

۶۴. همان.

۶۵. طبق وقف‌نامه، زمین این راهرو متعلق به یخچال و وقف مدرسه بود و پیش از خراب شدن یخچال وجود نداشت؛ اما از آنجاکه در نقشهٔ برزین پیش از این زمان (۱۲۶۸) چنین معبری نشان داده شده است، به‌نظر می‌رسد در این زمان با تبدیل کردن یک باب دکان از بازارچه به راهرو به عرض معبر اضافه کرده‌اند. این راهرو طول و عرضی مطابق یک دکان داشته و عرض معبر را در محل برخورد با بازارچه بیشتر می‌کرد (نک: ت ۶).

ت ۴. مدرسه در اواخر دورهٔ قاجاریه، مأخذ: آرشیو آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان.
 ۱. مدرسهٔ سپهسالار قدیم، ۲. درختان صحن مروی، ۳. درختان جلوخان مدرسهٔ مروی، ۴. باغ مروی، ۵. بازارچهٔ مروی، ۶. جلوخان شمس‌العماره، ۷. بازارچهٔ کنار خندق، ۸. خیابان ناصریه.

کرد. فعالیت‌های مذهبی عمومی مدرسه نیز چون نماز جماعت و روضه‌خوانی «شأن و عظمت» یافتند و با تشریفات مفصل انجام می‌شدند.^{۹۴} تعزیه‌داری گسترش یافت و ملا علی کنی «در تکمیل تعزیه‌داری و لوازم و اسباب روضه‌خوانی چه اهمات کافیه و اقدامات وافیه مبذول فرموده» و این مجالس «بدیع هر مجلس و صنیع هر محفل» شده بود.^{۹۵} اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۹ از مجلس روضهٔ مدرسه تعریف مفصلی کرده است، که برای حضور در آن دعوت شده بود. مجلسی منظم که با نماز جماعت آغاز می‌شد و پس از آن روضه‌خوانی بود و شام مفصل خوبی در انتها داشت و خدمتکارهای مجلس همگی معمم و طلاب بودند.^{۹۶} ملا علی کنی مجموعهٔ ظروف و اسباب کاملی هم برای تعزیه‌داری تهیه کرد و انباری برای نگهداری آنها ساخت.^{۹۷} رواج عزاداری در مدرسه در سیاق توجه بیشتر به تعزیه و روضه و رونق آنها در دورهٔ ناصری اتفاق افتاد.^{۹۸} گسترش این فعالیت‌ها و حضور عموم در آنها وجههٔ مذهبی و اجتماعی مدرسه را اهمیت بخشید.

مرکزیت مذهبی موجب گسترش نفوذ مدرسه بر مردم بود. از اواخر دورهٔ ناصری با شکاف میان علما و حکومت کم‌کم مدرسه تبدیل به پایگاهی مردمی در مقابل حکومت شد. مثلاً

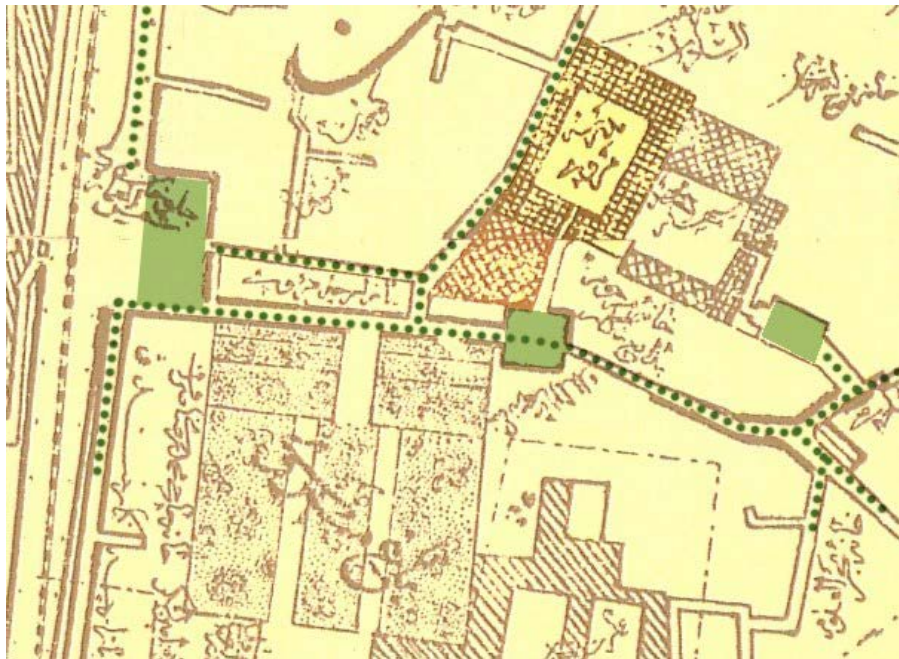
دکان‌داری نزدیک مدرسه در تنبیه شاگرد خود بابت دزدی، خود را تحت حمایت طلاب مدرسه مختار مجازات و بی‌نیاز از پلیس می‌دانست و در مقابل پلیس درشتی می‌کرد.^{۹۹} یا اندکی پس از فوت ملا علی کنی در نماز جماعت مسجد مروی «بیست‌هزار نفر» حاضر می‌شدند و برخلاف پیش‌نماز منصوب دولت در مسجد سپهسالار «مردم از روی عقیده» به ملا محمد رستم‌آبادی، امام‌جماعت مدرسه، اقتدا می‌کردند که «در باطن اثبات عدم تدین رجال دولت» می‌کرد و «اقتدار علما بر ضد دولت» را نشان می‌داد.^{۱۰۰}

از دیگر زمینه‌های بالا رفتن شأن مدرسه رسیدگی به کالبد مجموعه بود. در این دوره اقدامات اساسی در رفع مشکلات کالبدی و گسترش مجموعه انجام شد. در جلوخان و مقابل دو چنار آن، جایی که «بی‌حاصل افتاده و محل کثافات و موجب شکایت مردم» بود، چهار دکان و بر بالای آنها انبار و بالاخانه ساخته شد. در باغ مقابل مدرسه، برای حفظ غلهٔ حاصل از محصولات موقوفه، انباری ساخته شد تا ساکنان مدرسه از خیال قحطی و تنگی آذوقه در امان باشند. در بازارچه هم تغییرات اندکی ایجاد شد. همچنین در جنوب کوچهٔ مروی در بالای حمام و جنب مکتب‌خانه هم چهار دکان ساخته شد. مکتب‌خانه



۶۶ اسکندر مختاری، «سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان شمس‌العماره»، اثر، ش ۲۵ (فروردین ۱۳۶۷): ۱۱۴.

ت ۵. مدرسه مروی در نقشه عبدالغفار، مأخذ: وبگاه کتابخانه کنگره، افزوده‌ها از نویسنده. در این نقشه مسجد گسترش یافته و با هاشور مجزا از مدرسه نشان داده شده است. بازارچه و جلوخان شمس‌العماره و مدرسه سپهسالار قدیم و جلوخان آن نیز ساخته شده‌اند.



مکانی آن افزود. ابتدا ضلع شرقی خندق ارگ (۱۲۸۲) پر شد و بر روی آن خیابان نصریه از میدان توپخانه جدید تا دهانه بازار (۱۲۸۵) ساخته شد که به یکی از «تفرجگاه‌های عمومی شهر» تبدیل شد. هم‌زمان شمس‌العماره در سال ۱۲۸۴ ساخته شد^{۱۳} و پس از آن سردر (ح ۱۳۰۲-۱۳۰۳) و میدان جدیدی (۱۳۰۵) روبه‌روی آن و در ورودی بازارچه مروی و بازار کنار خندق ساخته شد که همان جلوخان شمس‌العماره و محلی برای برگزاری آتش‌بازی دولتی و جشن اعیاد بود^{۱۴} (نک: ت ۴ و ۵). با این تحولات، بازارچه و خیابان مروی مهم‌ترین راه ارتباطی ارگ و خیابان نصریه به سمت محلات شرقی بودند. ارتباط با این مراکز مهم بیش از پیش می‌توانست زمینه‌ساز حضور مردم در مدرسه و محدوده آن باشد.

در مجموع ملا علی کنی در دوره تولیت خود به‌نوعی مدرسه را احیا کرد و گسترش داد و به عظمتی بی‌سابقه رساند.

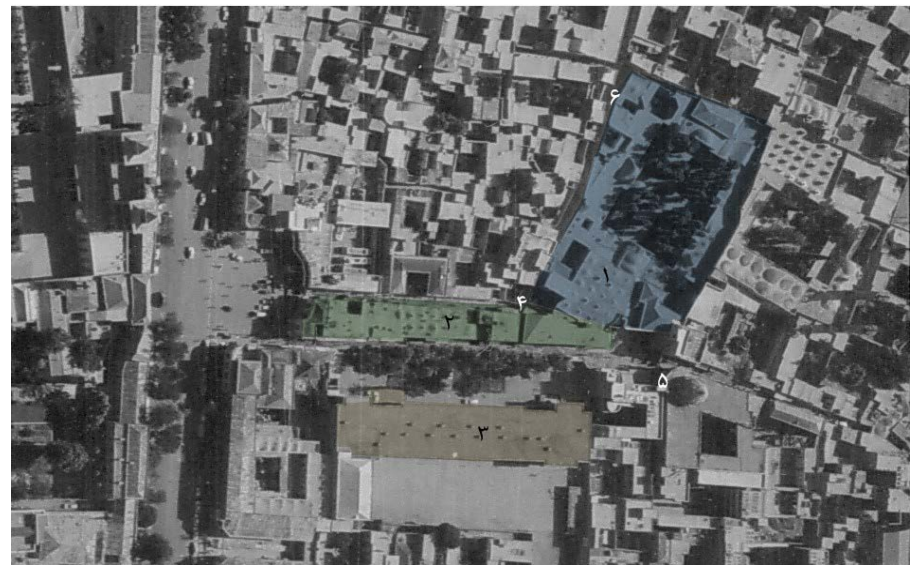
را هم، که هم‌سطح کوچه و مخروبه بود، خراب کردند. به جای آن دو دکان ساختند و مکتب‌خانه جدید در بالای آن دکان‌ها دایر شد. همچنین چون راه‌پله بام، که احتمالاً در زاویه شمال غربی صحن بود، از مدرسه کوچک دور و اقامت شب ساکنان آن در بام مشکل بود، حجره رطوبت‌گرفته و نامطلوبی در مدرسه کوچک به راه‌پله‌ای مجزا برای مدرسه کوچک تبدیل و به جای آن در محل قدیم پله بام «غرفه مسکون مرغوب» دیگری (نک: ت ۱ و ۲) ساخته شد.^{۱۵} سمت غربی مدرسه، که محل ورود آب به مجموعه و محل حمام بود، به‌طور کلی مشکل رطوبت داشت و پیش از آن هم خرابی یخچال را در پی داشت. در این دوره حمام پشت حجره‌های غربی مدرسه هم مخروبه و ساخت مجدد آن نیز به‌خاطر هم‌جواری با حجره‌ها و رطوبت مایه خرابی حجره‌ها بود، بنابراین به اقتضای آن زمان، یک خانه شامل اندرونی و بیرونی طبق «صلاح وقف و مدرسه» جای آن احداث و اجاره داده شد. برای دفع رطوبت، علاوه بر تخریب حمام، محل عبور آب راه، که پیش‌تر از سمت خلوت وارد حوض می‌شد، تغییر دادند. برای مسیر جدید صحن مدرسه را کردند و از طریق گذرگاهی آب را از جلوخان به حوض رساندند. در پی این اقدام، فرش کف حیاط را هم از صورت «ردیفی» به «نظامی» تغییر دادند. فرش کف سابق بر اثر حرکت دچار پستی و بلندی بود و برای عبور و مرور و خوابیدن در تابستان مشکل‌زا بود. در همین زمان اطراف چهار باغچه مدرسه هم «سنگ و مسطح و مصفا» شد.^{۱۶} این اقدامات ظاهری آراسته را فراهم کرد که می‌توانست نشانه‌ای از شأن بالا و ثروت مدرسه باشد؛ اقداماتی که نه‌فقط متوجه نیازها و رفع مشکلات طلاب و بالا بردن سطح رفاه ساکنان بود، بلکه برای رفع مشکلات مردم (در پی شکایت آنها) و بهبود کیفیت چهره بیرونی مجموعه هم بود. در این دوره تحولات کالبدی عمده‌ای در شهر رخ داد، که با تقویت ارتباط مدرسه با مهم‌ترین فضاهای شهری بر اهمیت

ت ۶ مدرسه و اطراف آن در سال ۱۳۴۷ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری، افزوده‌ها از نویسنده. تغییرات مدرسه: قطع درختان جلوخان و تبدیل باغ مروی به دبیرستان، ساخت سقف شیروانی برای مدرس شمالی و دکان‌های شرق جلوخان و تغییراتی در محل مبرز و مطبخ. مکان‌های نشان داده‌شده در تصویر: ۱. مدرسه و مسجد، ۲. بازارچه، ۳. دبیرستان جدیدالاحداث در باغ، ۴. راهرو، ۵. گذر جنوبی جلوخان، ۶. ورودی فرعی غربی.

امور مدرسه بسیار منظم شد و مدرسه همچنان جایگاه علمی معتبری داشت. نظم بخشیدن به موقوفات منابع ثروت بسیاری برای مدرسه حاصل کرد که امکان گسترش فعالیت‌ها و دگرگونی کالبد مدرسه را فراهم کرد. مسجد موجودیتی مستقل یافت و بر فعالیت‌های مدرسه اثر گذاشت. عامل دیگر برای مرکزیت اجتماعی مدرسه تحولات کالبدی در محیط پیرامون مدرسه بود که زیر نظر شاه انجام شد و مدرسه را به مکان‌های مهمی متصل کرد. گسترش مسجد محل مناسب‌تری در اختیار فعالیت‌های عمومی چون نماز جماعت و روضه قرار داد که گسترش بی‌سابقه این نوع فعالیت‌ها در مدرسه را فراهم کرد. این اتفاقات موجب افزایش اثرگذاری متولی و طلاب مدرسه بر مردم شد و جایگاه آنها را در مقابل حکومت تثبیت کرد.

۳.۲. مدرسه محل نزاع قدرت

تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی که از اواخر دوره ناصری آغاز و در انقلاب مشروطه به اوج رسید، فضای اجتماعی مدرسه



مروی را متأثر کرد و تلاش برای سلطه بر این فضا اهمیتی دوچندان یافت؛ هرچند فضای کالبدی مدرسه تغییری نکرد. به این ترتیب، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی طلاب و علما، در کنار فعالیت‌های آموزشی، بخشی از زندگی روزمره مدرسه شد. با تثبیت قدرت مدرسه در دوره ملا علی کنی، پس از فوت وی مدرسه محل نزاع حکومت و علما شد. ابتدا به فرمان شاه و برخلاف وقف‌نامه، تولید مدرسه به میرزا زین‌العابدین امام‌جمعه (۱۳۰۶-۱۳۱۴) واگذار شد.^{۱۰۵} ناصرالدین‌شاه با این کار در فکر کوتاه کردن دست علما از قدرت، به‌خصوص پس از قدرت فراگیر ملا علی کنی بود.^{۱۰۶} شایستگی علمی و دینی امام‌جمعه متناسب با مقام او نبود و تولید مدرسه مروی هم به‌تناسب مقامش به او داده شد.^{۱۰۷} او از مجتهدان جامع‌الشرایط تهران نبود. پس از مرگ ناصرالدین‌شاه این موضوع بهانه‌ای برای شکایت طلاب و غاصب دانستن او شد. با کشمکش طولانی میان طلاب و علما و امام‌جمعه و با دخالت شاه جدید، تولید از امام‌جمعه سلب شد و به میرزا حسن آشتیانی رسید.^{۱۰۸} با ریاست میرزای آشتیانی مدرسه رسماً پایگاه مهم علما بر ضد حکومت شد. او از زمان ملا علی کنی از مجتهدین جامع‌الشرایط تهران بود و بعد از فوت او به‌نوعی رئیس‌العلمای تهران بود؛ به‌خصوص که در جریان مخالفت با قرارداد رژی و اعلام حکم میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو (۱۳۰۹)، تبدیل به رهبر سیاسی مردم برای شورش علیه حکومت شد.^{۱۰۹} در دوره مشروطه مدرسه، به‌واسطه مرکزیت مذهبی و اجتماعی‌اش، بهترین پایگاه مشروطه‌خواهی علما شد و نزاع بر سر تولید آن ادامه یافت. پس از چوب زدن تجار به بهانه گرانی قند و بلوای پس از آن با دخالت میرزاابوالقاسم امام‌جمعه^{۱۱۰}، علما در مدرسه مروی جمع شدند و تصمیم به تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم گرفتند.^{۱۱۱} رفتن شیخ مرتضی آشتیانی، متولی مدرسه بعد از میرزا حسن آشتیانی، و امام‌جماعت مروی

۶۷. مدرسه‌ای که در جانب شرقی مدرسه مروی ساخته شد با نام سپهسالار معروف بود؛ اما پس از ساخته شدن مدرسه ناصری و موسوم به سپهسالار در بهارستان مدرسه جنب مروی سپهسالار قدیم خوانده شد.

۶۸. کامبیز حاجی قاسمی، بناهای مذهبی تهران، ۱۱۰.

۶۹. قهوه‌خانه مروی از قهوه‌خانه‌های نامی تهران بوده است و این خود نشانه دیگری بود از مرکزیت یافتن اجتماعی مجموعه (جعفر شهری‌باف، طهران قدیم، ج ۲ (تهران: معین، ۱۳۸۳)، ۱۴۶.

۷۰. علی کنی، «وقف‌نامه مدرسه مروی»، محمد اندرمانی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۷۱. همان.

۷۲. همان.

۷۳. احتمالاً اطلاق اصطلاح خیابان به این معبر در این دوره به سبب راست و مستقیم بودن آن و نیز کارکردهای آن است (برای آشنایی با ویژگی‌هایی که خیابان‌ها در دوره صفویه بدان باز شناخته می‌شدند نک: زهرا اهری، «خیابان چهارباغ اصفهان، مفهومی نو از فضای شهری»، گلستان هنر، ش. ۵ (پاییز ۱۳۸۵): ۴۸-۵۹).

۷۴. نک: رضا شیرازیان، راهنمای نقشه‌های تاریخی شهر تهران (تهران: دستان، ۱۳۹۱).

۷۵. مجید آژده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۱۵۱ و ۱۷۱.

۷۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)،

۶۸۰

اضافه شد و نقش‌های قبلی را تحت‌الشعاع قرار داد. اخبار این دوره مدرسه همه مربوط به مشروطه است و فعالیت سیاسی تا آنجاست که طلاب حتی اقدامات سیاسی را دستاویزی برای تحریک مردم به اقدام مورد رضایت دسته و گروهی خاص قرار دادند.^{۱۱۴}

در این دوره تغییری در کالبد مدرسه رخ نداد، که علت آن می‌توانست عدم نیاز مدرسه پس از تعمیرات گسترده ملا علی کنی باشد. به نظر می‌رسد همه عظمت و رونقی که مدرسه از دوره ملا علی کنی و میرزای آشتیانی به آن رسید زمینه‌ای شد تا مدرسه نقش اجتماعی و سیاسی تأثیرگذاری در حوادث دوره مشروطه داشته باشد. موقعیت مدرسه در شهر در امکان حضور مردم و قرارگیری مدرسه سپهسالار قدیم با ریاست سیدعبدالله بهبهانی، که از مهم‌ترین رهبران جنبش مشروطه بود، در کنار مدرسه مروی موجب اتحاد مذهبی و اجتماعی طلاب این دو مدرسه شد و طلاب آنها را از مهم‌ترین مشروطه‌خواهان و البته با حمایت مردم کرد.

۲.۴. افول و کم‌رونقی مدرسه

در دوره پس از مشروطه و در سال‌های آخر سلطنت قاجاریه با تغییر در فضای اجتماعی و سیاسی و رواج اشکال جدید آموزش اقبال به آموزش مدرسی کم شد و با ضعیف شدن تولید مدرسه، نه فقط پهنه فضایی مدرسه تغییر یافت و از موقوفات آن کاسته شد، بلکه ترکیب کالبدی آن نیز دگرگون شد. در رمضان سال ۱۳۳۵ از نشانه‌های کساد مساجد تعطیلی مسجد مروی بود، انگار ماه رمضان نبود؛ درحالی‌که «سابقاً تا توی بازارچه و تمام پشت‌بام‌ها جمعیت برای نماز جمع می‌شد»^{۱۱۵} که گویای افول مدرسه و کم‌رونقی فعالیت‌های آن بود. در این دوره متولی، شیخ مرتضی آشتیانی، مجاور مشهد بود و نایبان او مدرسه را مدیریت می‌کردند.^{۱۱۶} علاوه بر نبود متولی و فردی مقتدر

به تحصن سبب شد که مردم در نماز جماعت امام‌جمعه حاضر نشوند؛ چراکه شیخ مرتضی آشتیانی و امام‌جماعت مروی به زهد و عدم دخالت در امور معروف و محل وثوق مردم بودند.^{۱۱۲} بعد از هجرت علما با حکمی از شاه تولید مدارس مروی و خازن‌الملک از میرزا مرتضی به امام‌جمعه و تولید مدارس سپهسالار قدیم و عبدالله‌خان از سیدعبدالله بهبهانی به افراد نزدیک به امام‌جمعه رسید.^{۱۱۳} این اتفاق با اتحاد امام‌جمعه، پشتیبانی حکومت، و شیخ فضل‌الله نوری انجام شد. تغییر دستوری تولید مدرسه مروی موجب شد که یکی از درخواست‌های متحصنین در حرم حضرت عبدالعظیم، در کنار تأسیس عدالت‌خانه و دیگر موارد، بازگشت مجدد تولید به اولاد میرزای آشتیانی باشد؛^{۱۱۴} درحالی‌که تغییر تولید سایر مدارس جزء خواسته‌ها نبود و خود نشان از اهمیت مدرسه مروی بود. گویی ریاست بر مدرسه مروی بود که بیش از هر چیز چیرگی بر دیگری را نشان می‌داد و از این رو ریاست مدرسه بین علمای نزدیک به حکومت یا با پشتیبانی مردم در حال جابه‌جایی بود. در نهایت پس از صدور فرمان مشروطه و بازگشت علما از تحصن در قم، مجدداً تولید به میرزا مرتضی آشتیانی بازگشت.^{۱۱۵} از این پس، مدرسه از پایگاه‌های مهم مشروطه‌خواهی و محل جشن‌های پیروزی^{۱۱۶}، نوشتن نظام‌نامه^{۱۱۷} و شب‌نامه در حمایت از مشروطه^{۱۱۸} شد. احتمالاً همین مشروطه‌خواهی طلاب مدرسه موجب شد شیخ فضل‌الله نوری در آشوب موافقان و مخالفان در سال ۱۳۲۵ مدرسه مروی را «مرکز ضد مشروطه» قرار دهد^{۱۱۹} و به «خیال خود حوزه‌ای در مقابل حوزه ملی مدرسه سپهسالار»^{۱۲۰} مهیا کند.^{۱۲۱} او به بهانه شریعت و محافظت از آن، بنای مخالفت با مشروطه گذاشت.^{۱۲۲} محوریت مدرسه در اتفاقات مشروطه تا فتح تهران ادامه یافت و باقرخان پس از فتح چندین بار در مسجد مروی نطق کرد.^{۱۲۳} در این دوره، پس از مرکزیت علمی و مذهبی، مرکزیت سیاسی به نقش‌های اجتماعی مدرسه

۷۷. از شواهد این موقعیت روایتی است که روزی ملا علی کنی در مسجد مروی شیخ جعفر مجتهد شوشتری را برای نماز مقدم شمرد و با طلاب و دیگران پشت او نماز خواند و همین موجب شد تا فردای آن روز تمام مردم شهر برای نماز خواندن پشت سر شیخ جعفر هجوم آوردند (عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۴۱)، ۳۳۲).

۷۸. محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲، ۶۹۰.

۷۹. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۶۸۱.

۸۰. ساموئل گرین ویلر بنجامین، ایران و ایرانیان (تهران: گلبانگ، ۱۳۶۳)، ۴۹۹-۵۰۰.

۸۱. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۵۴۳.

۸۲. همان، ۱۶۷ و ۶۹۳.

۸۳. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران (تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۳۲)، ۱۲۴.

۸۴. علی کنی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۸۵. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۳.

۸۶. همان، ۵۹۵.

۸۷. اعتمادالسلطنه، المأثر والآثار، ۱۹۳.

۸۸. همان، ۲۴۲.

۸۹. همان، ۲۴۶.

در ریاست مدرسه، دلایل دیگری هم موجب کسادی مدرسه مروی و کل مدارس علوم دینی بود: رواج مدارس جدید و گسترش موج انتقاد از مدارس قدیم و از طرف دیگر فساد در آنها و موقوفاتشان. در همین زمان در موقوفات مدرسه مروی تصرف بسیاری شد. در باغ مقابل آن دبیرستان دختران ساخته شد که طلاب مدرسه مخالف و دیدگاه روشنفکری با آن موافق بود.^{۱۲۷} هم‌زمان با این رکود به کالبد مدرسه هم بی‌توجهی شد که کمی بعد موجب تخریب برخی قسمت‌ها و تغییرات ناهنجار کالبدی، از جمله تغییر جلوخان و ورودی و ایجاد سقف شیروانی روی مدرس شمالی، آن شد.^{۱۲۸} (نک: ت ۶).

نتیجه

مدرسه مروی از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود که شیوه ساخت، اداره، جایگاه آموزشی، و نقش اجتماعی‌اش بیانگر روابط پیچیده علما و حکومت و تأثیر آن بر رابطه درهم‌تنیده فضاها و فعالیت‌ها و روابط انسانی در مدرسه در بستر شهر بود. از این‌رو مدرسه در طول حیاتش موجودیتی ثابت نداشت؛ به‌مرور دگرگون شد و در هر دوره نقش اجتماعی خاصی داشت. مدرسه مروی در ابتدا شامل فضاهایی با کارکردهای مختلف از جمله مسجد بود که با هدف آموزشی و تأمین امکانات زیست‌طلب ساختن شد. با تغییرات اطراف مدرسه و بستر مذهبی و اجتماعی جامعه، زمینه برای تغییر ترکیب فضایی مدرسه فراهم شد. با ساخت بازارچه کنار خندق و تبدیل شدن «شارع عام» به «خیابان» و ساخت بازارچه مروی، مرکزی محلی و شهری برای مدرسه و بستر مناسب گسترش مسجد فراهم شد. با گسترش مسجد بخشی از مدرسه تبدیل به گونه فضایی دیگری شد که، برخلاف مدرسه، اساساً برای خدمت به عموم مردم بود. در واقع از این دوره است که می‌توان «مسجد» و «مدرسه» را

به مجموعه مروی اطلاق کرد؛ درحالی‌که پیش از آن چنین نبود و مسجد صرفاً بخشی از فضای مدرسه بود و بیشتر مکان عبادت جمعی طلاب محسوب می‌شد. این تغییر عمده فضایی بر فعالیت‌های مدرسه هم اثرگذار بود. «امام‌جماعت» نقشی مهم در میان مناصب شد و اساساً نقش اجتماعی مدرسه اهمیت یافت و کارکردهای جدیدی به آن اضافه شد، که درعین حال طلاب مدرسه را هم به خود جذب کرد. در دوره مشروطه نقش اجتماعی و مذهبی مدرسه تقویت شد؛ با ساخت خیابان ناصریه که محل استقرار برخی روزنامه‌ها و مطبوعات بود، میدان شمس‌العماره که پس از ساخت از مهم‌ترین میدان‌های شهری و مرکز بسیاری از رویدادهای مشروطه بود، و وجود مدرسه سپهسالار قدیم در کنار مدرسه مروی که از پایگاه‌های علمای مردمی و مشروطه‌خواهی بود، همه این موارد، نقشی ویژه به مدرسه در حوادث مشروطه بخشید و آن را به مرکزی سیاسی تبدیل کردند. در واقع مجموعه تغییرات فضای شهری و ترکیب فضایی مدرسه ظرفیتی برای گسترش نقش اجتماعی مدرسه در طول دوره قاجاریه فراهم و آن را از مهم‌ترین مراکز آموزشی این دوره کرد، که گرچه در ابتدا هدف اصلی آن تحصیل بود، اما در انتهای دوره قاجاریه فعالیت آن منحصر به «آموزش» و رکن اصلی آن «مدرسه» نبود؛ بلکه به واسطه «مسجد» نقش اجتماعی مهمی یافت، که بر زندگی طلاب و عملکرد مدرسه بسیار اثرگذار بود. این دگرگونی‌ها در کالبد و فضاها رابطه‌ای متقابل با حضور متولیان قدرتمند و ثروت و نفوذ و جایگاه مدرسه داشت، ثروت و جایگاه بالاتر امکانی برای گسترش فضایی فراهم کرد و این گسترش خود موجب اهمیت بیشتر مدرسه شد. در همین وضعیت درهم‌پیچیده بود که مدرسه، در همه وجوه، در اواخر دوره قاجاریه رو به افول رفت و کسادی آن در «مسجد» و «مدرسه» بروز یافت.



۹۰. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».

۹۱. همان؛ نک: ت ۱ و ۵.

۹۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ۳۳۲؛ قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۱۱۲۹.

۹۳. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ۱۰۵۹.

۹۴. همان، ۱۳۳.

۹۵. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».

۹۶. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ۱۳۳.

۹۷. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».

۹۸. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ۳۰۱.

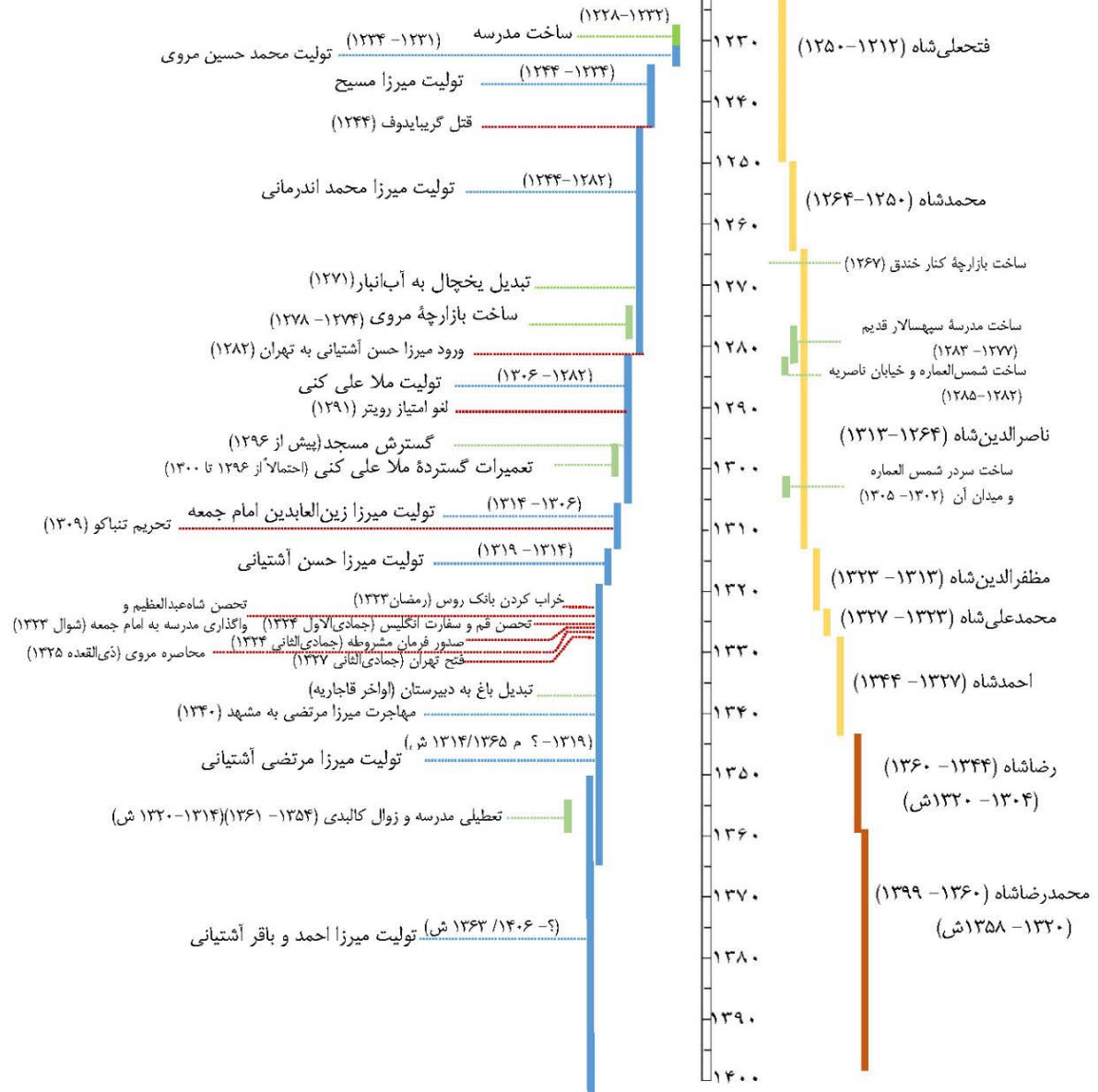
۹۹. منصوره اتحادیه (نظام مافی)، «جنايت و مكافات: مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس». در اینجا تهران است: مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ ق (تهران: نشر تاریخ ایران)، ۱۲۳.

۱۰۰. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ۱۰۵۹.

۱۰۱. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».

۱۰۲. همان.

ت ۷. مدرسه مروی و سرگذشت آن در دوره قاجاریه، ترسیم: نویسندگان.





References

- Abadiyan, Hosein. "The development of Shiehi conceptions in Ghājār era". *Shi'a Studies (Quarterly Theology, History and Sociology of the Shiite World; The institute for shia studies)*, vol. 8, Issue 1, no. 29 (Spring 2010): 143-192. (In Persian)
- Afshar, Iraj. *History office: collection of historical documents and sources*. Tehran: publication of Dr. Mahmud Afshar Endowments Foundation, 2001. (In Persian)
- Ahmad Mirza Qajar. *Tarikh-e Azodi (History of the Azdi family)*. With explanations and additions by Abdolhossein Navaei. Tehran: Elmi Publication, 1997. (In Persian)
- Ahari, Zahra "Chaharbagh Street of Isfahan, a new concept of urban space". *Golestan Honar (The Quarterly Periodical of the Iranian Academy of the Art (ARIA))*, vol. 2, Issue 3, no.5 (Autumn 2006): 48-59. (In Persian)
- Akbari, Zaynab and Javad Neystani. *Architecture of Religious Science Schools of Qajar Period in Tehran*. Tehran: Armanshahr publication, 2011. (In Persian)
- Azhdeh, Majid. *Marvi seminary and its role in contemporary history*. Tehran: Imam Sadiq University (AS), 2010. (In Persian)
- Bakhshi, Moosarreza. *The school and its scientific and social effects in the Safavid era*. Tehran: Yasin Noor publication, 2013. (In Persian)
- Balaghi, Abd-ol-hojjah. *Selection of Tehran history*. Tehran: Maziar publication, 2007. (In Persian)
- Benjamin, Samuel Greenwheeler. *Iran and Iranians: memoirs and travelogue of Samuel Greenwheeler Benjamin, the first American ambassador to Iran in 1883-1885 AD*. By the efforts of Rahim Rezazadeh Malek. Tehran: Golbang publication, 1984. (In Persian)
- Dolatabadi, Yahya. *Hayat-e Yahya*. Tehran: Attar publication, 1992. (In Persian)
- Elahi, Amirsaeed. "School of Tehran". *Ettela'at-e Hekmat va Ma'refat (The scientific-specialized Journal information of wisdom and knowledge)*, vol. 5, Issue 11, no.59 (February 2011): 20-25. (In Persian)
- Etamadossaltaneh (Etamad al-Saltaneh), Mohammad Hasan Khan. *Diaries of Etamadossaltaneh newspaper. Related to the years 1292 to 1313 AH from the only copy available in the Astan Quds library*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir publication, 1966. (In Persian)
- _____. *Forty years of Iran's history during the reign of Naseraddinshah (Naser al-Din Shah): Volume 1: Al-Ma'ather val-Asar*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asatir publication, 1995. (In Persian)
- Ettehadie, Mansoore (Nezam Mafi). "Crime and Punishment: The issue of security in Tehran during the Nasrid era and the duties of the police". In *Here is Tehran: a collection of articles about Tehran 1269-1344 AH*, Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 2016. (In Persian)
- Habibollah Al-Sharif Al-Kashani. *Labab al-alqab fi al-qab al-atiyab*. Research by Nezar Al-Hassan, Javad Barakchian and reference by Sheikh Hossein Al-Sharif. Qom: publication of Shia Bibliography Institute, 2015. (In Persian)
- Haji Qasemi, Cambiz, editor. *Ganj-Nameh: Encyclopaedia of Islamic Architectural Works of Iran, third book: religious buildings of Tehran*. Tehran: Scientific Publication Center of Shahid Beheshti University, 1998. (In Persian)
- Kasravi, Seyed Ahmad. *Constitutional history of Iran*. Tehran: Amir Kabir Publication, 1945. (In Persian)
- Khoshnoodi, Effat (correcter). "Endowment's letter of Maryam Begum School". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, vol. 19, Issue 2, no.74 (Summer 2011): 111-132. (In Persian)
- Library of Congress website. <https://www.loc.gov/item/2009582796/>
- Majd-ol-Eslam Kermani, Ahmad. *The history of the decline of the parliament: a chapter in the history of Iran's constitutional revolution*. Introduction and Annotation by Mahmood Khalilpoor. Isfahan: Isfahan University press, 1972. (In Persian)
- _____. *Kalat's travelogue: a corner of Iran's constitutional history*. Introduction and Annotation by Mahmood Khalilpoor. Isfahan: University of Isfahan press, no date. (In Persian)
- Maleki, Ahmad and Ahmad Khorsandi Aghaei. *Qanat in Iran; Case study: Aqueducts of Tehran city*. Tehran: Urban Planning and Processing Company, 2005. (In Persian)
- Mehboobi Ardakani, Hossein. *Forty years of Iran's history during the reign of Naseraddin (Naser al-Din) Shah. C2: Hossein Mehboobi Ardakani's commentaries on Al-Ma'aser va Al-Asar*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asatir Publication, 1995. (In Persian)
- Mir Mohammad Sadegh, Seyyed Sa'eed "Marvi Mosque and School". *Mosque*, vol. 5, no. 29 (1996): 70-83. (In Persian)
- Mohammad Andramani "Endowment's letter of Marvi School". In *The letters of Marvi School's endowments*, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)
- Mohammad Hossein Marvi. "Endowment's letter of Marvi School". In *The letters of Marvi School's endowments*, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)
- Mokhtari, Eskandar. "The evolution of the urban landscape in Jalokhan Square of Shams-ol-Emareh". *Athar (The Journal of Iranian Cultural Heritage Irization)*, vol. 16, No. 25 (April 1996), 99-151. (In Persian)
- Molla Ali Kani. "Endowment's letter of Marvi School". In *The*
۱۰۳. اسکندر مختاری، «سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان شمس العماره»، ۱۱۹.
۱۰۴. مجید رهنما، (و.)، شرف شماره‌های ۱ تا ۸۷، ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ هجری قمری و شرافت شماره‌های ۱ تا ۱۳۱۴۶۶ تا ۱۳۱۴ هجری قمری (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۰۰).
۱۰۵. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ۱۹۱.
۱۰۶. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۸۹۳.
۱۰۷. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۹۳۶.
۱۰۸. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۱۰۹۴ و ۱۳۷۳.
۱۰۹. همان، ج ۱، ۴۳۵ و ج ۲، ۱۱۷؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ۲۰۴.
۱۱۰. پسر امام‌جمعه سابق که تولیت مدرسه مروی را پیش از میرزا حسن آشتیانی داشت.
۱۱۱. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ۲۹.
۱۱۲. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۳، ۲۳۶۰.
۱۱۳. شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱، ۳۷-۳۸.
۱۱۴. احمد مجدالاسلام کرمانی، سفرنامه کلات (اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا)، ۳۶۱.
۱۱۵. عبدالحسین سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۲ (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ۱۰۱۴.
۱۱۶. همان، ۱۰۸۸؛ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر،





۱۱۷. محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ۴۷۸.
۱۱۸. عبدالحسین سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۲، ۸۲-۱۰.
۱۱۹. همان، ج ۱، ۳۳۲.
۱۲۰. منظور مدرسه سپهسالار جدید یا نصری است. این مدرسه گرچه در ابتدا تحت حمایت شاه بود اما در جریان مشروطه از مهم‌ترین پایگاه‌های مشروطه خواهان شد.
۱۲۱. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲ (تهران: عطار، ۱۳۷۱)، ۱۸۳.
۱۲۲. ایرج افشار، دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ج ۱ (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۰)، ۳۳۹.
۱۲۳. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۴، ۳۱۳۰ و ۳۱۴۹.
۱۲۴. شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۲، ۴۳۵.
۱۲۵. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۶، ۴۸۴۳.
۱۲۶. مجید آزده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۳۰۸: مرتضی رسولی و حسین خطیبی، «گفت‌وگو و خاطرات»، تاریخ معاصر ایران، ش. ۶ (تابستان ۱۳۷۷): ۲۵۴.
۱۲۷. مستوفی، شرح زندگانی من، ۲۴۹. مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط مجلس (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱)، ۱۷۰-۱۶۹.
۱۲۸. آزده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۴۴۷.

letters of Marvi School's endowments, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)

Mostofi, Abdollah. *Narration of my life or the social and administrative history of the Qajar period*. Tehran: Zavvar Publication, 1962. (In Persian)

Mo'tamedi, Mohsen. *Historical geography of Tehran*. Tehran: Markaze Nashre Daneshgahi (University Publishing Center) 2006. (In Persian)

Movahhedi, Abdollah. *Molla Habibollah-e Sharif Kashani "Faqih-e Farzan"*. Qom: Islamic Propaganda Office, 1997. (In Persian)

Nasiri Moghaddam, Mohammadnader (editor). "Endowment's letter of Chaharbagh School of Isfahan". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, no. 8 (Winter 1994): 112-118. (In Persian)

Nasr, Seyyed Hossein. "Wisdom in Tehran: A review of the philosophical views of the Tehran School". *Khrodname Hamshahri*, no. 3 (June 2006): 30-32. (In Persian)

_____. "The Philosophical and Mystical Area of Tehran". In *Tehran: Geography, History, Culture*, 99-108. Tehran: Nashr-e Kitab-e Marja publication (Reference book publication), 2009. (In Persian)

Nazem-ol-Eslam-e Kermani, Mohammad Ebn-e Ali. *The history of the awakening of Iranians*. Tehran: AmirKabir Publication, 2005. (In Persian)

Ostadi, Reza. *List of manuscripts of Marvi School library in Tehran (one thousand and fifty copies)*. Tehran: Marvi School Library, 1992. (In Persian)

_____. (Correcter). "Endowment's letter of Marvi School in Tehran". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, no. 13 (Spring 1996): 56-71. (In Persian)

Pirniya, Mohammad Karim and Gholamhossein Memarian. *Getting to know the Islamic architecture of Iran: inner-city and outer-city buildings*. Tehran: Iran University of Science and Technology press, 1999. (In Persian)

Qara'ati, Hamed. "The Role of Religious Places in the Social and Political Discourses of Qajar Era, Case Study of Tehran". *History of Islam (Quarterly scholarly of Baqir al-Olum University)*, vol. 15, Issue 4, no. 60 (Winter 2014): 171-198. (In Persian)

Rahnama, Majid (Ed.). *Sharaf numbers 1 to 87; 1300 to 1309 AH and Sherafat numbers 1 to 66; 1314 to 1321 AH*. Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization, no date. (In Persian)

Rasooli, Morteza and Hossein Khatibi. "Dialogue and memories: scientific, literary and academic institutions of Tehran and cultural celebrities of Iran before Shahrivar 1320 and after". *Quarterly Contemporary History of Iran*, vol. 2, Issue 3, no 6 (Summer 1998): 92-251. (In Persian)

Ritter, Markus. "Moscheen und Madrasabauten" in Iran, 1785-1848, *Architektur zwischen Rückgriff und Neuerung*. Leiden: Brill, 2005.

Roshdieh, Shamsoddin. *Savaneh-e Omr*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 1362. (In Persian)

Saloor, Ghahreman Mirza. *Einossaltaneh (Ein-al-Sultaneh) diary*. by Masood Salur and Iraj Afshar. Tehran: Asatir Publication, 1995. (In Persian)

Sepehr, Abdolhossein. *Mer'at-ol-Vaghayeh Mozafari*. Edited by Abdolhossein Navaei. Tehran: The Research Institute of Written Heritag, 2007. (In Persian)

Shahribaf, Jafar. *old Tehran*. Tehran: Mo'en Publication, 2004. (In Persian)

Sharif Kashani, Mohammad Mehdi. *Accidental events in the days*. by the efforts of Mansooreh (Nezam Mafi) Ettehadie and Cyros Sa'advandian. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 1983. (In Persian)

Shirazian, Reza. *Guide to historical maps of Tehran*. Tehran: Dastan Publication, 2012. (In Persian)

Teymoori, Ebrahim. *The age of ignorance or the history of privileges in Iran*. Tehran: publication of Eqbal and Partners Company, 1953. (In Persian)

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.

- The naming of the corresponding author where there is more than one author
- Addresses, emails addresses and phone numbers of authors
- Academic ranks and affiliations of authors
- Any possible connections with theses or research projects

Please also note:

All author names are necessary, and the use of academic emails is preferred.

Please avoid the general title ‘faculty member’, and mention your exact academic position (e.g. Lecturer, Assistant Professor, Associate Professor, Full Professor, Visiting Lecturer etc.). For example: Ali Alipour, Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

It is fine to integrate all text material into one file. The authors’ details should come first and on a separate page in these cases.

Please use *Soffeh* Manual for preparing the article. This is available online, and occasionally printed in the publication as well.

Please also use *Soffeh* Manual for referencing.

Unless absolutely necessary, please avoid using non-Persian letters in the Persian text. Non-Persian equivalents of words and names can be mentioned in footnotes, accompanied by explanations if necessary.

Key information about people (e.g. birth and death dates and other milestones) should be compiled using credible sources, together with people’s names in original language and short biographies, all in footnotes.

Authors’ own insertions should be put into square brackets ‘[]’. Earlier insertions by others should be put into accolades ‘{}’. Square brackets are always reserved for the latest insertions.

What *Soffeh* would not publish:

- Translations
- Articles by the same individual in one issue
- Articles by the same individual in two consecutive issues
- All articles express their respective authors’ views

Subject to correctly citing the source, any quotations from *Soffeh* articles are allowed.

Soffeh uses the 17th edition of Chicago Manual of Styles for referencing.

Table and chart files (usually in Excel or Visio formats) shall be submitted separately together with PDF or JPG versions.

Image files need to be named as follows:
XXX_020109_P09.tif

The first two components are named and numbered like the main file. The third component shall indicate the illustration number as mentioned in the text (figure 9 in this example).

Figure captions and sources shall also be added in the end of the text.

Please be careful about caption wording, so that the author and the source of the image are not confused.

The referencing for images shall be in accordance with *Soffeh* Manual. Please make sure they are all listed, along other sources, in the references list. If an image is produced specially for your article, please cite its creator. In articles with more than one author, it would be inaccurate to mention 'authors' as creators of images. Unless they are indeed created by more than one of the authors, these images should be attributed to one specific author.

If the images are elaborated versions of some other original image, the original should also be cited, for example when markings are made on an aerial photo.

If you are specific about the location of certain images, this needs to be clarified.

The list of contents should accurately reflect the structure and hierarchies of the text. This list is necessary both for refereeing and laying out pages, but is not published per se.

A copy of the Persian abstract should be submitted separately. This shall be a 300-word (max.) text with no references, and with a similar format to the main text.

A Persian and Extended English abstract (1000 words max.) shall also be submitted. An English version of the summary will be published.

Please also submit up to five keywords both in Persian and English.

Each article can have up to five research questions in full sentences and in a similar format to the main text. These will be published along the main text.

The authors' details page is the only page in which the identities of authors are disclosed. Please arrange the article in a way that authors' identities are not disclosed elsewhere. The information required for this page is as follows:

- Full names in Persian and English

The following material needs to be included in submission packages:

1. The main text
2. Illustrations (if any)
3. The contents list
4. A Persian abstract (max. 300 words)
5. An English Extended Abstract (max. 1000 words)
6. Keywords
7. Research questions
8. A page containing the title and authors' details and addresses. In case there are more than one author, an author shall be designated as 'corresponding author', with whom *Soffeh* keeps in touch during refereeing and preparation procedures. The first author is assumed to be the corresponding author in case no author is named as corresponding.

Unless exempted by the editorial board, no article should exceed 6,000 words (ca. 20 pages, including footnotes)

Only text files (.docx or doc) are acceptable for submissions. Most desktop applications such as *MS Word*, *Open Office*, and *In Design* can work with these formats.

Please use the following format to name the article file:
XXX_020109

The first three characters shall be the first three letters of the corresponding author's surname, and the following six digits shall indicate submission date in Iranian solar calendar.

All illustrations (photos, maps, charts and designs) are numbered in a single sequence.

Please submit all print-quality illustrations on a separate file, and only include those illustrations that are crucial for the understanding of the text.

The suitable format for print-quality illustrations is 300 dpi tif or tiff. Most freely available online images, and images taken by non-professional cameras lack this level of quality. Nor can this quality be achieved through upscaling poor-quality images. It is recommended to consult an IT expert in this regard if required.

The inclusion of a small-size version of images would suffice for the initial submission, to be followed with high-quality images once the article is accepted.

Drawings should preferably be submitted as image files. Vectorial files like DWGs need to be accompanied by pen setting files such as CTBs.

Instructions for Authors

Soffeh Journal is a scientific-research publication concerning architecture and urban planning, accepting articles in accordance with the journal aims & scope. Admissions are in line with *Soffeh's* specialty, namely, architecture and urban planning. These include land use and regional planning, urban planning and design, landscape architecture and land use, architecture, interior design, conservation of historically and culturally significant buildings, and post-disaster reconstruction.

Accepted articles are expected to have one of the following types and/or approaches: theoretical principles, theories, histories, case studies, criticisms of theories, methods and works, pedagogies, researches about applications of theories, researches about methods and techniques, and researches about construction implementation and management. It is recommended that the above is clarified in articles.

All articles prepared by faculty members, students and experts are accepted for review, provided they comply with the above criteria.

The journal considered the double-blind peer review process for submitted manuscripts. At least 3 referees' response will be considered by the journal editor-in-chief to get the final decision for the manuscript. *Soffeh* reserves the right to accept or reject articles.

All submissions should be made through journal online submission system available at: <https://soffeh.sbu.ac.ir>. An acknowledgement letter will be emailed to the corresponding author once a submission is successfully made. Please contact *Soffeh* office in case there was any problems. The article review results will be announced through email, typically within two months, though it might occasionally take longer.

This page is intentionally rendered without text.

■ Mohammad Reza Jodat (1939–2023)

So fate had it that Mohammad Reza Jodat was the next to join those who have left us the Faculty of Architecture and Urban Planning. The late Jodat was among the country's distinguished, reputable, well-known teachers of art and architecture. A painting artist and authentic architect himself, he also marvelled as a university lecturer and played an influential role in training students, architects and other experts in the profession.

Generally speaking, the late Jodat was an independent academic and professional with a passion about contemporary art and architecture worldwide, and about his country's progress and prosperity. He was very humble and informal in the ways he talked and acted, whilst maintaining his authority in teaching and research. His was a life spent observing ongoing experiments the way most socio-culturally sensible artists and architects do, craving for growth, and searching for creative solutions in order to play his constructive part in the development and evolution of contemporary art and architecture.

May his soul rest in peace and happiness and his memories celebrated



This page is intentionally rendered without text.

SOFFEH

A Journal of Architecture and Urbanism

Shahid Beheshti University,
School of Architecture and Urban Planning,
Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024
ISSN: 1683-870X



◆ **Mohammad Reza Jodat (1939–2023)**

◆ **Instructions for Authors**

◆ **The Relationship between Architecture and Rhetoric;
A Rethinking of Common Roots**

◆ **An Analysis of Christopher Alexander's interpreting of Religious
Architecture through the Study of 'Face of God' from the Fourth
Volume of His Nature of Order**

◆ **The Evaluation and Improvement of Fire Safety for Existing
Buildings: A Development of Codes System**

◆ **An Evaluation of Holy Shrines Pilgrims' perceptual indicators;
the Case of the Surroundings of Her Holiness Masoumeh's Shrine**

◆ **Developing a new Framework for Providing Permanent Housing
after Earthquakes in Vulnerable Urban areas Using Build-Back-
Better Approach (The Case of District 3, Sari City)**

◆ **The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar
Period**

Editor-in-Chief | 5 (In English part)

7-10 (In English part)

Zoha Nadimi, Kazem Mandegari, Zohreh
Tafazzoli | 7-26

Seyedeh Mahsa Bagheri, Mahmoud Arzhmand,
Seyed Behshid Hosseini | 27-47

Saeed Bakhtiary, Ramtin Khalili, Mohammad Amin
Hosseinpour | 49-63

Shirin Eslami, Bahador Zamani, Homayoon
Nooraie | 65-84

Abd-ol-Majid Khorshidian | 85-104

Maryam Heydarkhani, Zahra Ahari | 105-123



SOFFEH

A Journal of Architecture and Urbanism

Shahid Beheshti University,
School of Architecture and Urban Planning
ISSN: 1683-870X

Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024
Director: MohammadReza Hafezi
Editor-in-Chief: Hamid Nadimi, PhD.
Deputy Editor-in-Chief & Executive Director:
Marjan A. Nematimehr, PhD.
Persian Editors: Shahab Qayyoomi Bidhendi
English Editor: Seyed Hossein Iradj Moeini, PhD.

P.O. Box 19835-346, Tehran, Iran
Tel: (+98) 21 29902843
Fax: (+98) 21 22431642
<https://soffeh.sbu.ac.ir>
j-soffeh@sbu.ac.ir
j.soffeh@gmail.com

"**SOFFEH**" in Persian architecture refers to a type of raised platform or terrace typically built against a hillside or elevated area. These structures were common in traditional Persian gardens, providing a vantage point for relaxation, contemplation, and enjoying scenic views. Soffehs were often adorned with decorative elements such as intricate tile work, carved stonework, and lush vegetation, creating serene and aesthetically pleasing environments. They were also used for social gatherings, poetry readings, and other leisure activities.

License Holder:
Shahid Beheshti University

Editorial Board:

Ali Asgary, PhD., Professor, Disaster & Emergency Management, York University, Toronto, Canada.

Simin Davoudi, PhD., Professor of Environmental Policy & Planning. Newcastle University, Newcastle upon Tyne, England

Mohsen Feizi, PhD., Professor of Landscape Design. Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Ali Ghaffari, PhD., Professor of Urban Design. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Kourosh Golkar, PhD., Professor of Urban Design. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Akbar Haji Ebrahim Zargar, PhD., Professor of Architecture. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Eisa Hodjat, PhD., Professor of Architecture. University of Tehran, Tehran, Iran.

Ali Kaveh, PhD., Professor of Structural Engineering. Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Shahin Heydari, PhD., Professor of Architecture. University of Tehran, Tehran, Iran.

Ali Madanipour, PhD., Professor of Urban Design. Newcastle University, Newcastle upon Tyne, England

Asghar Mohammad Moradi, PhD., Professor of Architecture. Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Hadi Nadimi, PhD., Professor of Architecture. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Hamid Nadimi, PhD., Professor of Architecture. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Shahram Pourdeihimi, PhD., Professor of Architecture. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mahmoud Razjouyan, PhD., Professor of Architecture. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Ayyoob Sharifi, PhD., Professor, The IDEC Institute Graduate School of Innovation and Practice for Smart Society, Hiroshima University, Hiroshima, Japan

Cover image: The Marvi Madrasa in Abd-ol-Ghaffar's map, from 'The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar Period'; by Maryam Heydarkhani and Zahra Ahari; Source: The Congress Website (with additions by the authors).

In the Name of God

SOFFEH | 103

A Journal of Architecture and Urbanism

Shahid Beheshti University,
School of Architecture and Urban Planning
Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024
ISSN: 1683-870X